

تصویر ابو عبد الرحمن الکوردی

آموزش مناسک

حج

به زبان ساده

مؤلف:

عبدالرشید توبیز

از دیدگاه اهل سنت

بۆدابه زاندىنى جۆره ها كتيب: سهردانى: (مُنْتَدَى إِقْرَأَ الثَّقَافِي)

لتحميل انواع الكتب راجع: (مُنْتَدَى إِقْرَأَ الثَّقَافِي)

پدراي دانلود كتايهاى مختلف مراجعه: (منتدى اقرا الثقافى)

www.iqra.ahlamontada.com



www.iqra.ahlamontada.com

للكتب (كوردى ، عربى ، فارسى)



حج به زبان ساده

تریز، عبدالرشید، ۱۳۴۷
آموزش مناسک حج به زبان ساده / مولف عبدالرشید تریز.

تهران: احسان، ۱۳۹۲

ISBN: ۹۷۸-۹۶۴-۳۵۶-۷۷۲-۹ ص ۳۰۴

وضعیت فهرست: فیا

یادداشت: کتابنامه: همچنین به صورت زیر نویس.

موضوع: حج - راهنمای آموزشی

۱۳۸۹ آ ۴۴/۸/۱۸۸ BP ۳۵۷/۲۹۷

کتابخانه ملی ایران: ۲۱۴۹۵۵۲

آموزش مناسک حج به زبان ساده

مؤلف: عبدالرشید تریز

ناشر: نشر احسان

تیراژ: ۲۰۰۰ جلد

نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۲

چاپ: چاپخانه مهارت

قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۵۶-۷۷۲-۹



تهران: خیابان انقلاب - روبروی درب اصلی دانشگاه تهران

مجتمع فروزنده - واحد ۶۰۴

۶۶۹۵۲۴-۴

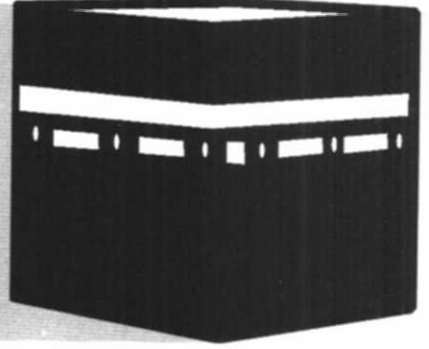
آموزش مناسک

حج به زبان ساده

از دیدگاه اهل سنت

مؤلف:

عبدالرشید تریز



بخش اول

- ۳۷ خودسازی قبل از سفر حج
۳۹ نگاهی به کشور عربستان سعودی

بخش دوم

- ۴۵ میقت
۴۶ حِلّ
۴۷ حکم حَرَم
۴۸ مسجدالحرام
۵۱ مطاف
۵۱ طواف
۵۲ فضایل طواف
۵۴ آداب طواف
۵۴ رَمَل
۵۴ اضطباع
۵۷ حطیم (= حِجْر)
۶۰ میزاب رحمت
۶۲ مقام ابراهیم علیه السلام
۶۳ شاذروان
۶۴ پرده‌ی خانه‌ی کعبه در گذر زمان
۶۸ مشخصات خانه‌ی کعبه
۷۱ ارکان بیت‌الله
۷۱ رکن حجرالاسود
۷۵ رکن یمانی
۷۸ دروازه‌ی بیت‌الله
۷۹ باب التوبه
۷۹ المَسْتَجَلر
۸۰ ملتزم



فهرست

- ۱۷ پیشگفتار
۲۳ مقدمه
۲۹ صحبتی با زائر (=حاجی؟)

باب اول

- ۳۳ دانستنیهای مکّه مکرمه و حج

۱۲۳	جبل الرحمة = کوه رحمت	بخش سوم
۱۲۵	مزدلفه	۸۵ چاه زمزم
		۸۶ آب زمزم
	بخش پنجم	۸۷ ناپدید شدن چاه زمزم
۱۳۱	فضایل مکه مکرمه...	۸۹ فضایل آب زمزم
۱۳۴	فضیلت روزه در مکه مکرمه	۹۰ نوشیدن زمزم حد فاصل ایمان و...
۱۳۷	فضایل خانه‌ی کعبه	۹۱ آداب نوشیدن آب زمزم
۱۳۸	تخریب خانه‌ی کعبه در آخر الزمان	۹۵ آب زمزم و میکروب
		۹۵ نتایج تحقیقات یک دانشمند...
	بخش ششم	۹۶ سرگذشت لیلی مغربی
۱۴۳	حج	۹۷ گفتگوی نویسنده با یک...
۱۴۴	تاریخ فرضیت حج	
۱۴۴	فضیلت عمره	بخش چهارم
۱۴۶	فضیلت عمره در ماه مبارک...	۱۰۳ کوه صفا
۱۴۶	فضیلت حج	۱۰۴ کوه صفا و حوادث
۱۴۷	تعجیل در بجا آوردن حج	۱۰۶ دعای کوه صفا
۱۵۱	اقسام سه گانه‌ی حج	۱۰۶ کوه مروه
۱۵۲	آیا بجا آوردن حج بلافاصله...	۱۰۷ دعای کوه مروه
۱۵۵	وعید بر توانگران تارک حج	۱۰۷ تاریخچه‌ی صفا و مروه
۱۵۷	آداب سفر حج	۱۰۸ سعی و مسعی
۱۵۹	فرائض حج	۱۰۹ دعای میان صفا و مروه هنگام...
۱۶۰	مدینه قبل، یا مدینه بعد	۱۱۱ منی
		۱۱۲ ویژگی‌ها و فضایل منی
	بخش هفتم	۱۱۳ مسجد حیف
۱۶۵	حج تمتع	۱۱۴ جمرات
۱۶۶	عمره	۱۱۵ تاریخچه جمرات
۱۶۸	احرام بانوان	۱۱۹ عرفات
۱۶۸	زائر عزیز! انجام کارهای زیر...	۱۲۱ فضایل عرفات
۱۷۱	ورود به مکه مکرمه	۱۲۲ فضیلت روز عرفه
۱۷۲	اولین نگاه به بیت الله	۱۲۳ کاهن روز مدینه و اذان عرفات

طواف	۱۷۳	آیا بعد از بجا آوردن عمره مفرده... ۲۱۸
دعا در طواف	۱۷۴	در مکه‌ی مکرمه تکرار عمره... ۲۲۱
نماز طواف	۱۷۵	آیا تکرار حج و عمره افضل است... ۲۲۵
آب زمزم	۱۷۷	حج مبرور چیست؟ ۲۲۷
سعی بین صفا و مروه	۱۷۷	حج اکبر چیست؟ ۲۳۱
دعای سعی	۱۷۸	ثواب نماز حرم با نماز مسجدالحرام... ۲۳۲
حلق (= تراشیدن) سر و یا...	۱۷۹	حج از طرف میت ۲۳۳
		فضیلت و ثواب حج از طرف... ۲۳۴

باب دوم

نگاهی اجمالی به اعمال حج

۱۸۳	کدامیک از فرزندان به نیابت... ۲۳۶
	آیا می‌توان در ادای یک حج یا... ۲۳۷

بخش اول

نگاهی اجمالی به اعمال حج	۱۸۷	بخش سوم
هفتم ذیحجه	۱۸۷	آسیب‌شناسی سفر مبارک حج... ۲۴۱
هشتم ذیحجه (یوم الترویة)	۱۸۹	ریا ۲۴۲
محرمات احرام	۱۹۰	دروغ ۲۴۳
روز نهم (یوم عرفه)	۱۹۳	تکبر ۲۴۳
روز دهم (یوم النحر)	۱۹۶	دعوا و درگیری ۲۴۳
یازدهم ذیحجه	۱۹۸	غیبت و عیبجویی ۲۴۴
دوازدهم ذیحجه	۲۰۰	بازار ۲۴۵
طواف وداع (= خداحافظی)	۲۰۵	SMS بازی ۲۴۵
دعای بازگشت از حج	۲۰۶	فیلمبرداری ۲۴۵
دعا برای زائر بیت‌الله الحرام...	۲۰۶	استقبال از زائران ۲۴۷
درخواست دعا از زائر بیت‌الله الحرام... ۲۰۷		ذبح گوسفند یا گاو پیش پای زائر ۲۴۸
		پارچه نوشته‌ها ۲۴۸

بخش دوم

حج اطفال و احرام آنان	۲۱۱	هدیه مشکل ساز شده است ۲۴۹
سفر زن برای حج بدون محرم	۲۱۵	تا مدت‌ها نشستن در خانه ۲۵۰
استفاده‌ی داروی ضدقاعدگی...	۲۱۷	اصطلاح «حاجی» ۲۵۰

باب سوم

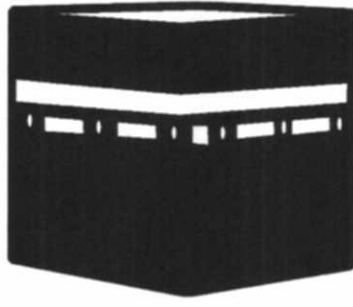
دانشتنیهای مدینه‌ی منوره ۲۵۳

بخش اول

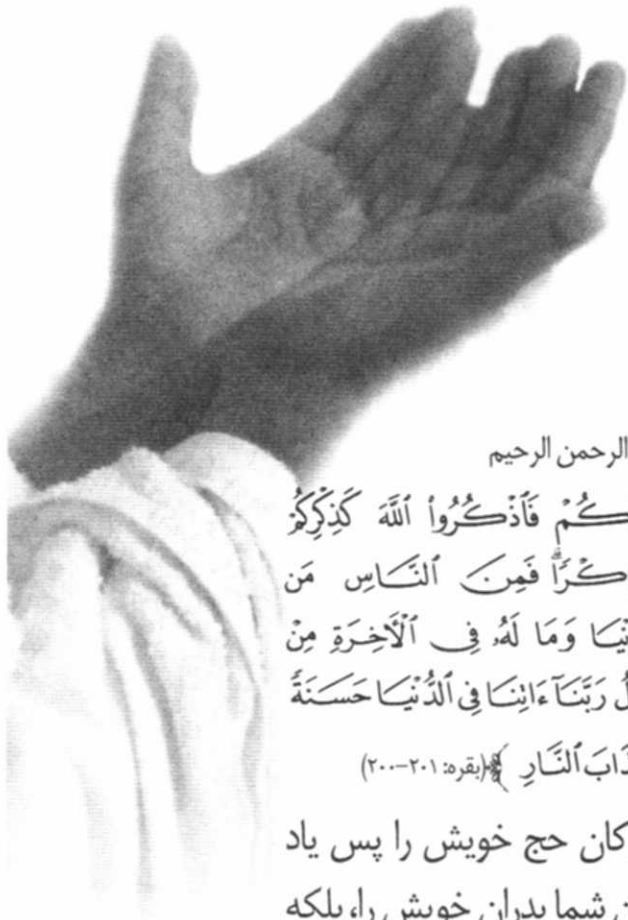
- ۲۵۷ فضایل مدینه‌ی منوره
 ۲۵۸ فضیلت روزه در مدینه‌ی منوره
 ۲۵۹ فضیلت نماز جمعه در مسجد...
 ۲۵۹ فضیلت نماز در مسجد نبوی
 ۲۶۱ فضیلت چهل نماز در مسجد...
 ۲۶۳ ریاض الجنة
 ۲۶۳ منبر رسول الله ﷺ
 ۲۶۵ ستونهای مشهور مسجد نبوی...
 ۲۶۹ فضایل بقیع الغرقد
 ۲۷۲ اولین مهاجری که در بقیع...
 ۲۷۳ اولین انصاری که در بقیع...
 ۲۷۳ چرا اهل بقیع این همه عزیزند؟!
 ۲۷۳ بر قبرها ننشینید و به سوی آنها...
 ۲۷۹ مسجد قبا
 ۲۷۹ فضایل مسجد قبا

بخش دوم

- ۲۸۵ ورود به مدینه‌ی منوره
 ۲۸۶ روضة النبی ﷺ...
 ۲۸۸ آداب زیارت مسجد نبوی شریف
 ۲۸۹ آداب و کیفیت عرض سلام...
 ۲۹۲ ابلاغ سلام دیگران
 ۲۹۲ سلام بر سیدنا ابوبکر صدیق رضی الله عنه
 ۲۹۳ سلام بر سیدنا عمر فاروق رضی الله عنه
 ۲۹۵ از انجام کارهای زیر اجتناب کن
 ۲۹۶ اعمال زیر را زیاد انجام بده
 ۲۹۹ فهرست منابع



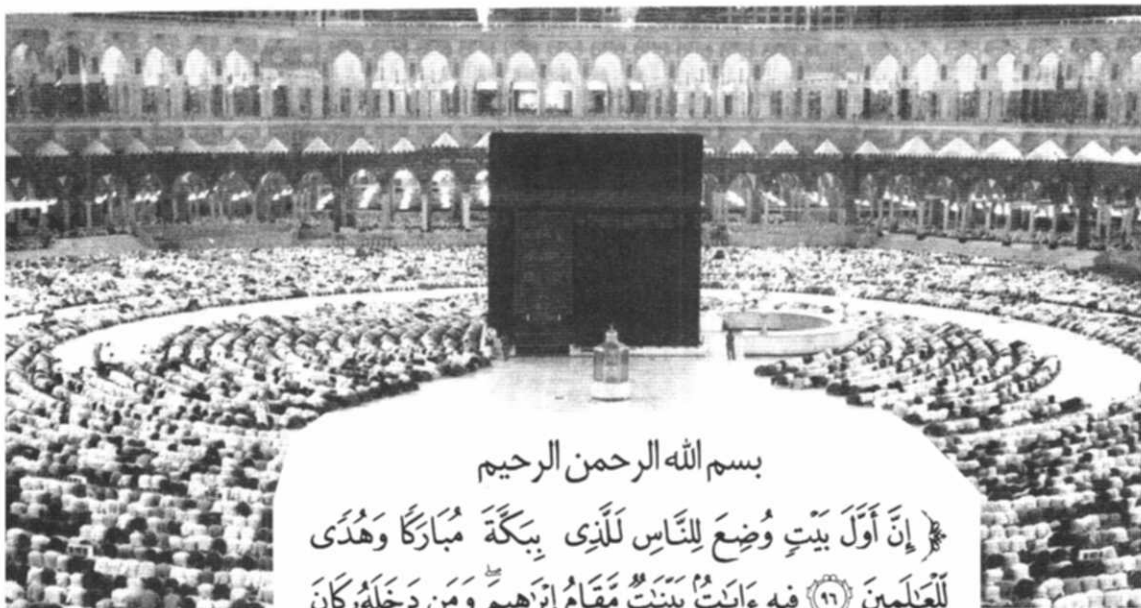
لبيك اللهم لبيك، لبيك لا شريك لك لبيك
إنَّ الحمد والنعمة لك والملك، لا شريك لك



بسم الله الرحمن الرحيم

﴿فَإِذَا قُضِيَتْهُ مَنَسِكَكُمْ فَأَذْكُرُوا اللَّهَ كَذِكْرِكُمْ
ءَابَاءَكُمْ أَوْ أَشَدَّ ذِكْرًا فَمِنَ النَّاسِ مَن
يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ
خَلْقٍ ۚ﴾ وَمِنْهُمْ مَن يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً
وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ ﴿٢٠١-٢٠٠﴾

«پس چون ادا کردید ارکان حج خویش را پس یاد کنید خدا را مانند یاد کردن شما پدران خویش را، بلکه بیشتر (خدا را یاد کنید). پس از مردمان کسی هست که می گوید: ای پروردگار ما! بده ما را در دنیا و نیست آنان را در آخرت هیچ نصیب. و گروهی هستند که می گویند: پروردگار! در دنیا به ما نیکی عطا کن و در آخرت نیز به ما نیکی بده و از عذاب آتش ما را دور نگه دار (یعنی از خیر و خوبیهای دنیا و آخرت ما را بهره مند



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

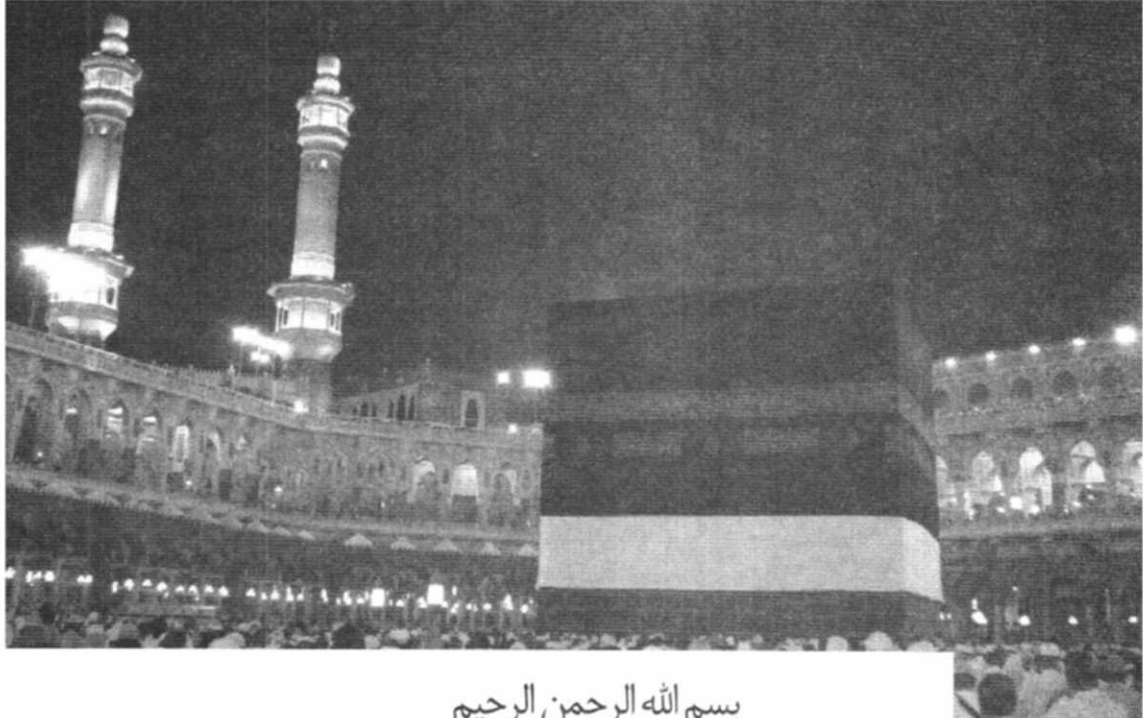
﴿إِنْ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى
لِّلْعَالَمِينَ ﴿٩٦﴾ فِيهِ آيَاتٌ يَّبَيِّنُ مَقَامَ إِبْرَاهِيمَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ
ءَامِنًا وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ
كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ ﴿٩٧﴾﴾ (آل عمران: ٩٦-٩٧)

«قطعاً نخستین خانه‌ای که برای مردم بنیانگذاری
شده، خانه ایست که در مکه قرار دارد با برکت و مایه‌ی
هدایت جهانیان است در آن نشانه‌های روشنی است
(من جمله) مقام ابراهیم و هر کس که وارد آن شود
در امان است و خداوند حج خانه‌ی کعبه را بر کسانی
از مردم که توانایی رفتن به آنجا را داشته باشند واجب
گردانده است و هر کسی که کفر ورزد پس خداوند از
جهانیان بی‌نیاز است.»

بسم الله الرحمن الرحيم

﴿وَأَتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ فَإِنْ أُخْصِرْتُمْ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ وَلَا تَحْلِفُوا
رُءُوسَكُمْ حَتَّىٰ يَبْلُغَ الْهَدْيُ مَحَلَّهُ ۚ فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَّرِيضًا أَوْ بِهِ أَذًى مِّن رَّأْسِهِ
فَفِدْيَةٌ مِّن صِيَامٍ أَوْ صَدَقَةٍ أَوْ نُسُكٍ فَإِذَا أَمِنْتُمْ فَمِن تَمَنُّعٍ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ فَمَا
اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ ۚ فَمَنْ لَّمْ يَجِدْ فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ ۚ فِي الْحَجِّ وَسَبْعَةٍ إِذَا رَجَعْتُمْ
ۚ تِلْكَ عَشْرَةٌ كَامِلَةٌ ۚ ذَٰلِكَ لِمَنْ لَّمْ يَكُنْ أَهْلُهُ حَاضِرِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ
وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ﴾ البقرة: ۱۹۶

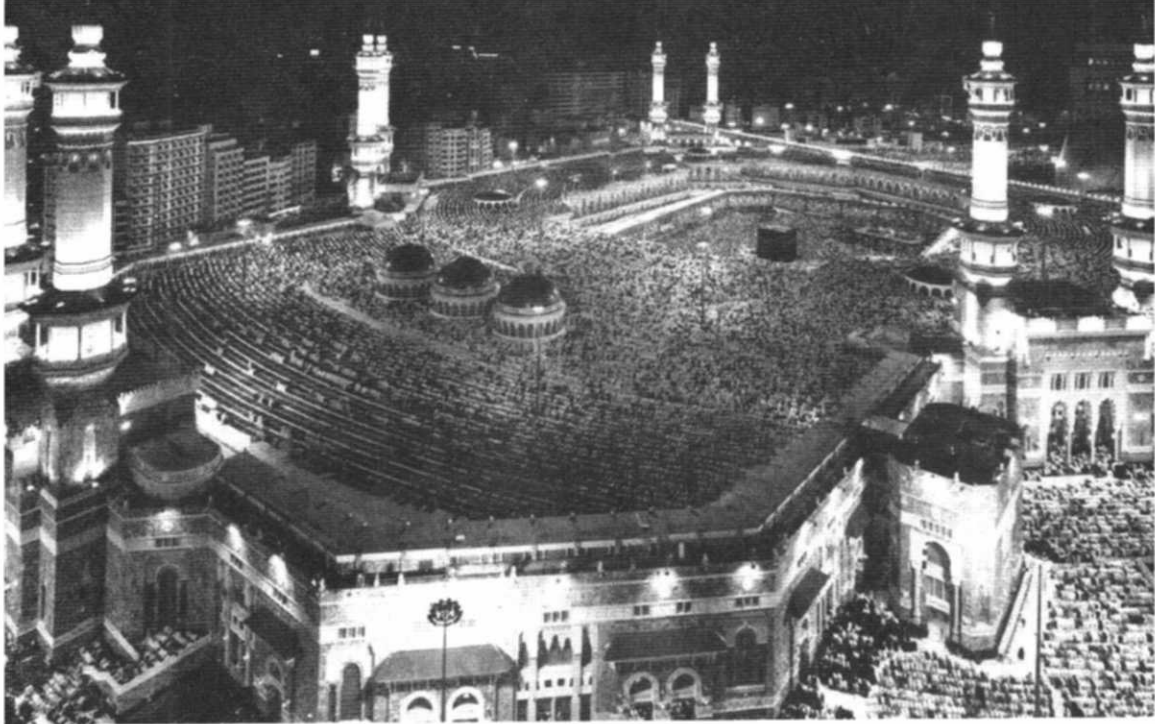
«و حج و عمره را (فقط برای رضای) خدا به پایان برسانید و
اگر چنانچه (از انجام و اتمام حج و عمره) باز داشته شدید، هر
آنچه که از هدی (قربانی) میسر است ذبح نمایید و سرهایتان را
نتراشید تا هنگامیکه هدی (قربانی) به جایگاهش برسد پس هر
آنکس که از شما بیمار شد و یا آزاری در سر داشت (و بخاطر
آن ناچار شود که سرش را بتراشد) پس باید که فدیهای بدهد
از قبیل روزه یا صدقه یا قربانی و هنگامیکه امنیت و آسایش
یافتند و هرکسی که پس از عمره قصد حج نماید بر اوست
(که به شکرانه‌ی این نعمت) هرآنچه میسر است قربانی کند
و کسیکه قربانی نیافت سه روز در حج روزه بگیرد و هفت
روز وقتیکه برگشتید این ده روز کاملی است این (حج برای
کسی که خانواده‌ی او اهل (ساکن) مسجدالحرام نباشد و از خدا
بترسید و بدانید که خداوند کیفر دهنده‌ای سخت است.»



بسم الله الرحمن الرحيم

﴿الْحَجُّ أَشْهُرٌ مَعْلُومَاتٌ فَمَنْ فَرَضَ فِيهِنَّ الْحَجَّ فَلَا رَفَثَ وَلَا فُسُوقَ وَلَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ يَعْلَمْهُ اللَّهُ وَتَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَى وَاتَّقُونِ يَا أُولِيَ الْأَلْبَابِ﴾ (بقره: ۱۹۷)

«حج در ماه‌های معینی است (یعنی در ماه‌های معینی انجام می‌گیرد) پس هر کس در این ماه‌ها حج را بر خود فرض گردانید (یعنی احرام حج بست بداند) که آمیزش (کلیه مسائل جنسی) و گناه و نافرمانی و جدال (درگیری با سایرین) در حج جایز نیست و هر آنچه که از کارهای خیر انجام می‌دهید خداوند به آنها آگاه است (و آنها را می‌داند) و توشه بگیرید قطعاً که بهترین توشه تقوی و پرهیزگاری است و از خداوند بترسیدای خردمندان.»



قال النبي ﷺ:

(الْعُمْرَةُ إِلَى الْعُمْرَةِ كَفَّارَةٌ لِمَا بَيْنَهُمَا وَالْحَجُّ الْمَبْرُورُ لَيْسَ
لَهُ جَزَاءٌ إِلَّا الْجَنَّةُ) (بخاری / ۱۷۸۳ / مسلم / ۱۳۴۹)

«از عمره تا عمره‌ی دیگر کفاره کناهانی است که
میان آن دو انجام شده است و حج مقبول پاداشی جز
بهشت ندارد.»



پیشگفتار

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ

اسلام از سوی دانشمندان و متفکران اسلامی گذشته و معاصر، به سه بخش تقسیم و طبقه‌بندی شده است:

۱. عقاید:

این بخش، اصول و مبانی اعتقادی دین را شامل می‌شود. اصول و مبانی که از آنها به فصل الاصول و اصول‌الدین تعبیر می‌گردد، که شامل شش قسمت اساسی است.

۱. ایمان به خدا؛

۲. ایمان به فرشتگان؛

۳. ایمان به پیامبران؛

۴. ایمان به کتاب‌های آسمانی؛

۵. ایمان به سرنوشت انسان و جهان؛

۶. ایمان به روز رستاخیز (= آخرت).

هر کدام از موضوعات ششگانه‌ی فوق در ذیل خود دارای مباحث، جزئیات و فروعات فراوانی می‌باشد که در نوع خود مهم و درخور توجه و مستلزم اعتقاد و ایمان بدانهاست و هر فرد مسلمان می‌بایست در حد ضرورت بدانها علم و آگاهی پیدا کند. تمامی مباحثی که به یکی و یا همه‌ی موارد ششگانه‌ی یاد شده ارتباط داشته باشد داخل در این بخش خواهد بود.

۲. اخلاق :

در این بخش، اصول و مبانی اخلاقی و تربیتی دین جای دارد و مورد توجه و عنایت صاحبان، متولیان و علمای اخلاق قرار می‌گیرد. اصول و مبانی که از آنها به صفات قلب که اصول و مبانی تزکیه و اصلاح نفس می‌باشند نیز نام برده شده است. در این مبحث از مفاهیم و معانی مهمی چون: اخلاص، انابت، ایثار، صدق، ورع، صبر، زهد، مروت، احسان، تعاون، ضبط نفس و... سخن می‌رود. معنویت و مفاهیمی که اساس تزکیه و تربیت دینی قرار دارد و همه‌ی صفات و خصایص دیگر اخلاقی و تربیتی بر آنها استوار است و اهمیت، ماندگاری و اثرگذاری خود را از آنها الهام می‌گیرد.

۳. احکام :

این بخش، احکام علمی دین را شامل می‌گردد. ارکان اساسی این بخش که زیربنای سایر اعمال قرار می‌گیرند عبارتند از :

۱. شهادت دادن به یگانگی خداوند:

۲. اقامه‌ی نماز؛

۳. پرداخت زکات، البته این برای کسانی است که صاحب مال، ثروت و دارایی‌اند و ثروت آنان به حد نصاب زکات رسیده باشد؛

۴. روزه‌ی ماه رمضان؛

۵. حج بیت‌الله - البته این برای کسانی است که توانایی مالی دارند و علاوه بر زاد خانه، زاد راه را نیز داشته باشند.

و در بعضی روایات «جهاد» نیز جزو ارکان اسلام ذکر شده است.

مجموعه‌ی همه‌ی اینها که در بالا ذکر گردید اسلام را به عنوان یک نظام، برنامه و روش

زندگی کامل و جامع شکل می‌دهد. بخش‌های سه‌گانه‌ی فوق‌چنان بهم پیوسته، مربوط و در تأثیر و تأثر با همدیگر اند که به هیچ صورتی نمی‌شود وجود یکی را بدون وجود دیگری تصور کرد و یا یکی را بدون دیگری به پای داشت و ماندگار کرد. حذف، تعطیلی و کنار گذاشتن یکی به حذف، تعطیلی و کنار گذاشتن دیگری خواهد انجامید. ماندگاری و بقای هر کدام به ماندگاری و بقای دیگری رابطه‌ی قطعی و لایتخلف دارد. بنابر این هیچ کدام از اینها را نمی‌توان به تنهایی مد نظر قرار داد و از غیر از آنها چشم پوشید و اینگونه تلقی کرد که هر کدام از بخش‌های فوق بدون وجود بخش‌های دیگر کماکان هویت، اصالت و تأثیر گذاری و حیانی / آسمانی خویش را حفظ خواهد کرد. سید قطب شهید (رح) در کتاب «ما چه می‌گوییم» در این باره سخن فصل الخطابی دارد. می‌گوید:

«ایدئولوژی اسلام یک ایدئولوژی تجزیه‌ناپذیر است. یا باید همه‌ی اصول آن را به کار برد یا باید دم از اسلام نزد»

این یک واقعیت مسلم و تردیدناپذیر است. که قرآن در بسیاری از آیات و سنت پیامبر اکرم ﷺ در بسیاری از روایات بدان اشاره و حتی تصریح دارد. بنابر این بخش عقاید بدون دو بخش اخلاق و احکام و بخش‌های عقاید و اخلاق بدون بخش احکام و بالعکس هرگز اسلام کامل گفته نخواهد شد پس اسلام یعنی: مجموعه‌ی عقاید، اخلاق و احکام و لا غیر. همانگونه که اگر شخصی به عقاید پایبند باشد ولی به بخش‌های اخلاق و احکام پایبندی نداشته باشد و یا به بخش‌های عقاید و اخلاق معتقد و ملتزم گردد ولی احکام را کنار بگذارد و بالعکس هرگز مسلمان کامل گفته نخواهد شد. پس مسلمان واقعی یعنی کسی که به مجموع عقاید، اخلاق و احکام معتقد و ملتزم باشد.

اسلام یعنی مجموعه‌ی بخش‌های سه‌گانه و مسلمان یعنی کسی که به همه‌ی بخش‌های سه‌گانه‌ی یاد شده ایمان و عقیده داشته و بدانها پایبندی و التزام داشته باشد و تمام بخش‌های عقاید، اخلاق و احکام را در زندگی خویش بنحو شایسته و بایسته‌ای - آنگونه که اسلام می‌گوید - عملی و اجرایی کند. بخش‌هایی از اسلام را نگاهداشتن و اجرا کردن و بدان پایبند بودن و از بخش‌هایی از آن چشم پوشیدن و به تعطیلی کشاندن هرگز اسلام گفته نخواهد شد. کاری که امروز بسیاری از مسلمان‌ها ما تبلیغ و تلقین می‌کند.

در بخش سوم؛ به ارکان اساسی اسلام اشاره شد که یکی از آنها عبارت بود از «حج بیت‌الله الحرام».



موضوع حج؛ یکی از مهم‌ترین موضوعات فقه اسلامی در طول تاریخ بوده و دانشمندان، فقیهان و عالمان دین در گذر تاریخ بلند اسلامی، به آن و در بحث پرداختن به احکام آن عنایت جدی و طاقت فرسایی داشته‌اند. حج یکی از باشکوه‌ترین و پرشکوه‌ترین مراسم و آیین‌های دینی در اسلام می‌باشد. مسلمانان - البته کسانی که توانگراند - باید به عنوان یک فریضه در عمر یکبار در این آیین باشکوه شرکت نموده و حضور بهم رسانند و عظمت اسلام را در آیین‌های این آیین بزرگ و جهانی به چشم سر ببینند و با حس‌گرهای وجود خود حس و لمس کنند و از آثار و برکات بی‌حد و حصر آن در حد توان خود و به میزان و مقدار لیاقت و کفایتی که قبل از سفر در روح و روان و ظاهر و باطن خویش مهیا دیده‌اند بهره‌مند گردند.

کتابی که در برابر دیدگان شما «زائر گرامی» قرار دارد و بخواست خدا عزم و اراده نموده‌ای تا با تمام وجود خود با آمادگی روحی، روانی و قلبی کامل آن را راهنمای سفر حج خویش قرار دهی تا از آموزش‌های گام به گام آن، بهره‌وافر ببری و از علوم و معارف آن که در نوع خود - بدلیل سبک نگارش و شیوه‌ی طرح و ارائه‌ی زیبا و روان مسائل - در بین سایر کتاب‌های حج بدیع می‌نماید بهره‌بر گیری؛ محصول تجارب و اندوخته‌های گرانسنگی است که مؤلف محترم کتاب در طی سالیان متمادی و در خلل سفرهای متعدد حج لحظه به لحظه در اثناء انجام اعمال و مناسک و با تجربه‌ی مستقیم سختی‌ها و مشقت‌هایی که با جان خود لمس کرده به دست آورده است. بنابراین کتاب حاضر محصول تراوش‌های تجربی‌ای است که مؤلف کتاب در کنار مطالعه‌ی منابع مهم در زمینه‌ی حج، حاصل نموده است که هم اکنون به حول و قوه‌ی الهی برشته‌ی تحریر درآمده و در دسترس شما زائر گرامی قرار دارد.

همانگونه که اشاره کردم این کتاب با سایر کتاب‌هایی که در این زمینه نگارش یافته‌اند کاملاً ممتاز و متمایز می‌باشد. اگر به کتاب‌های حجی که در دسترس عموم قرار دارد اندک نگاهی بیفکنید خواهید دید که همواره آنها بر اساس نگارشی کاملاً فقهی و همراه با انبوهی از احکام، اصطلاحات و واژگان فقهی تحریر یافته‌اند که برای بیشتر زائران گرامی

فراگیری آنها در ایام بسیار محدود حج که خود همراه با دنیایی از مشقت، نگرانی و اضطراب می‌باشد دشوار و سخت است.

واقع امر این است که کتاب‌های حجتی که تاکنون تالیف شده‌اند در کتابخانه‌ها و بدور از حال و هوای حج و بدون کسب تجارب سنگین چندین ساله به رشته تحریر در آمده و هم اینکه بیشتر آنها صبغۀ کامل فقهی دارند و برای زائران که اغلب از میان عموم مردم‌اند و از تعلیمات و سواد دینی کاملاً بدوراند و هیچ گونه آگاهی قبلی و پیشینی نسبت به حج و احکام آن ندارند خواندنشان برای بیشتر آنها خیلی اضطراب‌آور و نگران‌کننده و طرفه آنکه حتی این گونه کتاب‌ها برای خود مترجمان و مؤلفان‌شان نیز احیاناً در درس‌ساز بوده و آنان را دچار سردرگمی می‌نمایند.

طبیعی است که مؤلف محترم کتاب، خود از کسانی است که در این سال‌های متمادی از نزدیک با این مشکلات دست و پنجه نرم کرده و بر این معضلات و مشکلات در ایام حج اشراف کامل دارد و مشکل آفرینی بسیاری از کتاب‌های حج را نیز نیک می‌داند و حتی خود نیز به کرات با این نوع مشکلات در ایام حج مواجه شده است. بر این اساس ایشان در این اواخر احساس نیازی که کرده بود عزم را جزم می‌کند تا در زمینه‌ی حج کتابی بنگارش در آورد تا ضمن این که مسائل و احکام حج را به نیکی و درستی بیان کند؛ اولاً؛ کتاب به زبان ساده و روان نگاشته شود، ثانیاً در بیان مطالب از روش فقهی و بکارگیری اصطلاحات سنگین فقهی پرهیز گردد تا زائران گرامی بتوانند بدور از هر گونه دغدغه، اضطراب و نگرانی، اعمال و مناسک حج را بخوبی انجام بدهند و با خاطری آسوده و در حالی که سرشار از شادی و شادمانی‌اند از خانۀ خدا به خانۀ خویش باز گردند.

ویژگی دیگری که در این کتاب به چشم می‌خورد دانستنی‌های لازم و مفیدی است که هر زائر بیت‌الله الحرام اشتیاق زائد الوصفی به دانستن آنها دارد و می‌خواهد از آنها آگاهی و اطلاع مختصر و مفیدی پیدا کند.

این دانستنی‌ها عبارتند از:

۱. دانستنی‌های مکرّمه‌ی مکرّمه؛

۲. دانستنی‌های مدینه‌ی منوره.

اینها مطالب و موضوعاتی است که بیشتر کتاب‌های حج بدون اینکه اشاره‌ای بدانها داشته باشند از آنها عبور کرده‌اند اما مؤلف محترم کتاب کوشیده تا در این زمینه نیز

مطالبی را به طور اختصار و درخور نیاز که آگاهی و اطلاع از آنها سودمند واقع گردد بر کتاب بیفزاید که الحق توانسته در این قسمت هم بخوبی حق مطلب را ادا کند. در پایان از خداوند منان مسألت دارم تا این اثر گرانقدر و محترم را برای مؤلف گرمی توشه و سرمایه‌ای برای آخرت قرار دهد و مسلمانان را از سودمندی‌های آن بهره‌مند سازد.



و صلی الله علی محمد و علی آله و صحبه و من تبعهم باحسان الی یوم الدین اجمعین.

محمد انور بزرگزاده - ایرانشهر

بهار سال / ۹۱



مقدمه

(الحمد لله نحمده و نستعينه، نستغفره و نؤمن به و نتوكل عليه و نعوذ بالله من شرور انفسنا و سيئات اعمالنا، من يهدي الله فلا مضل له و من يضل فلا هادي له و اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شريك له في الوهيته و ربوبيته و اسمائه و صفاته و اشهد ان محمد آ عبده و رسوله، ارسله بالهدى و دين الحق ليظهره على الدين كله ولو كره المشركون و صلى الله عليه و على آله و اصحابه اجمعين و من تبعهم باحسان الى يوم الدين)

زندگی یک جاده‌ی یک‌طرفه‌ی بی‌بازگشت است که هیچ‌احدی چه قدرتمندان، چه ثروتمندان و چه دانشمندان، هیچگاه قادر نخواهند بود که نه تنها یک مرحله از آن چون کودکی، نوجوانی و جوانی حتی یک لحظه‌ی آن را دو بار تکرار و تجربه کنند، تنها راهی که وجود دارد، راه پیش رو و آینده است و بس! که آدمی شتابان و بی‌توقف باید بدانسو حرکت کند هرچند که خودش هم خواهان نباشد ولی باز مجبور است که به جلو بتازد حتی اگر کسی خود را از حرکت، تلاش و فعالیت متوقف سازد ولی گذر عمر و زمان او متوقف نمی‌شود و به حکم جبری سیر و حرکت زمان به پیش رانده می‌شود. و تا آنجا که مقدر است می‌رود.

باهمه‌ی این تفصیل آدمی قادر و مخیر است که مطابق با خواست، و سلیقه‌ی خویش در کیفیت آن دخل و تصرف کند و از آن بهره ببرد و یا هیچ استفاده‌ای نبرد.

بنابراین عقل سلیم حکم می‌کند که بایستی از این فرصت داده شده‌ی طلایی به شایسته‌ترین وجه استفاده برد به گونه‌ای که پس از دیروز امروزمان شادتر و طلایی‌تر شود. باید از زندگی و لحظه‌لحظه‌ی آن بهترین بهره‌ها را برد و نباید چنان کرد که بخاطر از دست دادن زمان بی‌بازگشت دست حسرت بر سر نهاد و آه از نهاد برآورد که آن موقع



آه! چه اسفناک است و دردناک، لحظاتی که از گنجینه‌ی عمر و از سرمایه‌ی حیات ما کاسته می‌شوند بی آنکه ما از آن ساعات بهره‌ای شایسته و بایسته برده باشیم.

آری برادر! این لحظات و ساعات عمر ما هستند که رایگان از دست می‌روند و ما چه جاهلانه و چه غافلانه به نظاره ایستاده‌ایم، بی آنکه اندکی بیندیشیم و برای استفاده‌ی بهینه از آنها برنامه‌ریزی کنیم؛ برنامه‌ریزی دقیق و حساب‌شده یکی از ویژگیهای مؤمن است. باور نداری به زندگی گهربار رسول الله ﷺ آن آبر پیامبر هستی و به‌ویژه هنگام هجرتش نظری بیفکن تا شاید خواب غفلت را از دیدگانت بزدايد و موجب گردد تا چاره‌ی واقعه قبل از وقوع کنی و برای باقیمانده‌ی عمرت برنامه‌ریزی نمایی.

آنگاه که گنجیه‌ی عمر ما به لحظات پایان نزدیک می‌شود تازه متوجه می‌شویم که چه چیز گرانبها و بالارزشی را از دست داده‌ایم و می‌بینیم که کار از کار گذشته است. و کاری جز حسرت و اندوه از دست ما بر نمی‌آید «چرا عاقل کند کاری که باز آرد پشیمانی». برای آنکه بیشتر باور کنی و به یقین برسی به قرآن و آیاتی که از بازماندگان راه ثواب و عبادت حکایت می‌کنند نظر کن.

نالامید نشو، هنوز فرصت هست، الله جل جلاله بقدری مهربان است و رحیم و بخشنده که در وهم و خیال من و تو نمی‌گنجد. حتی از خودمان نسبت به خودمان مهربانتر است. بنگر که چه فرصتهایی را به من و شما عطا کرده است. هر چند که از نظر فیزیکی و عملی امکان بازگشت به گذشته و بازیافت گذشته ممکن نیست ولی الله تبارک و تعالی با فضل بیکرانش و رحمت بی‌پایانش فرصتهایی را در اختیار ما قرار داده که در واقع در حکم بازگشت به گذشته و بازیافت گذشته است. یکی از آن فرصتها حج است که با بجا آوردن صحیح و درست آن چنان گذشته‌ات پاک می‌شود و منزّه که تصورش را نکنی، اگر آن را درست بجا آوری چونان کودکی پاک، معصوم و بیگناه که تازه دیده به جهان گشوده به آغوش خانواده بازخواهی گشت.

بنگر که الله جل جلاله از زبان پیامبرش چه به من و شما می‌گوید: (من حجّ فلم یرفث و لم یفسق، رجعت کیوم ولدتہ امّہ).

کسیکه حج بجا بیاورد و مرتکب گناه و فجور نگردد همچون روزی که از مادر متولد شده است پاک و بی‌گناه باز می‌گردد.



آنگاه که با نیتی خالص و مالی حلال و با علم و شناختی کافی حج بیت الله را بجا آوردی، لطف الله عزوجل شامل حالت می شود و زنگار گناه از نامه ی اعمالت می زداید، چنانکه گویی عمری دوباره یافته ای و دیگر بار فرصت پیدا نموده ای که جبران مافات کنی و زندگی دوباره سازی.

الله جل جلاله در حج چنان قدرتی نهاده است که همچون مادهای سفید کننده و شویندهای بسیار قوی تمام لکه های ننگین گناه را از پرونده اعمالت بشوید و پاک کند و سفیدی را دوباره به پرونده ات ارزانی بدارد، به شرط آنکه تو قدر حج را بدانی! و بدانی که به کجا می روی و چرا می روی؟

رسول مکرم اسلام آبر پیامبر تاریخ بشریت در روایتی گرانسنگ چنین فرمودند: (الْحَجُّ يَهْدِي مَن كَانَ قَبْلَهُ).

حج گناهان پیشین را نابود می کند، سبحان الله چه مژده ای؟! چه فرصتی برای آنانکه قدر بشناسند و اهمیت بدهند و غرق در زندگی مادی نگردند.

همانطور که حج زنگار گناه را از صفحه ی اعمال می زداید، همچون کوره های سوزان پرده های ریا را کنار می زند و آدمی همچون مسی زراندد یا طلایی ناب در کوره ی آن گداخته می شود و عیار واقعی ش برای دیگران نمایان می گردد.

چه بسیارند کسانی که ماسک های گوناگون به چهره دارند و در ورای این ماسک ها از سادگی و پاک دلی مردم سوءاستفاده کرده و به چپاول و غارتگری مشغول هستند. بی آنکه مردم اندکی به آنان شک کنند و یا در مورد پاکیشان تردیدی بخود راه دهند اما همین آدمیان روبه صفت و ریاکار چون به حج می روند درحالی که نیت درستی ندارند و مالی حلال و پاک همراهشان نیست همچون همیشه ماسک تظاهر و ریا را بر چهره می زنند، غافل از اینکه در این میدان، ماسک به کار نمی آید و چه زود کنار می رود و چهره ی حقیقی آنان برای مردم عربان آشکار می گردد.

از این رهگذر است که چه بسیار کسانی که از این سو با ماسکی آراسته و زیبا به حج می روند و وقت بازگشت بدون ماسک باز می گردند و دیگران انگشت به دهان متعجب می مانند که این بنده ی خدا پیش از آنکه به حج رود خیلی بهتر بود. آدم صالحی بود اما بعد از بازگشت از این سفر پربار و ارزشمند با وضعی بدتر بازگشته است.

www.iqra-ahlamontada.com



وی را با فلان ماسک زیبایی که بصورت زده بود مشاهده می کردند اما امروز دیگر آن ماسک در کوره‌ی گدازان حج از بین رفته و چهره‌ی حقیقی و ماهیت واقعی او نمایان شده است و مردم چنین می‌پندارند که او بعد از بازگشت از این سفر اینچنین بازگشته است.

بگذار مثالی ساده ذکر کنم تا حقیقت امر بهتر نمایان شود، نمی‌دانید تجارت و داد و ستد کالایی که سود فراوان دارد، هر گاه که به شکست بینجامد، ضرر و زیانش به همان میزان سنگین و کمر شکن خواهد بود. پس برادر! به هوش باش!

نکته‌ی دیگری که حائز اهمیت است اینکه یکی از بنیادی‌ترین نیازها و امیال آدمی، میل به جاودانگی است، هر گاه حج به درستی انجام پذیرد، آدمی به این مقصود خویش نایل می‌آید. چون رسول مکرم اسلام فرمودند: (الحج المبرور لیس له جزاء الا الجنة) حج مقبول پاداشی جز بهشت ندارد و در بهشت است که این خواست آدمی به واقعیت می‌پیوندد.

به هر تقدیر پیرامون حج و عمره کتابهای متعدد و فراوانی به رشته تحریر در آمده است که اغلب بسیار مفصل و طولانی و مملو از فروعات، جزئیات و فرضیات بشمارند، که زائران از آنها بهره‌ی چندانی نمی‌برند چون خیلی مفصلند.

و از آنجاییکه زائران از حج و اعمال آن اطلاع و آگاهی چندانی ندارند اکثر آنان قبل از سفر و چه در خلال سفر همواره در حال اضطراب و استرس به سر می‌برند، این نگرانی از یک سو ناشی از عدم آگاهی آنان از فضیلت و احکام حج است و از دیگر سو ناشی از بیم و هراسی است که در دل دارند که مبدا دچار اشتباه شوند و با کوچکترین اشتباهی باید جریمه مالی شوند و علاوه بر جریمه‌ی مالی این احتمال وجود دارد که حشاش فاسد گردد. و از یک طرف سخت هراسان هستند که مبدا در حین انجام اعمال حج خدای ناکرده جان به جان آفرین تسلیم کنند.

زائر گرامی! ما در این کتاب سعی کرده‌ایم که کلیه‌ی نگرانی‌های شما را برطرف کنیم، در این کتاب سعی کرده‌ایم که از ذکر مسایل غیر ضروری جدا پرهیز کنیم و کوشش ما بر آن بوده که به اکثر سؤالات شما پاسخ داده شود و با مطالعه‌ی این کتاب نه تنها از مسال مربوط به حج بلکه اگر تمایل داشته باشید مسایل متعلق به حرمین شریفین را نیز به نیکی



این کتاب خیلی ساده و روان و بدون دشواری و پیچیدگی به نگارش درآمده است. زائر عزیز! من به شما اطمینان می‌دهم که با مطالعه و عمل کردن به دستورالعمل‌های آن بدون کوچکترین خطر و نگرانی بخواست خدا و بی‌آنکه دچار مشکلی شوی و یا آسیبی ببینی و یا خدای ناکرده در حج تو خللی وارد شود و یا دمی (جریمه‌ای) بر تو واجب گردد، حج خویش را به پایان خواهی رساند.

در یک تقسیم‌بندی کلی کتاب را به سه باب و هر باب را به بخش‌ها و فصل‌هایی تقسیم‌بندی کردیم تا دست‌رسی به مطالب آن آسانتر باشد.

باب اول: دانستی‌های مکه‌ی مکرمه و حج

در این باب بحث را از خودسازی قبل از سفر حج، نگاهی به کشور عربستان سعودی و میقات آغاز نموده‌ایم و در ادامه به مباحثی چون حِلّ، حرم، مقام ابراهیم، شاذران، عرفات، مزدلفه، آب زمزم، آب زمزم در آزمایشگاه‌های معاصر، بیان علت نامگذاری و فضایل ویژه‌ای که پیرامونشان وارد شده تا آغاز مناسک و اعمال حج پرداخته‌ایم که ان شاءالله در نوع خود مسایلی تازه و جدید بوده و مورد نیاز هر کسی که قصد زیارت حرمین شریفین را دارد.

باب دوم: نگاهی اجمالی به اعمال حج

در این باب اعمال حج را به صورت روان و گام به گام به گونه‌ای که گویی معلمی همراه زائر است و در هر مکان و زمان لازم، عمل ویژه‌ی آن زمان و مکان را به وی یادآوری می‌کند بی‌آنکه بگوید که این فرض است و یا واجب است و یا سنت.

همچنین در این باب مباحثی چون: حج مبرور چیست؟ حج اکبر چیست؟ و آیا تکرار حج و عمره افضل است یا اتفاق بر فقراء؟ آیا کثرت طواف در مکه مکرمه افضل است یا تکرار عمره؟ و فضیلت روزه و صدقات در حرمین شریفین و... کاملاً مورد بحث قرار داده و مستند بدان‌ها پاسخ گفته‌ایم که طرح این مباحث هم در اینگونه کتابها - ان شاءالله - در نوع خود بدیع و تازه است.

باب سوم: دانستی‌های مدینه‌ی منوره

در این باب دانستی‌های مدینه منوره از قبیل بقیع و علت نامگذاری و فضایل پیرامون آن، ریاض الجنه، روضه النبی مسجد قبا، کیفیت عرض سلام و... مستند بیان داشته‌ایم.

در کل هر سه باب کتاب شامل دوازده بخش می‌باشند و هر بخش متناسب با مباحث طرح شده در آن به چند فصل تقسیم شده است.

سعی ما در این کتاب بر آن بوده که ضروریات را ذکر نماییم و از ذکر فروعات، فرضیات، جزئیات و یا حتی جنایات^۱ پرهیز نموده‌ایم چون فرض ما بر این استوار است که ان شاء الله زائر با رعایت دستور العمل‌های آن نیازی به مبحث جنایات پیدا نخواهد کرد.

و شیوه اصلی طرح مباحث به صورت بسیار ساده و روان بوده بگونه‌ای که نه آنقدر مفصل باشند که موجب ملال گردند و نه آنقدر مختصر که فهم مطلب را دشوار سازند و همچنین در پایان بخشها و فصلها صفحه‌ای را به یک پیام ساده که پنداشته‌ایم برای زائر مفید هست اختصاص داده‌ایم.

خلاصه سعی بر آن داشته‌ایم که کتاب معلمی باشد که با زبان شما سخن می‌گوید و به سؤالات و ابهامات شما پاسخهای مستند و مدلل را با زبانی ساده و عام فهم ارائه می‌دهد. هر حسن و خوبی که در این کتاب یافت شود از لطف و احسان الله تبارک و تعالی است و هر گونه عیب و نقصی باشد از جانب حقیر می‌باشد؛ و از صاحب نظران می‌خواهم که بنده را مطلع سازند.

در پایان از کلیه‌ی عزیزانی که در نگارش و تألیف آن به هر نحوی ما را یاری رسانده‌اند به ویژه برادر ارجمند، دانشمند فرزانه جناب مولانا محمد انور بزرگزاده (حفظه الله) صمیمانه تشکر می‌کنم و از الله تبارک و تعالی عاجزانه می‌خواهم آنگونه که بر تألیف و تکمیل آن بر حقیر منت نهاده و توفیق عطا کرده، آن را برای امت اسلامی مفید قرار دهد و جامه قبول بپوشاند و باعث نجات حقیر در روز قیامت گردد. آمین

(و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله و اصحابه اجمعین)

عبدالرشید تریز
مدرس حوزه علمیه حقانیه ایرانشهر
۸۸/۴/۱۰

۱. در مباحث حج؛ هرگاه کسی مرتکب اشتباهی شود و بر او جریمه مالی واجب گردد از آن به جنایت تعبیر می‌شود.



صحبتی با زائر (حاجی)

ای که داده ذوالجلالت مال و زر
هان مده عُمر گرامی را
چون ندانی کی دهند بانگ رحیل
نیت خود صاف گردان با خدا
قومیت بگذار و بر تن کن کفن
فحش و دشنام و جدال و قیل و قال
صبر کن بر مشکلات این سفر
چون که سختی آیدت بیداد مکن
بردبار باش بر آذای مؤمنان
گفت پیغمبر که خادم سرور است
تو مرو بهر تجارت سوی سوق
تحفه و عطر و لباس رنگرنگ
سرزمین مکه جای توبه است
کسب کن اینجا رضای کردگار
وقت خود صرف نماز و ذکر کن
بیت حق شمع است و تو پروانه باش
دور زن لبیک گوین یاد دوست

صحت و پست و مقام و کزوفر
هدر سوی بیت الله رحمن کن سفر
زود برو سوی حرم همچون خلیل
قرض مردم را ز مالت کن جدا
لب فرو بند از جدال و از سخن
شاخص دوری ز عقل است، نی کمال
تا خدایت وارهند از سقر
اجر خود را ضایع و بر باد مکن
خدمت حُجاج کن چون خادمان
سید القوم است، زهر کس بهتر است
چون که بازار هست جای رقص و بوق
تهیه کن وقتی که رفتی در فرنگ!
جای گریه، جای عجز و لابه است
توبه کن، گریان شو لیل و نهار
در کمال حق تعالی فکر کن
همچو مستان عاشق و دیوانه باش
بهترین لحظات عمرت ذکر اوست



تا توانی با تضرع کن دعا
در حرم با سوز دل قرآن بخوان
ای که فردا می‌شوی یک‌مشت خاک
می‌رود اینجا دعایت مستقیم
هر چه خواهی می‌دهند نقداً ترا
توبه کردی باز مگرد سوی گناه
زندگی کن همچون نیکان قدیم
سعی کن خود را بسازی از درون
چون که بازگشتی ز حج همچون گلی
زندگی را از اساسش کن عوض
دور کن کبر و حسد و کینه را
چون خر عیسی میا از مکه باز
تو مشو روباه مکار محلّ
تو مرو سوی گنه ای بوالهوس
حج را دانید کوره ای مهان

وہ چقدر دارد دعا آنجا صفا
سورہی یاسین و یا رحمن بخوان
کن دعا و ہی بخوان قرآن پاک
چون کہ در بیت خدا هستی مقیم
باز نباشد فرصتی بعداً ترا
تا نسازد حج تو شیطان تباہ
تا روی در جنت ربّ رحیم
نفس و شیطان را بکن خوار و زبون
در عبادت‌ها بکوش و شو ولی
صیقلی ده روح و جانت از مرض
پاک کن از غلّ و غش این سینه را
تا توانی دین خود آنجا بساز
تو مخور اموال مردم با دغل
هر چه کردی قبل حجّت بوده بس!
آشکارا می‌کند رازِ نهان

گر که شخصی قبل حج بوده پلید
این سفر شد یک تجارت یا خرید
ور که بوده قبل حج یک ساده دل
بعد حج او می‌شود روشن ضمیر
حاجی جان! این زندگی چندروزه است
می‌شود بر باد به یک افتادنی
باد در غیب مکن همچون خروس
هر کجا تعریف مکن از حج خود
گر به حج رفتی به فضل ذوالکرم
تو عبادت کرده‌ای مثل نماز

او نکرد توبه، نشد پاک و حمید
خبث او در بازگشت گردد مزید
او نرفته در مسیر خاک و گل
کاروانِ مؤمنان را او امیر
شکل او زیبا چو نقش کوزه است
آب آن ریزد، نمی‌ماند نمی
تو مشو غرّه به مثل نو عروس
تو مکاه با خودستایی آرج خود
آلهی فخری مکن بیت الحرم
پس نباشد هیچ به تعریفی نیاز



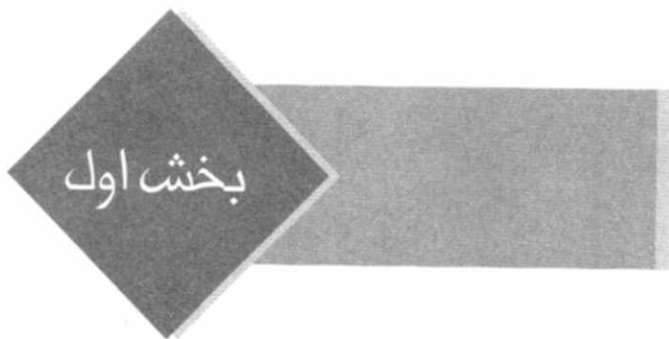
رفته‌ای مگه چو توپی باد مکن!
بر ریاکاری چرا داری عطش؟!
دین او همچون چراغی پر فروغ
جای جنس نو نمی‌آرد کهن
ظاهرش با باطنش یکسان بُود
عفو نمایند گر خطایی رفته‌ایم
او که عمرش را به کار خیر گذاشت
ای خدا رحمت خود بر او بریز
او نداشت چشم طمع از هیچ کسی
تو قدیری (تو علیمی)، ای رحیم
حج جمله بندگان را کن قبول
مایه‌اش یک حسرت و صد آه شد
کن نصیبش حج مقبول باربار
جز به عفو تو ندارد هیچ گمان

شاعر معاصر مولانا
عبدالناصر دامنی
(حفظه الله)

در مجالس هی ز حجت یاد مکن
حج خود را بر رُخ مردم مَکش
حاجی آن است کونمی‌گوید دروغ
با قسم هرگز نمی‌گوید سخن
قول او با فعل او هسман بُود
آنچه بود شرط بلاغ ما گفته‌ایم
خواهش حافظ به این کارم گماشت
ساده کرد احکام حج حافظ تریز
رنج برد حافظ در این کارش بسی
کن کتابش مایه‌ی خیر عمیم
ای خداوندا به فضل آن رسول
«دامنی» شرمنده‌ی درگاه شد
«ناصر» است بر لطف تو امیدوار
آن دمی کو را بری از این جهان

باب اول

دانستیهای مکهی مکرمه و حجّ





خودسازی قبل از سفر حج

برای موفقیت در انجام هر کاری پیش شرطها و مقدماتی وجود دارد که پرداختن به آنها قبل از هر اقدامی لازم و ضروری است هرچقدر آن مقدمات کاملتر، دقیقتر و صحیحتر انجام شوند، درصد موفقیت به همان میزان بالاتر رفته و افزایش می‌یابد.

مثلا وزنه‌برداری را در نظر بگیرید که قصد دارد در یکی از مسابقات جهانی شرکت نماید، و دوست دارد که مدال کسب کند و پیروز میدان شود. بنابراین و برای نیل به این مقصود، رژیم غذایی خاصی را دنبال می‌کند، دستورات مربیان را مو به مو اجرا می‌نماید و سعی می‌کند تا رسیدن لحظه‌ی موعود، مرتب به تمرین و وزنه زدن مشغول باشد، تا بتواند شاهد پیروزی را در آغوش بکشد.

حج نیز مسابقه‌ای است که به مراتب از مسابقات دیگر مهمتر و شرایط پیروزی در آن دشوارتر است، اگر چنانچه فردی بدون شرایط و آمادگی لازم در این مسابقه‌ی میلیونی شرکت کند، احتمال برنده شدنش بسیار اندک خواهد بود که به همین خاطر گفته‌اند (ما اکثر الضحیج و اقل الحجیج).

بنابراین برادر عزیز! زائر بزرگوار: اینک که توفیق یارت شده و از میان میلیون‌ها مسلمان عاشق، فرصت شرفیابی به آستان ملکوتی حضرت حق را یافته‌ای، سعی کن، خویشتن را چنان نمایی که لیاقت بار یافتن بارگاه حضرتش را بیابی. از هم اکنون که آهنگ شرکت در این مسابقه را نموده‌ای رژیم بگیر، اما نه فقط رژیم غذایی، بلکه حتی از بسیاری از مباحات پرهیز کن، از حرام خویشتن را دور نگاهدار، دروغ نگو، فریبکاری و کلاهبرداری نکن، گرد مردم آزاری مگرد، چشمانت را درویش کن، بر زبانت قفل بزن تا بیهوده نگوید و غیبت نکند و بهتان نزند، و...



اگر حقی بر گردن داری آن را ادا کن، بدهی‌های خود را بپرداز، به ذکر، تلاوت و عبادت مشغول باش و حضور در نماز جماعت را غنیمت شمار.

مواظب باش تا شیطان با ذره‌ای ریا همه‌ی تلاش‌ت را بر باد ندهد، تا به جرم دوپینگ از شرکت در مسابقه بازت ندارند و قلم بطلان به آمالت نکشند که در آنصورت "خسرت فی الدنيا والآخرة".

و از همه مهمتر حق شریک زندگیت، همسفر عمرت، همسرت را رعایت کن و خدماتش را پاس دار.

سعی کن با تمامی وجود خویشتن را از گناه بازداری و دایم در حال ذکر و تلاوت باشی و استغفار فراوان بر زبان جاری سازی که این خود امانی است از هلاکتی (وَمَا كَانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ).

صدقه‌ی فراوان بده و به وسوسه‌ی شیطان گوش مده، که صدقه دافع بلاست و چه بلایی بزرگتر از رد شدن در مسابقه‌ی حج و رانده شدن از بارگاه حق و دست خالی برگشتن از این سفر مبارک، که دست‌یافتن به جایزه‌اش نه تنها رویای هر مسلمان که رؤیای هر خداپرستی است، مگر آن جایزه چیست که اینهمه آدم با هزینه‌ی خویش برای دستیابی به آن، رنج سفر بر خویش هموار ساخته و برایش بی‌تابی می‌کنند؟!

جایزه‌ی بالارزشی که هیچ چیزی با آن برابری نمی‌کند (الْحَجُّ الْمَبْرُورُ لَيْسَ لَهُ جَزَاءٌ إِلَّا الْجَنَّةُ)

پاداش حج مبرور بهشت است، پس حقیقتاً دست یافتن به آن سعادت‌ی است بسیار بزرگ، بهر تقدیر دست یافتن به آن چندان ارزان هم نیست، سعی کن حلالترین مال خود را همراه بری که این خود یکی از مهمترین امتیازات برنده شدن در این مسابقه است. زائر عزیز! کینه‌ها را از سینه بیرون ریز، روح گذشت، ایثار و عفو را در خود پرورش ده. اینک که قصد داری در شهر مصطفی قدم گذاری، مصطفی‌وار عمل کن، او را از شهر و دیارش، از زادگاهش بیرون کردند و آنگاه که مقتدارانه و پیروزمندانه مکه را فتح کرد و بازگشت سخنی از انتقام به زبان نراند، گله‌ای نکرد، روترش نمود و به شکرانه‌ی این نعمت گفت: بروید که شما آزادید، تو نیز بر کوتاهی‌های برادران، خویشاوندان و همکارانت قلم عفو بکش، از خطایشان درگذر تا از خطاهایت درگذرند، عفو کن و ببخش تا تو را ببخشند، رحم کن بر زمینیان تا آنکه در آسمان است بر تو رحم آورد.

کینه به دل مگیر، چون اگر مسلمان بیشتر از سه روز با برادر مسلمانش قهر باشد اگر بمیرد جهنمی خواهد بود تو چگونه می‌توانی با دلی مالا مال از کینه و عداوت در آنجا حضور یابی؟! دلت باید مالا مال از عشق، محبت و امید به رحمت پروردگار باشد.

هر چند که حق با تو باشد ولی از آن بگذر که حضرت حق، حق تو را در بهشت دهد و از خطاهایت در گذرد اینک که تو را دعوت کرده‌اند. مطالعه فراوان کن تا بدانی که کیستی؟ و به کجا می‌روی؟ چرا می‌روی؟... به ویژه در زمینه‌ی تقوی، حج و عمره، مکه و مدینه و بخصوص در مورد زندگی رسول الله آبر پیامبر عالم و اصحاب وی آبر مسلمانان تاریخ اسلام. باز بخاطر داشته باش که خلوص نیت یکی از مهمترین اسباب پیروزی است و ریا یکی از اساسی‌ترین رموز شکست و ناکامی (اعاذ بالله منها).

و دشمن (= شیطان) سعی در نابودی اعمال صالح ما دارد، به هوش باش هر چقدر عمل بالارزتر باشد بر دشمن بیشتر سنگین می‌گذرد، و دشمن حاضر نمی‌شود که تو پیروز میدان شوی و با دست پر برگردی، و جایزه‌ای را بدست آوری که او برای همیشه از آن محروم شده = بهشت. پس او با تمام ترفندها و لطایف الحیل سعی خواهد کرد عمل را از درون نابود سازد و تو را از اجرش محروم، به گونه‌ای بسیار زیرکانه که تو متوجه حبط شدن عملت نگردی.

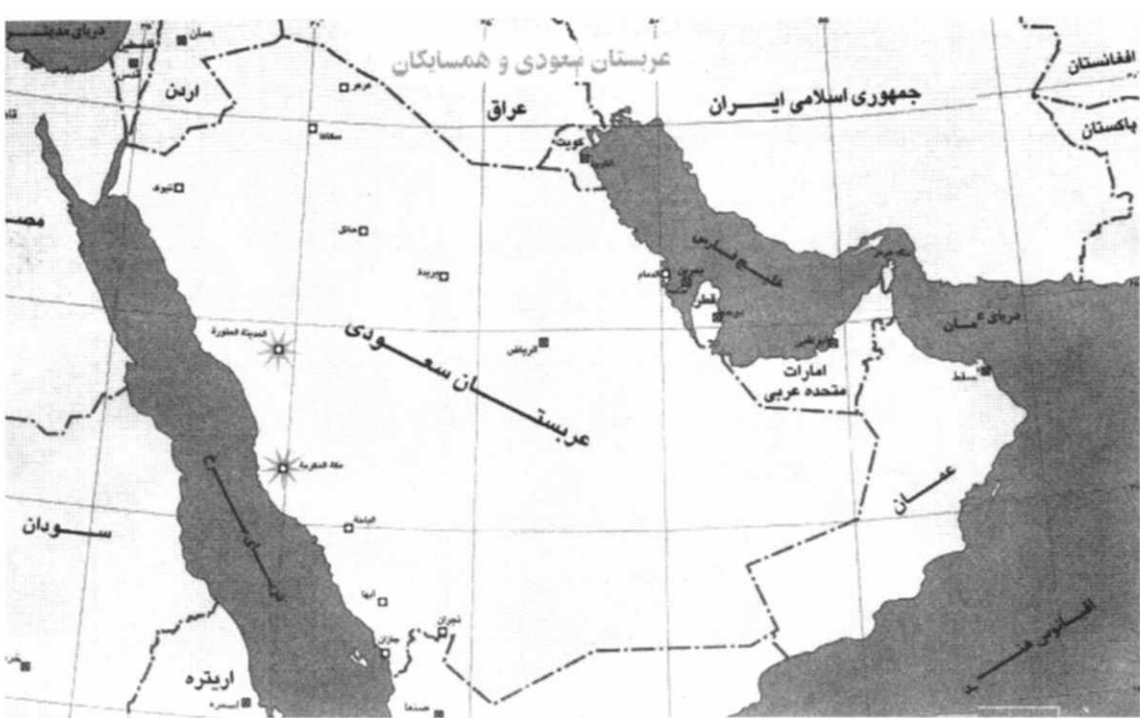
زائر عزیز! با تمامی وجود سعی کن با آب توبه و استغفار زنگار گناه از جسم و جانت بزدایی تا روح و روانت توانایی دریافت تجلیات و انوار الهی را بیابد.

چون در این صورت است که خواهی توانست بهترین بهره را از این سفر معنوی بگیری. هرگز خویشتن را بی‌نیاز از پند و اندرز و راهنمایی‌های دیگران مپندار (که اینگونه پندارها سخت خطرناکند) چون بی‌نیاز مطلق خداست «الله الصمد» و جز او همه فقیرند و نیازمند (يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ).

سعی کن بهترین زاد (= توشه‌ی) راحت تقوی باشد (و تَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَى) ... تلاش کن که بهترین همسفر علم، دانش و آگاهی نسبت به حج، حرمین شریفین و سیره‌ی رسول الله و اصحاب بزرگوارش و تاریخ اسلام باشد.

نگاهی به کشور عربستان سعودی

عربستان سعودی از شمال به اردن و عراق و از جنوب به یمن و عمان و از شرق به کویت، بحرین، قطر و امارات متحده عربی و خلیج فارس و از غرب به دریای سرخ محدود می‌شود و با همسایگان خود دارای ۴۵۳۲ کیلومتر مرز زمینی است:



که با عراق ۸۰۸ کیلومتر؛ اردن ۷۴۲ کیلومتر؛ کویت ۲۲۲ کیلومتر؛ عمان ۶۷۶ کیلومتر؛ قطر ۴۰ کیلومتر؛ امارات عربی متحده ۵۸۶ کیلومتر؛ و با یمن ۱/۴۵۸ کیلومتر مرز مشترک دارد.^۲

پایتخت و شهرهای مهم آن

پایتخت عربستان سعودی، شهر «ریاض» است و با آن که بیش از چند دهه از انتخاب آن به عنوان پایتخت نمی‌گذرد، توسعه‌ی چشمگیری یافته است.

پس از ریاض، مهمترین شهر سیاسی و پایتخت سابق این کشور؛ شهر «جده» است که هنوز نیز اهمیت خود را حفظ نموده و همه‌ی وزارتخانه‌ها در آن شعبه دارند و مقامات سیاسی چند ماه از سال را در آن اقامت می‌گزینند.

پس از جده شهر «طائف»، به دلیل آب و هوایی خوش در اوج گرمای تابستان، که پذیرای مقامات سیاسی و محل تشکیل هیئت / دولت می‌باشد، از اهمیت سیاسی برخوردار است.

شهرهای دیگر این کشور نیز از جهت مذهبی، صنعتی، تجاری و کشاورزی دارای اهمیت می‌باشند.

شهرهای مهم مذهبی عربستان

مهمترین شهر مذهبی این کشور «مکه‌ی مکرمه» است که به علت وجود مسجدالحرام

و برگزاری مناسک حج در آن از قداست خاصی برخوردار می‌باشد، پس از آن شهر «مدینه منوره» به دلیل وجود مسجد و حرم نبوی که آرامگاه رسول الله ﷺ و در کنار

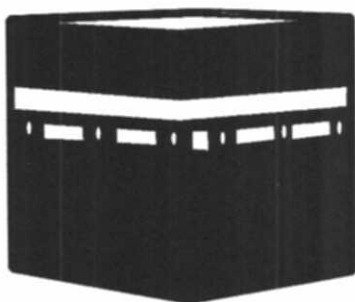


وی ابوبکر صدیق رضی الله عنه و حضرت عمر فاروق رضی الله عنه قبرستان بقیع (که بیش از ده هزار نفر از اصحاب رسول الله در آنجا آرمیده‌اند) دارای اهمیت و جایگاه ویژه‌ای است. این دو شهر، افزون بر اهمیت مذهبی، به دلیل شکل‌گیری تاریخ اسلام در آنها، از اهمیت تاریخی نیز برخوردار می‌باشند.^۳

جمعیت عربستان

برابر آخرین سرشماری اداره‌ی آمار وزارت برنامه‌ریزی، در نیمه‌ی اول سال ۲۰۰۰ میلادی = ۱۴۲۱ هـ ق جمعیت عربستان ۲۰/۸۰۰/۰۰۰ نفر گزارش شده است که در این میان، تعداد افراد بومی ۱۵/۵۸۰/۰۰۰ نفر و افراد خارجی مقیم این کشور ۵/۲۰۰/۰۰۰ نفر می‌باشند.^۴

۳. شناخت عربستان ص ۵۲.



زائر گرامی!

در بیابان گر به شوق کعبه خواهی زد قدم
سرزنش‌ها گر کند خار مگیلان غم مخور





میقات

کلمه‌ی میقات از ریشه‌ی وقت است که به زمان و مکان وقوع فعل اطلاق می‌گردد. میقات یعنی میعادگاه پروردگار.

کلمه‌ی میقات در قرآن کریم در آیات متعددی وارد شده است که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

(و لَمَّا جَاءَ مُوسَىٰ لِمِيقَاتِنَا) (آن یوم الفصل کان میقاتاً)

جمع میقات، مواقیت است (يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَهِلَّةِ قُلْ هِيَ مَوَاقِيتُ لِلنَّاسِ وَالْحَجِّ) میقات در اصطلاح حج عبارت است از: مکان‌هایی که زائر بیت الله الحرام بدون احرام اجازه عبور از آنها را ندارد. میقات بر دو نوع است:

الف) میقات زمانی: که شامل شوال، ذوالقعدة و ده روز اول ذیحجه می‌باشد که بستن احرام حج پس از ورود به میقات زمانی آغاز می‌گردد و بعد از پایان میقات زمانی به اتمام می‌رسد. و به این میقات زمانی ماه‌های حج یا اشهر حج نیز اطلاق می‌گردد. پیش از این ماه‌ها بستن احرام (حج) مکروه تحریمی می‌باشد.^۵



ب) میقات مکانی : مکانهایی هستند که رسول الله ﷺ برای زائران بیت‌الحرام در جهت‌های مختلف مکه‌ی مکرمه تعیین کرده‌اند^۶ که زائران از آن مکانها به بعد بدون احرام اجازه‌ی ورود به سرزمین مقدس وحی را ندارند.

۱ - ذوالحلیفه (ابیار علی) میقات اهل مدینه‌ی منوره و ساکنان آن سمت و جهت می‌باشد.

۲ - جُحْفَه میقات اهل شام، مصر، اهل مغرب و ساکنان آن سمت چون اهل اسپانیا، روم و ... می‌باشد؛ و رابع که امروزه زائران از آن جا محرم می‌شوند به محاذات آن قرار دارد.

۳ - یَلَمْلَم یا یرمرم، میقات اهل یمن و اهل هند و ساکنان آن سمت و جهت می‌باشد.

۴ - ذات عرق میقات اهل عراق، فارس، خراسان مشرق و ساکنان آن سمت می‌باشد.

۵ - قرن المنازل میقات ساکنان نجد یمن و نجد حجاز می‌باشد و فاصله‌ی تقریبی مواقیت مذکور تا مکه‌ی مکرمه به شرح زیر است :

۱ - ذوالحلیفه تا مکه ۴۱۰ کیلومتر؛ ۲ - جحفه تا مکه ۱۸۷ کیلومتر؛

۳ - یلملم تا مکه ۱۳۰ کیلومتر؛ ۴ - ذات عرق تا مکه ۹۰ کیلومتر؛ ۵ - قرن المنازل تا مکه‌ی مکرمه ۸۰ کیلومتر می‌باشد.^۷

حَلّ

فاصله‌ی میان میقات تا حَرَم را حَلّ می‌نامند و ساکنان این منطقه را اهل حَلّ می‌گویند که این افراد برای ادای حج و عمره از منازل خویش مُحَرَم می‌شوند.^۸

حَرَم

اطراف و جوانب مکه‌ی مکرمه را (تا محدوده‌ی معینی) حَرَم گویند که خداوند متعال بخاطر حرمت بیت‌الله الحرام آنجا را نیز از این امتیاز برخوردار نموده است.^۹ الله تبارک و تعالی بخاطر تعظیم و بزرگداشت بیت الله الحرام آنرا حرم قرار داده و آنجا

۶. تاریخ مکه المکرمه قدیمآ و حدیثاً ص ۴۲.

۷. مصدر فوق ص ۶۲

۸. تاریخ المکه المکرمه قدیمآ و حدیثاً ص ۴۲.

را مکان امن اعلام نموده است. حتی برای پرندگان، درختان و (حیوانات)؟!

حدود حرم همانند دایره‌ای بر اطراف مکه‌ی مکرمه می‌باشد که برخی از جوانب آن از دیگر جوانب به مکه‌ی مکرمه نزدیکتر است.

اولین کسی که حدود حرم را علامتگذاری کرد حضرت ابراهیم خلیل علیه السلام بود که حضرت جبرائیل علیه السلام آنها را به وی نشان می‌داد و او علامت‌گذاری می‌کرد. این علامتها در جای خود باقی بودند تا اینکه در سال فتح مکه توسط «تمیم بن اسد خزاعی» به دستور رسول الله صلی الله علیه و آله تجدید شدند و در زمان سیدنا حضرت عمر ابن خطاب رضی الله عنه که ایشان چهار نفر از قریش را فرستاد و آنها را تجدید نمودند.

و هم‌اکنون بر شاهراههایی که به مکه‌ی مکرمه می‌رسند در مکانهای ویژه (حدود) حَرَمِ علامتها و تابلوهایی نصب شده است:

- ۱ - در راه جدّه از غرب (حدود حرم) در مکان «شَمِیسی» (حدیبیه) می‌باشد و ۲۲ (=بیست و دو) کیلومتر از مکه فاصله دارد.
- ۲ - در جنوب (در مکانی بنام) «أَضَاءَةُ لَیْن» در راه یمن که از تهامه می‌آید می‌باشد و دوازده ۱۲ کیلومتر با مکه‌ی مکرمه فاصله دارد.
- ۳ - در شرق کناره‌های وادی غربی «عُرنه» می‌باشد و پانزده ۱۵ کیلومتر با مکه‌ی مکرمه فاصله دارد.
- ۴ - شمال شرقی از راه جعرانه نزدیک روستای «شرائع المجاهدین» می‌باشد و ۱۶ (= شانزده) کیلومتر با مکه‌ی مکرمه فاصله دارد.
- ۵ - در شمال حدّ آن «تنعیم» است و ۷ هفت کیلومتر فاصله دارد.^{۱۰}

حکم حرم

در محدوده‌ی حرم تعرض به هیچ‌کس و هیچ‌چیز جایز نیست حتی شکار کردن و یا شکستن شاخه‌ی درختی، برابر است که محرم باشیم یا نباشیم.

مسجد الحرام

﴿سُبْحَنَ الَّذِي أَسْرَىٰ بِعَبْدِهِ، لَيْلًا مِّنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَا الَّذِي بَرَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنَ الْأَيْنَانِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ﴾ (اسراء: ۱)

مسجد الحرام مسجدی است که خانه‌ی کعبه در آن قرار دارد و در شهر مقدس مکه‌ی مکرمه واقع است.

رسول الله ﷺ فرمودند: (صَلَاةٌ فِي مَسْجِدِي هَذَا أَفْضَلُ مِنْ أَلْفِ صَلَاةٍ فِيْمَا سِوَاهُ إِلَّا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ، وَ صَلَاةٌ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ أَفْضَلُ مِنْ مِائَةِ أَلْفِ صَلَاةٍ)^{۱۱}

«یک نماز در این مسجد من (مسجد نبوی) برتر از هزار نماز در دیگر مساجد است مگر مسجد الحرام، و یک نماز در مسجد الحرام برتر از یکصد هزار نماز - در سایر مساجد می‌باشد -» مسجد الحرام اولین مسجدی است که بر روی کوهی خاکی بنا شده است.

(عَنْ أَبِي ذَرٍّ قَالَ: سَأَلْتُ رَسُولَ اللَّهِ عَنْ أَوَّلِ مَسْجِدٍ وُضِعَ فِي الْأَرْضِ؛ قَالَ: الْمَسْجِدُ الْحَرَامُ، قُلْتُ: ثُمَّ أَيٌّ؟ قَالَ الْمَسْجِدُ الْأَقْصَى قُلْتُ كَمْ بَيْنَهُمَا؟ قَالَ: أَرْبَعُونَ عَامًا، ثُمَّ الْأَرْضُ لَكَ مَسْجِدٌ فَحَيْثُمَا أَدْرَكَتْكَ الصَّلَاةُ فَصَلِّ)^{۱۲}

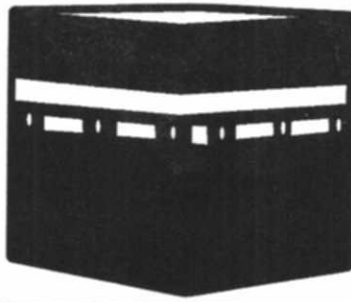
حضرت ابوذر روایت می‌کند که از رسول الله ﷺ از اولین مسجدی که در روی زمین بنا شده است پرسیدم. فرمودند: مسجد الحرام. گفتم: بعد از آن کدام است؟ فرمودند: مسجد الاقصی.

گفتم: فاصله‌ی - میان ساخت آندو چقدر بوده است. فرمودند: چهل سال، سپس تمام زمین برای تو مسجد است هر کجا که وقت نماز رسید نماز بخوان.

(لَا تَشْدُ الرِّحَالُ إِلَّا إِلَى ثَلَاثَةِ مَسَاجِدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ، وَ مَسْجِدِي هَذَا وَ الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى) متفق علیه

۱۱. اخرجه احمد ۷۹۳ - ۲۴۳/۳.

۱۲. مسلم ۰۲۵.



زائر عزیز!

قبل از سفر موارد زیر را تهیه کن و در
سفر همراه داشته باش :

۱- حوله؛

۲- ناخن گیر؛

۳- مسواک و خمیر دندان؛

۴- قیچی کوچک؛

۵- شانه؛

۶- ماشین تراش همراه با تیغ؛

۷- اگر عینکی هستی بند عینک؛

۸- خواهران، لوازم ضروری که در ایام
قاعدگی بدان‌ها نیاز پیدا می‌کنند.

۹- مقداری از داروهای که مصرف
می‌کنید

۱۰- برادران، دمپایی احرام و لباس احرام



مطاف

گرداگرد بیت الله شریف را که زائران در آنجا به طواف می‌پردازند و هیچ بنایی بجز مقام ابراهیم وجود ندارد، مطاف می‌گویند و هیچ لحظه‌ای در شبانه‌روز نیست که مطاف از خیل طواف‌کنندگان خالی باشد.

هم‌اکنون مطاف با سنگ مرمر سرد که در برابر نورخورشید مقاوم هستند (و گرم نمی‌شوند) پوشانده شده و برای طواف‌کنندگان امکان طواف در گرمای بسیار شدید به صورت پابره‌نه امکان‌پذیر می‌باشد و در کلیه‌ی جهت‌های آن - برای رفاه حال طواف‌کنندگان - آب زمزم خنک و گوارا مهیا می‌باشد.

وجه تسمیه / علت نامگذاری

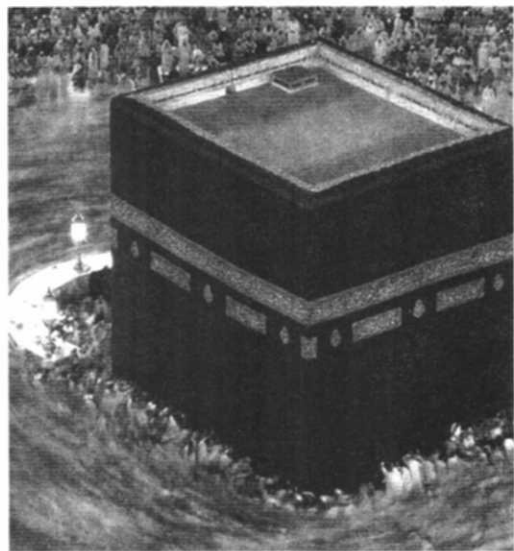
مطاف اسم مکان از طاف یطوف است یعنی مکان طواف کردن و دورزدن، و چون حجاج زائر در آن مکان به دور خانه‌ی کعبه می‌گردند، دور می‌زنند و طواف می‌کنند مطاف نامیده شده است.

طواف

(و طَهَّرَ بَيْتِي لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرَّكْعِ السَّجُودِ)

طواف عبارت است از دورزدن و گشتن حول بیت الله الحرام که هر طواف دارای هفت دور می‌باشد و هر دور از حجرالاسود شروع شده و مجدداً در همانجا به پایان می‌رسد. و هر دور کامل یک «شوط» نامیده می‌شود.

طواف قریب به ۴۰۰۰ / چهار هزار سال قبل که حضرت ابراهیم علیه السلام خانه‌ی کعبه را



بنیاد نهاد شروع و آغاز شده است و تا روزی که خداوند وارث زمین گردد همچنان ادامه خواهد داشت و هرگز - منقطع نمی گردد - و پایان نمی یابد.^{۱۳}

می توان گفت که طواف همانند نمازی است که هفت رکعت دارد و تا هفت رکعت آن بجا آورده نشوند کامل نمی گردد.

وجه تسمیه / علت نامگذاری

ابوالهیثم می گوید: الطَّائِفُ الْخَادِمُ الَّذِي يَخْدُمُكَ بِرَفْقٍ.

طواف کننده به خدمتگزاری که به نرمی و ملایمت خدمت تو را می کند انجام می دهد گفته می شود.^{۱۴}

و چون طواف کنندگان در آنجا به نرمی به طواف، عبادت، تلاوت و دعا می پردازند و در واقع خدمت مولای خویش را بجا می آورند به همین خاطر این عمل طواف نامیده شده است.

فضایل طواف

(عن ابن عباس رضی الله عنه قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله مَنْ طَافَ بِالْبَيْتِ خَمْسِينَ مَرَّةً خَرَجَ مِنْ ذُنُوبِهِ كَيَوْمٍ وَلَدَتْهُ أُمُّهُ)^{۱۵}.

رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: کسی که پنجاه مرتبه طواف نماید از گناهانش بیرون می آید همچون روزی که از مادر متولد شده است.

۱۳. معجم المناسک ص ۳۶۱.

۱۴. تهذیب الاسماء واللغات ص ۸۱/۳.

مراد پنجاه طواف هست که هر طواف هفت شوط (= دور) می باشد و لازم نیست که این پنجاه طواف را پشت سر هم انجام دهد بلکه کافی است در طول عمرش پنجاه طواف را بجا آورده باشد.^{۱۶}



برای برتری و فضیلت طواف همین بس که خداوند متعال به حضرت ابراهیم (ع) اعلام می دارد که (وَعَهْدُنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَنَّ طَهْرًا بَيْتِي لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ) (بقره: ۱۲۵) بیت مرا (بیت الله) را برای طواف کنندگان و مجاوران و رکوع کنندگان و سجده کنندگان پاک و پاکیزه کنند.

طواف کنندگان را بر سایرین مقدم می دارد و این خود دلیل بر فضیلت طواف است و از طرفی همه ی عبادت های دیگر را می توان در هر کجا انجام داد اما طواف را جز در مکه و آن هم در کنار بیت الله جای دیگری نمی توان انجام داد.

عن ابن عباس رضی الله عنه قال قال رسول الله ﷺ: «يَنْزِلُ عَلَىٰ هَذَا الْبَيْتِ كُلَّ يَوْمٍ وَلَيْلَةٍ عَشْرُونَ وَمِئَةً رَحْمَةً سِتُونَ مِنْهَا لِلطَّائِفِينَ بِالْبَيْتِ وَأَرْبَعُونَ لِلْعَاكِفِينَ حَوْلَ الْبَيْتِ وَعَشْرُونَ لِلنَّازِلِينَ إِلَى الْبَيْتِ»^{۱۷}

رسول الله ﷺ فرمودند: «در هر شبانه روز ۱۲۰ یکصد و بیست رحمت بر بیت الله نازل می شود که ۶۰ شصت رحمت مختص طواف کنندگان و چهل ۴۰ رحمت متعلق به مجاوران (و در روایتی و نمازگزاران) و بیست ۲۰ رحمت متعلق به کسانی است که به بیت الله نگاه می کنند.»

عن ابن عمر رضی الله عنه قال: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ: مَنْ طَافَ بِهَذَا الْبَيْتِ اسْبُوعًا فَاحْصَاهُ كَانَ كَعَتَقِ رَقَبَةٍ وَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ: لَا يَضَعُ قَدَمًا وَلَا يَرْفَعُ أُخْرَى إِلَّا حَطَّ اللَّهُ عَنْهُ خَطِيئَةً وَ كَتَبَ لَهُ بِهَا حَسَنَةً»^{۱۸}

حضرت عبدالله بن عمر رضی الله عنهما فرمودند: شنیدم که رسول الله ﷺ فرمودند: کسی که یک طواف (= هفت شوط) بیت الله را انجام دهد ثواب آن برابر با آزاد کردن یک برده است و به هنگام طواف هر قدمی را که بر می دارد یک گناه از نامه ی اعمالش پاک می شود و هر قدمی را که می گذارد یک ثواب در نامه ی اعمال او ثبت می شود.

۱۶. همان.

۱۷. القرى لقاصدام القرى ص ۵۲۳ اخرجها ابوذر و الازرقى.

۱۸. سنن الترمذی حدیث شماره ۹۵۹.



در مورد فضیلت طواف روایات بیشمارى وجود دارد ولى از آنجائى که قصد ما بر اختصار است به ذکر موارد فوق اکتفا کردیم خلاصه: زائر گرامى! تا مى توانى در مکه ی مکرمه طواف بیت الله را بجا آور و فرصت غنیمت شمار.

غافل مباش از عاقلی دریاب اگر صاحب دلی
باشد که نتوان یافتن دیگر چنین ایام را
قدر وقت از شناسد دل و کارى نکند بس خجالت کزین حاصل اوقات بریم.

آداب طواف

رسول مکرم اسلام ﷺ فرمودند: «طواف دور بیت الله همچون نماز است با این تفاوت که در نماز اجازه ی صحبت کردن نیست و در طواف اجازه ی صحبت کردن است پس کسی که در طواف صحبت می کند جز سخن نیک نگوید.»^{۱۹}
شایسته است که طواف کننده با تمامی وجود متوجه الله تبارک و تعالی باشد و با حضور قلب خیر دنیا و آخرت را از او بطلبد.^{۲۰}

رَمَل

رَمَل عبارت است: از اینکه زائر در طواف یعنی سه دور اول آن همچون پهلوانان و مردان جنگی قهرمانانه قدم برمی دارد (شتابان راه می رود) که نشان از قدرت و شوکت وی دارد. اما اینک می خواهیم بدانیم سرآغاز رَمَل کجا بوده و چگونه پدید آمده است؟
از عبدالله بن عباس رضی الله عنه روایت است که گفت: رسول الله ﷺ و اصحاب وی به مکه ی مکرمه آمدند، مشرکان گفتند: گروهی آمده اند که تب یثرب (= مدینه ی منوره) ایشان را ضعیف و ناتوان کرده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به یاران خویش گفت که در سه دور نخستین طواف رَمَل کنند و میان دو رکن یعنی رکن یمانی و رکن حجرالاسود بطور عادی راه بروند و آن حضرت صلی الله علیه و آله را چیزی مانع نشد که امر کند در همه شوطها رمل کنند مگر شفقت^{۲۱} و مهربانی (بر آنان و بر امت).

اضطباع

زائر عزیز! بدانکه اضطباع عبارت است از اینکه: پیش از آنکه طواف آغاز نمایی حوله ی

۱۹. ترمذی شماره ۶۹ باب ماجاء فی الکلام فی الطواف.

۲۰. تاریخ مکه قدیما و حدیثا ص ۱۷.

۲۱. همانند هر دو دوش را فرهنگ جامع ۷۲۲ از احمد سیاح

۲۲. بخاری حدیث شماره ۲۰۶۱.

احرام را روی دوش (شانه‌های) خود قراردهی و سپس یک گوشه‌ی آن را بر روی شانه‌ی چپ بنهس و گوشه‌ی دیگر آن را از زیر بغل دست راست خارج کنی و دوباره بر روی شانه‌ی چپ بیندازی، به گونه‌ای که دست راست تو همراه با شانه‌ی راست زیر حوله‌ی احرام قرار نگیرد.



۵۵

لازم به یادآوری است که اضطباع ویژه‌ی مردان هست و آن هم در طوافی انجام می‌گیرد که بعد از آن سعی صفا و مروه باشد اضطباع در هر هفت شوط ضروری است.^{۲۳}

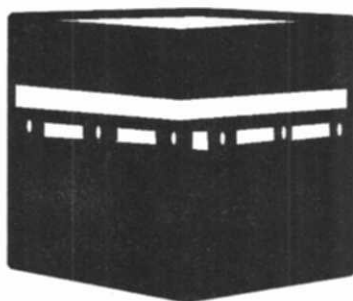
لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ

آغاز تلبیه (لبیک)

(لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ، إِنَّ الْحَمْدَ وَالنَّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكُ لَا شَرِيكَ لَكَ)

گویند آنگاه که الله تبارک و تعالی به حضرت ابراهیم علیه السلام امر کرد که برای مردم ندا در دهد و آنان را به سوی حج فراخواند او بر روی سنگ مقام و در پارهای از روایات بر روی کوه صدا زد و مردم را به سوی حج فراخواند و به هر سمتی که صدا می‌زد جواب «لبیک لبیک» می‌شنید، و لبیک از اینجا آغاز شد.

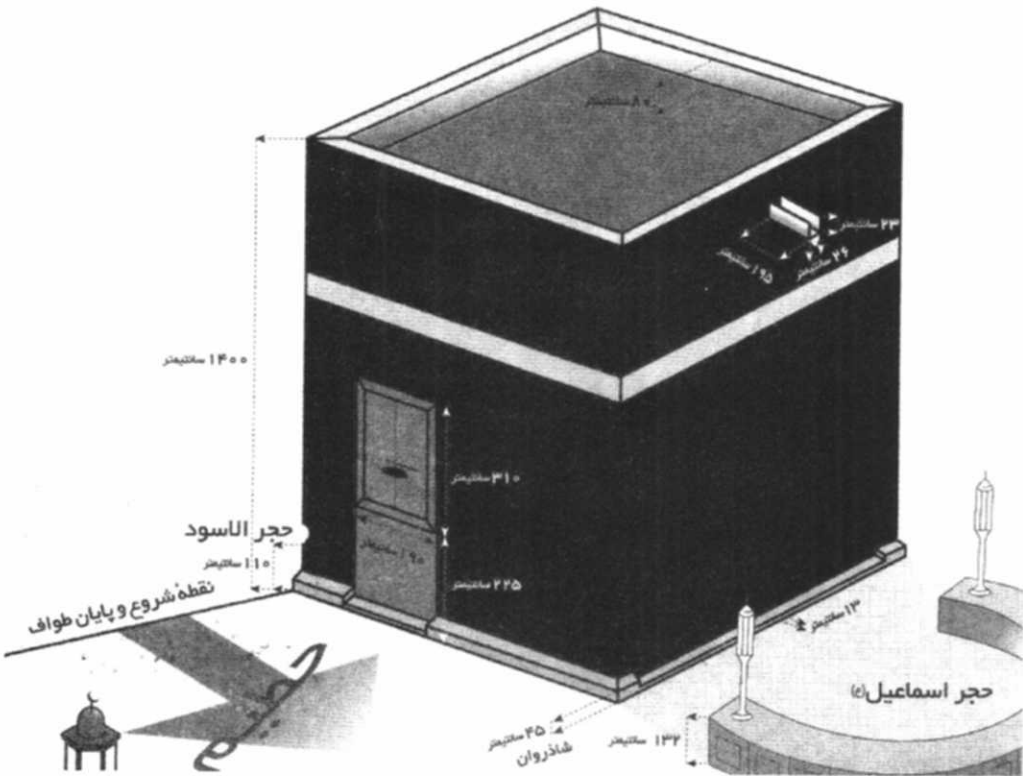
و گروهی را نظر بر آن است که پس از آنکه خانه‌ی کعبه بعد از طوفان نوح غرق شد و الله تبارک و تعالی به حضرت ابراهیم دستور داد که پاره‌ی ابری را دنبال کند - تا او را مکان خانه‌ی کعبه بنمایاند - و هرگاه حضرت ابراهیم صدا زده می‌شد. در جواب می‌گفت: لبیک، لبیک.^{۲۴}



زائر عزیز!

همیشه سعی کن خونسرد باشی
و گذشت داشته باش
وازلغزشهای مردم در گذری.

ابعاد کعبه شریفه و محدوده مطاف



حطیم^{۲۵} (= حجر)

حطیم یک دیوار نیم دایره‌ای شکل است که مابین رکن عراقی و رکن شامی قرار دارد. که در واقع قسمت داخلی آن را حطیم یا حجر اسماعیل علیه السلام گویند. و میزاب رحمت هم در آن قرار دارد.^{۲۶}

علت نامگذاری :

الف) هنگامیکه قریش خانه‌ی کعبه را بازسازی نمودند این قسمت از بیت الله را کاستند و بخاطر عدم کفاف هزینه آن را از بیت الله خارج کردند به همین خاطر آن را حطیم گویند. حُطِمَ مِنَ الْبَيْتِ اِی کُسِرَ مِنْهُ^{۲۷}.

ب) در زمان جاهلیت هنگامی که اعراب برای طواف می‌آمدند لباسهای خود را آنجا

۲۵. بعضی فاصله‌ی میان حجرالاسود و مقام ابراهیم علیه السلام و زمزم را حطیم نامند ولی قول راجح آن است که ذکر شد. شفاء الغرام ۱/۳۷۴.

۲۶. تهذیب الاسماء و اللغات ۷۷/۳.
۲۷. تاریخ مکه المکرمه قدیمه و حدیث ص ۶۴ - تاریخ المکه المکرمه ص ۵، معجم المناسک ص



می‌انداختند تا به مرور زمان تکه‌تکه می‌شدند و به همین خاطر آنجا را حطیم گویند.^{۲۸}
 (ج) امام نووی گوید: بخاطر ازدحام بسیار زیاد مردم که بخاطر دعا کردن در آنجا صورت می‌گیرد، آنجا را حطیم نامگذار کردند گویا که بخاطر ازدحام مردم همدیگر را درهم می‌شکنند.^{۲۹}

(د) گویند که حضرت ابراهیم علیه السلام در قسمت آخر آن یعنی چسبیده به دیوار حطیم - سایه‌بانی را برای حضرت هاجر و حضرت اسماعیل درست کرد، و به همین خاطر آن را حجر اسماعیل گویند.^{۳۰}

فضایل :

۱ - زیر میزاب و داخل حطیم دعا اجابت می‌گردد - از سلف صالح چنین روایت شده است.^{۳۱}

۲ - ام المؤمنین عایشه رضی الله عنها روایت می‌کند که دوست داشتم داخل بیت الله شریف نماز بخوانم، لیکن رسول مکرم اسلام دستم را گرفت و مرا وارد حجر نمود و فرمودند: اگر می‌خواهی داخل بیت الله بروی در اینجا نماز بخوان که آن بخشی از بیت الله است.^{۳۲}

۳ - حضرت عبدالله بن عباس رضی الله عنه فرمودند: در مصلی اخیار نماز بگذارید و از نوشیدنی ابرار بنوشید. گفته شد مصلی اخیار کجاست؟ فرمود: زیر میزاب. گفته شد شراب ابرار چیست؟ فرمود: آب زمزم.

تذکر ۱: لازم به یادآوری است که فاصله‌ی میان دیوار حطیم و دیوار بیت الله هشت متر و چهل و شش ۸/۴۶ سانتیمتر است که فقط مقدار سه متر از آن که در جهت بیت الله قرار دارد جزء بیت الله می‌باشد.^{۳۳}

طول دیوار از بیرون	مقدار ورودی مقابل	مقدار ورودی سمت ملتزم	بخش موجودیت الله در حطیم	فاصله میان دیوار حطیم و دیوار بیت	فاصله میان دو ورودی	عرض دیوار	ارتفاع دیوار حطیم
م ۲۱/۵۷	م ۲/۲۳	م ۲/۲۹	م ۳	۸ / ۴۶	م ۸/۴۶	م ۱/۵۵	م ۱/۳۲

۲۸. معجم ص ۶۹

۲۹. تهذیب الاسماء واللغات ص ۱۸/۳.

۳۰. تاریخ مکه المکرمة قدیمآ و حدیثآ ص ۶۴.

۳۱. همان مصدر ۹۴.

۳۲. ترمذی ۶۷۸.

۳۳. ابن کمال الدین قدس سره ج ۱ ص ۹۴.

تذکر ۲: عبور طواف کننده میان حطیم و بیت الله جایز نیست چون خداوند فرمودند: ﴿ثُمَّ لْيَقْضُوا تَفَثَهُمْ وَلْيُوفُوا نُذُورَهُمْ وَلْيَطَّوَّفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ﴾ (حج: ۲۹)

پس باید طواف کاملاً بر بیت عتیق انجام گیرد در صورتیکه مقدار سه متر آن داخل حطیم قرار دارد، بنابراین باید طواف کنندگان پشت حطیم طواف کنند.^{۳۴} اگر چنانچه کسی میان بیت الله و حطیم طواف نمود طواف وی درست نیست باید آن را اعاده نماید.

تذکر ۳: قبلاً گذشت که قریش بخاطر کسر بودجه این بخش از بیت الله را از آن خارج کردند. و هنگامیکه رسول مکرم اسلام مکه‌ی مکرمه را فتح نمودند دوست داشتند که مجدداً خانه‌ی کعبه را تجدید بنا نمایند و آن قسمت باقیمانده را داخل آن بگردانند اما بنابه دلایلی این کار را انجام ندادند، به روایت زیر توجه نمایید:

«ام المؤمنین عایشه رضی الله عنها گفت: از رسول الله درباره‌ی دیوار گرد (نزدیک کعبه) سؤال کردم، آیا آن از کعبه بوده است؟ فرمودند: آری، گفتم چرا آن را داخل خانه‌ی کعبه نکردند؟ فرمود: هزینه و مخارج ساخت آن نزد قوم کم آمد (-) و به همین خاطر نتوانستند آن را داخل بیت بگردانند و از کعبه خارج ماند (-) گفتم: پس چرا دروازه‌ی آن از سطح زمین بلند است؟ فرمودند: «قوم تو آن را بدان سبب انجام دادند که هرکسی را که بخواهند که داخل خانه شود بگذارند و هرکس را که نخواهند نگذارند و اگر قوم تو به عهد جاهلیت نزدیک نمی بودند و نمی ترسیدم که این کار بر دلهای آنان دشوار آید، در آن صورت زمین داخل دیوار را (-) که از بیت خارج مانده) در بنای خانه‌ی کعبه وارد می نمودم و دروازه اش را هم سطح زمین قرار می دادم.»^{۳۵}

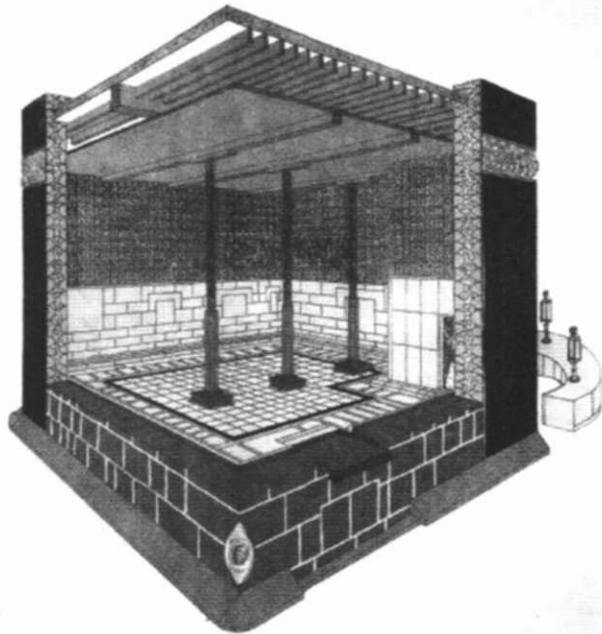
تذکر ۴: البته در زمان خلافت عبدالله بن زبیر رضی الله عنه خانه‌ی کعبه مطابق خواست رسول الله درست کرده شد ولی بعد از او در زمان حکمرانی عبدالملک بن مروان مجدداً تخریب شده به شکل سابقش که شکل کنونی باشد درست شد.

بعدها عبدالملک از کرده‌ی خویش پشیمان شد و گفت اگر این حدیث را قبلاً شنیده بودم هرگز به چنین کاری اقدام نمی کردم.^{۳۶} و در زمان خلافت بنی عباس

۳۴. تاریخ مکه المکرمه ص ۵۰۵.

۳۵. صحیح البخاری حدیث شماره ۴۸۵۱.

۳۶. صحیح البخاری حدیث شماره ۳۳۳۱ فتح الباری ۵۳/۳.



هارون الرشید رحمته الله از امام مالک رحمته الله

پرسید که به خاطر حدیث فوق الذکر، چگونه است که خانه‌ی کعبه را تخریب و سپس براساس آن روایت درست کند؟ امام مالک فرمودند: خانه‌ی کعبه را بازیچه‌ی دست پادشاهان قرار مده که هرکس به دلخواهش آن را تخریب و سپس درست کند که در آن صورت هیبت آن از دل مردم بیرون می‌رود، و هارون الرشید پذیرفت، و خانه‌ی کعبه بر حالت خویش تا به امروز باقی ماند.^{۳۷}

میزاب رحمت

ناودانی است که بر بام خانه‌ی کعبه بالای حطیم قرار دارد تا هنگام شستشوی سقف (پشت‌بام) و هنگام بارندگی، آب به پایین بریزد.

نخستین بار قریش هنگامی که خانه‌ی کعبه را تجدید بنا نمودند (و عمر مبارک رسول الله صلی الله علیه و آله در آن زمان ۳۵ سال بود) و بر آن سقف زدند، ناودان را گذاشتند.^{۳۸}

بعد از قریش عبدالله بن زبیر رضی الله عنه نیز که در زمان خلافتش خانه‌ی کعبه را تجدید بنا نمود، میزاب را قرار داد و همچون قریش مصب (محل ریزش آب) آن را در حجر اسماعیل گذاشت.

۳۷. فتح الباری ۱۵۳/۳ و تاریخ مکه المکرمة قدیما و حدیثا ص ۹۴ و بعضی گویند که مهدی و

بعضی گویند منصور، از امام مالک رحمته الله پرسید فتح الباری ۱۵۳/۳.

میزاب (ناودان) موجود که در خانه‌ی کعبه قرار دارد براساس و مقیاس میزان توسط سلطان عبدالمجیدخان - عثمانی - در قسطنطنیه ساخته شده در سال ۱۲۷۳ ه. ق. به بیت‌الله هدیه شده است توسط خادم حرمین شریفین ملک فهدبن عبدالعزيز آل سعود ساخته شده و نصب گردیده است.^{۳۹}

سایر مشخصات میزاب رحمت

عرض آن	ارتفاع آن	مقداری که ازدیوار بیرون است	مقداری که داخل دیوار است	طول کامل آن
۲۶سم	۲۳سم	۱/۷۹۵م	۵۸ سم	۲/۵۳م

فضایل

(عن ابن عباس قَالَ صَلُّوا فِي مُصَلَّى الْأَخْيَارِ وَاشْرَبُوا مِنْ شَرَابِ الْأَبْرَارِ، قِيلَ لَابْنِ عَبَّاسٍ: مَا مُصَلَّى الْأَخْيَارِ؟ قَالَ: تَحْتَ الْمِيزَابِ، قِيلَ وَمَا شَرَابُ الْأَبْرَارِ؟ قَالَ: مَاءُ زَمْزَمَ)^{۴۰}

حضرت عبدالله بن عباس رضی الله عنه فرمودند: در مصلاهی اخیار نماز بخوانید و از نوشیدنی ابرار بنوشید، پرسیده شده مصلاهی اخیار کجاست؟ فرمودند: زیر میزاب رحمت، به ابن عباس گفته شد: نوشیدنی ابرار چیست؟ فرمود: آب زمزم.

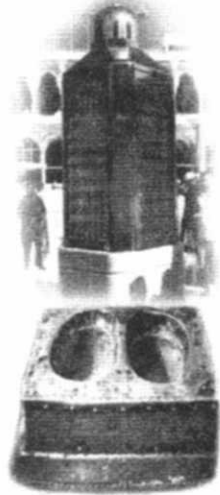
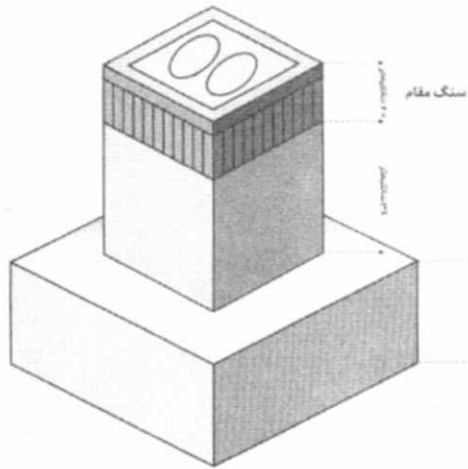
تذکر: از عطاء روایت شده که فرمود: کسیکه زیر میزاب رحمت بایستد و دعا کند دعایش اجابت کرده می‌شود و از گناهانش بیرون می‌آید همچون روزی که از مادر متولد شده است. این گفته ضعیف است و قابل استدلال نمی‌باشد. چون از امور غیبی است و نه رسول الله صلی الله علیه و آله آن را بیان داشته است و نه احدی از صحابه‌ی کرام رضوان الله علیهم اجمعین.^{۴۱}

مقام ابراهیم علیه السلام

(وَاتَّخِذُوا مِنْ مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى)

۳۹. مکه المکرمة قدیما و حدیثا ص ۵. بعضی گویند در سال ۶۷۲۱ توسط سلطان عبدالمجیدخان نصب گردیده است. لبیک اللهم لبیک ص ۲۱.

۴۰. لبیک اللهم لبیک ص ۳۱. تاریخ مکه المکرمة ص ۲۵. سنده جید و موقوف علی ابن عباس



(فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَّقَامُ إِبْرَاهِيمَ)

(عن ابن عباس رضي الله عنه قال: أَنْزَلَ اللَّهُ الرُّكْنَ وَالْمَقَامَ مَعَ آدَمَ لَيْلَةَ نَزَلِ)^{۴۲}

حضرت عبدالله بن عباس رضي الله عنه روایت می کند که خداوند متعال رکن - سنگ حجر الاسود - و مقام ابراهیم را به همراه حضرت آدم وقتی که فرود آمد نازل نمود.

مقام ابراهیم سنگی است که حضرت ابراهیم عليه السلام هنگام بنای خانه ی کعبه روی آن می ایستاد و هرگاه دیوارهای خانه کعبه بالا می رفت سنگ مقام ابراهیم نیز موازی دیوار بالا می رفت.^{۴۳}

و از آنجائیکه این عمل حضرت ابراهیم مورد قبول و رضای الهی بود الله تبارک و تعالی اثر قدمهای آنحضرت را برای تذکره و یادبود وی برای مؤمنان از فرزندانش و درس عبرتی برای آنها و سایرین قرار داد.

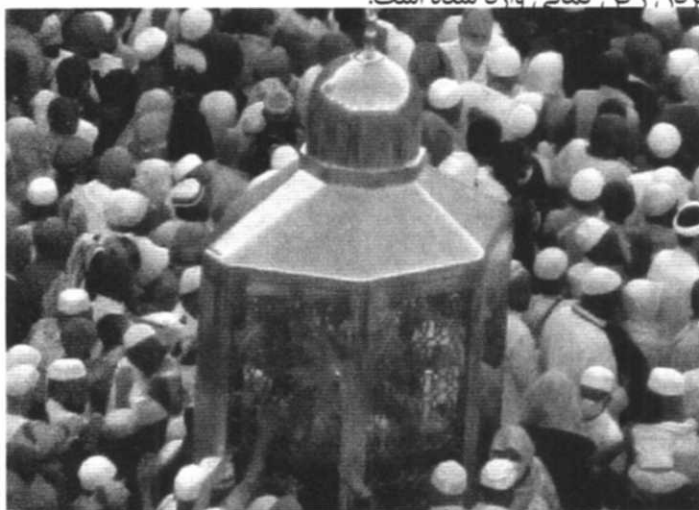
از زمان حضرت ابراهیم عليه السلام به بعد مقام چسبیده به بیت الله بود تا آنکه حضرت عمر رضي الله عنه مشاهده نمودند که برقرار گذاشتن مقام در جای اصیلش موجب ضیق و دشواری بر طواف کنندگان یا نمازگذاران می شود، آنرا در مکان - فعلی - قرار داد و مؤخر نمود تا این مشکل برطرف شود.

حضرت عایشه رضي الله عنها روایت می کند که مقام ابراهیم در زمان رسول الله صلی الله علیه و آله و در زمان حضرت ابوبکر صدیق رضي الله عنه به بیت الله چسبیده بود، سپس حضرت عمر رضي الله عنه آنرا مؤخر نمود و هیچ احدی از صحابه ی کرام رضی الله عنهم اجمعین عمل حضرت عمر رضي الله عنه انکار

نمودند و نه کسانی که بعد از او آمدند، بنابراین - امت تا به امروز - بر این عمل اجماع نمودند.^{۴۴}

﴿وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنًا وَاتَّخِذُوا مِن مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى وَعَهِدْنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَن طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْقَائِمِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ﴾ (۱۲۵) ﴿بقره: ۱۲۵﴾
در سه مورد نظر من با حکم الله تبارک و تعالی موافق بوده است یکی اینکه گفتم: یا رسول الله! یکاش مقام ابراهیم را مصلی قرار می دادیم، آیه فوق نازل شد - و به این امر دستور داد.

تذکر: لمس کردن و بوسیدن مقام ابراهیم سنت نیست بلکه سنت فقط در لمس کردن و بوسیدن حجر الاسود و لمس کردن رکن یمانی وارد شده است.



اما متأسفانه گروهی از حجاج و زائرین محترم به اینکار اقدام می نمایند که صحیح نیست، عملی صحیح است که مطابق با سنت باشد.

حضرت عبدالله بن زبیر گروهی را دید که مقام ابراهیم را لمس می کنند فرمودند: شما به لمس کردن آن دستور داده نشده اید. بلکه شما به خواندن نماز نزد آن مأمور هستید.^{۴۵}

شاذروان^{۴۶}

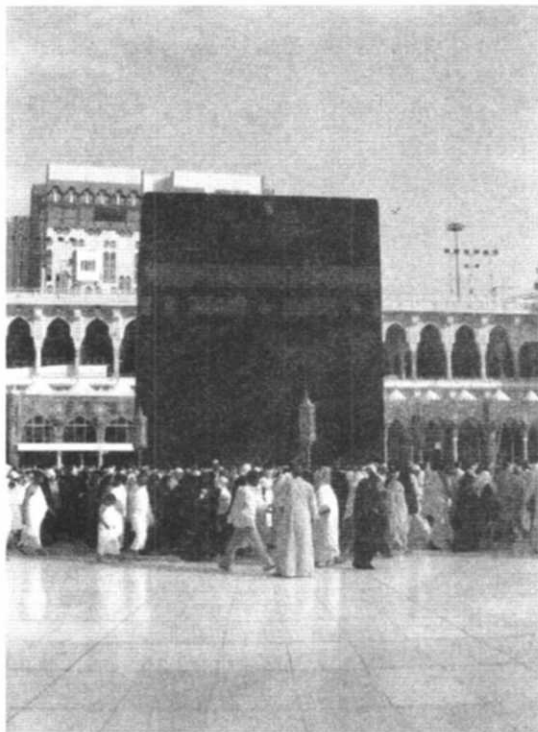
شاذروان بنای برجسته‌ی کوهانمانندی است که در پایین دیوارهای خانه کعبه و متصل به مطاف بجز در جهت حطیم می باشد. ارتفاع آن از سطح مطاف ۱۳ سانتیمتر و عرض آن ۴۵ سانتیمتر است که زائران بر روی

۴۴. تاریخ المکه المکرمة قدیمآ و حدیثآ ص ۹۴ - شفاء الغرام باخبار البلد الحرام ۳۹۳/۱ مصنف عبدالرزاق.

۴۵. اخبار مکه از فاکهانی شماره ۴۰۰/۱.
۴۶. تلفظ صحیح کلمه به فتح دال و سکون را یعنی شاذروان می باشد. تهذیب الاسماء ۲۶۱/۳.

آن می‌ایستند و در بارگاه الله تبارک و تعالی تضرع و زاری می‌نمایند و شکم، سینه و دستهای خود را به بیت‌الله الحرام می‌چسبانند.

اصل شاذروان از اصل دیوار کعبه‌ی معظمه هنگامیکه براساس بنای قواعد ابراهیم علیه السلام بود می‌باشد و قریش از عرض اساس دیوار از روی زمین آن را کم کردند.



و گفته شده که حضرت عبدالله بن زبیر رضی الله عنه برای حمایت دیوارهای خانه‌ی کعبه از نفوذ و سرایت آب و بستن پرده کعبه مشرفه در حلقه‌های ثابت شاذروان را درست کرده است.

شاذروان دارای ۵۵ (پنجاه و پنج) حلقه مسی برای بستن پرده خانه کعبه می‌باشد که بر آن نصب شده‌اند.^{۴۷}

پرده‌ی خانه‌ی کعبه در گذر زمان

حرمت و مقام والای خانه‌ی کعبه بر کسی پوشیده نیست و

امروزه همه مشاهده می‌کنند که خانه‌ی کعبه با پرده‌ای سیاه‌رنگ و بسیار نفیس پوشیده شده و همه ساله این پرده تعویض و تجدید می‌شود.

گویند نخستین کسیکه پرده بر خانه‌ی کعبه پوشیده پادشاهی از اهل یمن که به «تَبَع» شهرت داشت و نام اصلی وی ابو کرب تبان اسعد بن یُکی کرب بن زید بود.

از آنجا که لشکر فراوان داشت به تَبَع شهرت یافت و ممالک بسیار در تصرف خود داشت، هنگامیکه از فتوحات مشرق زمین برمی‌گشت در مدینه‌ی منوره به دعوت علمای یهودی، از آتش پرستی دست برداشت و به آیین یهود درآمد و تعدادی از علمای یهود را با خود همراه نمود.

وقتی که به نزدیک مکه رسیدند تعدادی از مردم قبیله‌ی هذیل به او گفتند که در مکه

خانه‌ای است و گنجهای بسیار در آن نهان، و او را تشویق می‌کردند به برگرفتن گنجهای خانه‌ی کعبه و قصد آنان هلاک وی بود.

او پیش از آنکه اقدامی کند با علمای یهود مشورت نمود و آنان او را از این کار بازداشتند و گفتند که هر کس قصد ویرانی این خانه کند خود نابود می‌شود و او بسیاری از قبیله هذیل را از دم تیغ گذراند و با راهنمایی علمای یهود، با احترام و احرام وارد مکه شد و مناسک بجای آورد و قربانیهای فراوان داد و خانه‌ی کعبه را با بردهای یمانی پوشاند.^{۴۸} این جریان در حوالی سال ۲۳۰ پیش از هجرت رسول الله ﷺ اتفاق افتاده است از آن پس تا مدت‌ها جانشینان تبع یکی پس از دیگری جامه‌ی کعبه مکرمه را با چرم و قباطی می‌پوشاندند.^{۴۹}

تاریخ‌نگاران پس از تبع حمیری و جانشینان وی در این باره که چه کسی پوشاندن جامه‌ی کعبه را برعهده داشت مطلبی را ذکر نکرده‌اند اما قدر مسلم این است که پس از تبع هیچگاه خانه‌ی کعبه بدون جامه نبوده است.

در دوران جاهلیت قریش با همیاری یکدیگر بر کعبه جامه می‌پوشاندند. در روزگار «قصی بن کلاب» برنامه‌ای تدوین گردید که براساس آن هر قبیله‌ای، مبلغی به اندازه‌ی توان خود می‌پرداخت، این وضع تا مدت‌ها ادامه داشت تا آنکه «بوریعه بن مغیره بن عبدالله بن مخزوم» به درجه‌ی بالایی از توانگری رسید، و به قریش گفت: «من خود به تنهایی یک سال جامه‌ی کعبه را برعهده می‌گیرم و سال دیگر شما همگی آن را بپوشانید.»^{۵۰}

و همچنین روایاتی موجود است که «خالد بن جعفر بن کلاب» نخستین کسی است که خانه‌ی کعبه را با پارچه‌های ابریشمین نقش دار آراست^{۵۱} و همچنین منقول است که «قتیله دختر حباب بن عباس بن عبدالمطلب نخستین کسی است که خانه‌ی کعبه را با دیبا پوشاند.

به هر تقدیر اعراب جاهلی برای خانه‌ی کعبه و پوشش آن ارزش فراوانی قائل بودند و سعی می‌کردند هیچگاه خانه‌ی کعبه بدون پوشش نباشد تا آنکه زمان اسلام فرارسید، و در زمان اسلام نیز به این مهم پرداخته شد و رسول الله ﷺ و ابوبکر صدیق و عمر فاروق

۴۸. سیره‌ی ابن اسحاق ۸۳/۱.

۴۹. الرحلة الحجازية ص ۴۳۱ به نقل از کعبه و جامه‌ی آن از آغاز تاکنون ص ۶۸.

۵۰. کعبه و جامه‌ی آن از آغاز تاکنون ص ۸۸.

۵۱. و انوار مفسر توفی ص ۴۸، معجم الحرام بحار البلد الحرام ۲۳۲/۱.



و عثمان (رضی الله عنهم)^{۵۲} و در دوران بنی امیه و بنی عباس و تمام حکومت‌های اسلامی به این

مسئله توجه ویژه‌ای مبذول داشتند.

در زمانهای مختلف با رنگهای گوناگون به خانه‌ی کعبه پرده‌هایی پوشانده می‌شد در زمان خلافت ناصر عباسی^{۵۳} با پرده‌ی سیاه پوشانده شد و به گفته‌ی «فاسی» تا حال (یعنی زمان نگارش کتابش = شفاء الغرام) همچنان ادامه دارد.^{۵۴}

پس از زوال حکومت عباسیان حکام مصر بیشتر از سایرین به پرده‌ی خانه‌ی کعبه اهتمام می‌ورزیدند تا آنکه در سال ۹۲۳ ه. ق. سلطان «سلیم اول عثمانی» با گسترش نفوذش بر مصر خود را «خادم المحرمین الشریفین» نامید و نسبت به پرده‌ی خانه‌ی کعبه اهتمام ورزید. و این روند تا زمان آل سعود همچنان ادامه داشت.

ساخت جامه‌ی خانه‌ی کعبه در عربستان سعودی

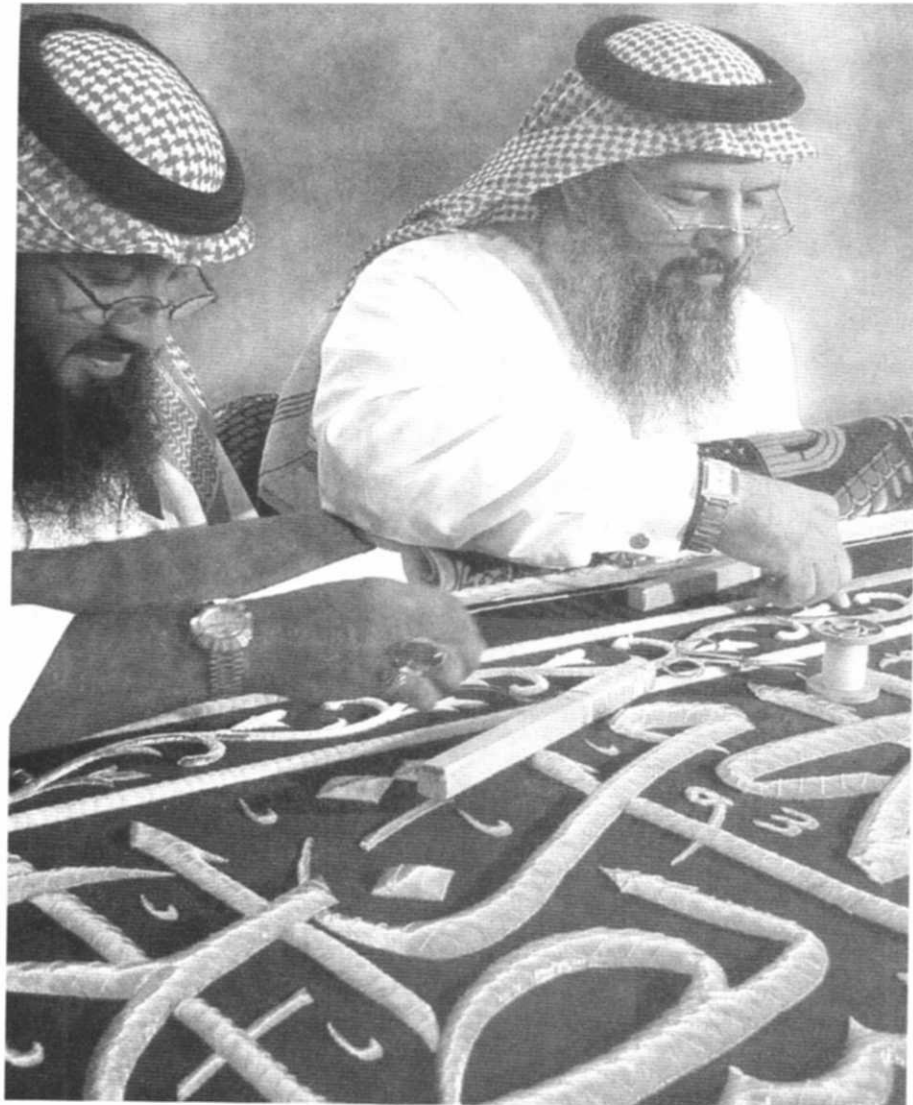
در سال ۱۳۴۵ هجری قمری ملک عبدالعزیز آل سعود (ره) در ذی حجه‌ی این سال فرمان داد تا جامه خانه‌ی کعبه آماده شود، طی چند روز جامه‌ی خانه‌ی کعبه آماده گردید.

در محرم سال ۱۳۴۶ ه. ق. ملک عبدالعزیز «ره» فرمانی مبنی بر تأسیس کارگاه ویژه‌ی برای ساخت جامه کعبه صادر کرد و وزیر دارایی وقت شیخ عبدالله السلیمان کارگاهی را در منطقه «اجیاد» در زمینی به مساحت ۱۵۰۰ متر آغاز کرد و پس از شش ماه، کار ساختمان به پایان رسید و وسایل و امکانات رنگ‌رزی و بافندگی همزمان فراهم شد. و کارگران ماهری توسط شیخ اسماعیل غزنوی از هند آورده شدند و ساخت جامه‌ی کعبه آغاز گردید و پس از مدتی بسیاری از جوانان مکه ساخت آن را فراگرفتند و این روند همچنان ادامه داشت تا آنکه در سال ۱۳۵۸ ه. ق. یادداشت تفاهمی میان دولت عربستان و مصر به امضا رسید و دیگر بار ارسال جامه‌ی خانه‌ی کعبه توسط مصر از سر گرفته شد تا آنکه در سال ۱۳۸۱ ه. ق. روابط مصر و عربستان تیره شد و در سال ۱۳۸۲ ه. ق. باز کارگاه اجیاد بازگشایی شد و این کارگاه تا سال ۱۳۹۷ ه. ق. به فعالیت خود ادامه داد تا آنکه در

۵۲. شفاء الغرام باخبار البلد الحرام ۰۳۲/۱.

۵۳. الناصر لدین الله عباسی ۳۷۵-۲۲۶ ه. ق. کعبه و جامه‌ی آن ص ۶۲۱.

۵۴. مصدر فوق ص ۴۳۲/۱.



این سال کارگاه جدید در منطقه «ام الجود» در مکه‌ی مکرمه آغاز بکار نمود که تاکنون همچنان به ساخت آن ادامه می‌دهد.

جامه‌ی خانه‌ی کعبه در این کارگاه از مرغوبترین ابریشم‌های طبیعی که از ایتالیا وارد کرده می‌شود با دقت و متانت کامل بافته می‌شود.^{۵۵}

جامه‌ی کعبه در هشتم ذیحجه‌ی هر سال توسط کارگاه به مکه فرستاده شده و در اختیار پرده‌داران خانه کعبه یعنی خاندان «شیبان» تسلیم می‌گردد.^{۵۶}

و در روز نهم (روز عرفه) پرده‌ی پیشین برداشته می‌شود (که برداشتن پرده پیشین

۵۵. هزینه‌ی ساخت جامه‌ی خانه‌ی کعبه در این کارگاه برابر با ۶/۰۰۰/۰۰۰ شش میلیون ریال سعودی است (که معادل پانزده میلیارد ریال ایران می‌باشد) جامه‌ی کعبه ص ۱۷۲.



برای نخستین بار توسط خلیفه‌ی دوم سید ناعمر بن الخطاب رضی الله عنه انجام شد^{۵۷} و پرده‌ی جدید جایگزین آن می‌گردد.^{۵۸}

پرده‌ی قدیمی قبلاً در میان خاندان «شیبی» تقسیم می‌شد و آنان هرگونه که می‌خواستند در آن دخل و تصرف می‌کردند تا آنکه در سال ۱۳۷۸ ه. ق دولت عربستان سعودی فروش جامه‌ی کعبه را ممنوع اعلام کرد و در عوض، مبلغی را سالیانه در اختیار شیبیان قرار می‌دهد.^{۵۹}

شستشوی درون خانه‌ی کعبه

نخستین بار شستشوی درون خانه‌ی کعبه در فتح مکه توسط رسول الله صلی الله علیه و آله انجام شد. و از آن پس ادامه داشت که هر ساله دو یا چند بار در سال درون آن را شستشو می‌دادند. اما اکنون سالی دوبار، یک مرتبه در مراسم حج و دیگری در ماه شعبان انجام می‌پذیرد.^{۶۰}

عطرآگین کردن کعبه

حضرت معاویه بن ابی سفیان رضی الله عنه نخستین شخصی است که کعبه را با خلوق (نوعی خوشبویی) و عود خوشبو نمود که این کار برای اولین بار و به صورت منظم از دوران اموی به یادگار مانده است.^{۶۱}

مشخصات خانه‌ی کعبه

درمیان دورکن	میان رکن یمنی و حطیم	طول آن از ناحیه حطیم	طول آن از جهت ملتزم	ارتفاع خانه کعبه
۱۱ / ۵۲	۱۲ / ۱۱	۱۱ / ۲۸ م	۱۲ / ۸۴ م	۱۴ م

۵۷. مصدر فوق ص ۱۷۲.

۵۸. مصدر فوق ص ۳۸۲.

۵۹. تاریخ القویم ۸۲۲/۴ به نقل از مصدر فوق.

۶۰. کعبه و جامه‌ی آن از آغاز تاکنون ص ۵۷۲.

۶۱. مصدر فوق ص ۷۷۲ شفاء الغم ۱/ ۱۴۲.

بانیان خانه‌ی کعبه در طول تاریخ

از روایات چنین برمی‌آید که در گذر زمان خانه‌ی کعبه ۱۲ مرتبه تجدید بنا شده است که برخی از این روایات قطعی و برخی دیگر ظنی هستند:

۱- اولین بانیان آن ملائک

۲- حضرت آدم علیه السلام؛

۳- حضرت شیث علیه السلام؛

۴- حضرت ابراهیم و اسماعیل علیهما السلام؛

۵- عمالقه؛

۶- جرهم؛

۷- قصی بن کلاب (از اجداد رسول الله صلی الله علیه و آله)؛

۸- قریش؛

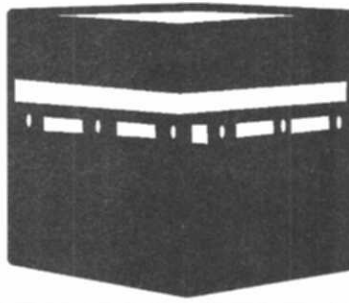
۹- عبدالله بن زبیر در سال ۶۵ ق؛

۱۰- حجاج بن یوسف ثقفی در سال ۷۴ ق؛

۱۱- سلطان مراد عثمانی ۱۰۴۰ ق؛

۱۲- ملک فهد بن عبدالعزيز ۱۴۱۷ ق.^{۶۲} (ترمیم شده است)؛





۷۰

زائر گرامی!
همیشه کارت شناسایی و کارت هتل
را همراه داشته باش.



ارکان بیت‌الله

به هر زاویه از زوایای چهارگانه‌ی بیت‌الله‌الحرام رکن می‌گویند که عبارتند از :
 ۱- رکن حجرالاسود؛ ۲- رکن یمانی؛ ۳- رکن عراقی؛ ۴- رکن شامی؛

رکن حجرالاسود

رکنی را گویند که حجرالاسود در آن قرار دارد و برای نخستین بار حضرت ابراهیم خلیل علیه السلام آنرا در آن جا قرار داد و حضرت محمد صلی الله علیه و آله آخرین پیامبری بود که با داوری شگفت‌انگیز خویش آنرا گذاشت و با درایت خویش از بروز جنگی خونین جلوگیری نمود. حجرالاسود در رکن شرقی بیت‌الله‌الحرام واقع شده است و بنا به گفته‌ی ازرقی ارتفاع آن از زمین دو زراع و ۱۳ زراع می‌باشد.^{۶۳}

حجرالاسود یعنی سنگ سیاه، رسول‌الله صلی الله علیه و آله درباره آن فرمودند: (الْحَجَرُ الْأَسْوَدُ مِنْ حِجَارَةِ الْجَنَّةِ) رواه الطبری فی معجم الکبیر «حجرالاسود از سنگهای بهشت است.»
 رسول‌الله صلی الله علیه و آله در روایت دیگری فرمودند: (نَزَلَ الْحَجَرُ الْأَسْوَدُ مِنَ الْجَنَّةِ وَهُوَ أَشَدُّ بَيَاضاً مِنَ اللَّبَنِ فَسَوَّدَتْهُ خَطَايَا بَنِي آدَمَ) رواه الترمذی «حجرالاسود از بهشت نازل شده و از شیر سفیدتر بود پس گناهان بنی‌آدم آن را سیاه نمود.»^{۶۴}

حضرت عبدالله بن عباس رضی الله عنه می‌گوید: «خداوند متعال رکن یمانی و حجرالاسود را به همراه حضرت آدم از بهشت فروفرستاد.»^{۶۵}

درباره‌ی فضایل حجرالاسود و ترغیب بر استلام و بوسیدن آن احادیث بیشماري وارد

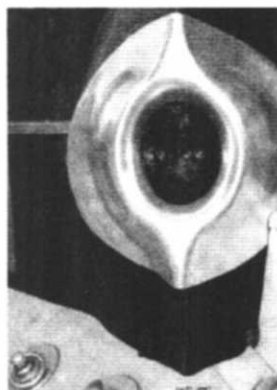
۶۳. تهذیب الاسماء واللغات ۷۷/۳.

۶۴. ابن ظهیره می‌گوید: «وقتی‌که گناهان بر سنگ تأثیر می‌گذارند پس تأثیر آنها بر دلها به مراتب بیشتر است پس باید با تمامی وجود از آنها اجتناب نمود» تاریخ المکه المکرمة قدیماً و حدیثاً ص

۳۴.

شده است و برایش همین فضیلت کافی است که دست مبارک حضرت رسول اکرم ﷺ آن را لمس نموده و لبهای مبارکش بر روی آن قرار گرفته‌اند و آن را بوسیده‌اند.^{۶۶}

حضرت عبدالله بن عباس رضی الله عنه از رسول مکرم اسلام روایت می‌کند که آن حضرت ﷺ فرمودند: «قسم به خداوند، که الله تبارک و تعالی آن را (حجرالاسود) در روز قیامت قطعاً برخواهد انگيخت درحالی‌که دارای دو چشم که با آنها می‌بیند و زبانی که با آن سخن می‌گوید می‌باشد و به نفع کسانی‌که آن را به حق استلام نموده‌اند شهادت و گواهی خواهد داد.»^{۶۷}



حجرالاسود در آزمایشگاه‌های معاصر

حجرالاسود سنگی بهشتی است که بخاطر جذب گناهان بنی‌آدم سفیدی و روشنایی خود را از دست داده و به سیاهی تبدیل شده است و ما براساس دستورات دین مبین اسلام و سنت رسول مکرم اسلام آن را استلام می‌نماییم و آن را می‌بوسیم ورنه خود حجرالاسود بنفس ذاته سنگی بیش نیست آن‌گونه که سیدنا حضرت عمر رضی الله عنه فرمودند: (عن عابس بن ربيعة عن عمرانہ جاء الى الحجر فقبله فقال: اني أعلم أنك حجر لا تنفع ولا تضر ولا ائی رأيت رسول الله ﷺ يقبلک ما قبلک)^{۶۸}

«من قطعاً می‌دانم که تو یک سنگ هستی نه می‌توانی نفعی برسانی و نه می‌توانی به کسی ضرری برسانی، اگر رسول مکرم اسلام را نمی‌دیدم که تو را می‌بوسد، من تو را نمی‌بوسیدم.»

مجاهد گوید: «هنگامی که عبدالله بن زبیر رضی الله عنه خانه‌ی کعبه را تخریب و سپس تعمیر

۶۶. تاریخ المکة المکرمة ص ۳۵.

نمود به حجرالاسود نگاه کردم، مشاهده نمودم آن قسمت از آن که در داخل دیوار بیت‌الله الحرام قرار دارد همچنان سفید است.»^{۶۹}



(گویند) بعضی از دانشمندان سنگریزه‌ای از حجرالاسود را تجزیه نموده تا مواد سازنده‌ی آن را آزمایش نمایند با یک حقیقت عجیب روبرو شده‌اند و آن اینکه این سنگ با هیچ سنگی از سنگهای زمینی شباهت ندارد.

سبحان‌الله این حقیقتی است که رسول‌الله پیش از ۱۴۰۰ سال آن را اعلام داشته که این سنگ از بهشت آورده شده است! بیندیشند آنانکه اندکی تردید دارند.^{۷۰}

فضایل حجرالاسود

۱ - سنگی است که از بهشت نازل شده و همچون شیر سفید بوده است.

۲ - توسط جبرائیل علیه السلام به حضرت ابراهیم علیه السلام داده شده تا در آنجا نصب گردد گویند هنگامیکه حضرت ابراهیم با اسماعیل بیت‌الله را درست می‌کردند، به جای حجرالاسود رسیدند، حضرت ابراهیم به اسماعیل گفت برای این مکان سنگی را پیداکن، و حضرت اسماعیل برای پیداکردن سنگ رفت و سنگی پیدا کرد وقتیکه برگشت دید که حجرالاسود را حضرت ابراهیم در جایش قرار داده است. از او پرسید پدرم چه کسی این سنگ را برایت آورد؟

فرمودند: حضرت جبرائیل علیه السلام.^{۷۱}

۳ - رسول مکرم اسلام پس از حضرت ابراهیم باستان مبارک خود آن را در مکانش نصب نمود.

۴ - رسول مکرم اسلام آن را لمس نموده و بوسیده است و پس از وی خلفای راشدین افضل الامه بعد النبی صلی الله علیه و آله نیز چنین کرده‌اند.

۵ - آغاز و پایان طواف از حجرالاسود است.

۶ - نزد آن دعاء قبول می‌شود.

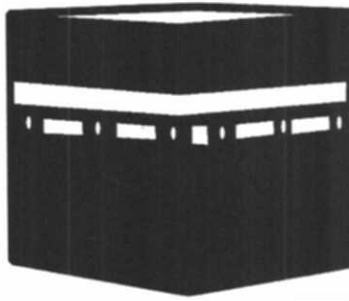
۷ - و در روز قیامت به نفع کسانی که به حق، آن را استلام نموده‌اند شهادت و گواهی

می‌دهد.

۶۹. تاریخ مکه المکرمة قدیمآ و حدیثاً ص ۳۴.

۷۰. وصف الکعبة المشرفة و تاریخها ص ۱۳.

۷۱. تاریخ مکه المکرمة قدیمآ و حدیثاً ص ۳۴.



زائر عزیز!

وقت گرانبهای خود را برای گشت
و گذار و پرسه زدن در بازار،
عکسبرداری و یا
فیلمبرداری ضایع مگردان



رکن یمانی

زاویه‌ای از زوایای چهارگانه خانه‌ی کعبه است که با رکن حجرالاسود موازی است و در جهت یمن قرار دارد، و این رکن - همچون رکن حجرالاسود - بر قواعد و بنای ساخته‌شده‌ی حضرت ابراهیم علیه السلام قرار دارد.^{۷۲}

علت نامگذاری: گویند مردی از یمن آن را درست کرده واسم او ابی بن سالم بوده است و چنین سروده:

لنا الركن الیمانی من البيت الحرام وراثۃً بقیة ما ابقى ابی بن سالم^{۷۳}

استلام رکن یمانی در اولین شوط - و در صورت امکان در تمام شوطها - سنت است، اگر چنانچه امکان استلام با دست نباشد یعنی نتواند با دست آن را لمس کند اشاره کردن به سوی آن و یا لمس آن با عصا و غیره جایز نیست.^{۷۴}

فضایک رکن یمانی

حضرت عبدالله بن عباس رضی الله عنه روایت می‌کند که رسول مکرم اسلام بجز از رکن یمانی و

۷۲. تاریخ مکه المکرمه قدیمه و حدیثاً ص ۱۵.

۷۳. الروض الانف به نقل از شفاء الغرام ۹۲۳/۱.

رکن حجرالاسود رکنهای دیگر را استلام نمی نمودند.^{۷۵}

قال ابن عمر رضی اللہ عنہ سمعت رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم يقول: (إِنَّ مَسَّهُمَا (أَي الرُّكْنَ وَ حَجْرَ الْاَسْوَدِ) كَفَّارَةُ الْخَطِيَا) ^{۷۶}



۷۶

حضرت عبداللہ بن عمر رضی اللہ عنہ روایت می کند که شنیدم رسول اللہ فرمودند: لمس کردن رکن یمانی و حجرالاسود کفاره ی گناہان می باشند.

از جمله فضایل رکن یمانی این است که این رکن از مواضع اجابت و پذیرش دعاست. مجاهد «ره» می گفت: غیرممکن است کسی که دستش را بر روی رکن یمانی بگذارد و آنگاه دعا کند و دعایش استجابت نشود.

حکایت

ابن ظہیرہ از شعبی روایت می کند که گفت: چیز عجیبی را مشاهده نمودم من و عبداللہ بن زبیر رضی اللہ عنہ و برادرش مصعب بن زبیر رضی اللہ عنہ و عبدالملک بن مروان رضی اللہ عنہ در کنار بیت اللہ حضور داشتیم. بعد از آنکه از گفتگوهایمان فارغ شدیم، گفتند هر کدام بلند شود و در کنار رکن یمانی دعا کند و آرزویی را که دارد از خداوند بطلبد که او بخشنده است و دعایش را اجابت می نماید.

سپس به عبداللہ بن زبیر رضی اللہ عنہ گفتند شما اولین مولودی هستی که بعد از ہجرت مهاجرین در شهر مدینہ منورہ - بدنیآ آمدی، پس ابتدا شما برخیزید و خواستہ ی خود را مطرح نمایید. آنگاه او برخاست و رکن یمانی را با دست گرفت و گفت: پروردگار! تو عظیم هستی و از تو کارهای بزرگ درخواست کرده می شود و امید می رود که آنها را برآورده سازی.

از تو می خواهم قبل از آنہ مرا بمیرانی حکمرانی حجاز را به من عطا فرما تا بر من به خلافت سلام کرده شود و برگشت و نشست.

سپس برادرش مصعب بن زبیر رضی اللہ عنہ برخاست و رکن یمانی را گرفت و گفت: پروردگار! تو پروردگار همه هستی و بازگشت همه به سوی توست با قدرتی که داری از تو می خواهم که مرا از دنیا نبری تا آنکہ حکمرانی عراق را نصیب من گردانی و سکنہ بنت حسین بن علی را به عقد نکاح من درآوری، برگشت و نشست.



سپس عبدالملک بن مروان بپاخواست و رکن یمانی را گرفت و گفت: ای پروردگار آسمانهای هفتگانه و زمین! زمین سرسبز بعد از خشکی، به آنچه که بندگان فرمانبرداری از تو می‌خواهند از تو می‌خواهم و به حرمت جلالت و قدرتت و به حقی که به همه خلایق داری از تو می‌خواهم که قبل از مرگ حکمرانی شرق و غرب - امپراطوری اسلامی - را به من عطا فرمایی به گونه‌ای که هر کسی با من مخالفت نماید سرش نزد من آورده شود سپس آمد و نشست.

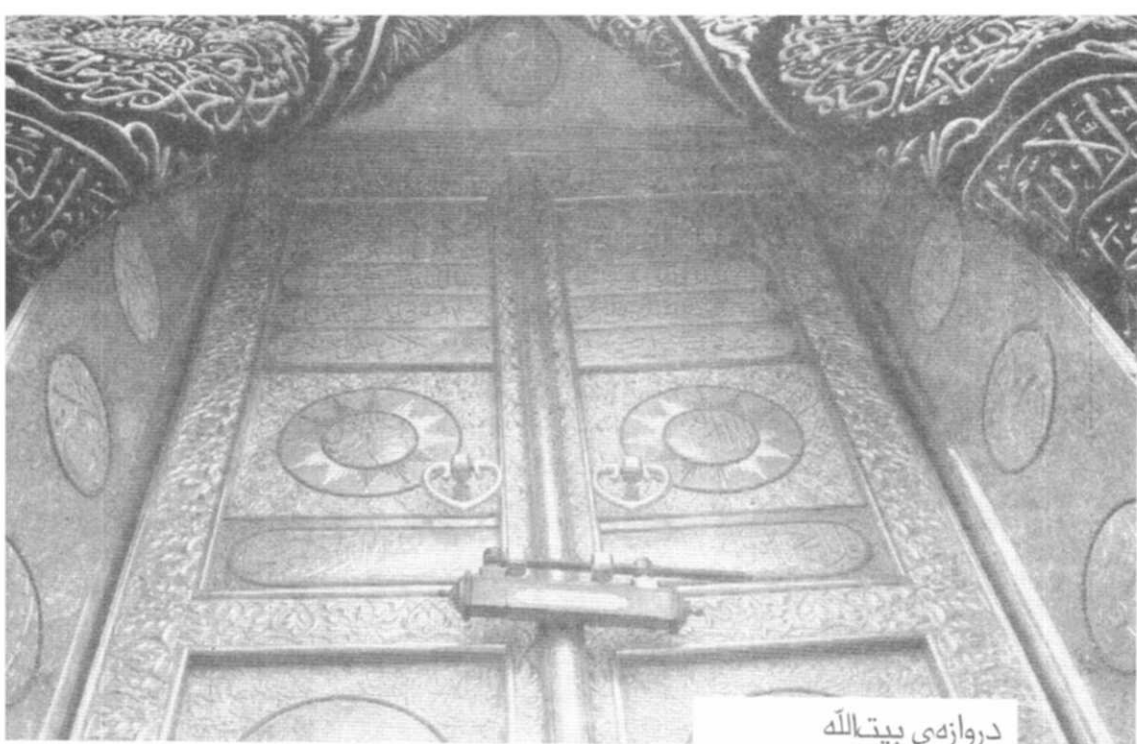
پس از او عبدالله بن عمر رضی الله عنه برخاست و رکن یمانی را گرفت و گفت: پروردگار! ای رحمن! ای رحیم! با آن رحمتت که بر خشت سبقت گرفته و با آن قدرتی که بر تمام مخلوقات داری از تو می‌خواهم مادامی که بهشت را بر من واجب نگردانده‌ای مرا از دنیا ببر... در طول زندگی خودم مشاهده نمودم که به همه آنها هر آنچه را که از خداوند خواسته بودند عطا فرمود، و همه به آرزوهایشان رسیدند.

شاید کسی گوید که موارد سه‌گانه‌ی فوق در این دنیا قابل درک و رویت بودند و همه‌ی آنها را مشاهده نمودند اما دلیل بر بهشتی بودن عبدالله بن عمر چیست؟ در جواب گوید: دو دلیل بر بهشتی بودن وی وجود دارد که عبارتند از:

الف) عبدالله بن عمر رضی الله عنه آخر عمری بینایی‌اش را از دست داد و رسول مکرم اسلام وعده داده‌اند که هر کسی به این مشکل مبتلا شود و صبر نماید خداوند در مقابل آن بهشت را به وی خواهد بخشید.

ب) وقتی که مشاهده می‌شود همه‌ی آنها به آرزوهایشان که دنیوی بودند نایل آمدند پس نتیجه می‌گیریم که عبدالله بن عمر رضی الله عنه که در زهد و تقوی و پایبندی بر دین و سنت همتایی ندارد قطعاً آرزویش را خداوند برآورده خواهد نمود.^{۷۷}

بنابراین در این مکان دعا قبول می‌شود، زایرین بزرگوار می‌توانند در مواقع خلوت بدانجا روند و خواسته‌هایشان از خالق و مالک خود بطلبند که او بخشنده‌ای است که هرگز از فقر نمی‌ترسد. و از بخشش دریغ نمی‌نماید کافی است با شیوه‌ی درست و با تمامی وجود دعا کنیم، اگر دعا کردیم و مشاهده نمودیم که دعایمان قبول نشد قطعاً بدانیم که عیب کار از ماست.



دروازهی بیتالله

هنگامیکه حضرت ابراهیم خلیل علیه السلام خانه‌ی کعبه را بنا نمود، برای آن، دو در چسبیده به زمین قرار داد - یکی در جهت شرق و دیگری در جهت غرب - که مردم از دروازه‌ی شرقی وارد می‌شدند و از دروازه‌ی غربی بیرون می‌رفتند و این دو دروازه بی‌آنکه دری داشته باشند همیشه به روی زائران باز بودند.

تا آنکه ملک اسعد تبع سوم یکی از پادشاهان یمن برای آنها دروازه‌هایی گذاشت که باز و بسته می‌شدند.

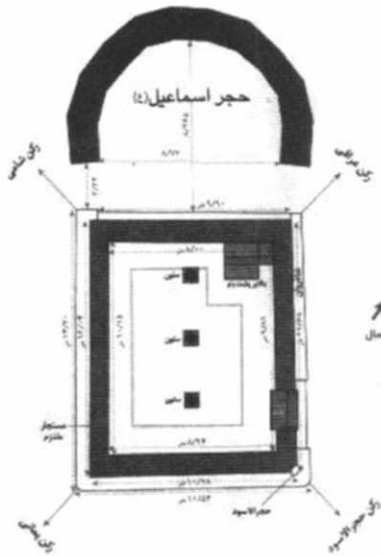
وقتی که قریش خانه‌ی کعبه را تجدید بنا نمودند دروازه‌ی غربی را مسدود نموده و دروازه‌ی شرقی را که ملصق به زمین بود از زمین بلندتر کردند آنگونه که قبلاً در روایتی گذشت که رسول مکرم اسلام صلی الله علیه و آله فرمودند: آنان اینکار را کردند تا هرکس را که دوست داشته باشند اجازه‌ی ورود به بیتالله بدهند و هرکس را که نخواستند از ورود به آن ممانعت نمایند. یعنی پیش از آن ورود به بیتالله عمومی بود و اینها آن را اختصاصی و تشریفاتی کردند. و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اظهار علاقه کردند که یکاش خانه‌ی کعبه را بر بنای حضرت ابراهیم علیه السلام درست می‌کردند و برایش دو در ملصق به زمین قرار می‌دادند اما چون اکثر قریش و اهل مکه تازه مسلمان شده بودند از انجام آن صرف‌نظر نمودند. و حضرت عبدالله بن زبیر رضی الله عنه در زمان خلافت خویش خواست رسول الله صلی الله علیه و آله را عملی ساخت که بعداً در زمان بنی امیه مجدداً خانه‌ی کعبه به شکل سابقش - بنای قریش -

برگردانده شد.

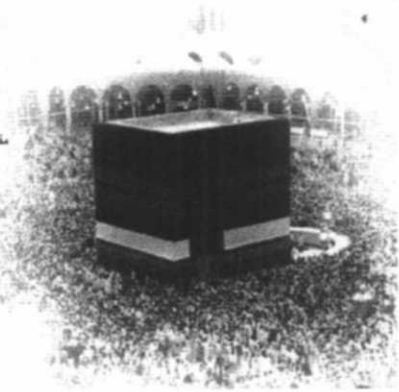
در گذر زمان دروازه‌ی بیت‌الله معمولاً تجدید بنا می‌شد تا آنکه در زمان آل سعود در سال ۱۳۹۹ ه. ق. ملک خالد بن عبدالعزیز برای ساخت آن از طلای خالص دستوری صادر نمود و طی یک سال دروازه‌ی فعلی با دویست و هشتاد (۲۸۰ کیلوگرم) طلا برای درب خارج و دری که در داخل قرار دارد و به «باب‌التوبه» مشهور است ساخته و بر چارچوبی از چوب تیک^{۷۸} نصب شد.



برش افقی کعبه شریفه



مقام ابراهیم



عرض آن	طول باب‌التوبه	ارتفاع آن از مطاف	عمق آن	عرض آن	طول دروازه‌ی خانه‌ی کعبه
۷۰ c	۲/۳۰ م	۲/۲۵ م	۵۰ c	۲/۹۰ م	۳/۱۰ م

باب التوبه

در سمت راست کسبکه وارد بیت‌الله می‌شود راه‌پله‌ای است که به سقف بیت‌الله منتهی می‌شود و دارای دری است که آن را «باب‌التوبه» گویند و دارای قفل و پرده می‌باشد.^{۷۹}

المستجار

در مباحث پیشین ذکر نمودیم که خانه‌ی کعبه براساس بنای حضرت ابراهیم علیه السلام دارای

۷۸. هرچه در فرهنگ لغتها گشتم توضیحی در مورد «تیک» که یک کلمه عربی است نیافتم.



دو در بود، یکی در فعلی و دیگری به موازات آن در جهت غرب، که مسدود شده است. حال مستجار میان رکن یمانی و در بسته شده محاذی در خانه‌ی کعبه به مقدار چهار ذراع می‌باشد که این مکان را «مستجار من الذنوب» نامند.^{۸۰}

حضرت معاویه رضی الله عنه فرمودند: «کسیکه پشت خانه‌ی کعبه - یعنی در این مکان (=مستجار) بایستد و دعا کند، دعایش اجابت کرده می‌شود و همچون روزی که از مادر متولد شده گناهانش آمرزیده خواهند شد.»

چنین سخنی را حضرت معاویه حتماً از رسول الله شنیده و بیان داشته است.^{۸۱} گروهی از بزرگان سلف در این مکان می‌ایستادند و دعا می‌کردند از آن جمله عمر بن عبدالعزیز و قاسم بن محمد (رحمهما الله)^{۸۲}.

فضایل

محل اجابت دعاست، آنگونه که قبلاً بیان داشته شد.

ملتزم

میان رکن حجرالاسود و دروازه‌ی بیت‌الله شریف را ملتزم گویند. مجاهد گوید: میان رکن حجرالاسود و دروازه‌ی شریف ملتزم است^{۸۳} و به آن «المدّعا» و «المتعوذ» نیز گویند.^{۸۴}

علت نامگذاری

از آن جایی که مردم آن جا را برای دعا کردن لازم می‌گیرند، ملتزم نامیده شده است.^{۸۵}

فضایل

عن ابن عباس رضی الله عنه (قال: سمعت رسول الله يقول: الملتزم موضع يستجاب فيه الدعاء و

۸۰. شفاء القرام باخبار البلد الحرام ۴۷۳/۱.

۸۱. مصدر فوق ص ۴۷۳/۱.

۸۲. مصدر فوق و القرى لقاصدام القرى ص ۸۱۳.

۸۳. تاریخ مکة المکرمه ص ۸۶ - القرى لقاصدام القرى ص ۵۱۳.

۸۴. شفاء القرام باخبار البلد الحرام ۳۷۳/۱ - القرى لقاصدام القرى ص ۵۱۳.

۸۵. ترمذی ص ۳۳۳۳.

ما دعا عبدالله تعالى فيه الا استجاب له (۷)

حضرت عبدالله بن عباس رضی اللہ عنہ فرمود شنیدم که رسول الله صلی اللہ علیہ وسلم می گوید: ملتزم مکانی است که دعا در آن اجابت می شود، هر بنده ای که در آن از الله تبارک و تعالی بخواهد، خواسته ای او را اجابت می کند.

عمرو بن شعیب از پدرش، از جدش روایت می کند که گفت :

همراه عبدالله طواف کردم، پس هنگامیکه به پشت خانه ی کعبه رسید، گفتم از خداوند پناهندگی نمی طلبی، گفت: از آتش جهنم به الله تبارک و تعالی پناه می برم، سپس حرکت کرد تا آنکه حجرالاسود را استلام نمود، پس از آن میان رکن حجرالاسود و دروازه ی بیت الله = در ملتزم ایستاد، و سینه، صورت و دستهایش را کاملاً باز کرد و بر خانه ی کعبه گذاشت و گفت: رسول الله صلی اللہ علیہ وسلم را دیدم که اینچنین می کند.^{۸۶}

امام شافعی و مجاهد می گویند: «مستحب است که بعد از طواف وداع در ملتزم بایستد و دعا کند.»^{۸۷}

بسیاری از صحابه ی کرام رضوان الله علیهم آنجا را لازم می گرفتند و در آنجا دعا می کردند.

طارق بن عبدالرحمن گفت: همراه علی بن الحسین (زین العابدین) طواف کردم، هنگامیکه از طوافش فارغ شد، شال روی دوش خود رها کرد، تا آنکه بدنش آشکار گشت، سپس آن را میان رکن حجرالاسود و دروازه = ملتزم چسباند.^{۸۸}

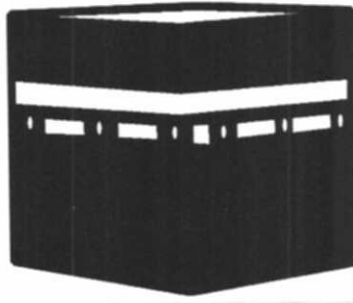
عن عبدالرحمن بن صفوان قال: (رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ صلی اللہ علیہ وسلم بَيْنَ الْحَجَرِ وَالْبَابِ وَاضِعاً وَجْهَهُ عَلَى الْبَيْتِ)^{۸۹} رواه احمد

عن ابن عمر رضی اللہ عنہما (أَنَّهُ كَانَ يَلْزِقُ صَدْرَهُ وَوَجْهَهُ بِالْمُلْتَزِمِ)، أخرجه الدار قطنی.

۸۶. ابوداود شماره ۹۹۸۱.

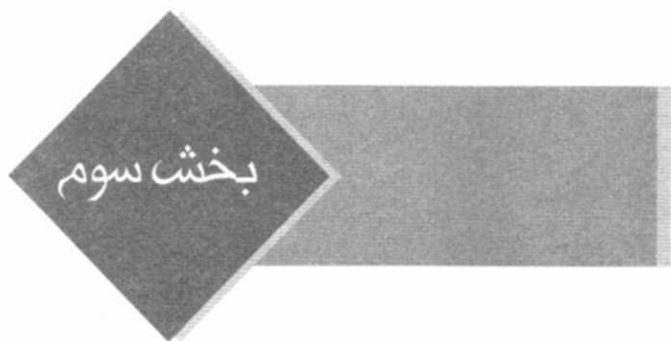
۸۷. تاریخ مکه المکرمه ص ۸۶ القرى لقاصدام القرى ص ۵۱۳.

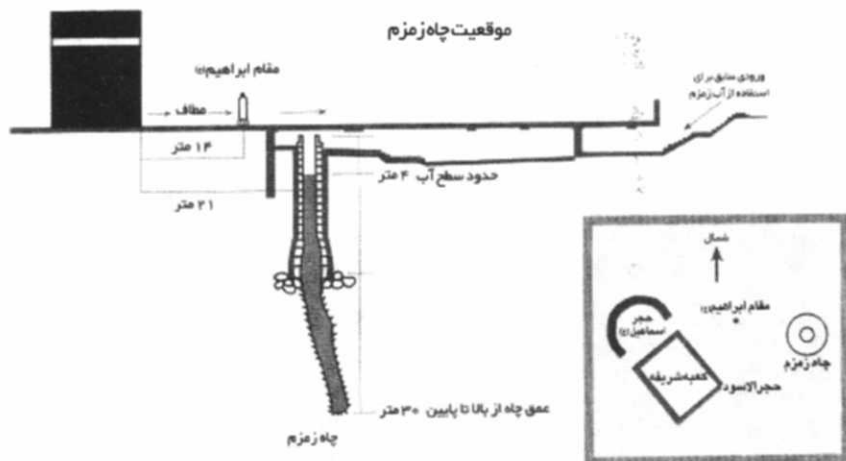
۸۸. مصدر فوق ص ۸۶.



زائر گرامی!

به هنگام سوار شدن
اتوبوس و یا آسانسور و...
رعایت حال سالمندان و زنان را بنما.





چاه زمزم

چاه زمزم در جهت شرق خانه‌ی کعبه به محاذات ملتزم و به فاصله‌ی ۲۱ متری خانه‌ی کعبه قرار دارد.

واقعه‌ی پدیدآمدن چاه زمزم برای عموم مسلمانان معلوم و مشهور است، اما با همه‌ی این تفصیلات نظری گذرا به این واقعه خواهیم افکند.

آنگاه که حضرت ابراهیم علیه السلام به دستور الله عزوجل همسر و تنها فرزندش را در وادی لم یزرع مکه مکرمه تنها رها کرد و رفت، و هنگامیکه آب و آذوقه‌ی حضرت هاجر علیه السلام به پایان رسید، و تنها فرزندش اسماعیل علیه السلام احساس تشنگی نمود، هاجر دوان دوان خود را بر بلندای کوه صفا رساند و به دوردستها نظر انداخت تا شاید آبی یا فریادرسی را بیابد اما خبری نبود. از بلندای کوه صفا به زیر آمد و در مسعی دوان دوان خود را بر بلندای کوه «مروه» رساند تا در این سو نیز نظری بیاندازد اما در این سمت هم خبری نبود، او سراسیمه و نگران تا هفت مرتبه این عمل را تکرار کرد و فاصله‌ی میان صفا و مروه را هفت بار طی نمود.

او به حکم بشربودن سخت مضطرب و نگران بود. اما الله تبارک و تعالی به فریادش رسید و فرشته‌ای (جبرئیل) را فرستاد و او در کنار حضرت اسماعیل علیه السلام بال یا قدمش را بر زمین زد و چشمه‌ی جوشان زمزم فوران کرد. هاجر نومیدانه باز به سوی فرزندش نظر انداخت با اتفاقی بس عجیب و شگفت‌انگیز مواجه شد، او در کنار اسماعیل علیه السلام آب دید.

اندکی با خود اندیشید، خواب است یا بیدار، رویاست یا واقعیت، شتابان خود را به



اسماعیل علیهما السلام رساند و یقین یافت که نه واقعیت است رؤیا نیست، تخیل و توهم نیست. او خوشحال و با عجله کنار آب حوضچه‌ای از خاک درست کرد و مشکیزه خویش را پر آب نمود.

رسول الله ﷺ فرمودند: (لَوْ تَرَكْتَ زَمْزَمَ أَوْ قَالَ لَوْ لَمْ تَعْرِفِ مِنَ الْمَاءِ لَكَانَتْ زَمْزَمُ عَيْنًا مَعِينًا)

آنگاه فرشته به وی گفت نگران نباشید، هلاک نخواهید شد در این مکان «بیت‌الله» وجود دارد و این پسر بچه با پدرش آن را بنا خواهند کرد.^{۹۰}

(از آن پس آب زمزم بر روی زمین همچون چشمه‌ای می‌جوشید - و ظاهر بود و اهل مکه از آن استفاده می‌نمودند تا آنکه جُرْهُم ساکنان آنجا به خانه‌ی کعبه و حرم بی‌توجهی و بی‌حرمتی نمودند، مکان آن ناپدید شد و بر اثر گذر زمان به گونه‌ای شد که شناخته نمی‌شد)^{۹۱}.

بعضی گویند هنگامیکه جرهم آنجا را ترک کردند چاه را دفن نمودند به هر تقدیر روزگار به همین منوال گذشت تا آنکه «سقایة و رفاة» (آب‌دادن و میهمان‌نوازی)، بیت‌الله به عبدالمطلب^{۹۲} جد رسول الله ﷺ رسید.

عبدالمطلب پس از دیدن خوابهای متعدد موفق به حفر مجدد زمزم شد و پس از کشمکشهای فراوان با قریش که ذکر آنها در این مقال مختصر نمی‌گنجد، موفق شد که سرپرستی چاه زمزم را به‌عهده بگیرد.^{۹۳}

آب زمزم

آب زمزم دارای نامهای متعددی است و نامهای متعدد و فراوان یک شیء بر اهمیت و عظمت آن دلالت می‌کند. و در اهمیت و عظمت آب زمزم احدی را تردید نیست. معروفترین نام آن «آب زمزم» است بگونه‌ای که این نام بصورت عَلَم برای آن درآمده و سایر اسمها را تحت الشعاع خویش قرار داده است.

علت نامگذاری

درباره‌ی علت نامگذاری آب زمزم به زمزم علل فراوان و متعددی ذکر شده است که در

۹۰. تاریخ مکه المکرمه ص ۷۵.

۹۱. شفاء الغرام باخبار البلد الحرام ۱/ ۷۴۰.

۹۲. تلفظ صحیح آن عبدالمطلب، تشدید بر روی «ط» قرار دارد نه «لام».

۹۳. سید ابن کمال تاریخ مکه المکرمه ص ۹۵.



اینجا به ذکر چند مورد بسنده می‌نماییم:

الف) بخاطر کثرت آبش زمزم نامیده شده زیرا که زمزمه نزد عرب بر کثرت و وفور اطلاق می‌گردد.

ب) بعضی گویند چون اطراف آن با خاک بسته شده تا همه جا را فرا نگیرد و به همین خاطر زمزم نامیده شد.^{۹۴}

ج) و گفته شده که بخاطر کلام و زمزمه‌ی حضرت جبرائیل زمزم نامیده شده است.^{۹۵}

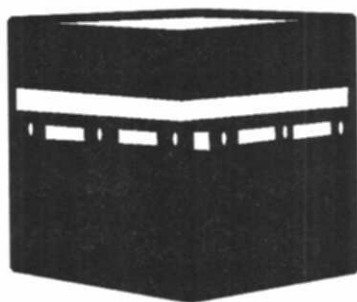
ناپدید شدن چاه زمزم

گویند پس از آنکه حضرت اسماعیل علیه السلام از دنیا رفت، مسئولیت و ریاست خانه‌ی کعبه به دست قبیله‌ی «جرهم» افتاد و پس از گذشت مدت زمانی، آنان ظلم و ستم آغاز کرده - و از موقعیت خود سوءاستفاده نمودند - تا آنجا که بنوبکر بن عبدمناف بن کنانه از نسل حضرت اسماعیل با همراهی قبیله‌ی خزاعه با جرهم نبرد نمودند و چون قبیله‌ی جرهم - وضعیت خود را بسیار ضعیف مشاهده کرد و احساس نمود که شکست می‌خورد - مجبور شدند که مکه‌ی مکرمه را ترک کنند. بنابراین در چاه زمزم را پوشاندند و آن را ناپدید کردند و رئیس آنان «عمرو بن حارث بن مضاض» اینکار را انجام داد و سایرین او را کمک کردند تا آنکه در زمان عبدالمطلب جد رسول الله و توسط وی چاه زمزم مجدداً یافته شد.^{۹۶}

۹۴. تاریخ مکه‌المکرمه ص ۹۵ - تهذیب الاسماء واللغات ۱۳۱/۳ - شفاء الغرام ۹۷۴/۱.

۹۵. تهذیب السماء واللغات ۱۳۱/۳.

۹۶. تهذیب الاسماء واللغات ۱۳۱/۳ - شفاء الغرام ۹۷۴/۱.



۸۸

زائر عزیز!
از نگه داشتن غذا داخل اتاق
پرهیز کن



فضایل آب زمزم

درباره‌ی فضیلت آب زمزم احادیث و آثار بشماره‌ی وارد شده است که ذکر همه‌ی آنها خود مستلزم کتاب و یا رساله‌ای مستقل است اما به برخی از آنها اشاره می‌شود.

مهمترین چیزی که فضیلت و برتری آب زمزم را بر سایر آبها اثبات می‌نماید این است که حضرت جبرائیل علیه السلام (چهار مرتبه) قلب مبارک رسول الله صلی الله علیه و آله را با آن شستشو داده است. اگر چنانچه آبی بهتر از زمزم در کره‌ی خاکی وجود می‌داشت قلب مبارک آن حضرت صلی الله علیه و آله با آن غسل داده می‌شد.^{۹۷}

و به همین خاطر بسیاری از علماء آن را برتر از آب حوض کوثر که در روز قیامت توسط رسول الله صلی الله علیه و آله به مسلمانان راستین داده می‌شود برتر دانسته‌اند.^{۹۸}

چاه زمزم تنها چاهی است که پس از گذشت هزاران سال از عمر آن همچنان باقی است و آبش فوران می‌نماید^{۹۹} و تا قیامت هم برقرار خواهد بود.

عن ابن عباس رضی الله عنه قال: (قَالَ: رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله خَيْرُ مَاءٍ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ مَاءُ زَمْزَمَ، فِيهِ طَعَامُ الطَّعْمِ وَ شِفَاءُ السَّقَمِ)^{۱۰۰}

رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «بهترین آبی که بر روی زمین وجود دارد آب زمزم هست. «هم غذاست و هم شفای بیماری»

عن جابر رضی الله عنه بن عبدالله رضی الله عنه (قال: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله يَقُولُ: «مَاءُ زَمْزَمٍ لِمَا شَرِبَ لَهُ»

۹۷. تاریخ مکه المکرمه ص ۰۶.

۹۸. شفاء الغرام باخبار البلد الحرام ۰۸۴/۱.

۹۹. تاریخ مکه المکرمه قیدماً و حدیثاً ص ۹۷.

رسول الله ﷺ فرمودند: «آب زمزم برای آن چیزی است که بخاطر آن نوشیده می شود، یعنی آدمی هنگام نوشیدن آن هر نیتی داشته باشد الله تبارک و تعالی در آب زمزم این نیرو را قرار داده است که مطابق با نیت نوشنده عمل نماید.»



البته ناگفته نماند که این امر به ایمان و خلوص نیت و رابطه‌ی انسان با پروردگارش بستگی دارد او هرچه بیشتر به خداوند ایمان داشته باشد و بیشتر به او رجوع نماید خداوند زودتر مشککش را رفع می نماید (انی مع ظن عبدی بی).

بسیاری از علماء اسلامی آن را به نیت‌های مختلف نوشیده‌اند والحمدلله نیت‌های همه‌ی آنان برآورده شده است.

لازم به یادآوری است، کسیکه قصد دارد با نوشیدن زمزم نیتش برآورده شود لازم است که تا سیر بنوشد و به نوشیدن یک‌دو جرعه بسنده ننماید چون در روایات لفظ «تضلع» آمده است و تضلع در لغت یعنی بقدری بنوشد که پهلوهایی او از سیراب شدن برآمده بنمایند.^{۱۰۱}

نوشیدن زمزم حدّ فاصل ایمان و نفاق

عن ابن عباس رضی الله عنه عن النبی ﷺ (أَنَّ التَّضْلُعَ مِنْ مَاءِ زَمْزَمَ عَلَامَةٌ مَا بَيْنَنَا وَبَيْنَ الْمُنَافِقِينَ)^{۱۰۲}
«رسول الله ﷺ فرمودند: «کاملاً سیر نوشیدن از آب زمزم نشانه‌ای است میان ما و منافقین.»

چون ما از آن تا سیر می نوشیم ولی منافقین تا سیر از آن نمی نوشند.

تذکر: بسیاری از عزیزان که به حج یا عمره تشریف می‌برند اغلب از آبهای معدنی استفاده می‌نمایند. سعی شود در آن سرزمین مقدس از آب زمزم بنوشند، هرکسی قادر است یک یا دو بطری با خود برده و آنها را از آب زمزم پر نماید زمانیکه در هتل است از آنها بنوشد و در حرم که الحمدلله در هر زاویه‌ای آب زمزم (خنک و غیرخنک) فراوان است.

حالآنکه همین زائران بزرگوار وقتیکه برمی‌گردند به دوستان و آشنایان اندکی از آب زمزمه می‌دهند که یک جرعه بیشتر نیست. و خود در آن مکان مقدس و در کنار زمزم

۱۰۱. فرهنگ لاروس ۹۸۵/۱.

۱۰۲. ابن ماجه. الدارقطني ۸۸۲/۲ القرى لقاصد القرى ص ۵۸۴.

بی تفاوتند و آب غیر معدنی به اصطلاح بهداشتی می نوشند. چه آبی بهداشتی تر از زمزم وجود دارد؟



آداب نوشیدن آب زمزم

عن ابن عباس رضی الله عنه (قال: سَقَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ مِنْ زَمْزَمَ، فَشَرِبَ وَهُوَ قَائِمٌ) ^{۱۰۳}
حضرت عبدالله ابن عباس گفت: از آب زمزم به رسول الله صلی الله علیه و آله دادم و آن حضرت صلی الله علیه و آله نوشید در حالیکه ایستاده بود. ایستاده نوشیدن مختص آب زمزم است و غیر زمزم را نباید ایستاده نوشید بلکه باید نشست.

و آداب نوشیدن آب زمزم عبارتند از:

۱ - رو به قبله باشد. ^{۱۰۴}

۲ - آب زمزم را با دست راست بگیرد.

۳ - ایستاده نوشیدن آن مستحب است. نشسته هم اشکال ندارد. ^{۱۰۵}

۴ - قبل از نوشیدن «بسم الله» بگوید.

۵ - و با سه نفس بنوشد یعنی درست است.

۶ - سیر از آب بنوشد.

۷ - بعد از نوشیدن دعا کند که در این هنگام دعا قبول می شود. ^{۱۰۶}

حضرت عبدالله بن عباس رضی الله عنه هنگام نوشیدن زمزم معمولاً این دعا را می خواندند (اللَّهُمَّ
إِنِّي أَسْأَلُكَ عِلْمًا نَافِعًا وَ رِزْقًا وَاسِعًا وَ شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ) ^{۱۰۷}

«پروردگارا! از تو علمی نافع و مفید و رزقی فراوان و شفاء از هر بیماری مسئلت دارم.»
البته هر دعای خیر دیگری که دوست دارد می تواند دعا کند و تنها به این دعا اکتفا ننماید.

۱۰۳. صحیح البخاری ۶۸۴/۱ حدیث شماره ۷۳۶۱.

۱۰۴. شفاء الغرام ۸۸۴/۱ و القری ص ۵۸۴.

۱۰۵. عن عمرو بن شعيب عن أبيه عن جده قال: رایت رسول الله ۶ بشرب قائماً و قاعداً - ترمذی ۷۶۲/۴
باب ما جاء فی الرخصة فی الشرب قائماً.

۱۰۶. تاریخ مکه المكرمة قديماً و حديثاً ص ۹۷.

۱۰۷. إمام الحاكم ينقل عن شفاء الغرام ۸۸۴/۱ - سنن الدار قطنی ۸۸۲/۲ - ص ۰۸.

(عن عائشة رضی اللہ عنہا أنها حملت من ماء زمزم في القوارير وقالت: حملته رسول الله صلی اللہ علیہ وسلم في الادوی والقرب وكان يصب على المرضى ويسقيهم) ^{۱۰۸}

«المؤمنين عايشه رضی اللہ عنہا آب زمزم را در شیشه‌ها - با خود - حمل می کردند (و می بردند) و فرمودند: رسول الله آن را در مشکیزه و مشکها حمل می نمودند و - آن را - بر روی مریضها می پاشیدند و به آنان می نوشاندند.»

(عن هشام بن عروة عن ابيه عن عائشة رضی اللہ عنہا: أنها كانت تحمل من ماء زمزم وتخبّر ان رسول الله صلی اللہ علیہ وسلم كان يحمله) ^{۱۰۹}

در جواز حمل آب زمزم تردید وجود ندارد اما متأسفانه بسیاری از عزیزان زائر برخلاف مقررات سازمان حج و زیارت و یا قوانین هواپیمایی سعی می کنند که چندین لیتر آب زمزم با خود حمل نمایند و بیاورند و این کار مشکلات عدیده‌ای را در پی دارد. نمی توان آنقدر آب زمزم آورد که تمام مردم آبادی و شهر را از آن نوشاند.

بعضاً سازمان هواپیمایی اعلام می دارد که هر نفر می تواند ده لیتر آب زمزم با خود همراه داشته باشد و اجازه ندارد که در میان بارها آب قرار دهد. مع الاسف بسیاری از عزیزان زائر تصور می کنند، نشانه‌ی قبول شدن حج وی و یا حاجی شدنش آن است که یک بشکه یا تانکر آب زمزم با خود بیاورد، غافل از مشکلات بعدی.

مشاهده می شود که چندین ده یا بلیت لیتری آب با خود دارند و یا بعضی برخلاف توصیه‌ها که بعضاً ایمنی پرواز را به مخاطره می اندازد، در میان بارها آب می گذارند و موجبات ناراحتی خود و دیگران را فراهم می نمایند. نتیجه این کار این می شود که بعضاً پرواز مجبور است آب عزیزان را بیاورد و بارها را در آن جا رها کند و یا بالعکس که در هر دو صورت داد و فریاد حاجیان که خود باعث و بانی این کار شده اند بلند می شود.

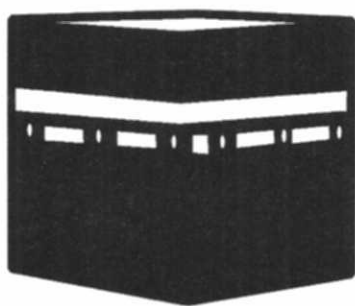
بنابراین توصیه می شود که عزیزان به همان مقداری که اعلام شده اکتفا نمایند و از دستورات سرپیچی ننمایند.

اگر ده لیتر آب با خود آوردید به هر تعدادی که رسید بدهید و بعد از آن عذرخواهی

کنید و همه می دانند که نمی توان برای همه بازدیدکنندگان آب زمزم آورد.

۱۰۸. مستدرک.

۱۰۹. سخن الترمذی ۵۹۲/۳.



زائر گرامی
هر روز استحمام کن.



آب زمزم و میکروب

مهندس سامی عنقاوی (مدیر و رئیس مرکز تحقیقات و پژوهشهای حج) می گوید : «آب زمزم را - بارها - مورد آزمایش قرار دادیم، بعد از انجام آزمایشات متعدد در هیچ موردی از این آزمایشات در آب زمزم هیچگونه میکروب و یا ویروسی مشاهده نکردیم، حتی یک میکروب در آن یافت نشد، و اگر چنانچه کسی میکروبی در آن مشاهده نماید، به یقین بداند که از آب زمزم نیست بلکه از ظرف و یا لوله و یا وسیله‌ی دیگری است که به وسیله‌ی آن وارد آب زمزم شده است.

آب زمزم پاک، صاف و زلال است و با تمام آبهای دنیا متفاوت است. و دانشمندان پاکستانی از مدتها پیش این واقعیت را به اثبات رسانده‌اند.^{۱۱۰}

نتایج تحقیقات یک دانشمند ژاپنی در مورد آب زمزم

نتایج تحقیقات نانو تکنولوژی یک دانشمند ژاپنی نشان می‌دهد که اگر یک قطره از آب زمزم با هزار قطره آب معمولی افزوده شود، آن هزار قطره آب معمولی خواص آب زمزم را پیدا می‌کنند (یعنی آنها از آب زمزم متأثر می‌شوند و دنباله‌رو آن می‌گردند نه اینکه آب زمزم از آنها متأثر شود هرچند که آنها به مراتب بیشتر از آب زمزم هستند).

دکتر «ماساروایموتو» از محققان ژاپنی افزوده است که در تحقیقات و مطالعات علمی خود بر آب زمزم با استفاده از فناوری نانو نتوانسته است هیچ‌یک از خواص آب زمزم را تغییر دهد. دکتر ایموتو گفته است آب زمزم منحصر بفرد و از آبهای دیگر متمایز است،



این محقق ژاپنی اظهار داشته است همه‌ی مطالعات و تحقیقات در آزمایشگاه‌ها نتوانسته هیچ‌یک از خواص این آب را تغییر دهد و تاکنون نتوانسته‌ایم علت آنرا تشخیص دهیم. وی در پایان افزوده است آب زمزم یک آب معمولی نیست گفتنی است که دکتر ایموتو بنیانگذار نظریه‌ی «تبلور ذرات آب» است.^{۱۱۱}

سرگذشت لیلی مغربی

بیماری که به سرطان سینه مبتلا و از اهل مغرب بود لیلی نام داشت او سرگذشت خویش را چنین بیان می‌دارد: گرفتار سرطان سینه شدم به بلژیک رفتم، پزشکان چاره آن دیدند که من شیمی‌درمانی نمایم و سینه‌ام را قطع کنند من نپذیرفتم و به شهر خود بازگشتم پس از مدتی ورم سینه‌ام بیشتر شد و دانه‌هایی نمایان گشت و رنگم به زردی گرایید و به شدت از وزنم کاسته شد، مجدداً نزد پزشکان مراجعه کردم آنان مرا کاملاً ناامید کردند و گفتند تنها راه چاره آن است که برگردی به شهرت و در آنجا به انتظار مرگ بنشینی که بیشتر از سه ماه زنده نخواهی ماند. چون سرطان به ریه‌هایم هم سرایت کرده است. در این فضای ناامیدی و ماتم‌زده خداوند متعال به دلم انداخت که برای زیارت حرمین شریفین بروم. به مکه مکرمه آمدم و پس از ادای عمره تقریباً در مسجد معتکف شدم، تلاوت می‌کردم، نماز می‌خواندم، دعا می‌کردم و مرتب آب زمزم می‌نوشیدم و امید داشتم که الله تبارک و تعالی مرا شفا خواهد داد، پس از مدتی احساس کردم که ورم سینه‌ام برطرف شد و دانه‌ها یکی پس از دیگری ناپدید شدند، دیری نگذشت که حال‌م کاملاً بهبود یافت. نزد پزشکان برگشتم و دوباره آزمایش دادم، پزشکان در بهت و حیرت در کمال ناباوری اعلام کردند که هیچ اثری از بیماری نیست.^{۱۱۲}

این اعجاز آب زمزم است که رسول مکرم اسلام هزار و چهارصد پیش فرمودند «آب زمزم شفای بیماری است.»

دکتر فاروق عنتر می‌گوید :

سنگی در حالب (میزنای) من گیر کرده بود و راه چاره آن بود که عمل کنم ولی من عمل را به تأخیر می‌انداختم. به مکه مکرمه آمده و عمره بجا آوردم و مرتب آب زمزم می‌نوشیدم و از الله عزوجل می‌خواستم که مرا بدون عمل جراحی شفا دهد و این سنگ

را دفع نماید.

پس از مدتی - روزی - احساس ادرار کردم به دستشویی رفتم دیدم که سنگ دفع شد. خدا را سپاس گفتم و جریان را به پزشکان اطلاع دادم که باعث حیرت و تعجب آنان شد.^{۱۱۳}

کف‌تگوی نویسنده با یک بیماری که سرطان خوف داشت و با نوشیدن آب زمزم بهبود یافت

اینجانب در سال ۱۳۶۷ با تشخیص هری سل لوکومیا (سرطان خون) بستری شدم و پس از یک هفته در بیمارستان آپادانا تهران طحال مرا برداشتند و قریب به شش ماه بعد عازم لندن شدم؛ در بیمارستان «لندن کلینیک» پزشک معالجم بنام دکتر «والدر» پس از مشورت با سه پزشک فوق تخصص خون آمپول اینترفرون را تجویز نمودند که روزانه یک آمپول به بنده تزریق می‌شد. خدا می‌داند که پس از تزریق آمپول چه ریشه‌ای به بدنم دست میداد و چه رنجی را متحمل می‌شدم و نزدیک دو ماه و نیم در لندن ماندم و سپس به ایران بازگشتم بعد از شش ماه مجدداً به لندن بازگشتم و تشخیص همان بود و تجویز نیز همان، خلاصه هفت بار به لندن رفت و آمد نمودم و نتیجه‌ای نگرفتم.

سرانجام در سال ۱۳۸۳ عازم مکه مکرمه شدم و در آنجا مرتب آب زمزم می‌نوشیدم و از صدق دل و با سوز و گداز به درگاه آن بی‌نیاز دست به دعا برمی‌داشتم و دعا می‌کردم. من که مرتب مجبور بودم آمپول تزریق کنم، پس از چند روز ماندن در مکه مکرمه و نوشیدن آب زمزم، آمپولها را کنار گذاشتم و دیگر جهت آزمایش خونم به آزمایشگاه نرفتم احساس کردم که حالم خیلی بهتر شده است نه از آن درد و رنج خبری بود و نه از مشکلات بیماری.

با همه‌ی این تفصیل مرتب آب زمزم می‌نوشیدم و دعا می‌کردم الحمدلله، الله تبارک و تعالی مرا شفا داد و تاکنون یعنی ۸۸/۴/۲۱ هیچ مشکلی ندارم و سالم‌تر از قبل می‌باشم. تذکر: در این که آب زمزم باعث شفای بسیاری از بیماری‌هاست تردیدی وجود ندارد چون این مطلب، گفته‌ی رسول الله ﷺ است (خیرما یرعلی وجه الارض ماء زمزم حبه طعام الطعم و شفاء السقم) و نیک می‌دانیم که فرموده‌های آن حضرت ﷺ از طرف یکتای بی‌همتا می‌باشند (و ما ینطق عن الهوی) و موارد فوق‌الذکر از بشمار وقایعی هستند که حقیقتاً اتفاق افتاده‌اند. حال امکان دارد برای برخی این سؤال پیش آید که مثلاً من

فلان مریضی را داشتم و آب زمزم هم نوشیدم اما هیچ گونه بهبودی حاصل نشد پس... باید دانست که شفابخش بودن آب زمزم که سبب شفای یک بیمار می شود اولاً: به مشیت الهی و خواست الله تبارک و تعالی بستگی دارد اگر خداوند بخواهد به او شفا می دهد و آب زمزم را سبب شفای او می گرداند. آنگونه که بسیاری از داروهای مدرن و پیشرفته شیمیایی برای بسیاری از بیماری ها درست شده اند و در اغلب موارد باعث بهبودی بیماران می شوند ولی گاهی از اوقات مشاهده می گردد که برای بسیاری از بیماران چنین اتفاقی نمی افتد و آنان بهبود نمی یابند. چون خواست و مشیت الهی در این نبوده است و از دیرباز گفته اند: «از قضا سکنجبین صفرا افزود/ روغن بادام سردی می نمود».

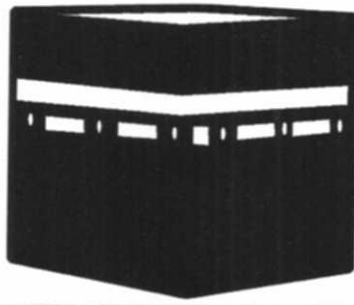
ثانیاً: نیت و اعتقاد فرد بیمار هم حائز اهمیت است یعنی فردی که آب زمزم می نوشد بایستی با عزمی راسخ و اعتقادی جازم آن را بنوشد و خالصانه و صادقانه نیت کند که خداوند او را شفا خواهد داد. (آنی مع ظن عبدی بی) و یقین داشته باشد که شفا دهنده الله تبارک و تعالی است و اوست که خاصیت شفابخش بودن را در بسیاری از گیاهان، داروها و آب زمزم قرار داده است و هیچ دارویی مستقلاً شفابخش نبوده و خود قادر به شفا دادن نیست حتی آب زمزم.

ثالثاً: هنگام نوشیدن بر الله تبارک و تعالی توکل نماید و عزم را بر این جزم کند که ان شاء الله، الله تبارک و تعالی آب زمزم را برایش سبب خیر و شفا خواهد نمود.

رابعاً: قبل و بعد از نوشیدن آب زمزم مجذانه و مصرانه دعا کند و از خداوند بخواهد که آب زمزم را سبب شفای بیماری او قرار دهد.

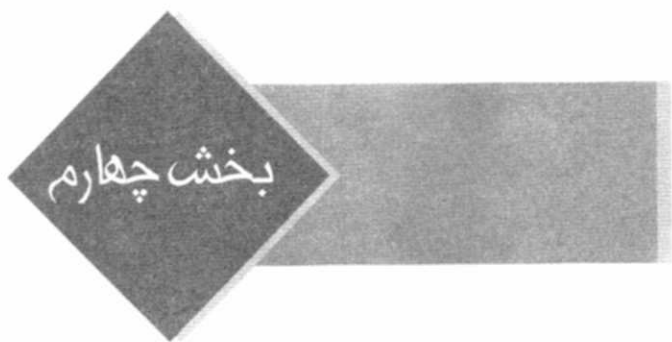
خامساً: آب زمزم را به کرات و مرات و همیشه هم تا سیر سیر بنوشد چون در روایت آمده «یتصلع» یعنی خیلی زیاد بنوشد.

سادساً: با همه ی این تفصیل اگر باز هم مشاهده نمود که بیماریش بهبودی نیافت، بداند که نقصی در کار او بوده نه در آب زمزم و نه در روایات آنگونه که در داستان فرد بیمار و غسل نوشیدنش مشهور است.



زائر گرامی!

هرگز خود را برتر از دیگران
مپندار، چون همه از یک
پدر و مادر آفریده شده‌اید.





اعوذ بالله من الشيطان الرجيم

بسم الله الرحمن الرحيم

﴿ إِنَّا الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا وَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ ﴾ (بقره: ۱۵۸)

«هر آئینه صفا و مروه از نشانه‌های خدا است؛ پس هر که حج خانه کند یا عمره به جا آورد، پس بزه نیست بر وی در آن که طواف کند در میان آن دو و هر که نیکی به جا آورد، پس خدا شکر پذیری داناست.»

کوه صفا

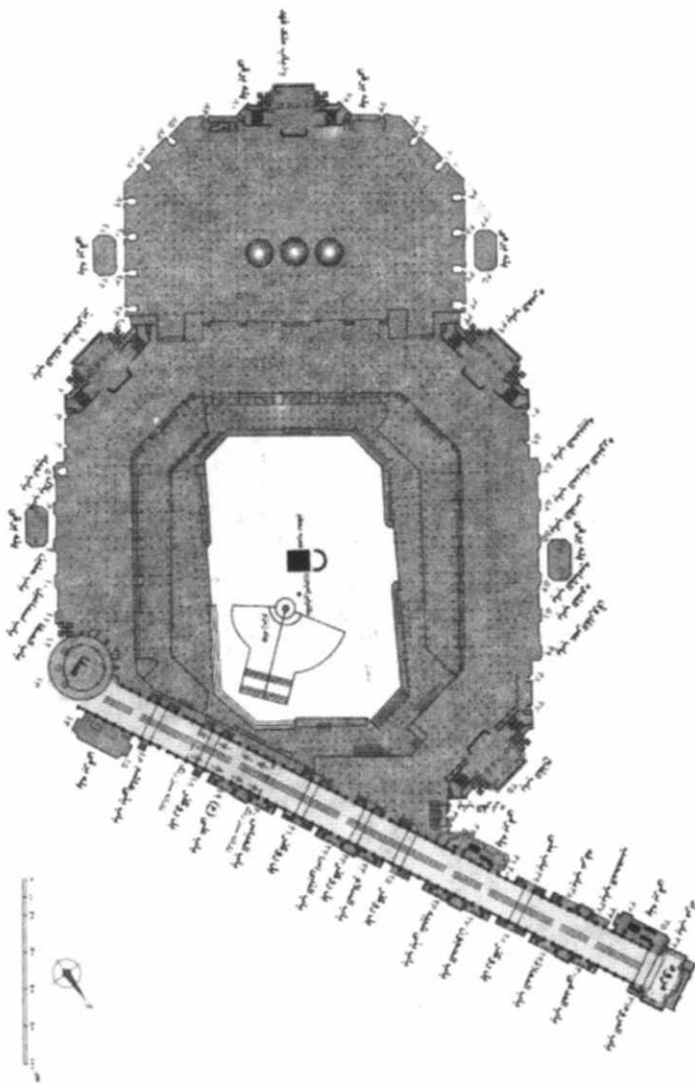
(ان الصفا و المروة من شعائر الله)

صفا به معنی سنگ صاف نرم است و کوه صفا کوه کوچکی است در جنوب شرقی خانه‌ی کعبه که مسافت آن تا خانه‌ی کعبه یکصد و سی متر می‌باشد و یکی از قله‌های کوه «ابوقُبَیس» و مبدأ سعی است یعنی سعی از کوه صفا آغاز می‌گردد چون رسول مکرم اسلام ﷺ فرمودند: (أَبْدَأْ بِمَا بَدَأَ اللَّهُ) «و نام آن در قرآن ذکر شده است.»^{۱۱۴}

حکم آن :

۱ - سعی از آنجا آغاز می‌گردد.

۲ - در اثنای سعی بر روی آن دعا کرده می‌شود.



کوه صفا و حوادث

کوه صفا شاهد حوادث بیشماری بوده است که ذکر همه‌ی آنها در این مقال مختصر نمی‌گنجد و در این جا فقط به ذکر چند مورد اکتفا می‌نمائیم.

الف) حضرت هاجر (علیه السلام) پس از اتمام آب و غذایش برای یافتن آب بر بلندای کوه صفا رفت تا هم بتواند فرزندش را رصد کند و هم نگاهی به دور دستها بیندازد تا شاید سراغی از آب بگیرد.

ب) خروج دابة الارض

یکی از نشانه‌های کبرای قیامت خروج حیوانی عجیب است که با آدمیان سخن می‌گوید، در قرآن کریم چنین آمده است: ﴿وَإِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِّنَ الْأَرْضِ

تَكَلِّمُهُمَّ أَنَّ النَّاسَ كَانُوا بِآيَاتِنَا لَا يُوقِنُونَ ﴿٨٢﴾ (نمل: ٨٢)

«چون متحقق شود وعده‌ی عذاب بر ایشان، بیرون آوریم برایشان جانوری از زمین که سخن گوید به ایشان به سبب آنکه مردمان به آیات ما یقین نمی‌آورند.»



۱۰۵

رسول الله ﷺ فرمودند: (بَادُرُوا بِالْأَعْمَالِ الصَّالِحَةِ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ مِنْ مَغْرِبِهَا وَالذَّجَالِ والدابة)

«به انجام دادن اعمال صالح بشتابید پیش از آنکه خورشید از مغرب طلوع کند و دجال و دابه خروج نمایند.»

در اینکه دابه‌الارض از کجا خارج می‌شود، اختلاف نظر وجود دارد :

(الف) گروهی گویند از کوه صفا در مکه‌ی مکرمه.

(ب) گروهی را نظر بر این است که از کوه ابوقبیس در مکه‌ی مکرمه.

(ج) گروهی گویند که از بزرگترین و مکرمترین مسجد^{۱۱۵}.

اما در کل هر سه قول نزدیک به هم می‌باشند زیرا که کوه صفا در پایه کوه ابوقبیس واقع شده و آن در کنار بزرگترین مسجد یعنی مسجدالحرام قرار دارد.^{۱۱۶}

ج) انشقاق القمر

از حضرت عبدالله بن عباس رضی الله عنه روایت است که ماه در شب چهاردهم - به فرمان نبی مکرم اسلام و خواست قریش - به دو نیم تقسیم شد نیمی از آن بر کوه صفا بود و نیمی دیگر بر کوه مروه.^{۱۱۷}

د) غفو عمومی

هنگامیکه رسول الله ﷺ مکه را فتح نمود بر کوه صفا ایستاد و اعلام داشت: هر کسیکه وارد منزل ابوسفیان رضی الله عنه شود در امان است، هر کسی که اسلحه‌اش را بیرون نیاورد در امان است و هر کسی (در خانه بماند) در خانه‌اش را ببندد در امان است.^{۱۱۸}

۱۱۵. تفسیر طبری ۴۱/۰۲ بنقل از تاریخ مکه‌المکرمه قدیمه و حدیثاً ص ۲۸.

۱۱۶. تاریخ مکه‌المکرمه قدیمه و حدیثاً ص ۲۸، تفسیر روح المعانی ۳۲/۰۲، مختصر ابن کثیر از هانی جمعه ۱۳۸/۲.

۱۱۷. شفاء الغرام باخبار البلد الحرام ۱۲۵/۱.

(عن جابر رضی الله عنه ان رسول الله صلی الله علیه و آله كَانَ إِذَا وَقَفَ عَلَى الصَّفَا كَبَّرَ ثَلَاثًا ثُمَّ يَقُولُ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، يَصْنَعُ ذَلِكَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ وَ يَدْعُو) ^{۱۱۹}



«حضرت جابر رضی الله عنه روایت می کند که هرگاه بر کوه صفا می ایستاد سه مرتبه «الله اکبر» می گفت و سپس می گفت: (لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ) تا سه مرتبه و از آن پس دعا می کرد.»

در روایت صحیح مسلم آمده بعد از آن بگوید: (لا اله الا الله وحده، انجزو عده و نصر عبده و هزم الاحزاب وحده) حضرت عمر رضی الله عنه بر کوه صفا رو به قبله می ایستاد و هفت مرتبه تکبیر می گفت و درمیان هر دو تکبیر ثنا و ستایش خداوند را بیان می فرمود و بر رسول مکرم اسلام درود می فرستاد و سپس دعا می کرد ^{۱۲۰}.

حضرت عبدالله بن عمرو رضی الله عنه بر کوه صفا این دعا را می گفت: (اللَّهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ «ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ» وَ أَنْتَ لَا تَخْلِفُ الْمِيعَادَ وَ أَنِي أَسْأَلُكَ كَمَا هَدَيْتَنِي لِلْإِسْلَامِ لَا تَنْزِعْهُ مِنِّي حَتَّى تَتَوَفَّانِي وَ أَنَا مُسْلِمٌ) ^{۱۲۱}

«پروردگارا! تو گفته ای از من بخواهید اجابت می کنم و قطعاً تو وعده خلافی نمی کنی قطعاً از تو می خواهم آنگونه که مرا به اسلام هدایت کرده ای، آن را از من نگیر تا آنگاه که وجود مرا از دنیا ببری در حالیکه من مسلمان هستم.»

تذکر ۱: البته دعا و مکث بر کوه صفا و مروه سنت است و در صورت ازدحام شدید می توان آن را ترک کرد و یا خیلی بصورت مختصر و گذرا دعا کرد.

تذکر ۲: می توان هر دعای دیگری را به هر زبانی هم که باشد از خداوند متعال خواست.

تذکر ۳: سعی شود در حرمین شریفین از دعاهایی که در آنها گناه است و یا قطع رحم وجد دارد پرهیز کرد.

کوه مروه

مروه - یکی از کوههای مسعی - کوه کوچکی است از سنگ «مرو» (و مرو به سنگ

۱۱۹. رواه النسائي بنقل از القرى لقاصدام القرى ص ۶۶۳.

۱۲۰. القرى ص ۶۶۳.

سفید سخت که با آن آتش روشن می کنند گفته می شود) مروه در جهت شمال شرقی بیت الله و تقریباً به فاصله ی ۳۰۰ (سیصد) متری رکن خانه ی کعبه واقع شده و همچون کوه صفا یکی از مشاعر (شعائر) حج است.^{۱۲۲}

علت نامگذاری: چون سنگ این کوه از نوع سنگ «مرو» است و آن نوعی است که تکه تکه می شود و اطرافش باریک می گردد به همین خاطر آن را مروه نامیدند.^{۱۲۳}

حکم آن

۱ - سعی نزد آن پایان می پذیرد. ۲ - در هر دور از سعی بر بلندای آن دعا کرده می شود.

دعای کوه مروه

همان دعایی که قبلاً برای کوه صفا ذکر شد، عین آن دعا بر کوه مروه نیز خوانده می شود.

تاریخچه ی صفا و مروه

الف) حضرت ابراهیم علیه السلام به دستور پروردگار همسرش هاجر علیها السلام و تنها فرزندش اسماعیل علیه السلام را در وادی لم یزرع مکه بی کس و تنها رها کرد و رفت، پس از آنکه آب و آذوقه حضرت هاجر به اتمام رسید، او ناچار شد تا آبی جستجو نماید تا از تشنگی تلف نشوند، بدین منظور بر بالای کوه صفا رفت تا از یک سو بتواند فرزند دلبندش را زیر نظر داشته باشد تا مبادا حیوانی به او آسیب نرساند و از دیگر سو به دور دستها نظر کند تا شاید آبی بیابد از بلندای صفا به هر سو نگریست چیزی ندید، از بلندای آن به زیر آمد و وقتی که به پایین رسید دوان دوان حرکت کرد و خود را به بالای کوه مروه رساند خلاصه این عمل را هفت بار تکرار کرد و در نهایت زمزم را وقتی که خداوند زیر پای حضرت اسماعیل علیه السلام جاری ساخته بود مشاهده نمود و خدا را سپاس گفت.

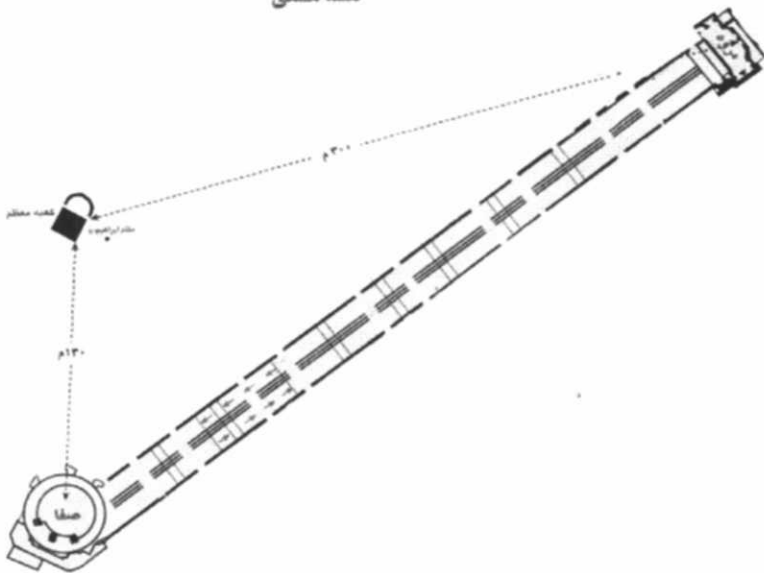
این عمل حضرت هاجر علیها السلام بقدری پسندیده بود که الله تبارک و تعالی آن را تا قیامت جاودانه نمود و به سایرین امر کرد که به تاسی از او کارش را تکرار کنند، تا شاید همچون هاجر علیه السلام و اسماعیل علیه السلام ایمانی راسخ نسبت به خالق خویش پیدا کنند و در راستای

اجرای دستورات الله تبارک و تعالی از همه چیز خویش بگذرند.

ب) اهل کتاب چنین می‌پندارند که: دو نفر به نام‌های «اساف» و «نائله» در خانه‌ی کعبه مرتکب عمل زنا شدند و خداوند متعال آندو را تبدیل به سنگ نمود، اساف را بر روی کوه صفا و نائله را بر روی کوه مروه قرار دادند تا برای سایر مردم درس عبرتی باشند. به مرور زمان این دو مورد پرستش واقع شدند و برایشان ذبح می‌کردند و مردم زمان جاهلیت میان کوه صفا و مروه سعی می‌کردند در حالیکه این بت‌ها (انسانهای سنگ‌شده) بر روی آنها بودند.

پس از اسلام آندو نابود کرده شدند و بسیاری از مسلمانان از سعی میان صفا و مروه به خاطر اعمال مردم زمان جاهلیت کراهت داشتند تا آنکه آیه‌ی (أَنَّ الصَّافَا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ) نازل شد.^{۱۲۴}

نقشه سعی



سعی و مسعی

هفت بار طی کردن مسافت میان کوه صفا و مروه را سعی نامند، سعی در لغت به معنی دویدن است.^{۱۲۵}

مسعی: مسافت میان کوه صفا و مروه را مسعی نامند و به معنی جای سعی کردن است.

۱۲۴. القرى لقاصد ام القرى ص ۲۶۳ - شفاء العزام، تاریخ مکه قدیمآ و حدیثآ ص ۵۸.

۱۲۵. و معانی متعدد دیگری هم دارد.



مسافت مسعی از اول دیواری که در منتهای کوه صفا قرار دارد و تا آخر دیواری که در انتهای مروه واقع است ۳۹۴/۵ متر می‌باشد و عرض مسعی ۲۰ متر است با این حساب مساحت مسعی در یک طبقه ۷۸۹۰ مترمربع می‌باشد.^{۱۲۶}

لازم به یادآوری است که این محاسبه و مساحت مربوط به زمان قبل از توسعه‌ی مسعی توسط ملک عبدالله می‌باشد.

حکم آن: سعی در مناسک حج و عمره می‌باشد که بعد از طواف، انجام می‌پذیرد (البته در طوافهای نفلی سعی در کار نیست)

ام‌المؤمنین عایشه رضی الله عنها فرمودند: (قَدْ سَنَّ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ الطَّوْفَ بَيْنَهُمَا، فَلَيْسَ لِأَخٍ أَنْ يَتَرَكَ الطَّوْفَ بَيْنَهُمَا)^{۱۲۷}

«رسول الله ﷺ سعی میان صفا و مروه را مسنون نمودند و هیچ احدی حق ندارد آن را ترک کند.»

دعای میان صفا و مروه هنگام سعی

(عن ام سلمة رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا قَالَتْ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ فِي سَعْيِهِ: رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَاهْدِنِي السَّبِيلَ الْأَقْوَمَ وَ فِي رَوَايَةٍ أُخْرَى (رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ أَنْتَ الْأَعَزُّ الْأَكْرَمُ)^{۱۲۸}

«پروردگارا (مرا) بیامرز و رحم کن و به استوارترین راه هدایت‌م کن و در روایت دیگری دعا چنین وارد شده است: رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ أَنْتَ الْأَعَزُّ الْأَكْرَمُ
پروردگارا مرا بیامرز و بر من رحم نما قطعاً که تو عزیزترین و گرامی‌ترین هستی.»

مقبره معلی^{۱۲۹}

در مکه‌ی مکرمه و در منطقه «حَجُّون» واقع است و در آن تعداد زیادی از صحابه‌ی کرام به خاک سپرده شده‌اند و قبر هیچ احدی از آنان بطور قطعی و یقینی شناخته شده نیست. حتی قبری که گفته می‌شود قبر حضرت خدیجه کبری است هیچ اثری که قابل

۱۲۶. تاریخ مکه‌ی مکرمه قدیماً و حدیثاً ص ۶۸.

۱۲۷. صحیح البخاری ۸۸۴/۱ حدیث شماره ۳۴۶۱.

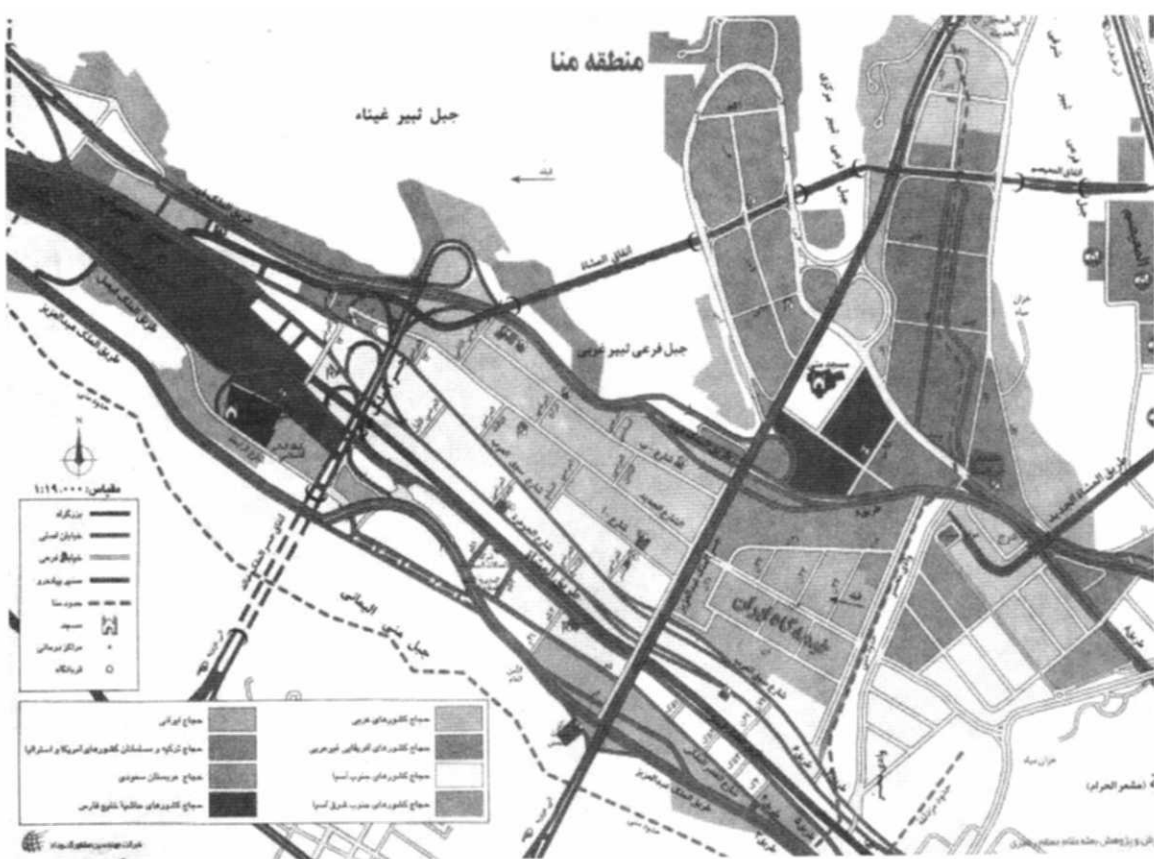
۱۲۸. القرى لقاصدام القرى ص ۸۶۳.

۱۲۹. بفتح المیم واللام ضدالمسفله واشتهر بین العامة بضم المیم و تشدید اللام المفتوحه و له وجه

في القواعد العربية - ارشاد الساری ص ۱۵۵.

اعتماد باشد وجود ندارد.^{۱۳۰}

و حتی قبرهایی که منسوب به عبدالله بن عمرو و عبدالله بن زبیر رضی الله عنهما هستند صحیح نیستند، بلکه فقط از روی حدس و گمان گفته شده‌اند.^{۱۳۱}



منی

مکانی است واقع در میان مکه‌ی مکرمه و مزدلفه که در هفت کیلومتری شمال شرقی مسجدالحرام قرار دارد و از راه تونل فاصله‌ی آن چهار کیلومتر می‌باشد.^{۱۳۲}

حکم آن

حجاج بیت‌الله الحرام به هنگام بجاآوردن مناسک حج شبهای روز نهم، یازدهم و دوازدهم و تأخیرکنندگان، شب سیزدهم را هم در آنجا سپری می‌نمایند.^{۱۳۳}

۱۳۲. تاریخ مکه‌المکرمه قدیم و حدیثاً ص ۳۰۱ تهذیب الاسماء ۳۳۳/۳.

۱۳۳. تاریخ مکه‌المکرمه قدیم و حدیثاً ص ۳۰۱ تهذیب الاسماء ۳۳۳/۳. www.iqra.ahlamontada.com

درباره‌ی نامگذاری آن به منی اقوال متعددی بیان شده که به ذکر برخی از آنها بسنده می‌نماییم:



الف) گویند وقتی که حضرت جبرائیل با حضرت آدم علیه السلام به اینجا رسیدند حضرت جبرائیل علیه السلام به حضرت آدم علیه السلام گفت: چه تمنایی داری؟! حضرت آدم علیه السلام گفت: تمنای بهشت.

و از آنجایی که منی اصل و ریشه‌ی کلمه‌ی تمناست به همین خاطر این وادی را منی نام نهادند.^{۱۳۴}

ب) گروهی را نظر بر این است که منی ریشه‌ی کلمه‌ی «امناء» که به معنی ریختن خون می‌باشد، هست.

و از آنجایی که در موسم حج در این مکان گوسفندهای شکر (دم هدی) ذبح کرده می‌شوند و خون آنها ریخته می‌شود، منی نام نهاده شده است.^{۱۳۵}

ج) گفته شده بخاطر تجمع و اجتماع انسانها، منی نامگذاری شده است زیرا که عربها هر مکانی را که در آن مردم جمع شوند منی می‌گویند.^{۱۳۶}

د) گویند چون الله تبارک و تعالی بر ابراهیم خلیل علیه السلام منت گذاشت و در مقابل حضرت اسماعیل گوسفندی را به او اعطا نمود، منی نامیده شد.^{۱۳۷}

ویژگیها و فضایل منی

۱ - یکی از ویژگیهای منی این است که به مقدار زائران و آمارشان وسعت پیدا می‌کند، هر چند که از نظر ظاهر بسیار محدود به نظر می‌آید اما به لطف پروردگار هر چقدر زائر در آنجا جمع شوند به همان میزان توسعه می‌یابد.

حضرت عبدالله بن عباس رضی الله عنه فرمودند: (إِنَّ مِنْ مَنِي لَتَسْعَ بِأَهْلِهِ كَمَا يَتَسَّعُ الرَّحِمُ لِلْوَلَدِ) قطعاً منی برای اهلش (زائران) وسعت پیدا می‌کند همانطور که رحم (زن) برای بچه

۱۳۴. جامع الفنون فی اصطلاحات الفنون (دستورالعلماء) ۴۵۳/۳، معجم المناسک ۸۱۲ القرى ص ۱۴۵.

۱۳۵. شفاء الغرام ۱۹۵/۱ - الفقه الاسلامی وادلتہ ۴۰۲/۳ - تهذیب الاسماء و؟؟؟ ۳۳۳/۳.

۱۳۶. تاریخ مکة المکرمه قديماً و حديثاً ص ۳۰۱ - شفاء الغرام ۲۹۵/۱ - القرى ص ۸۷۳.

وسعت پیدا می‌کند.^{۱۳۸}

۲- زَعْن (پرنده‌ای است) در ایام تشریق در منی گوشت‌ها را نمی‌رباید.

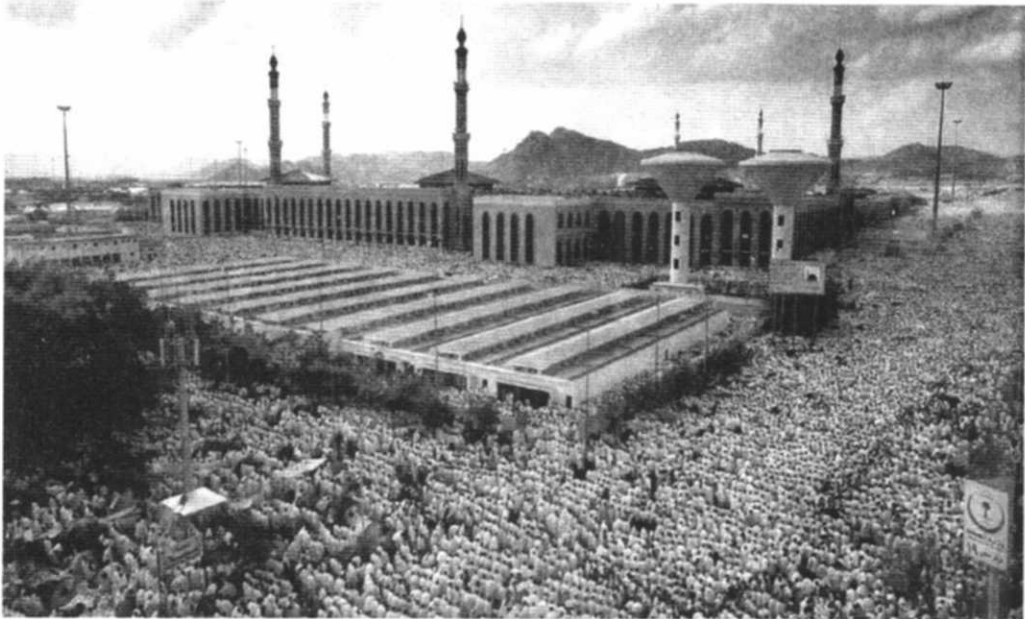
۳- در منی مگس در غذا نمی‌افتد.

۴- در موسم حج پشه‌ها در آنجا به حداقل می‌رسند.

۵- از همه مهمتر اینکه خداوند بجای حضرت اسماعیل گوسفندی را به حضرت ابراهیم

الصلوات عطا نمود.^{۱۳۹}

۶- سنگهای مقبول در جمرات توسط ملاتک بالا برده می‌شوند.^{۱۴۰}



۷- و یکی از فضایل آن وجود مسجد خیف در آن است.^{۱۴۱}

مسجد خیف

مسجدی است در منی که از مسیل بلندتر است و در پایه‌ی کوه جنوبی نزدیک جمره‌ی

صغری قرار دارد.^{۱۴۲}

۱۳۸. شفاء الغرام ۷۹۵/۱ القری ص ۱۴۵.

۱۳۹. شفاء الغرام ۷۹۵/۱

۱۴۰. مصدر فوق ۶۹۵/۱

۱۴۱. تاریخ مکه المکرمة قدیمآ و حدیثآ ص ۹۹.

۱۴۲. تاریخ مکه المکرمة قدیمآ و حدیثآ ص ۴۰۱ شفاء الغرام ۰۰۵/۱.



این مسجد از فضایل بیشماری برخوردار است از جمله اینکه رسول الله ﷺ در آن نماز خوانده‌اند و بیش از هفتاد پیامبر در آن نماز خوانده است.

حضرت ابوهریره رضی الله عنه فرموده است: (لَوْ كُنْتُ مِنْ أَهْلِ مَكَّةَ مَا جَاءَتْ عَلَيَّ جُمُعَةٌ إِلَّا صَلَّى فِيهِ) ^{۱۴۳}

اگر از اهل مکه می‌بودم هیچ جمعه‌ای بر من نمی‌گذشت مگر اینکه در مسجد خیف نماز می‌خواندم.

حکم آن

نماز خواندن در آن سنت است.

علت نامگذاری

چون از مسیل بلندتر و در پایه کوه قرار دارد به خیف نامگذاری شده است. ^{۱۴۴}

جمرات

مکانهای معروفی در منی هستند که بنام جمره‌ی اولی (صغری)، جمره‌ی وسطی و جمره‌ی عقبه نامیده می‌شوند، جمره‌ی عقبه داخل در منی نیست بلکه مرز میان مکه‌ی مکرمه و منی در جهت غربی مکه می‌باشد. ^{۱۴۵}

علت نامگذاری

جمرات جمع جمره است و جمره به سنگ کوچک (سنگریزه) گفته می‌شود و از مناسک حج زدن سنگ به این مکانهاست و این دستور خداوند و سنت حضرت ابراهیم علیه السلام است به همین خاطر این مکانها را جمرات می‌گویند ^{۱۴۶} چون در آنجا به ستونهایی که نماد شیطان محسوب می‌شوند زده سنگ می‌شود.

ابن الکلبی می‌گوید: «به این خاطر «جمار» ^{۱۴۷} نامیده شده که حضرت آدم شیطان را

۱۴۳. مجمع الزوائد ۹۷۲/۳ و حسنه الشيخ الالباني في المناسك بنقل از تاريخ مکه مکرمه ص ۸۹/، شفاء الغرام ۱۰۵/۱.

۱۴۴. معجم المناسك ص ۳۲۲.

۱۴۵. تهذيب الاسماء واللغات ۵۵/۳.

۱۴۶. تاريخ مکه قديماً و حديثاً ص ۹۰۱.

۱۴۷. اجمار: در رفس سباب کردن. لاروس ص ۳۵.



می‌زد و شیطان از پیش او سریع می‌گریخت و اِجمار به معنی اسراع (سریع رفتن) است. ۱۴۸.

تاریخچه جمرات

۱ - حضرت عبدالله بن عباس روایت می‌کند: آنگاه که حضرت ابراهیم علیه السلام برای ادای مناسک^{۱۴۹} به همراه حضرت جبرائیل علیه السلام بیرون رفت، در مکان جمره‌ی اولی شیطان بر او نمایان شد - راه را بر او سد نمود - و خواست که او را از انجام مأموریتش بازدارد - حضرت ابراهیم هفت عدد سنگ بر او زد تا آنکه شیطان از سر راهش کنار رفت، سپس در مکان جمره‌ی وسطی باز نمایان شده این بار نیز ابراهیم خلیل علیه السلام با هفت عدد سنگ او را از سر راه خود کنار زد، باز هم در مکان جمره‌ی عقبه شیطان نمایان شد و خواست که او را از انجام مأموریتش بازدارد ولی باز هم حضرت ابراهیم هفت عدد سنگ به او زد و او را از سر راهش کنار زد.^{۱۵۰}

و این عمل ابراهیم خلیل علیه السلام تا قیامت تا روزی که حجتی انجام می‌گیرد تکرار می‌شود

۱۴۸. القرى ص ۱۳۵.

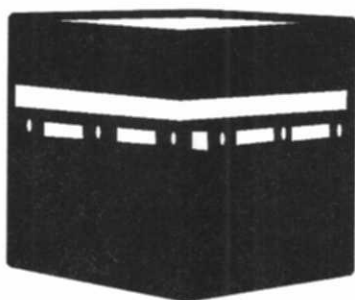
۱۴۹. برای ذبح فرزندش القرى ص ۹۲۵.

۱۵۰. تاریخ مکه قدیم و حدیثاً ص ۱۱. القرى لقاصد ام القرى ص ۹۲۵.



تا مردم با تأسی جستن به حضرت ابراهیم، ابراهیم‌وار شیطان را کنار زنند و به هنگام اجرای دستورات خداوند اسیر او نگردند.

۲ - رسول الله ﷺ در حجة الوداع در روز دهم در میان جمرات سخنرانی نمودند^{۱۵۱} و فرمودند: «ای مردم! امروز کدام روز است؟ گفتند: روزی از روزهای حرام است (یعنی جنگ و خونریزی در آن حرام می‌باشد) این کدام شهر است؟ گفتند شهر حرام (یعنی مکه مکرمه) فرمودند: این کدام ماه است؟ گفتند: ماه حرام (ذیحجه) آنگاه فرمودند: «قطعاً خونهای شما، مالهای شما و آبروهای شما بر شما (یکدیگر) حرام است همانند حرمت همین روز شما در همین شهر و در همین ماه و چندین مرتبه آن را تکرار فرمودند. سپس سر خویش را بلند کرده و فرمود: پروردگارا! آیا ابلاغ کردم (آیا دین تو را به مردم رساندم)، آیا ابلاغ کردم؟ ابن عباس گفت: قسم به آن ذاتی که نفَس (روح) من در دست اوست که این فرمایشات رسول الله ﷺ وصیتی برای امت اوست که فرمود: باید حاضران (مجلس این سخن مرا) به غائبان برسانند بعد از من به کفر برنگردید که بعضی از شما گردنهای بعضی دیگر را بزنند.»^{۱۵۲}



زائر عزیز!

از بداخلاقی، تندخویی، عیب‌جویی
با تمامی وجود دوری کن



اعوذ بالله من الشيطان الرجيم

بسم الله الرحمن الرحيم

﴿لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَبْتَغُوا فَضْلًا مِنْ رَبِّكُمْ فَإِذَا أَفَضْتُمْ مِنْ عَرَفَاتٍ فَأَذْكُرُوا اللَّهَ عِنْدَ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ وَاذْكُرُوهُ كَمَا هَدَانَكُمْ وَإِنْ كُنْتُمْ مِنْ قَبْلِهِ لَمَنِ الصَّالِينَ﴾ (بقره: ۱۹۸)

«تبیست شما را گناهی در آنکه طلب کنید در موسم حج، روزی از پروردگار خویش، پس آنگاه که باز گردید از عرفات، پس یاد کنید خدا را نزد مشعر حرام و یاد کنید خدا را به شکر آن که راه نموده است شما را، و قطعاً پیش از این، از گمراهان بودید.»

عرفات ۱۵۳

(فَإِذَا أَفَضْتُمْ مِنْ عَرَفَاتٍ فَأَذْكُرُوا اللَّهَ عِنْدَ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ وَاذْكُرُوهُ كَمَا هَدَانَكُمْ وَإِنْ كُنْتُمْ

۱۵۳. عرفات یک میدان است و علت ذکر آن به صورت جمع بدین خاطر است که گویا هر جزیی به

۱۵۳. عرفات یک میدان است و علت ذکر آن به صورت جمع بدین خاطر است که گویا هر جزیی به

www.iqra.ahlamontada.com

«صحرايي است خارج از حدود حرم که در قسمت جنوب شرقي مسجدالحرام واقع است و از خيابان مسجدالحرام ۲۲ كيلومتر فاصله دارد.»
و مساحت اجمالي آن ۱۰/۴ كيلومتر مي باشد که در کليه ي زواياي آن تابلوهاي بزرگ نصب شده است^{۱۵۴} تا حجاج به هنگام وقوف در آن دچار مشکل نشوند و خدای ناکرده خارج از حدود عرفات وقوف ننمایند.

حکم آف

وقوف در عرفات اساسي ترين رکن حج مي باشد که همه زائران موظف هستند که از ظهر (بعد از زوال روز نهم تا فجر روز دهم) لحظه اي در آنجا وقوف نمایند در غير اين صورت حششان از دست خواهد رفت چون رسول الله ﷺ فرمودند: «الْحَجُّ عَرَفَةُ»^{۱۵۵} حج عرفه است. تذکر: تمام ميدان عرفات موقوف است يعني حجاج مي توانند در آنجا وقوف (= توقف) نمایند الا «وادي عَرَنه»^{۱۵۶} که در آنجا توقف جايز نيست^{۱۵۷} چون خارج از عرفات و در حِلّ داخل است و از مشعر هم نيست - در واقع حد فاصل ميان - حِلّ و حرم است».

علت نامگذاري

الف) گویند حضرت آدم عليه السلام و حضرت حوا عليها السلام در اين مکان همدیگر را شناختند^{۱۵۸}.
ب) گویند حضرت ابراهيم عليه السلام مسایل و مناسک حج را از حضرت جبرائيل عليه السلام فراگرفت و حضرت جبرائيل در اين مکان از حضرت ابراهيم سؤال کرد اعرفت؟ آيا مسایل حج را شناختي به همين خاطر عرفات نام گرفت.^{۱۵۹}
ج) يا به خاطر اينکه مردم در روز عرفه در اين مکان مقدس به گناهان خویش در بارگاه الله تبارک و تعالی اعتراف می کنند - و از او آمرزش می طلبند - عرفات نامیده می شود.^{۱۶۰}
د) علامه نووی «ره» علاوه از علل فوق، علت ديگري را نيز ذکر کرده است و آن اينکه،

۱۵۴. تاريخ مکه المکرمه قديماً و حديثاً ص ۵۱۱.

۱۵۵. ابوداود ۹۴۹۱ ترمذی ۷۳۲/۳ حديث شماره ۹۸۸.

۱۵۶. صحيح آن «عَرَنه» است و عَرَنه، عُرَنه نيز خوانده می شود - شفاء الغرام ۰۷۵/۱.

۱۵۷. شفاء الغرام ۸۶۵/۱ - تاريخ مکه قديماً و حديثاً ص ۲۱۰ - القرى ص ۵۸۳.

۱۵۸. تاريخ مکه قديماً و حديثاً ص ۵۱۱ - شفاء الغرام ۸۶۵/۱ - القرى ص ۵۸۳.

۱۵۹. القرى ص ۹۲۵ و ص ۵۸۳.

۱۶۰. تاريخ مکه قديماً و حديثاً ص ۵۸۳. www.iqra-ahlamontada.com

چون در عرفات کوههای زیادی وجود دارد عرفات نامیده شده است. زیرا که - در زبان عربی - هر چیزی که بلند و برجسته باشد «عُرف» نامیده می شود مانند: عرف الدیک (تاج خروس) یا عُرف الفرس (یال اسب) و ...^{۱۶۱}



فضایل عرفات

۱ - می توان گفت نخستین و بارزترین فضیلت عرفات این است که اساسیترین رکن حج می باشد که اگر چنانچه وقوف عرفات در زمان معینش از کسی فوت شود، حج او از دست می رود و قضای حج بر وی لازم می گردد.

۲ - نزول آیهی ﴿حُرِّمَتْ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةُ وَالْدَّمُ وَلَحْمُ الْخِنْزِيرِ وَمَا أَهَلَ لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ وَالْمُنْخَفَقَةُ وَالْمَوْقُوذَةُ وَالْمُتَرَدِّيَةُ وَالنَّطِيحَةُ وَمَا أَكَلَ السَّبْعُ إِلَّا مَا ذُكِّرْتُمْ وَمَا ذُبِحَ عَلَى النُّصُبِ وَأَنْ تَسْتَقْسِمُوا بِالْأَزْلَمِ ذَلِكُمْ فَسُقُ الْيَوْمَ يَسُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَحْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا فَمَنِ اضْطُرَّ فِي مَخَبَصَةٍ غَيْرِ مُتَجَانِفٍ لِإِثْمِهِ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿۲﴾﴾ (مائده: ۳) در حجة الوداع، در این صحرا بر رسول الله ﷺ دیگر فضیلتی از فضایل آن محسوب می شود، زیرا که الله تبارک و تعالی در آن وادی مقدس آیهی تکمیل شدن دین را بر رسول الله ﷺ نازل فرمود و از آن پس هیچ حکمی مبنی بر حلال و حرام بودن نازل نشد. طارق بن شهاب روایت می کند «که مردی از یهود نزد خلیفه‌ی دوم حضرت عمر بن الخطاب رضی الله عنه آمد و گفت: ای امیرالمؤمنین! آیه‌ای در کتاب شماست و شما آن را تلاوت می کنید، اگر آن آیه بر ما یهودیان نازل می شد، ما آن روز را عید قرار می دادیم!

خلیفه‌ی دوم حضرت عمر را پرسید کدام آیه؟

گفت: آیهی (الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ...)

حضرت عمر رضی الله عنه فرمودند: آن روز و آن مکانی را که این آیه نازل شده نیک می دانیم و ارج می نهیم، آیه در روز جمعه (سرور ایام هفته و روز تعطیل ما مسلمانان است) و در مکان عرفات (که حجاج همه ساله در آن روز جمع می شوند، و همه‌ی مسلمانان عالم از راه تلویزیون و ماهواره اخبار و احوال آن روز را دنبال می کنند - و آن روز را روزه می گیرند) نازل شده است، پس هم به روزی که نازل شده ارزش و هم در مکانی که نازل شده ارج می نهیم.^{۱۶۲}



فضیلت روز عرفه

۱ - و از فضایل روز عرفه که در واقع به فضایل میدان عرفات هم وابسته است اینکه روزه‌ی روز عرفه موجب آمرزیده شدن گناهان یک سال قبل از آن و یک سال بعد از آن می شود.

حضرت ابوقتاده رضی الله عنه روایت می کند که مردی از رسول الله صلی الله علیه و آله درباره‌ی روزه‌ی روز عرفه پرسید، آنحضرت صلی الله علیه و آله فرمودند: «از خداوند عزوجل امید دارم که گناهان یک سال قبل و یک سال بعد از آن را بخاطر روزه گرفتن آن بیامرزد.»^{۱۶۳}

۲ - حضرت ام المؤمنین عایشه رضی الله عنها روایت می کند که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «هیچ روزی نیست که الله عزوجل در آن بیشتر از روز عرفه بندگان را از آتش جهنم آزاد نماید، همانا الله عزوجل بر ملائک مباحثات می کند (بخاطر وجود و تضرع بندگان در میدان عرفات) و از آنان می پرسد اینها چه می خواهند؟!»^{۱۶۴}

۳ - رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «شیطان در هیچ روزی ذلیلتر، پستتر، حقیرتر و خشمگینتر از روز عرفه دیده نشده است و این بخاطر نزول رحمت الله عزوجل بر بندگان و عفو و گذشت کردن او از گناهان بزرگ بندگان است.»^{۱۶۵}

کراهیت روزه در میدان عرفات

روزه گرفتن در روز عرفه و در میدان عرفات مکروه است.

(عن ابی هریره رضی الله عنه قال: نَهَى رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله عَنْ صَوْمِ يَوْمِ عَرَفَةَ بِعَرَفَاتٍ)^{۱۶۶}

«حضرت ابوهریره رضی الله عنه فرمودند: رسول الله صلی الله علیه و آله از روزه روز عرفه در میدان عرفات نهی نمودند.»

از عبدالله بن عمر رضی الله عنه روایت است که فرمود: همراه رسول الله صلی الله علیه و آله حج کردم او روز عرفه را در عرفات روزه نگرفت با ابوبکر رضی الله عنه او نیز روزه نگرفت، با عمر رضی الله عنه او نیز روزه نگرفت با عثمان رضی الله عنه او نیز روزه نگرفت، اما من - در عرفات روز عرفه - را روزه نمی گیرم و به آن دستور هم نمی دهم و از آن نهی هم نمی کنم.»^{۱۶۷}

۱۶۳ . صحیح مسلم / ۲۶۱۱ - ترمذی ۹۴۷.

۱۶۴ . صحیح مسلم ۸۴۳۱ ابن ماجه ۴۱۰۳، نسایی ۳۰۰۳.

۱۶۵ . رواه مالک ۲۲۴/۱.

۱۶۶ . رواه احمد فی المسند فی القری ص ۳۰۴ - تحفه الاخود ۳۷۱/۳.

روزه نگرفتن روز عرفه در عرفات برای زائران مستحب است تا بر دعا و تضرع و زاری در آن روز قدرت داشته باشند.



حضرت عطاء «ره» فرمود: کسیکه روز عرفه را در عرفات بخاطر توانا بودن بر دعا روزه نگیرد، خداوند متعال به او همانند فرد روزه‌دار ثواب روزه را به او عطاء خواهد کرد.^{۱۶۸}

(عن عمر بن خطاب رضی الله عنه انه نهی عن صوم يوم عرفة في الحج و كان يقول: يوم اجتهاد و عبادة و دعا)^{۱۶۹} اخرجہ سعید بن منصور

حضرت عمر رضی الله عنه از روزه‌ی روز عرفه در حج نهی کردند و می‌فرمودند که این روز روز تلاش و عبادت و دعا است.^{۱۷۰}

جبل الرحمة = کوه رحمت^{۱۷۱}

کوهی است تشکیل شده از سنگهای بزرگ و سخت که در جهت شرق عرفات و میان راه‌های شماره ۷ و ۸ قرار دارد و در بلندای آن ستونی سفید رنگ به ارتفاع هشت متر و عرض ۱/۸۰ جهت راهنمای حجاج قرار دارد.^{۱۷۲}

و در قسمت پایین آن قبلا مسجد صخرات (مسجدي که شتر رسول الله (قصواء) در بعد از ظهر روز عرفه در آنجا توقف نمود و آنحضرت سوار بر آن بودند، و بعدها در آنجا مسجدی ساخته شده و بعداً بنا به دلایلی تخریب شده و آیهی (الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ...) در این مکان نازل شده است.^{۱۷۳}

در مورد جبل رحمت و بالا رفتن آن هیچ فضیلتی وارد نشده است هرچند که عوام الناس عادت دارند بر بالای آن بروند و یا بعضی می‌پندارند که حتماً وقوف باید در بلندای آن صورت گیرد^{۱۷۴} سعی شود از انجام کارهایی که از رسول الله صلی الله علیه و آله و اصحابش ثابت نشده است پرهیز گردد.

۱۶۸. تحفة الاحوزی ۳/۳۷۱.

۱۶۹. القرى ص ۵۰۴.

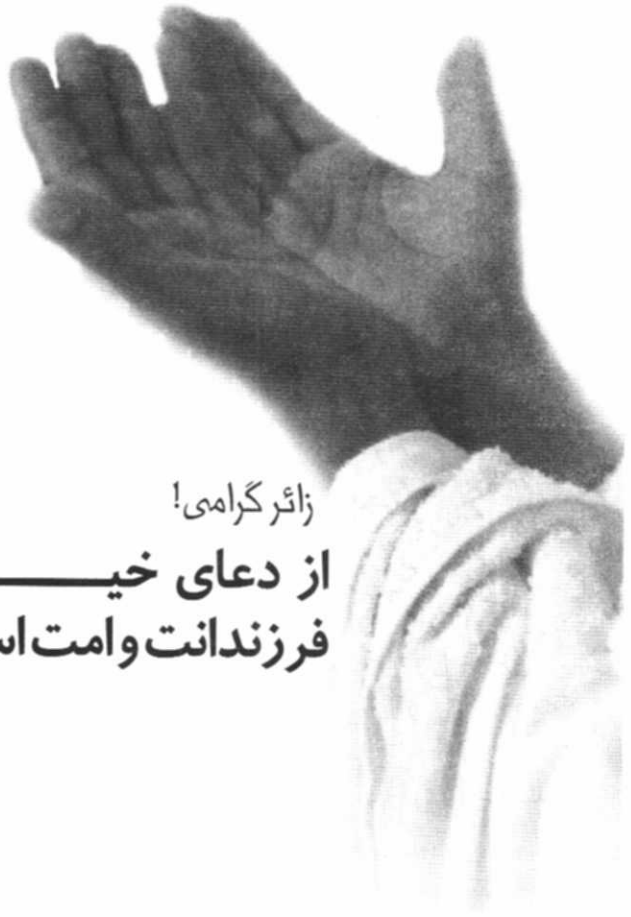
۱۷۰. یحیی بن سعید انصاری گفت: روزه گرفتن روز عرفه باری حجاج روایت است - تحفة الاحوده ذی ۳/۳۷۱.

۱۷۱. و عربها معمولاً آن را «اللال» بر وزن «قبال» می‌نامند القرى ص ۶۸۳.

۱۷۲. تاریخ مکه قدیمآ و حدیثاً ص ۹۱۱.

۱۷۳. تاریخ مکه قدیمآ و حدیثاً ص ۸۱۱.

۱۷۴. القرى لقاصد القرى ص ۸۲ و ۷۸ شفاء الغرام ۱/۵۶۵.



زائر گرامی!

از دعای خیر برای خودت،
فرزندانت و امت اسلامی غافل مشو.



مزدلفه

﴿لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَبْتَغُوا فَضْلًا مِنْ رَبِّكُمْ فَإِذَا أَفَضْتُمْ مِنْ عَرَفَاتٍ فَأَذْكُرُوا اللَّهَ عِنْدَ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ وَاذْكُرُوهُ كَمَا هَدَيْكُمْ وَإِنْ كُنْتُمْ مِنْ قَبْلِهِ عَمِلِينَ﴾ (۱۹۸) ﴿(بقره: ۱۹۸)

«وادی و صحرایی است که میان منی و میدان عرفات واقع شده است و مساحت تقریبی آن ۱۲۲۵ کیلومتر می باشد.»^{۱۷۵}

حکم آن

مبیت (ماندن شب روز دهم) در آنجا واجب است.^{۱۷۶}

علت نامگذاری

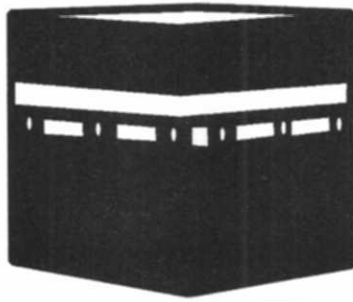
قبل از پرداختن به علت نامگذاری آن به مزدلفه، اشاره به این نکته ضروری است که به آن «جمع» و «مشعرالحرام» نیز می گویند و بعضی را نظر بر این است که مشعرالحرام بخشی از میدان مزدلفه است.^{۱۷۷}

۱۷۵. تاریخ مکه قدیمآ و حدیثاً ص ۳۱۱.

۱۷۶. تاریخ مکه ص ۵۳۱.

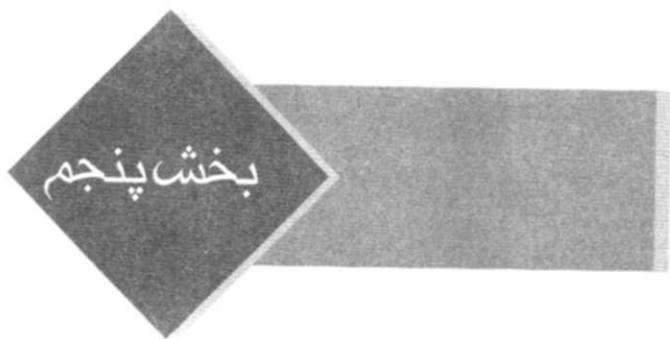


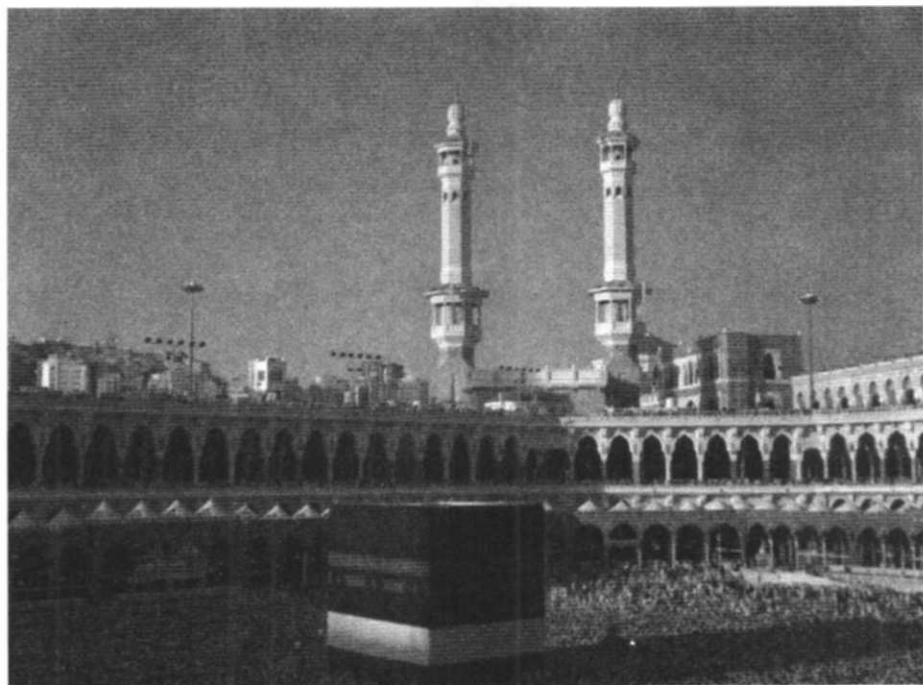
- ۱ - بخاطر اینکه مردم در آنجا اتراق می کنند، مزدلفه نامیده شده است.
 - ۲ - بعضی گویند چون مردم به صورت دسته جمعی و گروهی از آنجا بیرون می روند مزدلفه نامیده شده است.
 - ۳ - بخاطر نزدیک بودنش به منی مزدلفه نامیده شده است.
 - ۴ - چون حضرت آدم علیه السلام و حضرت حوا در آنجا جمع شدند به آن جمع یا مزدلفه گویند.
 - ۵ - چون حجاج بیت الله الحرام در آن مکان جمع می شوند آنجا را مزدلفه نامیده اند.^{۱۷۸}
- قصد ما در ذکر موارد مذکور استیعاب نیست چون اماکن بیشمار دیگری هستند که دارای فضایل می باشند اما از آنجائیکه زائران بیت الله الحرام با آنها سروکاری ندارند از ذکر آنها صرف نظر نموده و فقط به ذکر مواردی که حجاج بیت الله الحرام با آنها به نحوی ارتباط دارند و علم و آگاهی به آنها به زائران جهت هرچه بهتر انجام دادن مناسک کمک خواهد نمود ذکر کردیم. و آنهم به صورت مختصر و گذرا، زیرا که اطناب و ذکر تفصیلی موجب ملال و خستگی می گردد. بنابراین سعی بر آن داشتیم که موارد را نه آنقدر مختصر ذکر کنیم که زائر سر در نیاورد و نه آنقدر طولانی و مفصل که او را دچار سردرد آورد.
- اگر چنانچه به آنچه که مقصود ما بوده است رسیدیم بفضل پروردگار است و اگر چنانچه ضعیفی و کاستی در کار هست که قطعاً هم هست از ناحیه ما بوده است.



زائر گرامی!

حتماً چند نسخه قرآن
مجید خریداری کن
و آنها را وقف مسجد الحرام
و مسجد النبی بگردان
چون تا وقتی که آنها تلاوت
می‌شوند برای تو ثواب
فراوان ذخیره خواهد شد.





فضایل مکه مکرمه (زادها الله شرفاً)

﴿إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِلْعَالَمِينَ﴾ (آل عمران/ ۹۶)

مکه‌ی مکرمه مقدس‌ترین مکان در کره‌ی زمین و محبوب‌ترین شهر نزد خالق متعال می‌باشد که یگانه قبله‌گاه عالم، در آن قرار دارد.

مکه‌ی مکرمه مهبط جبرائیل، مولد خاتم پیامبران، مرکز حج میلیون‌ها مسلمان است. شهری که حراست و پاسداری از آن را الله تبارک و تعالی خود برعهده گرفته است و هر کسی که سوءقصدی به آن نماید هلاک شده و نابود می‌گردد.

حضرت عبدالله بن عمر رضی الله عنه فرمودند: اگر هفتاد گناه در خارج از حرم انجام دهم نزد من محبوب‌تر است تا اینکه یک گناه در مکه‌ی مکرمه انجام دهم.^{۱۷۹}

شهری است که در آن اراده گناه هم گناه است. در هیچ گوشه‌ای از عالم الله تبارک و تعالی بر اراده‌ی گناه کسی را مجازات نمی‌کند مگر در شهر مکه که خود اعلام داشته...

وَمَنْ يُرِدْ فِيهِ بِالْحَكَامِ يُظْلَمَ نَذَقَهُ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ ﴿٢٥﴾ (حج/ ۲۵)

حضرت عبدالله بن مسعود رضی الله عنه فرمود: (لَوْ أَنَّ رَجُلًا هَمَّ بِقَتْلِ مُؤْمِنٍ عِنْدَ الْبَيْتِ وَهُوَ بَعْدَ نَذَاقَةِ اللَّهِ فِي الدُّنْيَا الْعَذَابِ الْآلِيمِ)^{۱۸۰}



«اگر کسی در کنار خانه‌ی کعبه (شهر مکه) قصد کند کسی را بقتل برساند و آن فرد در عَدَن باشد الله تبارک به قصدکننده عذاب دردناک خواهد چشاند.»

مکه‌ی مکرمه شهری است که یک عبادت در آن برابر با صد هزار در جاهای دیگر است. حسن بصری فرمود: روزه‌ی یک روز در مکه برابر با صد هزار روز و صدقه دادن یک درهم در مکه برابر با صد هزار درهم در جاهای دیگر می‌باشد و همچنین هر حسنه‌ای در آن برابر با یکصد هزار حسنه در جاهای دیگر می‌باشد.^{۱۸۱} (وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنًا)

البته برای حصول این اجر و ثواب لازم است که آدمی عملش خالصاً لله باشد و کاملاً مطابق با دستورات دین و سنت رسول الله باشد.

همانطور که یک حسنه در مکه برابر با صد هزار در جاهای دیگر می‌باشد یک گناه هم در آنشهر برابر با صد هزار گناه در جاهای دیگر می‌باشد.

(سئل احمد بن حنبل ره: هل تكتب السيئة اكثر من واحدة؟ قال: لا، الا بمكة لتعظيم البلد)^{۱۸۲}

از امام احمد بن حنبل (ره) پرسیده شد آیا گناه بیشتر از یکی در نامه‌ی اعمال آدمی ثبت می‌گردد، فرمودند: خیر، مگر در شهر مکه‌ی مکرمه و آنهم بخاطر عظمت شهر مکه مکرمه.

خلاصه شهر مکه‌ی مکرمه مرکز ثقل عالم و رمز بقای هستی است و حرم امن الهی است حتی که حیوانات در آن هم در امنیت کامل به سر می‌برند.

مکه‌ی مکرمه محبوبترین شهر نزد رسول الله ﷺ بود. آنگاه که قریش قصد جان آنحضرت نمودند و الله تبارک و تعالی به وی اجازه‌ی هجرت داد، بر بلندای تپه‌ای که (حَزْوَاره) نام داشت ایستاد و چنین گفت: (وَاللّٰهُ اِنَّكَ لَخَيْرُ اَرْضِ اللّٰهِ، وَاَحَبُّ اَرْضِ اللّٰهِ اِلَيَّ اللّٰهِ، وَ لَوْلَا اَنْيُّ اُخْرِجْتُ مِنْكَ مَا خَرَجْتُ)^{۱۸۳}

بخدا سوگند که تو بهترین زمینِ الله تبارک و تعالی هستی و محبوبترین (قطعه‌ی) زمین نزد الله تبارک و تعالی می‌باشی، اگر چنانچه من از تو بیرون کرده نمی‌شدم - هرگز با میل خود - از آن بیرون نمی‌رفتم.

۱۸۱. فضایل مکه از حسن بصری ص ۱۲.

۱۸۲. القرى لقاصدام القرى ص ۹۵۶.

مکه‌ی مکرمه مرکز تلقی و تجمع انوار ربانی و فیوضات الهی و همچنین مرکز تلاقی اشعه‌ی جهانی است و این حقیقتی است که توسط دانشمندان آمریکایی به اثبات رسیده است.^{۱۸۴}



۱۳۳

از این رهگذر است که هر کس وارد آنجا شود دل‌باخته‌ی آن می‌گردد و نمی‌تواند از آنجا دل بکند، و دوست دارد که به کرات و مرات و همه‌ساله بدانجا سفر نماید.

هر چه بیشتر بدانجا سفر نماید دیوانه‌تر و عاشق‌تر می‌شود و از عشق و علاقه‌اش به آن سرزمین مقدس اندکی نمی‌کاهد (اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا زِيَارَةَ بَيْتِكَ الْحَرَامِ طِيلَةَ حَيَاتِنَا كِرَاراً وَ مِرَاراً، آمِينَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ)

مکانهای اجابت دعا در مکه‌ی مکرمه

از حسن بصری «ره» روایت شده است که در پانزده جا در مکه‌ی مکرمه دعا اجابت می‌شود که عبارتند از:

- ۱ - حین طواف؛ ۲ - کنار ملتزم؛ ۳ - زیر میزاب رحمت؛ ۴ - در میدان عرفات؛ ۵ - در مزدلفه؛ ۶ - در منی؛ ۷ - کنار جمرات؛ ۸ - در مسعی (میان صفا و مروه)؛ ۹ - پشت مقام ابراهیم؛ ۱۰ - در داخل خانه‌ی کعبه؛ ۱۱ - کنار زمزم؛ ۱۲ و ۱۳ - کوه صفا و مروه؛ ۱۴ - کنار حجرالاسود؛ ۱۵ - کنار مستجار^{۱۸۵}.

و رکن یمانی نیز از دیگر جاهایی است که دعا در آن مستجاب می‌شود.^{۱۸۶}

۱۸۴. وصف الکعبة و تاریخها ص ۹۲.

۱۸۵. القرى لقاصدام القرى ص ۷۱۳ و ۸۱۳.



فضیلت روزه در مکه‌ی مکرمه

(عن ابن عباس قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَنْ أَدْرَكَ شَهْرَ رَمَضَانَ بِمَكَّةَ فَصَامَهُ، وَقَامَ مِنْهُ مَا تيسَّرَ لَهُ، كُتِبَ لَهُ مِائَةُ أَلْفِ شَهْرِ رَمَضَانَ، فِيمَا سِوَاهُ، وَكُتِبَ لِلَّهِ بِكُلِّ يَوْمٍ وَلَيْلَةٍ عِتَقَ رَقَبَةٍ وَبِكُلِّ يَوْمٍ حُمْلَانٍ فَرَسٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَفِي كُلِّ يَوْمٍ حَسَنَةٌ وَفِي كُلِّ لَيْلَةٍ حَسَنَةٌ)^{۱۸۷}

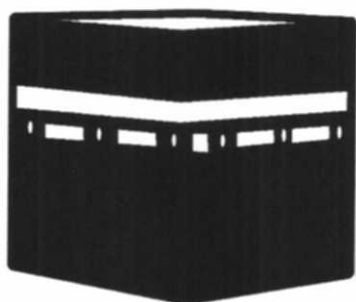
حضرت عبدالله بن عباس روایت می‌کند که رسول الله فرمودند: «کسیکه در ماه مبارک رمضان در مکه‌ی مکرمه باشد و آن را روزه بگیرد و آنچه که برایش میسر است قیام نماید (و حقش را اداء کند و شب زنده‌داری نماید) برای او یکصد هزار رمضان که در جاهای دیگر روزه بگیرد، نوشته می‌شود یعنی ثواب آن برابر با یکصد هزار رمضان در جاهای دیگر است و خداوند در هر شبانه‌روز برایش ثواب آزادی یک برده را به او عطا می‌کند و به ازای هر روز ثواب یک اسب که با بارش هدیه داده شود به او عطا می‌کند و به ازای هر روز یک حسنه و به ازای هر شب یک حسنه به او پاداش می‌دهد.

(عن الحسن البصري قال: صَوْمُ يَوْمٍ بِمَكَّةَ بِمِائَةِ أَلْفٍ وَ صَدَقَةٌ دِرْهَمٍ بِمِائَةِ أَلْفٍ وَ كُلُّ حَسَنَةٍ بِمِائَةِ أَلْفِ حَسَنَةٍ)^{۱۸۸}

«حسن بصری فرمود: روزه‌ی یک روز در مکه برابر با صد هزار روز و صدقه‌ی یک درهم در مکه برابر با یکصد هزار درهم و هریک نیکی در مقابل یکصد هزار نیکی می‌باشد.»

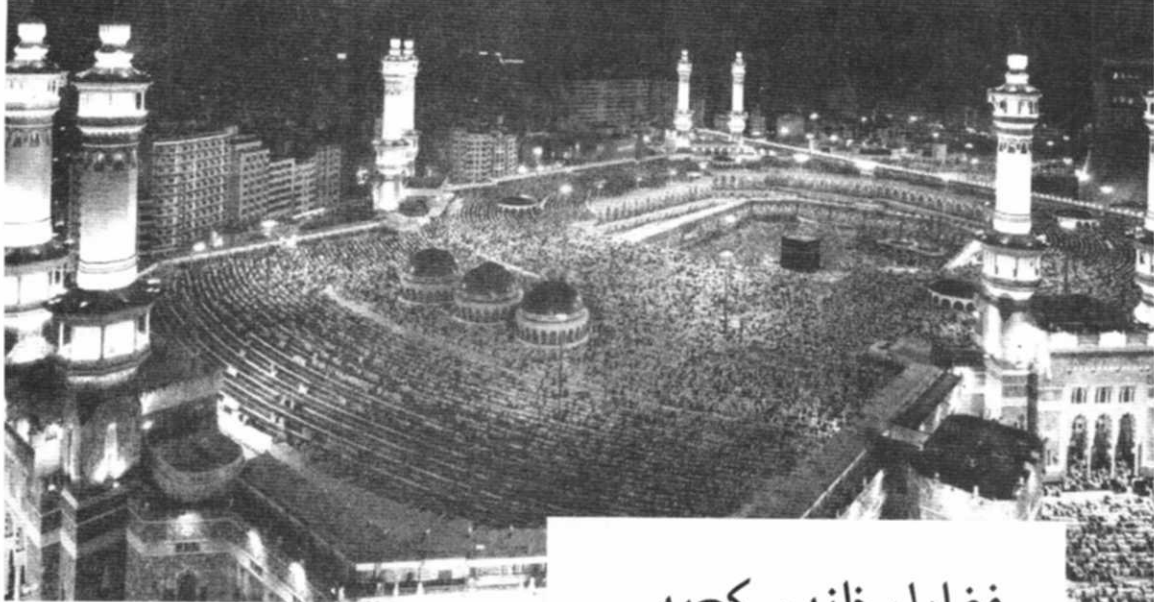


۱۳۵



زائر عزیز!

از تلاوت قرآن، ذکر الله تبارک و تعالی
و درود بر رسول الله ﷺ غافل مباش.



فضایل خانه‌ی کعبه

﴿ جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ قِبْلًا لِلنَّاسِ وَالشَّهْرَ الْحَرَامَ وَالْمَدْيَنَةَ وَالْقَلْعَةَ ذَلِكَ لِعَلَّكُمْ تَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَأَنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴾ (مائده: ۹۷)

خداوند کعبه (یعنی) بیت الحرام، و ماههای حرام، و قربانیهای بی‌نشان و نشاندار را وسیله‌ای برای سامان بخشیدن (به کار دنیوی و اخروی) مردم قرار داده است. این بدان خاطر است که بدانید که خداوند مطلع از هر آن چیزی است که در آسمانها و زمین است، و بدانید که خداوند همه چیز را می‌داند.

خانه‌ی کعبه نخستین خانه‌ای است که در این کره‌ی خاکی برای پرستش خالق یکتا بناشده و قدمتی بس دیرینه و طولانی دارد و قداستی بیش از حد. تا آنجا که الله تبارک و تعالی وجود و بقای آن را در کره‌ی خاکی رمز بقا و وجود کره‌ی زمین معرفی کرده عطاء می‌گوید: مراد از «قیاماً للناس» این است که اگر یک سال آنرا ترک کنند و به زیارتش نروند، هلاک کرده می‌شوند و به آنان فرصتی داده نخواهد شد.^{۱۸۹}

خداوند اعلام کرده است که هر کس در حرم و حریم کعبه وارد شود در امان است (و) من دخله کان آمناً.

نظر کردن به خانه‌ی کعبه عبادت است و اگر آدمی بنشیند و فقط به خانه‌ی کعبه نگاه کند خداوند متعال برایش ثواب ثبت می‌نماید و این فضیلت در هیچ جای دیگر



(عن جعفر بن محمد عن ابیه عن جدّه عن النبی ﷺ: النَّظَرُ إِلَى الْبَيْتِ الْحَرَامِ عِبَادَةٌ)^{۱۹۰}
جعفر بن محمد رضی الله عنه از پدرش، از جدش از رسول الله صلی الله علیه و آله روایت می کند که نظر کردن به خانه ی کعبه عبادت است.

حضرت عبدالله بن عباس رضی الله عنه روایت می کند که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: (إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ وَ يَوْمٍ مِائَةِ وَ عَشْرُونَ رَحْمَةً يَنْزِلُ عَلَى أَهْلِ هَذَا الْبَيْتِ، فَسُتُونَ لِلطَّائِفِينَ وَ أَرْبَعُونَ لِلْمُصَلِّينَ وَ عِشْرُونَ لِلنَّاطِرِينَ)^{۱۹۱}

الله تبارک و تعالی در شبانه روز ۱۲۰ رحمت بر این خانه نازل می فرماید که ۶۰ رحمت از آن متعلق به طواف کنندگان است و ۴۰ رحمت متعلق به نماز گذاران و ۲۰ رحمت به آنانکه به بیت الله نظر می کنند اختصاص دارد.

تخریب خانه ی کعبه در آخر الزمان

آنگاه که جهان به پایان خود نزدیک می شود تمام علایم خیر و نیکی یکی بعد از دیگری از کره ی خاکی رخت برمی بندند حتی بعد از ظهور و ویرانگری یاجوج و ماجوج خانه ی کعبه عبادت کرده می شود.^{۱۹۲}

اما رفته رفته کفر فراگیر می شود و گروهی قصد آن می کنند که خانه ی کعبه را ویران نمایند، خداوند متعال آنان را نابود می سازد. (عن عائشه رضی الله عنها قالت: قال النبی ﷺ یغزو الکعبه جیش خسف بهم)^{۱۹۳}

اما باز کفر فراگیرتر می شود و حرمتها و حریمها از بین می روند، آرام آرام بساط علم از کره ی زمین برچیده می شود و قرآن کریم نیز از زمین رفع شده و به آسمانها برده می شود، هیچ حرف و کلمه ای از آن باقی نمی ماند.

در چنین محیطی که کفر عالم را فرا گرفته و حتی کلمه گویی بر زمین باقی نمانده است، خانه ی کعبه که مظهر و نماد بقای عالم است، باقی نمی ماند و خداوند تخریب کنندگان آن را از بین نمی برد چون دیگر حرمتی نمانده، کلمه گویی نیست، دیگر دنیا به آخر

۱۹۰. القرى لقاصدام القرى ص ۱۴۳.

۱۹۱. رواه الطبرانی فی الاوسط - شفاء الغرام باخبار البلد الحرام ۴۱۳/۱ القرى لقاصدام القرى ص

۵۲۳.

۱۹۲. بخاری مع الفتح ۷۵۳/۳.

۱۹۳. بخاری مع الفتح ۷۵۳/۳.

رسیده و قیامت باید آغاز گردد. رسول الله ﷺ فرمودند: (يَخْرَبُ الْكَعْبَةُ ذَوَالسُّوَيْقَتَيْنِ مِنَ الْحَبْشَةِ)^{۱۹۴}



۱۳۹

مردی با ساق‌هایی باریک (و کمانی شکل) از اهل حبشه خانه‌ی کعبه را ویران نموده و تخریب می‌کند و در روایات دیگری هست که دیگر تعمیر نمی‌شود.

و در روایتی از حضرت علی رضی الله عنه چنین آمده است: (اسْتَكْتَرُوا مِنَ الطَّوَافِ بِهَذَا الْبَيْتِ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يُحَالَ بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَهُ، فَكَأَنِّي أَنْظَرُ إِلَيْهِ، اصْعَلْ، اصْمَعْ، يَهْدُمُهَا بِمَسْحَاتِهِ)^{۱۹۵}

تا می‌توانید خانه‌ی کعبه را بسیار طواف کنید پیش از آنکه میان شما و او حائل شوند، گویا که من او را می‌بینم، مردی با کله‌ای کوچک و گوشه‌هایی کوچک با کلنگش آن را ویران می‌نماید.

۱۹۴. بخاری مع الفتح ۲۶۳/۳.

۱۹۵. تاریخ مکة المکرمه ص ۶۳ - فتح الباری ۲۶۳/۳.



زائر گرامی!
به ضعفا و ناتوانان کاروانت حتماً
کمک کن.





حج

﴿فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مِّمَّا بُرَّهِنَ اللَّهُ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ﴾ (آل عمران: ۹۷)

و حج این خانه واجب الهی است بر کسانی که توانایی (مالی و بدنی) برای رفتن بدانجا را دارند. و هر کس (حج خانه خدا را به جای نیاورد، یا اصلاً حج را نپذیرد، و بدین وسیله) کفر ورزد (به خود زیان رسانده نه به خدا) چه خداوند از همه جهانیان بی نیاز است.

حج یکی از ارکان پنجگانه اسلام و بزرگترین و نمادین ترین اجلاس و اجتماع مسلمین و کنگره‌ی جهانی سالانه‌ی مسلمانان عالم است و بر مسلمانان توانگر واجب است که در طول عمر یکبار در آن مراسم باشکوه شرکت کنند.

و در جایی دیگر می‌فرماید :

﴿وَاتِمُوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ فَإِنْ أُخْصِرْتُمْ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ وَلَا تَحْلِقُوا رُءُوسَكُمْ حَتَّىٰ يَبْلُغَ الْهَدْيُ مَحَلَّهُ، فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا أَوْ بِهِ أَذًى مِنْ رَأْسِهِ فَفِدْيَةٌ مِنْ صِيَامٍ أَوْ صَدَقَةٍ أَوْ نُسْكَ فَإِذَا أَمِنْتُمْ فَمَنْ تَمَنَّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ فِي الْحَجِّ وَسَبْعَةٍ إِذَا رَجَعْتُمْ تِلْكَ عَشْرَةٌ كَامِلَةٌ ذَلِكَ لِمَنْ لَمْ يَكُنْ أَهْلَهُ، حَاضِرِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ﴾ (بقره: ۱۹۶)

«و حج و عمره را به تمام و کمال خالصانه برای خدا انجام دهید و اگر بازداشته شدید هر آنچه از قربانی فراهم شود و سرهای خود را نتراشید تا قربانی به قربانگاه خود برسد



و اگر کسی از شما بیمار شد، یا ناراحتی در سر داشت فدیة بدهد، از قبیل روزه یا صدقه و یا گوسفندی و وقتی که در امان بودید کسی از عمره بهره‌مند گردد سپس حج را آغاز کند، آنچه از قربانی میسر شد و کسی که نباید، سه روز در حج و هفت روز هنگامی که بازگشت این ده روز کاملی است این از آن کسی است که خانواده او اهل مسجدالحرام نباشد و از خدا بترسید و بدانید که خدا دارای کیفر سختی است.»

معنای لغوی حج: حج در لغت عبارت است از: آهنگ‌نمودن و قصد کردن چیزی بزرگ (بالرزش)^{۱۹۶}.

و حج در اصطلاح شرع مقدس و دین مبین اسلام، عبارت است از: زیارت کردن مکانهای مخصوص، در روزهای ویژه‌ای و با افعال بخصوصی.^{۱۹۷}

مراد از مکان‌های مخصوص: بیت‌الله الحرام، مسعی، عرفات، منی و جمرات و...

مراد از روزهای ویژه: روزهای پنجگانه ذیحجه یعنی از هشتم تا سیزدهم.

مراد از اعمال بخصوص: احرام، رَمَل، اضطباع، رمی جمرات و...

پرواضح است که حج بغیر از مکه مکرمه و اماکن ویژه‌ی آن در جایی دیگر و یا در روزهای دیگر سال و بدون رعایت اعمال ویژه حج انجام نمی‌پذیرد و قابل قبول نیست.

تاریخ فرضیت حج

جمهور را نظر بر این است که حج در سال ششم (هجری هنگامی که رسول‌الله ﷺ برای ادای عمره تشریف برده بودند و از وی ممانعت بعمل آمد و صلح حدیبیه صورت گرفت):

در پی نزول آیه‌ی ﴿وَأَتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ...﴾ فرض شده است.^{۱۹۸}

ولی صحیحترین قول این است که حج در سال نهم هجری پس از نزول آیه‌ی «وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حَجُّ الْبَيْتِ مَنْ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا» فرض شده است.^{۱۹۹}

فضیلت عمره

قال الله تعالى: ﴿وَأَتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ...﴾ (بقره: ۱۹۷)

۱۹۶. در المختار ۴۵۴/۲ - تحفه الاحوذی ۹۳۲/۳.

۱۹۷. ردالمحتار ۴۵۴/۲.

۱۹۸. القرى ص ۳۶ نیل الاوطار ۳۱۳/۴.

۱۹۹. زادالمعاد ۲۲/۲ - www.iqra.ahlamontada.com



الله تبارک و تعالی امر کرده است که حج و عمره را فقط برای او به اتمام رسانید.
 رسول الله ﷺ فرمودند: (الْعُمْرَةُ إِلَى الْعُمْرَةِ كَفَّارَةٌ لِمَا بَيْنَهُمَا، وَالْحَجُّ الْمَبْرُورُ لَيْسَ لَهُ جَزَاءٌ إِلَّا الْجَنَّةُ)^{۲۰۰}

از عمره تا عمره‌ای دیگر، کفاره‌ی گناهانی است که میان آن دو انجام می‌گیرد و حج پذیرفته شده پاداشی جز بهشت ندارد.

باز رسول الله ﷺ در فراز دیگری فرمودند: (تَابِعُوا بَيْنَ الْحَجِّ وَالْعُمْرَةِ فَإِنَّهُمَا يُنْفِيَانِ الْفَقْرَ وَالذُّنُوبَ، كَمَا يُنْفِي الْكَبِيرُ خَبَثَ الْحَدِيدِ وَالذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَلَيْسَ لِلْحَجَّةِ الْمَبْرُورَةِ ثَوَابٌ إِلَّا الْجَنَّةُ)^{۲۰۱}
 حج و عمره را پشت سرهم انجام دهید زیرا که آن دو فقر و گناهان را می‌زدایند آنگونه که کوره‌ی (ذوب فلزات) زنگار و غش را از آن و طلا و نقره می‌زداید و حج مقبول ثوابی جز بهشت ندارد.

در روایت دیگری که حضرت عمر رضی الله عنه آن را روایت کرده است چنین آمده است: (... فَإِنَّ الْمُتَابِعَةَ مَا بَيْنَهُمَا تَزِيدُ فِي الْعُمْرِ وَالرِّزْقِ وَتُنْفِي الذُّنُوبَ...)^{۲۰۲}
 قطعاً پشت سرهم انجام دادن حج و عمره عمر و رزق را افزایش می‌دهد و گناهان را از بین می‌برد.

(عن ابن عمر رضی الله عنه: ان عمر استأذن النبی فی العُمرة، فأذن له و قال: لا تنسنا من دعائك أو أشركنا فی دعائك)^{۲۰۳}

حضرت عبدالله بن عمر رضی الله عنه روایت می‌کند که حضرت عمر رضی الله عنه از رسول الله ﷺ اجازه‌ی انجام عمره خواستند و آنحضرت در ضمن موافقت فرمودند:

ما را از دعاهايت فراموش مکن يا (راوی تردید دارد) ما را در دعاهايت شریک بگردان. به هر تقدیر عمره فضایل بیشماری دارد که ذکر همه‌ی آن روایات از حوصله‌ی این کتاب مختصر خارج است و به ذکر موارد مذکور اکتفاء نمودیم که اهل خرد و ارباب بصیرت را اشاره‌ای کافی است.

بنابراین می‌طلبید که عزیزان در ادای حج و عمره درنگ نکنند و با بجا آوردن آنها هم از ثواب و اجر دنیوی بهره‌مند شوند و هم اندوخته‌ای قابل ملاحظه و بالارزش برای فردای قیامت داشته باشند چون دنیا برای کسی ماندگار نبوده و برای ما هم جاودانه نخواهد بود.

۲۰۰. بخاری حدیث شماره ۳۷۷۱.

۲۰۱. ترمذی حدیث شماره ۰۱۸.

۲۰۲. القری ص ۰۴.



ای دوست از محبت دنیا کنار شو
عمرت کثر نیست تو غافل چرا شدی
وزین گذر به درگاه پروردگار شو
سعدی «ره» فرمود :

جهان ای برادر نماند بکس
مکن تکیه بر ملک و دنیا و پشت
دل اندر جهان آفرین بند و بس
چه، بر تخت مردن چه، بر روی خاک
که بسیار کس چون تو پرورد و کشت
چو آهنگ رفتن کند جان پاک

فضیلت عمره در ماه مبارک رمضان

فضیلت ماه مبارک رمضان بر همه‌ی مسلمانان شناخته شده است و آن را همین فضیلت بس که قرآن در آن ماه نازل شده و رسول الله در آن به پیامبری مبعوث شده و یک شب قدر آن افضل از هزار ماه است.

بنابراین در چنین ایام گرانشنگی همه‌ی عبادات شکل ویژه می‌گیرند و ارج بی‌حد پیدا می‌کنند.

رسول الله ﷺ فرمودند: "عُمْرَةٌ فِي رَمَضَانَ تَعْدِلُ حَجَّةً" ۲۰۴

ثواب یک عمره در رمضان برابر با یک حج است و در روایت دیگری آمده است ثواب یک عمره در رمضان برابر با حجی است که با همراهی من (رسول الله) انجام شده باشد ۲۰۵ می‌طلبد که تلاش کنیم در زندگی خود چنین فرصتی را برای خویش فراهم آوریم و از اجر بشمار آن بهره‌مند گردیم.

فضیلت حج

برای فضیلت حج همین بس که یکی از اساسی‌ترین ارکان دین مبین اسلام می‌باشد و دیگر اینکه حج در مقدس‌ترین مکان روی زمین انجام می‌گیرد و بزرگ‌ترین کنگره‌ی جهانی مسلمانان عالم است.

الله تبارک و تعالی در جاودان کتاب خویش سوره‌ای را بنام حج نامگذاری کرده است تا مسلمانان به هنگام تلاوت آن دایم با نام حج آشنا بوده و در فکر آن باشند.

۲۰۴. سنن ترمذی حدیث شماره ۹۳۹.

الله تبارک و تعالی می فرماید: ﴿وَأَتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ﴾ (بقره: ۱۹۶)

«حج و عمره را فقط برای الله عزوجل انجام دهید.»

رسول الله ﷺ فرمودند: (... أَنْ الْحَجَّ يَهْدِمُ مَا كَانَ قَبْلَهُ) ۲۰۶

«حج تمام گناهان پیشین را از بین می برد.»

رسول الله ﷺ در روایت دیگری فرمودند: (مَنْ حَجَّ هَذَا الْبَيْتَ فَلَمْ يَرْفُثْ وَلَمْ يَفْسُقْ رَجَعَ كَيَوْمٍ وَلَدَتْهُ أُمُّهُ) ۲۰۷

کسیکه حج بیت الله را بجا آورد درحالیکه - در حال احرام - با همسرش آمیزش نکند و مرتکب گناه نشود - از حج - چنان بازمی گردد که از مادر متولد شده است، یعنی آنگونه که آدمی پاک و بی گناه از مادر متولد می شود، این چنین آمرزیده شده و پاک می گردد.

رسول الله ﷺ در روایت دیگری فرمودند: (الْحَجُّ الْمَبْرُورُ لَيْسَ لَهُ جَزَاءٌ إِلَّا الْجَنَّةُ) ۲۰۸ «حج

مقبول و پذیرفته شده ی بارگاه الهی پاداشی جز بهشت ندارد.»

تعجیل در بجا آوردن حج

تعجیل در بجا آوردن امور دینی و انجام کارهای خیر امری مطلوب و پسندیده است و آدمی باید در انجام کار خیر شتاب کند و از دیگران سبقت بگیرد.

رسول الله ﷺ فرمودند: (تَعَجَّلُوا إِلَى الْحَجِّ فَإِنَّ أَحَدَكُمْ لَا يَدْرِي مَا يَعْزُضُ لَهُ) ۲۰۹

«در بجا آوردن فریضه ی حج بشتابید و عجله کنید زیرا که شما نمی دانید چه - حوادثی - برایتان پیش خواهد آمد.»

حداقل تعجیل در کشور ایران که هزاران نفر در نوبت هستند این است که فرد به محض اینکه حج بر او فرض می شود بی درنگ در یکی از بانکها برای حج ثبت نام نماید. و به انتظار بنشیند، اگر قبل از مرگ نوبتش فرارسید به حرمین مشرف شده و فریضه ی حج را بجا آورد و اگر چنانچه خدای ناکرده اجل پیشدستی کرد و او را راهی دیار آخرت نمود، حداقلش آن است که در بارگاه الهی حرفی برای گفتن دارد که پروردگارا! تو من همین مقدار بود که ثبت نام کنم و در انتظار (یکی از دو اجل یعنی مرگ یا حج) بنشینم

۲۰۶. مسلم ۱۲۱.

۲۰۷. بخاری ۰۲۸۱.

۲۰۸. بخاری ۳۷۷۱ مسلم ۹۴۳۱.

۲۰۹. ابوداود ۴۱۳۱.



که متأسفانه اجل سبقت گرفت و زودتر از حج به سراغم آمد و از مسیری دیگر برایم میسر نبود که به حج بروم.

تذکر: بسیاری از آژانسهای زیارتی هستند که افراد را خارج از نوبت به حج می‌برند اما با این تفاوت که مبلغ بیشتری دریافت می‌دارند و خدمات بهتری هم ارائه می‌دهند. و در مقابل آدمی را از سالها انتظار جانکاه بدر می‌کنند می‌رهانند.

بنابراین عزیزانی که توان مالی خوبی دارند و می‌توانند از عهده‌ی مخارج و هزینه‌ی این آژانسها برآیند، (مثلا در حال حاضر بین پنج تا هفت میلیون تومان می‌باشد) درنگ نکنند و واهمه نداشته باشند، بلافاصله با اینها رفته و فریضه‌ی حج را بجا بیاورند و یقین بدانند که الله تبارک و تعالی عوض هزینه‌های آنان را در این دنیا هم خواهد داد.

رسول الله ﷺ فرمودند: (الْحَجَّاجُ وَالْعُمَّارُ وَقَدْ اَلَّهِ، اِنْ سَالُوا اَعْطُوا، وَ اِنْ دَعَا اُجِيبُوا، وَ اِنْ اَنْفَقُوا اُخْلِفَ عَلَيْهِمْ...) ^{۲۱۰}

«حج‌کنندگان و عمره‌کنندگان میهمانان خداوند هستند و اگر از او بخواهند به آنان عطا کرده می‌شود و اگر دعا کنند دعاهایشان اجابت کرده می‌شود و اگر - در این راه - اتفاق کنند عوضشان به آنها داده خواهد شد و جایگزین خواهد شد.»

باز رسول الله ﷺ در فراز دیگری فرمودند: (النَّفَقَةُ فِي الْحَجِّ كَالنَّفَقَةِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، الدَّرْهَمُ بِسَعِ مِائَةِ ضَعْفٍ) ^{۲۱۱}

«هزینه کردن در حج همچون هزینه کردن در راه الله تبارک و تعالی است یک درهم - در این راه - برابر با هفتصد درهم می‌باشد.»

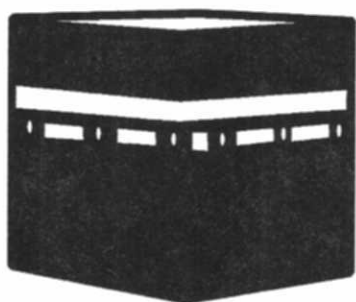
بنابراین ثروتمندان عزیز! از هزینه کردن در این راه و سایر راهها و کارهای دینی هراس نداشته باشید و به وسوسه‌های شیطان گوش فرا ندهید که (الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُم بِالْفَحْشَاءِ وَ اِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ).

تذکر ۲: گروهی گرفتار وسوسه‌های شیطان شده و می‌گویند که ما قادر نیستیم حج را نگاهداریم.

برادر عزیز! حج نیازی به نگاه داشتن تو ندارد، اگر با مالی حلال و نیتی درست و خالص و با شرایط کامل حج، حج را بجا بیاوری، حج خودش تو را نگاه می‌دارد. بنابراین از این توهم غلط بدر آیند و به بارگاه خداوند بشتابید.

۲۱۰. القرى ص ۹۳.

۲۱۱. رواه احمد و ابن ابی شیبه، القرى ص ۳۴.



زائر عزیز!
حتماً به نیازمندان و فقراء کمک
کن، و تا می توانی صدقه بده



اقسام سه‌گانه‌ی حج

علمای اسلامی حج بیت‌الله‌الحرام را به اعتبار نیت و کیفیت ادای اعمال بر سه نوع تقسیم کرده‌اند. و همه بر جواز انواع سه‌گانه‌ی آن اجماع دارند^{۲۱۲}، اما در اینکه کدامیک از انواع سه‌گانه افضل است؟ اختلاف نظر وجود دارد.

۱ - قرآن : عبارت است از اینکه: زائر هنگام احرام از میقات یا قبل از میقات نیت حج و عمره را باهم جمع نماید. مثلاً هنگام نیت بگوید: (لَبَّيْكَ بِحَجَّةٍ وَ عُمْرَةٍ) و یا بگوید (اللَّهُمَّ إِنِّي أُرِيدُ الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ فَيَسِّرْهُمَا لِي وَ تَقَبَّلْهُمَا مِنِّي)^{۲۱۳} و کسیکه قصد حج قرآن دارد به او «قرآن» گفته می‌شود.

۲ - تمتع : عبارت است از اینکه: زائر در ماههای حج یعنی شوال، ذیقعد و ذیحجه از میقات احرام عمره ببندد و عمره‌ی خویش را بجا بیاورد و از احرام خارج شود و به شهر و دیار خود بازنگردد و همچنان باقی می‌ماند تا آنکه هشتم ذیحجه فرا برسد و آنگاه از حرم (مکه‌ی مکرمه) احرام حج ببندد و حج خویش را در همان سال انجام دهد.

هنگامی که قصد عمره دارد چنین نیت کند (اللَّهُمَّ إِنِّي أُرِيدُ الْعُمْرَةَ فَيَسِّرْهَا لِي وَ تَقَبَّلْهَا مِنِّي)^{۲۱۴} و هنگام احرام حج چنین نیت کند (اللَّهُمَّ إِنِّي أُرِيدُ الْحَجَّ فَيَسِّرْهُ لِي وَ تَقَبَّلْهُ مِنِّي) متمتع : به کسیکه قصد انجام حج تمتع را دارد «تمتع» گفته می‌شود.

۲۱۲. فقه السنة ۱/۵۶۴.

۲۱۳. قدوری ص ۵۴۱.

۲۱۴. الاصل ۱/۳۸۱.



۳- افراد : عبارت است از اینکه زائر از میقات یا قبل از میقات فقط قصد حج دارد و احرام حج را منعقد می‌نماید و تا زمانیکه اعمال حج را انجام نداده و به اتمام نرسانده همچون قارن در احرام خود باقی است و اجازه ندارد از احرام خارج شود با این تفاوت که قارن عمره بجا می‌آورد ولی در حج افراد عمره نیست و بر قارن دهمدی است ولی بر مفرد دهمدی هم لازم نیست.

(اللهم انی ارید الحج فیسره لی و تقبله منی)

مفرد : و کسیکه قصد حج افراد را دارد به او «مُفَرِّد» می‌گویند.

کدامیک افضل است؟

نزد احناف ترتیب بدین گونه است: اول قران بعد تمتع بعد افراد^{۲۱۵}

نزد شوافع ترتیب بدین گونه است: اول افراد بعد تمتع بعد قران^{۲۱۶}

نزد مالکیه ترتیب بدین گونه است: اول افراد بعد قران بعد تمتع

نزد حنابله ترتیب بدین گونه است: اول تمتع بعد قران بعد افراد^{۲۱۷}

آیا بجا آوردن حج بلافاصله فرض است؟

امام مالک و امام احمد و بعضی از شوافع و احناف بر این نظریه‌اند که به محض اینکه حج بر کسی فرض شد باید برای ادای آن بلافاصله اقدام شود.^{۲۱۸}

رسول الله ﷺ فرمودند: (من اراد الحج فلیستعجل)^{۲۱۹} «کسی که قصد حج نمود پس باید بشتابد.»

باز رسول الله ﷺ در روایت دیگری فرمودند: (مَنْ أَرَادَ الْحَجَّ فَلْيَتَعَجَّلْ فَإِنَّهُ قَدِ امْرُضُ الْمَرِيضِ وَ تَضِلُّ الرَّاحِلَةُ وَ تَكُونُ الْحَاجَةُ)^{۲۲۰}

۲۱۵. اللباب فی شرح الکتاب ۷/۱.

۲۱۶. تحفۃ الاحوذی ۳/۴۵۲.

۲۱۷. فقه السنه ۱/۶۶۴.

۲۱۸. نیل الاوطار ۴/۸۱۳ - فتح القدیر ۲/۲۳۲ - الفقه الحنفی وادلنه ۲/۵۰۴.

۲۱۹. رواه الدارمی ۵۴/۲ ابوداود.

۲۲۰. سنن ابی داود ۴/۷۱۳. www.iqra-ahlamontada.com

«کسیکه قصد حج دارد باید بشتابد زیرا که - امکان دارد - مریض شود و سواری از دست برود و نیاز پیش آید در نتیجه از حج بماند.»

و امام شافعی و اوزاعی و ابویوسف و امام محمد بر این باورند که حج با تراخی (سر فرصت) فرض است.^{۲۲۱}



حج بر چه کسی فرض است؟

حج بر هر فرد مسلمان، عاقل، بالغ، سالم و توانگر فرض می‌باشد و مراد از توانگر کسی است که ثروتمند باشد به گونه‌ای که بتواند هزینه‌ی سفر خویش و هزینه‌ی خانواده‌اش را تا زمان بازگشت داشته باشد. و برای فرضیت حج میلیونربودن شرط نیست.

اگر چنانچه زائر یک زن است وجود محرم از شرایط است که اگر چنانچه این شرط و هر کدام از شرایط فوق‌الذکر فوت شود حج بر وی فرض نمی‌گردد.^{۲۲۲}



زائر گرامی!
حتماً چند روز را در این سفر روزه
بگیر.



وعید بر توانگران تارک حج

در مورد کسانی که واجد شرایط حج هستند و از ادای آن غفلت می‌ورزند و نسبت به آن بی‌اعتنا می‌باشند وعیدها و تهدیدهای بسیار زیادی وارد شده است که ما فقط به ذکر چند مورد اکتفا می‌نماییم چون قصد ما بر اختصار است.

رسول الله ﷺ فرمودند: (من ملک زاداً و راحلةً تبلغه الى بیت الله و لم یحج فلا علیه ان یموت یهودیاً او نصرانیاً و ان الله تبارک و تعالی یقول و لله علی الناس حج البیت من استطاع الیه سبیلاً) ۲۲۳

«کسی که به مقدار تأمین غذا و مایحتاج خود و تأمین امکانات سفر به اندازه‌ای که او را به بیت‌الله برسانند، دارا باشد، حج نکند فرقی نمی‌کند که یهودی بمیرد یا نصرانی، و سپس آیه قرآن کریم را که حج بر افراد مستطیع فرض است تلاوت فرمودند.»

رسول الله ﷺ در روایت دیگری فرمودند: (من لم یمنعه من الحج حاجة ظاهرة او سلطان جائر او مرض جابس فمات ولم یحج، فلیمت ان شاء یهودیاً و ان شاء نصرانیاً) ۲۲۴

«کسی که او را از ادای فریضه‌ی حج مانعی از نیاز و مشکلی آشکار (مثلاً زنی که محرم ندارد) یا پادشاهی ستمگر و یا مرضی بازدارنده و سخت او را باز ندارد و او حج نکرده بمیرد، پس باید یهودی یا نصرانی بمیرد.»

روایات فوق بیانگر این واقعیت هستند که مرگ اینچنین مسلمانی که به ارکان و فرایض دین پایبند نباشد و اعتنا نکند و عمل نماید فرقی با مرگ یک یهودی و مسیحی ندارد.

بنابراین می‌طلبید که مسلمانان معاصر که سرتاپا غرق در دنیا و مظاهر و ظواهر فریبنده آن می‌باشند و به بهانه‌های واهی که شیطان در دل‌هایشان القاء می‌کند از انجام فرایض و به‌ویژه فریضه‌ی حج بازمی‌مانند و در ادای آن کوتاهی و سهل‌انگاری می‌نمایند آگاه باشند که سلامت و ثروت هر دو ناپایدارند و آدمی باید رها کند و رخت سفر بربندد و در محضر یکتای بی‌همتا حاضر شود و جواب کوتاهی‌های خود را بیان دارد که در آن روز شیطان از وی تبری جسته و خود را بیگناه می‌خواند (فَلَا تَلُومُونِي وَ لَوْمُوا أَنْفُسَكُمْ) مرا ملامت نکنید - بلکه - خویشتن را ملامت و سرزنش نمایید که فریب گفته‌های مرا خورده‌اید.

بنابراین تا فرصت است اقدامی باید نمود و برای فردای خود اندوخته‌ای و ذخیره‌ای فراهم آورد. که پس از مرگ من و تو احدی در حق من و تو کاری نخواهد کرد و همه‌ی وارثان بر سر تقسیم میراث به شور خواهند نشست و یا اگر اختلاف کردند نفرینمان خواهند کرد.

به هوش باشیم افسوس و حسرت جاودانه را به لذت و شادمانی زودگذر دنیا نخریم. (يقول يا حسرتا على ما فرطت في جنب الله) حضرت عبدالله بن عباس رضی الله عنه می‌فرماید: «کسیکه توانایی حج کردن داشته باشد و در دارایی او زکات واجب گردد و به حج نرود، هنگام مرگ و جان‌کندن آرزوی بازگشتن می‌کند»^{۲۲۵} (قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِي لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحاً فِيمَا تَرَكْتُ، كَلَّا) (اُخْرِنِي اِلَى اَجَلٍ قَرِيبٍ فَاَصْدَقْ وَ اَكُنْ مِنَ الصَّالِحِينَ). پروردگارا! مرا بازگردان، فرصتم ده، مهلتم ده عمل صالح انجام می‌دهم، حج بجا می‌آورم، صدقه میدهم و انفاق می‌کنم و از نیکوکاران و صالحان خواهم بود.

اما دیر است! دیگر بازگشتی در کار نیست، چرا وقتی که فرصت و ثروت داشتی اقدامی نکردی؟! اینک بازگشتی نیست فرصتی نیست؟ لحظه‌ی حساب پس‌دادن است! به هر تقدیر پیش از آنکه فرصت از آدمی گرفته شود، فرصت را غنیمت شمارد و به دستورات دین پایبند باشد تا در روز قیامت همراه صالحان و نیکوکاران محشور گردد و تا ابد در بهشت برین در رفاه و آسایش تمام روزگار گذراند.



آداب سفر حج

زائر عزیز! اینک که آهنگ حج داری و می‌خواهی راهی سرزمین وحی شوی باید آدابی را رعایت کنی. تا هرچه بیشتر و بهتر بتوانی از این سفر توشه‌برگیری و از الطاف و فیوضات رحمان بهره‌مند شوی.

آداب سفر حج را به اختصار بیان می‌داریم که عبارتند از:

- ۱ - اینک که قصد سفر داری نماز استخاره بخوان که مستحب است.
- ۲ - بدهی‌ها و قرضه‌هایت را بپرداز و حقوق مردم را ادا کن.
- ۳ - حتماً پدر و مادر خود را راضی گردان.
- ۴ - با تمامی وجود سعی کن مالی که در سفر حج همراه می‌بری حلال و پاک باشد.
- ۵ - در صورت امکان اموال بیشتری با خود ببر تا به بینوایان کمک کنی که یک درهم در آن جا برابر با صد هزار درهم در جاهای دیگر است.
- ۶ - تلاش کن که قبل از سفر، احکام و مسایل حج و کیفیت ادای آن را فراگیری، در این امر سهل‌انگاری و کوتاهی مکن که سهل‌انگاری توانی بس سنگین دارد.
- ۷ - نیت خویش را قطعاً خالص گردان، که اندکی ریاء تمام اعمال را بر باد فنا خواهد داد، چه بسا که ایمانت را هم در معرض خطر قرار دهد.
- ۸ - قبل از سفر حتماً مقداری صدقه در راه خدا بده.



۹ - قبل از خروج از منزل دو رکعت نماز بخوان در رکعت اول بعد از سوره فاتحه؛ سوره‌ی «کافرون» و در رکعت دوم بعد از فاتحه «اخلاص» بعد از نماز اگر «آیه‌الکرسی»، «سوره اخلاص» و «معوذتین» را یادداری بخوان و از آن پس دعا کن.

۱۱ - هنگامی که قصد خروج از منزل را داری دعای زیر را بخوان (اللَّهُمَّ إِلَيْكَ تَوَجَّهْتُ وَ بِكَ اعْتَصَمْتُ، اللَّهُمَّ اكْفِنِي مَا أَهْمَنِي وَ مَا لَمْ أَهْتَمَّ بِهِ، اللَّهُمَّ زَوِّدْنِي التَّقْوَى وَ اغْفِرْ لِي ذَنْبِي)^{۲۲۶}

«پروردگارا به سوی تو رو کردم و به تو چنگ زدم، پروردگارا آنچه را که مرا بخود مشغول داشته و آنچه که بدان توجهی ندارم تو مرا کافی باش، پروردگارا تقوی را توشه‌ی را هم قرارده و گناه‌ها را بیا مزر».

۱۲ - هنگامی که با خویشاوندان خدا حافظی می‌کنی دعای زیر را بخوان: (اَسْتَوْدِعُكُمْ اللهَ الَّذِي لَا تَضِيعُ وَ دَائِعُهُ)^{۲۲۷}

شما را به خداوندی می‌سپارم که امانت‌هایش نابود نمی‌گردند.

۱۳ - و اعضای خانواده در جواب او گویند (اَسْتَوْدِعُ اللهَ دِينَكَ وَ اَمَانَتَكَ وَ حَوَاتِيمَ عَمَلِكَ، زَوَّدَكَ اللهَ التَّقْوَى وَ غَفَرَ ذَنْبَكَ وَ يَسِّرَ لَكَ الْخَيْرَ حَيْثُ كُنْتَ)^{۲۲۸}

دین و امانت و سرانجام اعمال‌ت را به خداوند می‌سپارم. خداوند تقوی را توشه‌ی راحت قرار دهد و گناهانت را بیا مزرزد و هر کجا که باشی خیر و راحتی را برایت آسان و فراهم گرداند.

۱۴ - وقتی که از منزل خارج شدی دعای زیر را بخوان (اللَّهُمَّ اِنِّي اَعُوْذُ بِكَ اَنْ اُضِلَّ اَوْ اُضَلَّ اَوْ اُزَلَّ اَوْ اُزَلَ اَوْ اُظْلَمَ اَوْ اُظْلِمَ اَوْ اُجْهَلَ اَوْ يُجْهَلَ عَلَيَّ)^{۲۲۹}

«پروردگارا از اینکه گمراه شوم یا گمراه کرده شوم، و یا بلغزم و یا لغزانده شوم و یا ستم کنم و یا بر من ستم کرده شود و یا جهالت کنم و یا بر من جهالت کرده شود به تو پناه می‌برم.»

۱۵ - آنگاه که سوار ماشین یا هواپیما شدی دعای زیر را بخوان (سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرْنَا هَذَا وَ مَا كُنَّا لَهُ مُقَرَّبِينَ وَ اَنَا اِلَى رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُونَ).

۲۲۶. الفقه الاسلامی ۹۴۳/۳.

۲۲۷. مسایل و راهنمای حج ص ۴۳.

۲۲۸. الفقه الاسلامی و ادلته ۹۴۳/۳.

۲۲۹. الفقه الاسلامی و ادلته ۹۴۳/۳.

۱۶ - اینک در طول مسیر به ذکر و تلاوت مشغول باش و آنگاه که به آن سرزمین مقدس، سرزمین آرزوهای قدم گذاشتی سعی کن تمام وقتت را در حرم و در عبادت به سرکشی، و از هدر دادن وقت و پرتی زدن در بازار سخت بپرهیز.



فرائض حج

مراد از فرائض اعمالی است که با ترک هر کدام از آنها حج باطل می‌گردد و با هیچ چیز دیگر جبران نمی‌شود.

فرائض حج عبارتند از :

۱ - احرام: مراد از احرام نیت حج است که فرض است نه آن دو تکه پارچه که پوشیده می‌شوند چون رسول الله ﷺ فرمودند: (أَتَمَّا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ).

۲ - وقوف عرفه: بعد از زوال روز نهم تا فجر روز دهم اندکی توقف در صحرای عرفات فرض است. چون رسول الله ﷺ فرمودند: (الحج عرفه)

۳ - طواف زیارت: که بعد از اتمام رجم، ذبح و حلق انجام می‌پذیرد فرض است

وَلْيَطَّوَّفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ ﴿٢٩﴾ (حج ۲۹):

۴ - سعی میان صفا و مروه: (أَنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا فَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ)

و رسول الله ﷺ فرمودند: (اسْعَوْا فَإِنَّ اللَّهَ كَتَبَ عَلَيْكُمُ السَّعْيَ)^{۲۳۰}

لازم به یادآوری است نزد ائمه ثلاثه یعنی امام شافعی و مالک و احمد بن حنبل «ره» ارکان حج چهارتایی هستند که ذکر شدند اما نزد امام ابوحنیفه رحمه الله علیه حج دارای دو رکن می‌باشد که عبارتند از :

۱ - وقوف عرفه؛

۲ - اکثر طواف زیارت یعنی چهار شوط آن رکن و الباقی سه شوط دیگر واجب می‌باشند.^{۲۳۱}

ناگفته نماند که امام شافعی هرچند که در ارکان چهارگانه‌ی فوق با دو امام دیگر هم عقیده است ولی دو رکن دیگر را نیز اضافه می‌کند که به شرح زیرند :



۱ - از الهی موی سر؛ ۲ - رعایت ترتیب میان ارکان پنجگانه^{۲۳۲} بایسته‌ی یادآوری است که متناسب با دیدگاه هر مذهب با فوت شدن یک رکن حج باطل می‌شود.^{۲۳۳}

مدینه قبل، یا مدینه بعد

زائر عزیز! این اصطلاحات را زیاد خواهی شنید پس، قبل از شنیدن آنها می‌خواهم آنها را معرفی کنیم.

قبل از پرداختن به تعریف آنها تذکر یک نکته ضروری است و آن اینکه: زیارت مدینه منوره با حج هیچ ارتباطی ندارد و حتی اگر زائر به زیارت مدینه منوره مشرف نشد و حجتش را انجام داد، حج او صحیح خواهد بود.

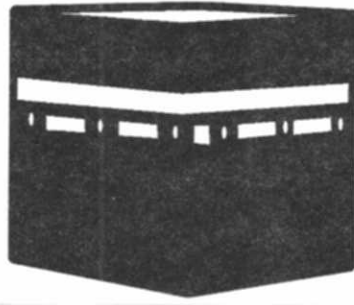
اما چون زیارت مدینه منوره آرزوی هر مسلمانی است و هر کس مستقلاً قادر به زیارت آن نیست، آن را در سفر حج گنجانده‌اند تا زائران از این خیر بی‌نصیب نمانند.

حال بخاطر کثرت جمعیت زائرین و قلت و محدود بودن وقت، زائران را به دو بخش تقسیم کرده‌اند.

۱ - گروهی را قبل از انجام حج ابتدا به مدینه منوره می‌برند که اینها هشت روز یا کمتر یا بیشتر در مدینه می‌مانند که اینها را "مدینه قبل" می‌گویند معمولاً اینها جزء اولین پروازها هستند.

۲ - گروهی را نزدیک به زمان حج یعنی آخرین پروازها به عربستان می‌برند آنها را مستقیماً به مکه مکرمه می‌برند که این گروه بعد از بجا آوردن اعمال حج به مدینه منوره مشرف می‌شوند و اینها را "مدینه بعد" می‌گویند.

حال بیشترین روی سخن ما با زائران "مدینه بعد" است و همچنین چون اکثر زائران این سامان حج تمتع را بجا می‌آورند کیفیت ادای حج تمتع اساس بحث ماست (و به حج افراد و قرآن نخواهیم پرداخت).



زائر گرامی!

همیشه سعی کن در صف اول
نماز جماعت حاضر باشی.





حج تمتع

﴿فَمَنْ تَمَنَّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ﴾ (بقره/۱۹۶)

زائر عزیز! اینک که از کشور ایران و مثلاً از زاهدان به مقصد عربستان حرکت می‌کنی و قصد انجام حج را داری به موارد زیر توجه کن.

از آنجائیکه بستن احرام از میقات واجب است و عبور از میقات بدون احرام جایز نیست و اغلب زائران ایرانی که عموماً با هواپیما سفر می‌کنند و هواپیمایشان از فراز میقات یا محاذی آن می‌گذرد، می‌طلبند که زوار قبل از رسیدن به میقات احرام ببندند.

بهترین راه این است که زائر از مبدأ پرواز که زاهدان را در نظر گرفته بودیم و آنهم در منازلشان لباس احرام بپوشند و از آنجا لبیک گفته و محرم شوند - که مفصلاً پیرامون آن صحبت خواهیم کرد - و یا اینکه می‌توانند داخل فرودگاه یا داخل هواپیما لباس احرام بپوشند که این کار سخت دشوار است. و راه نخست از همه آسانتر و در فرودگاه و یا داخل هواپیما نیت احرام کنند.

زائر محترم! برای بجا آوردن حج تمتع نخست باید عمره را بجا بیاوری و پس از اتمام عمره در روز هشتم از مکه مکرمه احرام حج می‌بندی و حج را بجا می‌آوری، پس به مطالب زیر دقت کن.

احرام چیست؟

احرام عبارت است از پوشیدن دو پارچه یا دو حوله‌ی سفید که یکی را به کمر می‌بندی و دیگری را روی شانه‌های خود می‌اندازی و بدن را می‌پوشانی.

تذکر: ۱) البته مرد باید تمام لباسهای دوخته حتی لباس زیر را بیرون بیاورد و اجازه‌ی

پوشیدن لباس دوخته را ندارد.

زن باید در لباسهای عادی و معمولی خود محرم شود.

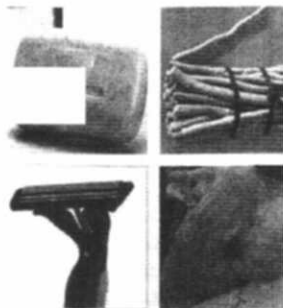
تذکر ۲: به محض پوشیدن لباس احرام فرد محرم نمی‌شود بلکه باید بعد از پوشیدن لباس احرام و بجا آوردن دو رکعت نماز احرام و نیت کردن و لبیک گفتن تازه محرم می‌شود.



۱۶۶

عمره

زائر عزیز! اینک تو در منزلت هستی و چند ساعتی بیشتر برای پرواز باقی نمانده است. و تو باید خودت را به فرودگاه برسانی و هواپیمایت از فرودگاه به مقصد «جده» پرواز می‌کند و ان شاء الله بعد از سه ساعت و اندی در جده به زمین می‌نشیند و از آنجا تو را به مکه خواهند برد
پس :



- ۱ - برو حمام و غسل کن و موهای زائد بدنت را اصلاح کن.
- ۲ - از حمام که بیرون آمدی و هیچ لباس دوخته‌ای هم به تن نداری، یک حوله‌ی بزرگ سفید را به دور کمرت ببند.
- ۳ - کمر بند را هم دور آن ببند.
- ۴ - حوله‌ی دوم را روی شانه‌هایت ببنداز.
- ۵ - جانماز را پهن کن و رو به قبله بایست.



۶ - به جأ آوردن دو رکعت نماز احرام نیت کن اگر می‌توانی بعد از فاتحه‌ی رکعت اول «سوره‌ی قل یا ایها الکافرون» و در رکعت دوم بعد از سوره فاتحه «سوره‌ی قل هو الله احد = اخلاص» را بخوان.

۷ - نماز که تمام شد چنین بگو (اللَّهُمَّ اِنِّیْ اُرِیدُ الْعُمْرَةَ فِیْسِرُهُ لِیْ وَ تَقَبَّلْهَا مِنِّیْ) پروردگارا! من نیت عمره دارم آن را بر من آسان بگردان و از من بپذیر.
در اینجا هرگز اسم حج را به زبان نیاور.

۸ - اینک جملات زیر را که اصطلاحاً به آنها «لبیک» می‌گویند بر زبان جاری ساز (= بخوان).

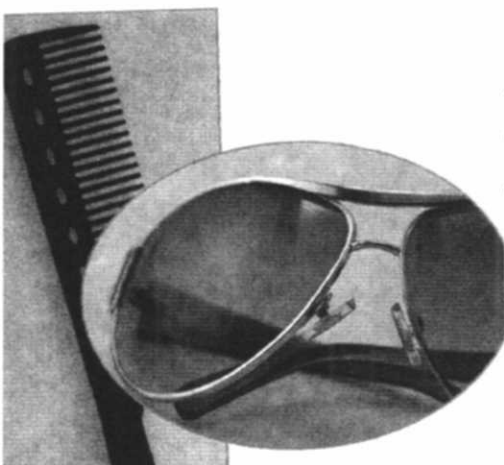
(لبیک اللهم لبیک، لبیک لا شریک لک لبیک اِنَّ الحمد والتَّعْمةَ لک والملك، لا شریک

حالا محرم شده‌ای و از انجام کارهای زیر به شدت پرهیز کن که به آنها محرمات احرام گفته می‌شود که ارتکاب آنها مجازات مالی در پی دارد و باعث می‌شود که عمرهات خراب شود و از اجر و ثواب آن کم گردد.



۱ - پوشیدن هر نوع لباس دوخته‌ای برای مردان جایز نیست، پس اصلا نپوش.

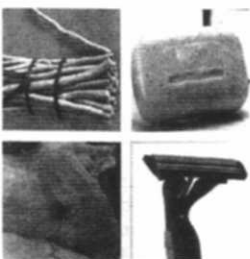
۲ - پوشاندن سر و صورت برای مردان جایز نیست، پس سر و صورت را نپوشان هر چند که هوا سرد باشد.



۳ - استفاده کردن عطر، ادکلن، شامپو و هر چیز خوشبوی دیگر برای مردان و زنان جایز نیست، حتی بوییدن میوه‌ی خوشبو عمدآ هم مکروه است، پس پرهیز کن.

تذکر: اما اگر چنانچه بوی خوش بدون قصد و اراده به مشام آدمی رسد ایرادی ندارد.

۴ - کوتاه کردن یا تراشیدن موهای بدن (سر، زیر بغل، زیر ناف و...) جایز نیست، پس گرد تیغ و قیچی مگرد.



۵ - گرفتن ناخن‌ها جایز نیست، پس ناخنگیر را کنار بگذار، تا وسوسه نشوی.

تذکر: البته گرفتن ناخن شکسته که موجب اذیت است، ایرادی ندارد.

۶ - آمیزش و مقاربت با همسر و مقدمات آن جایز نیست، پس زمانیکه در احرام هستی چنین فکری نکن.

۷ - به زبان آوردن مسایل جنسی به ویژه در حضور همسرت اصلا جایز نیست، پس سعی کن شوخیهای آنچنانی و خودمانی را کنار بگذاری.

۸ - از درگیری و نزاع به شدت پرهیز کن.

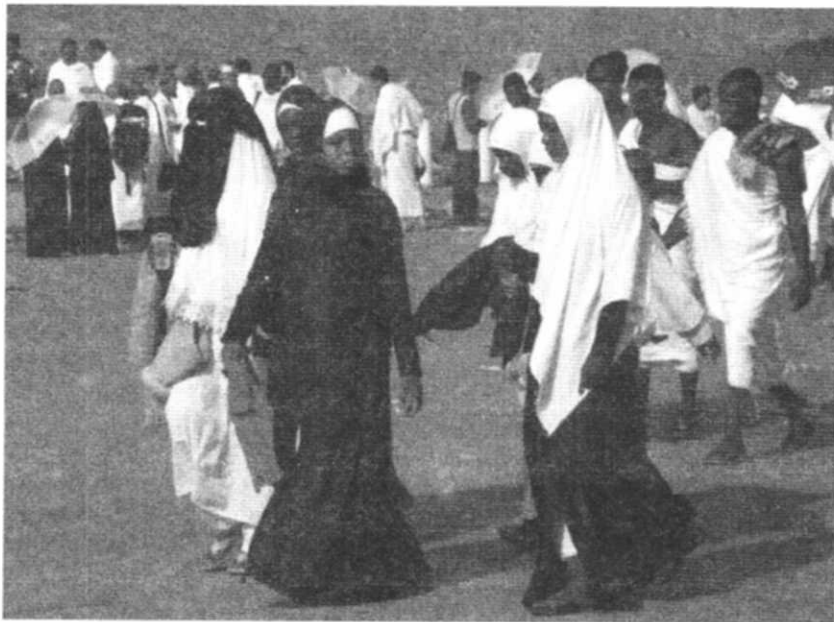
۹ - هرگز شکار نکن و به شکارچی هم کمک ننما.

۱۰ - پوشیدن کفشی که پشت پا را بپوشاند جایز نیست پس از پوشیدنش چند روزی چشم‌پوشی کن و دمپایی ویژه‌ی احرام را بپوش.

انجام کلیه کارهای فوق بر زنان نیز ضروری است فقط با این تفاوت

- ۱- زن در لباس معمولی خود محرم می شود یعنی لباسهای دوخته معمولی خودش.
- ۲- زن باید سرش را بپوشاند اما صورتش را نه یعنی اجازه ی پوشاندن صورت را ندارد.
- ۳- زن می تواند کفش بپوشد.

تذکر: اگر خانمی می خواهد صورتش را بپوشاند، باید کلاهی سایه دار سرش بگذارد و از روی آن برقع را رویش بیندازد تا با صورتش تماس نداشته باشد.



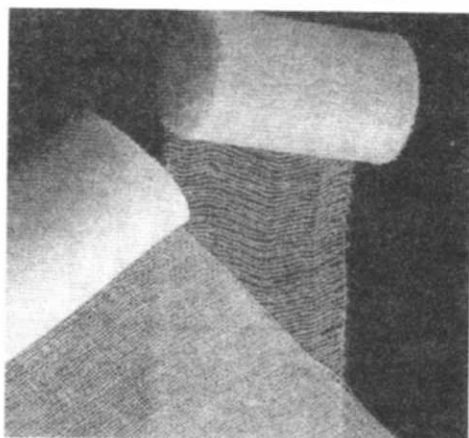
زائر عزیز! انجام کارهای زیر برای تو جایز است

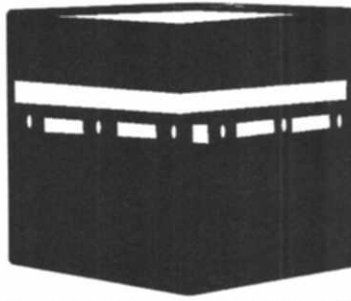
- ۱- استحمام کردن و دوش گرفتن البته بدون استفاده از شامپو و صابون خوشبودار.
- ۲- پوشیدن ساعت، انگشتر و عینک.
- ۳- نشستن در سایه و همچنین استفاده کردن از چتر اگر هوا گرم است.
- ۴- مسواک زدن با چوب مخصوص مسواک که رسول الله ﷺ و اصحاب کرام علیهم السلام آن را استفاده می کردند.
- تذکر: استفاده از خمیر دندان جایز نیست.
- ۵- نگاه کردن در آینه.

۶ - پانسمان کردن زخم هرچند که منجر به بستن سر، صورت و یا هر عضو دیگری باشد.

۷ - گرفتن ناخن شکسته.

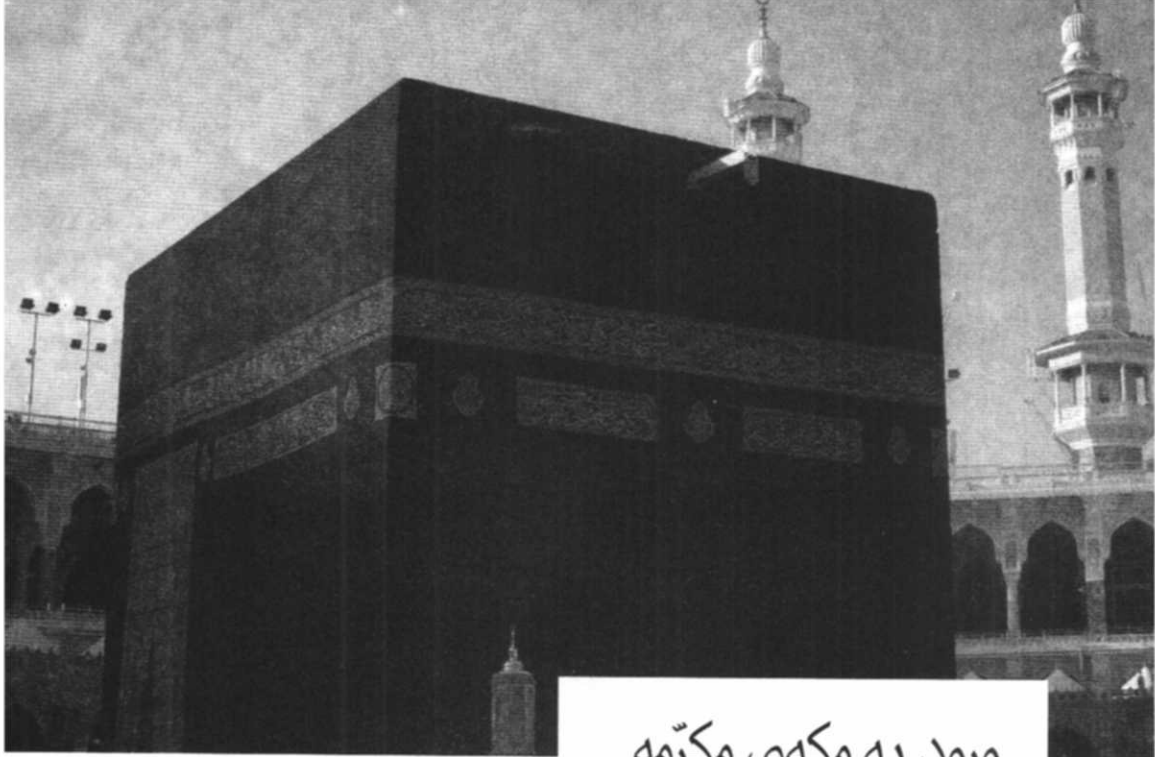
تذکر: در طول مسیر و یا در اتوبوس تا می‌توانی «لبیک» بگو که ثوابی بس فراوان دارد. تا همه‌ی موجودات و اشیاء از چپ و راست با تو هم‌نوا شوند و به لبیک تو در روز بازپسین گواهی دهند. پس دم را غنیمت شمار.





۱۷۰

زائر گرامی!
هرگز نماز جماعت مسجد الحرام و
مسجد النبی را از دست مده.



ورود به مکه‌ی مکرمه

زائر عزیز! اینک هواپیمای تو در جده فرود آمده و پس از تشریفات اداری تو را با اتوبوس به حرم امن الهی خواهند برد، پس به نکات زیر توجه کن.

نخست اینکه به دستورات و توصیه‌های مدیر و روحانی کاروان به دقت توجه کن و پس از آن که در هتل اسکان یافتی به همراه روحانی به حرم خواهی رفت و عمره را بجا خواهی آورد.

از رفتن با هم‌کاروانیهایی که مدعی‌اند خیلی وارد هستند و چندین بار به سفر عمره و حج مشرف شده‌اند جداً پرهیز کن.

۱- اگر امکان دارد غسل کن.

۲- سر موعد مقرر که از طرف روحانی تعیین شده حاضر شو.

۳- سوار بر مینی‌بوسها شده و یا پیاده به طرف حرم راه خواهی افتاد.

۴- از هر دری که ممکن است وارد خواهی شد.

۵- و قبل از ورود دعای زیر را بخوان «بِسْمِ اللَّهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ، اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ» و اگر توانستی در دل نیت کن تا وقتی که در مسجد هستم «قصد اعتکاف دارم» (نویت الاعتکاف مادمت فی المسجد).

۶- و با پای راست به مسجد وارد شو.



همیشه اولین‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده‌اند بنابراین اولین نگاه به بیت‌الله نیز ارزشی افزون دارد، زیرا هنگامیکه برای نخستین بار نگاه انسان به بیت‌الله شریف می‌افتد این لحظه از لحظاتی است که خداوند متعال دعای بنده خود را قبول می‌فرماید.^{۲۳۴}

(عن ابن جریج: كَانَ النَّبِيُّ ﷺ إِذَا نَظَرَ إِلَى الْبَيْتِ، رَفَعَ يَدَيْهِ وَقَالَ: اللَّهُمَّ زِدْ هَذَا الْبَيْتَ تَشْرِيفًا وَتَعْظِيمًا وَتَكْرِيمًا وَمَهَابَةً وَزِدْ مَنْ شَرَفَهُ وَكَرَّمَهُ مِمَّنْ حَجَّهٗ أَوْ اعْتَمَرَهُ، تَشْرِيفًا وَتَكْرِيمًا وَتَعْظِيمًا وَبِرًّا)^{۲۳۵}

هرگاه رسول‌الله ﷺ به سوی بیت‌الله نظر می‌کرد دستهایش را بلند می‌نمود و دعای زیر را می‌خواند:

«پروردگارا! عظمت و شرافت، و کرامت و هیبت این خانه را بیش از پیش افزون بگردان. بارالها! عظمت، شرافت و کرامت کسانی را که حج یا عمره‌ی آن را بجا می‌آورند و آن را تکریم می‌نمایند و بزرگ می‌دارند، افزون بگردان.»

از آن پس برای خود و نیازهایت و سایر مسلمین دعاکن. هرگز دعای بد نکن و دعای قطع رحم ننما. و دعای خیر کن.

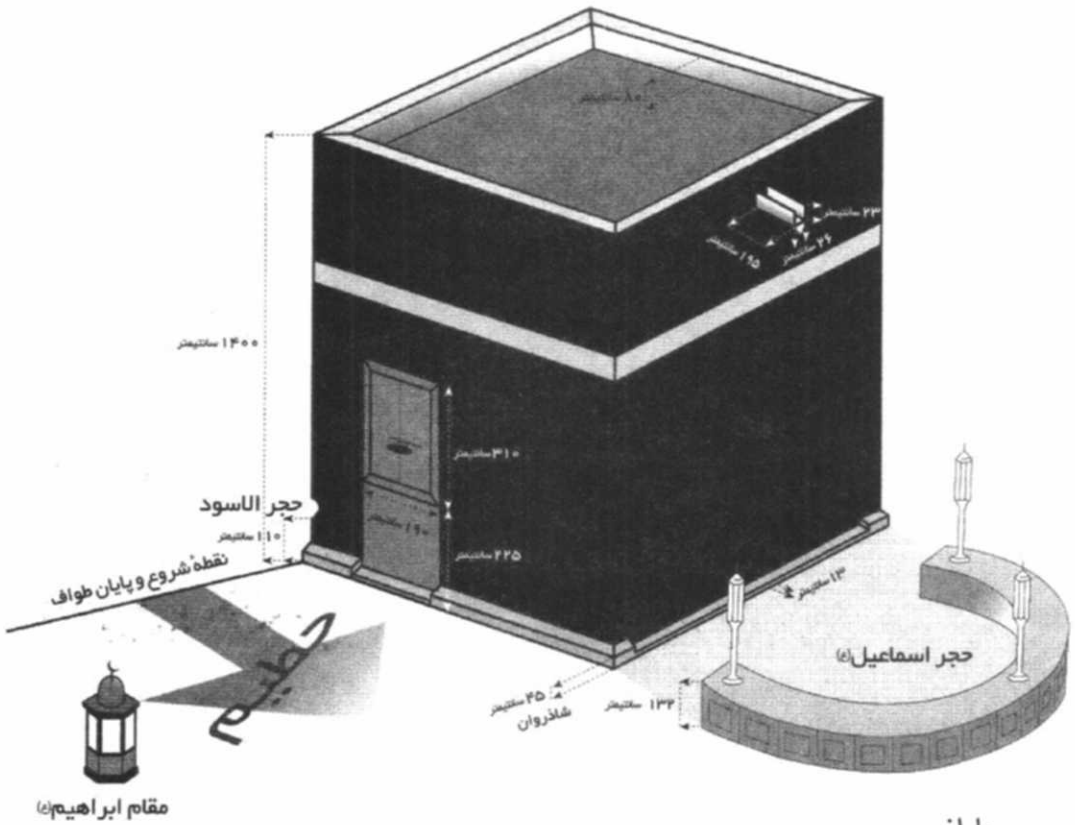
لازم به یادآوری است که هنگام نگاه به بیت‌الله با خشوع، خضوع، تضرع و زاری دعا کنی.

زائر عزیز! وقتی که وارد مسجدالحرام شدی و روبروی بیت‌الله قرار گرفتی از هر دری که وارد شده‌ای مهم نیست، اینک باید رکن حجرالاسود را پیدا کنی، پس خوب بنگر. تقریباً به موازات زاویه‌های خانه‌ی کعبه در دیوارهای مسجد تابلوهایی با رنگهای مختلف نصب است.

و بر روی هر کدام نامی نوشته شده است بگرد تا، تابلویی را پیدا کنی که بر روی آن «باب‌الصفاء» نوشته شده و در کنار آن یک چراغ سبز وجود دارد که مکان آغاز طواف است. بیا اینجا که درست روبروی حجرالاسود است. و طواف را از اینجا آغاز کن و هر دوری که زدی و به اینجا رسیدی یک دور کامل شد تا هفت دور، که می‌شود یک طواف. ۶ - هرگاه میان رکن یمانی و رکن حجرالاسود رسیدی این دعا را بخوان (رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ).

تذکر: ۳: ایستادن کنار رکن یمانی در ازدحام و بوسیدن آن در هیچ حال جایز نیست.

ابعاد کعبه شریفه و محدوده مطاف



طواف

زائر عزیز! برای طواف اقدامات زیر را انجام بده :

۱ - روبروی حجرالاسود بایست.

۲ - شانه‌ی راست خود را از زیر احرام بیرون بیاور، بدینگونه که یک سر حوله‌ی احرام را بر روی شانه‌ی چپ بگذار و سر دیگر را از زیر بغل دست راست گذرانده بر روی شانه‌ی چپ بینداز، (این عمل را اضطباع می‌نامند).

۳ - نیت طواف کن، «پروردگارا! من اراده‌ی طواف دارم آن را بر من آسان بگردان و از من بپذیر.»

۴ - حال اگر امکان بوسیدن حجرالاسود هست برو و بر روی آن دستت را بگذار و آن را ببوس. مواظب باش که حجرالاسود معطر نباشد.

اما اگر امکان نیست و معمولاً هم بخاطر ازدحام جمعیت این فرصت برای آدمی میسر نمی‌گردد، در این صورت می‌تواند بگوید: «بسم الله الله اکبر» و



سپس دستهای را ببوس و طواف را شروع کن.^{۲۳۶}

۵ - در سه دور اول با اندکی سرعت و قهرمانانه راه برو که به این عمل «رَمَل» گویند. تذکر: ۱: اگر حجرالاسود معطر است و تو محرم هستی، حتی اگر فرصت دست زدن آن هم باشد، این کار را انجام نده، چون در حال احرام استفاده از عطریجات جایز نیست و جریمه دارد.

تذکر: ۲: لازم نیست که زنان رَمَل کنند یعنی قهرمانانه راه رفتن برای آنان ضرورتی ندارد و آنها با حالت معمولی خود طواف کنند.^{۲۳۷}

تذکر: ۳: هر بار که در مقابل حجرالاسود رسیدی دستهای را بالابر و «بسم الله و الله اکبر» بگو و دستهای را ببوس.

تذکر: ۴: اضطباع در هر هفت شوط لازم است ولی پس از اتمام طواف بلافاصله شانهات را بپوشان.

تذکر: ۵: هنگام طواف پشت حجر اسماعیل دور بزن.

رکن یمانی

در حین طواف در هر دور، استلام رکن یمانی سنت است.

دعا در طواف

بسیاری از عزیزان در حال طواف یک نفر با صدای بلند دعا می خوانند و سایرین با وی تکرار می کنند و یا بعضاً هر فرد یک کتاب در دست دارد و از روی آن دعا می خواند که این عمل صحیح نیست زیرا که:

اولاً: از رسول الله ﷺ در هر شوطی (دوری) دعایی مستقل و مختص آن شوط روایت نشده است.

ثانیاً: این عمل موجب اخلال در افکار، اذکار و ادعیه دیگران می شود.

ثالثاً: هر کسی با زبان و لهجه ی خود دعا کند و هر آنچه را که نیاز دارد از خداوند متعال

۲۳۶. از رسول الله ﷺ سؤال شد که هنگام استلام حجرالاسود چه بگوئیم؟ فرمودند: بگوئید «بسم الله والله اکبر، ایماناً بالله و تصدیقاً لاجابة محمد ﷺ» خرجه الشافعی الام ۶۸۱/۲

بطلبید و آهسته و آرام دعا کند زیرا که الله تبارک زبان و لهجه‌ی همه‌ی آدمیان می‌داند.
 رابعاً: باعث کندشدن آهنگ طواف می‌شود.

تنها دعایی که از رسول الله ﷺ در حین طواف روایت شده است دعای (ربنا آتنا فی الدنیا حسنة و فی الآخرة حسنة و قنا عذاب النار) می باشد که آن حضرت ﷺ در میان رکن یمانی و رکن حجر الاسود آن را قرائت می کردند پس سعی کنیم بر سنتهای رسول الله ﷺ عمل نمائیم که رستگاری و موفقیت در آن است.^{۲۳۸}

عن ابی ہریرۃ رضی اللہ عنہ سَمِعَ النَّبِيَّ ﷺ يَقُولُ: (مَنْ طَافَ بِالْبَيْتِ سَبْعًا لَا يَتَكَلَّمُ الْأُسْبَحَانَ اللَّهُ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ) مُحِيتَ عَنْهُ عَشْرُ سُنِيَّاتٍ وَكُتِبَتْ لَهُ عَشْرُ حَسَنَاتٍ وَرَفَعَ لَهُ عَشْرُ دَرَجَاتٍ ۚ ۳۳۹

حضرت ابوهریره رضی الله عنه روایت می کند که شنیدم رسول الله می گوید: «کسی که هفت دور طواف را انجام دهد و هیچ سختی نگوید بجز سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله والله اکبر و لاحول و لا قوة الا بالله» ده گناه - از نامه‌ی اعمالش پاک و ده نیکی در نامه‌ی اعمالش ثبت و در بهشت - ده درجه برایش افزوده می شود.

نماز طواف

پس از اتمام هفت شَوَط طواف زائر عزیز! اینک باید دو رکعت نماز طواف را بخوانی.

۱- اگر پشت مقام ابراهیم ازدحام نیست و نماز تو در طواف دیگران اخلاص ایجاد نمی‌کند، پشت مقام ابراهیم یعنی بگونه‌ای که مقام ابراهیم میان تو و بیت‌الله قرار بگیرد، افضل است در غیر اینصورت در هر جای مسجد که امکان باشد دو رکعت طواف را بخوان. در رکعت اول بعد از حمد «کافرون» و در رکعت دوم بعد از حمد «قل هو الله احد»^{۲۴۰} را بخوان.

۲- بنگر که وقت مکروه نباشد یعنی الف) هنگام نیمروز که هیچ چیزی سایه ندارد. ب) بعد از نماز عصر تا غروب آفتاب ج) بعد از نماز فجر تا طلوع آفتاب^{۲۴۱}.

۲۳۸. همراه با کاروان عمره ص ۰۵.

٢٣٩. رواه ابن ماجه القرى ص ٥٠٣.

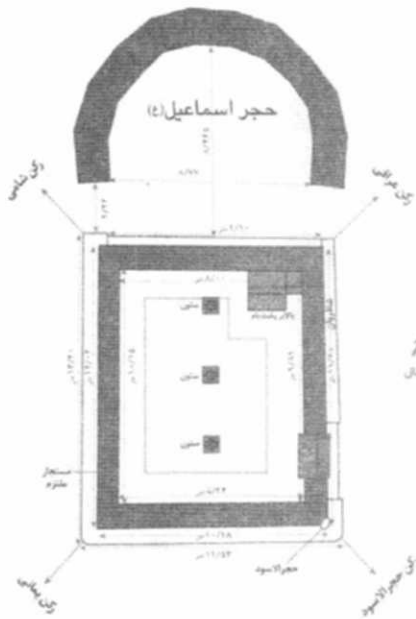
٢٤٠. اخرجاه الترمذی النسائی القرى ص ١٤٣.

٢٤١. عن جبير بن مطعم يبلغ به النبي ﷺ قال: يا بني عبد مناف لاتمنعوا احداً يطوف بهذا البيت ويصلي اية ساعة شاء من ليل او نهار، ابوداود و نسائي و ترمذي قال عبدالعزيز رايت عبدالله بن زبير بن العوام يروي عن النبي ﷺ حدثته ان النبي ﷺ لم يدخل بيتها الا صلاهما. رواه البخاري عن ابي ذر انه قام فاخذ بحلقه باب الكعبة ثم قال من عرفني فقد عرفني و من لم يعرفني



- ۳- بعد از نماز طواف دعاکن و بعد برو کنار شیرهای آب زمزم تا می‌توانی از آب زمزم خود را سیراب ساز و سپس دست به دعا بردار و دعاکن.
- ۴- بعد از نوشیدن آب زمزم مجدداً برگرد و روبروی حجرالاسود بایست و آن را استلام کن یعنی آنگونه که در طواف در مقابل حجرالاسود انجام می‌دادی.
- ۵- بعد از آن از پله‌های باب‌الصفاء به طرف کوه صفا برای بجا آوردن سعی بالا برو.

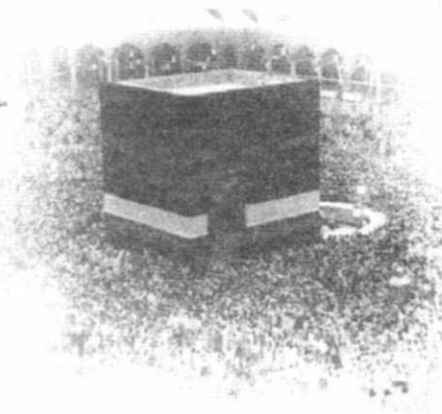
برش افقی کعبه شریفه



مقام ابراهیم



شمال



فانا جُنْدَبِصاحب رسول الله ﷺ سمعت رسول الله ﷺ يقول: لاصلاة بعد العصر حتى تغرب الشمس، لا صلاة بعد الفجر حتى تطلع الآ بمكة. أخرجه الشافعي والبيهقي القرى ص ۱۳۲. قال ابن المنذر: رخص في السجود بعد الصلوات التي هي وقت ظهور الصحابة و من بعدهم فتح الباری ۳/۳۸۳.



آب زمزم

زائر عزیز! اینک که طواف خویش را بجا آوردی و نماز طواف را خواندی. سعی کن از مکانی که ویژه‌ی نوشیدن آب زمزم است، تا سیر آب زمزم بنوش. و سپس حجرالاسود را استلام کن و بعد از آن از باب الصفا به طرف کوه صفا حرکت کن.

سعی بین صفا و مروه

۱ - بالای کوه صفا بایست و درحالیکه رویت به طرف بیت‌الله است دعای زیر را بخوان :

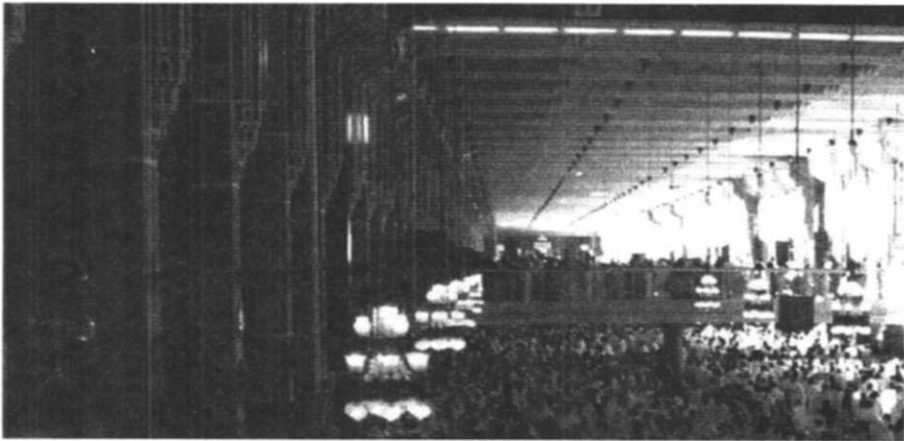
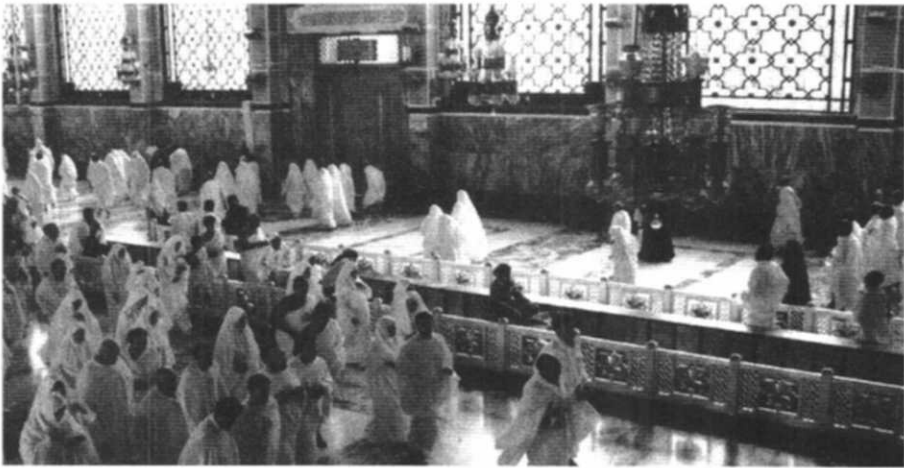
(اللّٰهُ اَكْبَرُ، اللّٰهُ اَكْبَرُ، اللّٰهُ اَكْبَرُ، لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ) ^{۲۴۲}

از آن پس مقداری دعاکن، سعی کن زیاد معطل نشوی.

۲ - نیت سعی کن: پروردگارا! من نیت سعی دارم آن را بر من آسان بگردان و از من بپذیر.

۳ - به طرف کوه مروه حرکت کن وقتی که به اولین چراغ سبز رسیدی تا چراغ سبز بعدی کاملاً بدو.

تذکر: زنان همچنان آرام و طبیعی به حرکت خود ادامه دهند و نیازی ندارد که آنان بدوند.



دعای سعی

۴ - هنگام سعی خواندن دعای زیر سنت است :

(عن ام سلمة رضی اللہ عنہا قالت: كَانَ النَّبِيُّ صلی اللہ علیہ وسلم يَقُولُ فِي سَعْيِهِ رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَاهْدِنِي السَّبِيلَ الْأَقْوَمَ) ^{۲۴۳}

و در روایت دیگری چنین آمده است: (رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ أَنْتَ الْأَعَزُّ الْأَكْرَمُ) ^{۲۴۴}

۵ - وقتی که به مروه رسیدی، دعایی را که بر کوه صفا خواندی اینجا هم تکرار کن. و سپس به طرف کوه صفا حرکت کن.

۶ - دقت کن وقتی که از صفا حرکت کردی و به مروه رسیدی یک دور سعی تمام شد و دوباره از مروه که حرکت کردی و به صفا رسیدی دور دوم نیز تمام شد تا آنکه دور هفتم به کوه مروه ختم می شود. مانند تصویر صفحه بعد :

۱. از صفا به مروه ۲. از مروه به صفا ۳. از صفا به مروه ۴. از مروه به صفا ۵. از صفا به

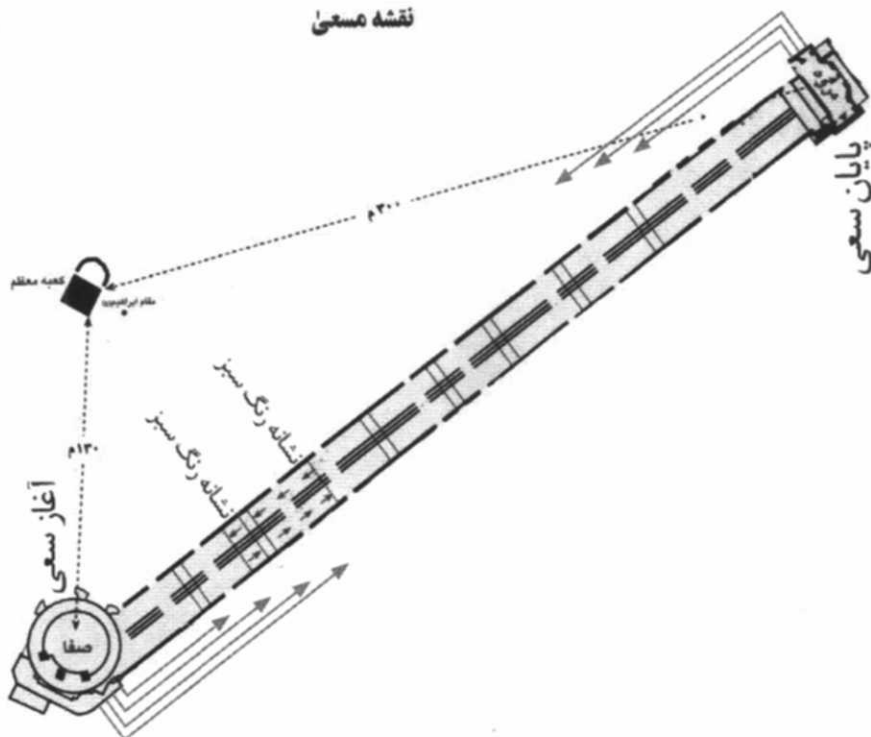
^{۲۴۳} . پروردگارا بیمارز و رحم کن و به درستترین راه هدایت منما.

^{۲۴۴} . اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي وَأَهْدِنِي السَّبِيلَ الْأَقْوَمَ وَارْحَمْنِي يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ كُنْ قَطْعاً كَهَذَا تَوْشِكُ شَكْسْتِ نَاطِذِيرَ وَ كَرِيمَ وَ بَزْرَ گَوَارِی.

مروه ۶. از مروه به صفا ۷. از صفا به مروه و پایان سعی

دور هفتم به مروه ختم می‌شود. در کل چهار دور از صفا به مروه و سه دور از مروه به صفا.
 اخطار: مراقب باشید که هر رفت و برگشت (صفا به مروه) را یک دور محاسبه نکنید.

نقشه سعی



تذکر ۱: دعا و ایستادن بر کوه صفا و مروه سنت است و در صورت ازدحام شدید می‌توان در حال حرکت و بدون ایستادن دعا کرد و رد شد و نیازی به ایستادن نیست.

تذکر ۲: هنگامیکه سعی را تمام کردی و خواستی از مسجدالحرام بیرون بروی پای چپ خود را جلو بگذار و بگو (اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ، اللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ مِنْ فَضْلِكَ).

حلق (تراشیدن) سر و یا کوتاه کردن مو

اینک برای خروج از احرام فقط یک عمل باقی مانده است و آن کوتاه کردن یا تراشیدن موی سر است.

تراشیدن سر برای مردان افضل است اما چون شما به زودی رهسپار مناسک حج می‌شوی، در این زمان موها را کوتاه کن و هنگام حج سر را بتراش.

اگر خواستی کوتاه کنی از تمام موهای سر به اندازه یک بند انگشت موهای را کوتاه کن.



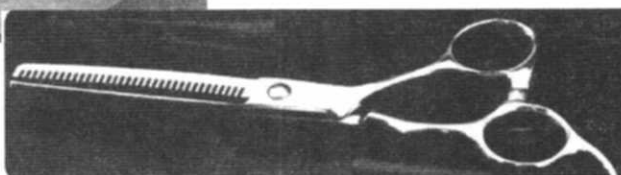
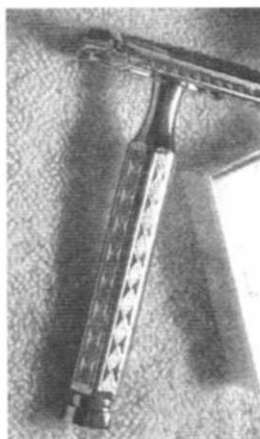
تذکر ۱: زنان نیز باید به اندازه‌ی یک بندانگشت از موهایشان را کوتاه کنند.
پس از آنکه موها را کوتاه کردی از احرام خارج شدی هرچند هنوز لباس احرام را به تن داری. ولی دیگر انجام محرمات احرام از قبیل استفاده از ادکلن و... جایز است.
تذکر ۲: در این هنگام که می‌خواهی سرت را بتراشی یا کوتاه کنی، هر زائر می‌تواند سر زائر دیگر را بتراشد یا کوتاه کند و هیچ مشکلی ندارد.^{۲۴۵} به شرطی که همه به این مرحله رسیده باشند.

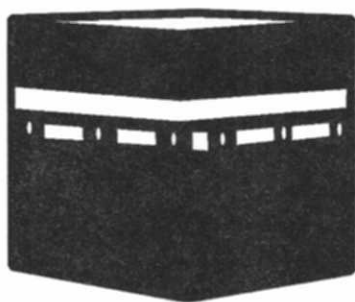
اما اگر هنوز به این مرحله نرسیده‌ای اجازه نداری سر خود یا دیگران را بتراشی چون در احرام هستی و با ارتکاب اینکار جریمه می‌شوی.
زائر گرامی: اینک عمره‌ات پایان یافته و با آسودگی خاطر در مکّه‌ی مکرمه بمان و سعی کن وقت خویش را در حرم و به عبادت بگذرانی.

شاعر گوید:

غافل مباش از عاقلی دریاب اگر صاحب دلی
باشد که نتوان یافتن دیگر چنـین ایام را

و منتظر بمان تا روز هشتم ذیحجه فرا برسد.



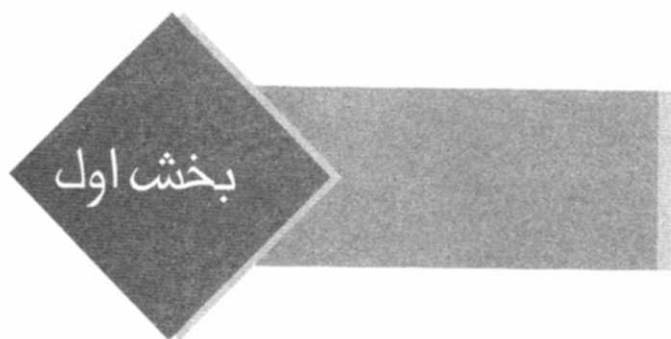


زائر عزیز!

از پیاده روی زیاد و بی مورد
زیر آفتاب پرهیز کن چون
امکان دارد دچار گرمزدگی شوی.

باب دوم

نگاهی اجمالی به اعمال حج





نگاهی اجمالی به اعمال حج

- ۱ - احرام حج در روز هشتم؛
- ۲ - رفتن به منی در روز هشتم؛
- ۳ - رفتن به میدان عرفات روز نهم؛
- ۴ - ماندن در میدان مزدلفه در شب دهم؛
- ۵ - سنگ زدن به شیطان بزرگ در روز دهم؛
- ۶ - ذبح کردن گوسفند بعد از آن؛
- ۷ - تراشیدن سر بعد از آن؛
- ۸ - بجا آوردن طواف زیارت و سعی بعد از آن؛
- ۹ - ماندن شبهای یازدهم و دوازدهم در منی؛
- ۱۰ - سنگ زدن به شیطانهای سه گانه در روز یازدهم و دوازدهم بعد از زوال؛
- ۱۱ - و در پایان طواف وداع هنگام خروج از مکه.

هفتم ذیحجه

زائر عزیز! امروز هفتم ذیحجه است یعنی فردا مراسم حج تمتع آغاز می گردد و شما باید از شهر مکه ی مکرمه بیرون بروید و تقریباً پنج روز را خارج از مکه ی مکرمه بگذرانید. بنابراین چیزهای زیر را از امروز آماده کن تا فردا هنگام حرکت دچار مشکل نشوی.

۱ - یک کیف دستی که معمولاً از قبل آن را به شما داده اند.



۲- اگر دارو مصرف می‌کنی همین حالا مقداری از داروهای موردنیاز خود را در داخل کیف دستی قرار بده.

۳- یک ماشین تراش و تیغ و قیچی نیز داخل کیف دستی بگذار.

۴- یک عدد صابون و یک عدد شامپوی کوچک هم بردار و تا نگفتم از آنها استفاده نکن.

۵- چوب مسواک را هم داخل کیف بگذار، چون در لباس احرام جیب نداری.

۶- دستبند حج را به دستت ببند و کارت حج را به گردنت بیاویز، اینها فقط برای این است که اگر خدای ناکرده اندکی سرگردان شدی پلیس راهنما بهتر بتواند تو را به چادرت راهنمایی کند.

۷- اگر می‌خواهی موبایل خود را همراه داشته باشی پس یک عدد بند موبایل خریداری کن تا آن را به گردن آویزان کنی، چون قبلاً متذکر شدم که شما در لباس احرام فاقد جیب هستی.

۸- مبلغی پول را هم در جیب کوچک کمربند خود بگذار شاید لازم شد.

۹- دمپایی و حوله‌های احرام خود را هم آماده کن که فردا باید بپوشی.

۱۰- و یک عدد صابون بدون بو بردار، از صابونهای برگه‌ای بهتر است.

۱۱- یک کیسه‌ی کوچک یا یک لاستیک برای سنگ‌ها هم با خود بردار.

۱۲- یک عدد حصیر تک نفره که در مزدلفه به آن نیاز پیدا خواهی کرد.

۱۳- یک دست لباس که بعد از خارج شدن از احرام می‌پوشی.

تذکر ۱: از کثرت جمعیت و ازدحام آنها هیچ واژه‌ای نداشته باش، جمعیت درست مثل آب دریا یا آب استخر می‌ماند، که قبل از وارد شدن به آن اندکی آدم ترسناک است می‌ترسد، ولی وقتی وارد شدی احساس می‌کنی که نه، آب هیچ مانعی برای شناکردن نیست بلکه او را در شناکردن کمک هم می‌کند پس به محض اینکه وارد جمعیت شدی احساس آرامش خواهی کرد و مشاهده می‌کنی که مردم درست مثل آب استخر تو را در انجام کارهایت ناخواسته یاری می‌رسانند.

تذکر ۲: به توصیه‌های مدیر و روحانی کاروان به دقت گوش کن و تا می‌توانی پایبند دستورات آنان باش که به نفع تو است اگر چه ممکن است چندین بار به سفر مبارک حج مشرف شده‌ای اما باز هم خود را بی‌نیاز از ارشادات و توصیه‌های روحانی و مدیر

امروز هشتم ذیحجه است، و نخستین روز آغاز اعمال و مناسک حج تمتع. به محض اینکه نماز فجر را در مسجدالحرام بجاآوردی، به هتل برگرد و خود را برای حرکت کردن و رفتن به منی آماده کن و دقت کن ساعتی را که مدیر برای حرکت اعلام کرده حتماً در آن زمان در آنجا حاضر و آماده باشی. جهت آماده شدن کارهای زیر را انجام بده:

۱ - غسل کن و یک دوش بگیر. (برای احرام)

۲ - بعد از آنکه از حمام بیرون آمدی و استحمام کردی، لباس احرام خود را بپوش. البته تمام لباسهای دوخته را از تن بیرون بیاور، و مقداری عطر و خوشبو به بدن بمال و استفاده کن.

۳ - یک حوله به کمر ببند و کمر بند را هم روی آن ببند و یک حوله دیگر را روی شانه های خود ببنداز درست آنگونه که برای عمره انجام دادی.

تذکر: خواهران همچون قبل در لباس معمولی خود محرم می شوند.

۴ - حالا دو رکعت نماز احرام بخوان، سعی کن اگر یاد داری در رکعت اول بعد از سوره ی فاتحه سوره ی «کافرون» و در رکعت دوم بعد از فاتحه سوره ی «خلاص» را بخوان و گرنه هر سوره ای که دوست داری بخوان.

۵ - بعد از آنکه نماز را بجاآوردی حالا نیت حج کن و بگو (اللَّهُمَّ إِنِّي أُرِيدُ الْحَجَّ فَيَسِّرْهُ لِي وَتَقَبَّلْهُ مِنِّي) پروردگار! من نیت حج دارم آن را بر من آسان بگردان و از من بپذیر. چه به عربی و چه به فارسی و یا به زبان خودت مفهوم همین جملات را بگو.

اگر توانستی این جمله را هم بگو (اللَّهُمَّ حَجَّةً لَارِبَاءَ فِيهَا وَلَا سَمْعَةً)^{۲۴۷}

پروردگار! من قصد حج دارم - حجی که در آن نه ریا است و نه به قصد شهرت انجام می پذیرد.

۶ - حالا لبیک را بگو - فکر کنم هنگام احرام عمره آن را بخاطر سپرده و حفظ کرده ای - ولی باز آن را اینجا برایت تکرار می کنم:

(لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ إِنَّ الْحَمْدَ وَالنِّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ)

۲۴۶. بخاطر اینکه در این روز حجاج آب در مشکها می کردند (و با خود به منی و عرفات) می بردند و یا اینکه قریش آب می بردند تا به حجاج بدهند، «یوم الترویبه» نامگذاری شده است. کذا فی الرزقانی

علی الموطا به نقل از معجم المناسک صفحه ۴۵.

۲۴۷. صحیح رواه البیهقی.



۷- حالا تو محرم شده‌ای اعمال حج خود را آغاز کرده‌ای، پس از ارتکاب محرمات احرام جداً پرهیز کن.

محرمات احرام را هنگام عمره به شما آموزش دادم ولی باز هم اینجا تکرار می‌کنم تا بهتر در ذهنتان بمانند.

محرمات احرام (در حال احرام از انجام کارهای زیر جداً دوری کن)

- ۱- پوشیدن لباس دوخته و کلاه و لباس زیر برای مردان.
تذکر: بستن کمر بند به کمر ولو اینکه دوخته هم باشد ایرادی ندارد.
- ۲- پوشاندن سر و صورت آقایان با کلاه یا چفیه.
- ۳- پوشاندن صورت خانمها با برقعهای که با صورت بچسبد. اما اگر به گونه‌ای صورتش را پوشاند که پارچه به صورت نچسبد مثل کلاههایی^{۲۴۸} هست که به همین منظور درست شده، ایرادی ندارد.
- ۴- استفاده کردن از هر نوع عطر، ادکلن، صابون معطر و خمیردندان معطر، شامپو و...
- ۵- تراشیدن و کوتاه کردن مو از هر جای بدن که باشد.
- ۶- کوتاه کردن ناخن - اما اگر ناخن شکسته و باعث اذیت است ایرادی ندارد که آن را کوتاه کنی.
- ۷- جماع و مقاربت با همسر و مقدمات آن.
- ۸- بحث و گفتگوی جماع و مسایل جنسی در حضور همسران و زنان و یا در هر جای دیگر.
- ۹- مشاجره، منازعه و جدال در هر شکلی که باشد چه در گفتار و چه در کردار.
- ۱۰- شکار کردن و یا همکاری با شکارچی.
- ۱۱- کشتن حیوانات و حشرات.
- ۱۲- شکستن و یا قطع کردن شاخه‌ی درختان.
- ۱۳- پوشیدن کفش که پشت پا را بپوشاند.
- ۱۴- از بوئیدن خوشبویات و گلهای معطر.

تذکر: زائر عزیز! در طول مدت احرام باید از انجام کارهای فوق یعنی ۱۴ موردی که ذکر شد اکیداً پرهیز نما.

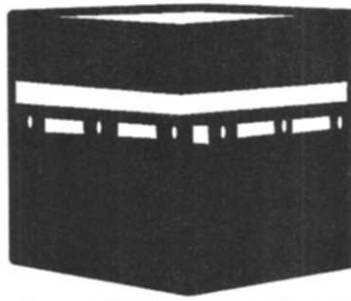
تذکر ۲: باید توجه داشته باشی که اینک تو همچون یک سرباز آماده باش هستی پس اگر در هر حال مرتکب یکی از اعمال فوق شدی علاوه بر جریمه مالی امکان خراب شدن حج و کاسته شدن از ثواب آن وجود دارد پس با تمام وجود از آنها دوری کن.

بعد از آماده شدن طبق ساعت تعیین شده توسط مدیر بر اتوبوسها سوار می شوی و به طرف منی حرکت می کنی و ان شاءالله قبل از ظهر به منی می رسی و در چادرهایتان اسکان داده خواهی شد.

تا فردا صبح نمازهای خود را همین جا داخل چادرها به صورت قصر و با امامت روحانی یا کسی دیگر بجماعت می خوانی.

و شب را هم با آرامش کامل در چادرهایتان سپری خواهی کرد. پس راحت و آرام بخواب.





۱۹۲

زائر عزیز!

همیشه سعی کن سهمیه
میوهی خود را حتما بخوری،
چون برای سلامتیت بسیار مفید است.



وَاللَّهُ أَكْبَرُ) رواه مسلم و این‌ها محبوبترین جملات نزد الله تبارک و تعالی هستند. پس این اذکار را زیاد بخوانید و بعد از آن برای خود و مسلمین دعا کنید.

زائر عزیز! در این روز مبارک و این سرزمین مقدس تا غروب آفتاب و هنگام حرکت وقت خویش را صرف دعا، نیایش و استغفار نما.

بعد از اینکه آفتاب غروب کرد معمولاً شما را با اتوبوس به مزدلفه می‌برند و شما نماز مغرب را نمی‌خوانی مگر بعد از رسیدن به مزدلفه، هرچند که بظاهر وقت آن بگذرد، هر ساعتی از شب که به مزدلفه رسیدی، در آن جا با یک اذان و دو اقامه یعنی بعد از اذان، اقامه می‌کنی و نماز مغرب را با جماعت می‌خوانی و بلافاصله اقامه کرده نماز عشاء را دو رکعت با جماعت می‌خوانی که به این عمل «جمع قصر» می‌گویند.^{۲۵۱}

حال بعد از اتمام نماز، غذای مختصری صرف می‌نمایی و آرام آرام برای استراحت کردن مهیا می‌شوی. البته قبل از استراحت به نکته‌ی زیر توجه کنی، و آن را انجام بده و بعد با خیالی آسوده بخواب. در دوربرت سنگریزه فراوان یافت می‌شود پس حداقل ۴۹ عدد سنگریزه جمع کن و آنها را در یک کیسه اگر از قبل همراه داری و یا یک پلاستیک بریز و نزد خود نگهدار که فردا در میدان نبرد با شیطان به آنها نیاز پیدا خواهی کرد.

حالا که آنها را جمع کردی نیازی به شستن آنها نیست، بگیر بخواب. سعی کن صبح خیلی زود از خواب بیدار شوی چون در این روز نماز صبح خیلی زود و در تاریکی خوانده می‌شود.^{۲۵۲}

بعد از آن که نماز صبح را بجای آوردی تا روشن شدن هوا در آن جا توقف می‌کنی که به آن «وقوف مزدلفه» می‌گویند و بعد از آنکه هوا روشن شد به سوی جمرات (محل سنگ‌زدن شیطانها) راه می‌افتی.^{۲۵۳}

۲۵۱. عن ابن عمر رضی الله عنهما قال: جمع النبي ﷺ بين المغرب والعشاء بجمع كل واحدةٍ منهما باقامةٍ ولم يستحب بينهما ولا على اثر كل واحدةٍ منهما صحیح البخاری حدیث شماره ۳۷۶۱. قال الشافعی: باذان واقامتین ترمذی ۶۳۲/۳.

۲۵۲. بخاری حدیث شماره ۲۸۶۱ - فتح الباری ۳/۳۱۴ ردالمحتار ۲/۱۱۵.

۲۵۳. البته کسانی که زن یا افراد پیر و ضعیف همراه دارند می‌توانند بعد از نصف شب از مزدلفه به طرف جمرات حرکت کنند، اما بعد از اینکه به آنجا رسیدند تا طلوع خورشید صبر کنند و به شیطان سنگ نزنند و قتی که خورشید طلوع کرد آنگاه شیطان را سنگ بزنند و برگردند. البته اگر بعد از طلوع فجر و قبل از طلوع خورشید شیطان را سنگ زدند ایرادی ندارد و جایز است. فتح الباری ۳/۳۱۴ - الام ۳/۴۳۲. عن ابن عباس رضی الله عنهما قال: انا ممن قدّم النبي ﷺ ليلة المزدلفة في ضعة اهلة - بخاری حدیث شماره ۸۷۶۱ عن عبدالله مولى عن اسماء انها نزلت ليلة جمع عند المزدلفة فقامت تصلي فصليت ساعة ثم أتت النبي ﷺ فقلت: هل غاب القمر؟ قلت نعم، قالت، فارتحلوا.

عن ابن عباس رضي الله عنه: (أن النبي صلى الله عليه وسلم أفاض قبل طلوع الشمس) ^{٢٥٤}.

(عن عمرو بن ميمون يقول: شهدتُ عمر رضي الله عنه صلى بجمع الصبح، ثم وقف فقال: إنَّ المُشركين كانوا لا يفيضون حتى تطلع الشمس ويقولون اشرق بئيرُ وإنَّ النبي صلى الله عليه وسلم خالفهم ثم أفاض قبل أن تطلع الشمس). ^{٢٥٥}



١٩٥



فارتحلنا ومضينا، حتى رمت الجمره، ثم رجعت فصلت الصبح في منزلها فقلت لها يا هنتاه، ما أرانا إلا قد غلَسنا، قالت: يا بني إنَّ رسول الله صلى الله عليه وسلم اذن لظعن. بخارى حديث شماره ٩٧٦١. علامه ابن عابدين ره چنين فرموده است: «و صلى الفجر بغلس لاجل الوقوف، ثم وقف بمزدلفه، و وقتهم طلوع الفجر الى طلوع الشمس و لوماراً كما في عرفه، لكن لو تركه بعذر كزحمه بمزدلفه لا شيء عليه، ردالمحتار ١١٥/٢. رقبوله كزحمه، عبارة اللباب الآ اذا كان لعله او ضعف او يكون امراه تخاف الزحام فلا شيء عليه، لكن قال في العبر و لم يقيد في المحيط خوف الزحام بالمرأه بل اطلقه فشمّل الرجل. قلت: و هو شامل لخوف الزحمه عند الرمي فمقتضاه انه لو دفع ليلا ليرمي قبل دفع الناس و زحمتهم لاشيء عليه، لكن لا شك ان الزحمه عند الرمي و في الطريق قبل الوصول اليه امر محقق في زماننا فيلزم منه سقوط واجب الوقوف بمزدلفه فالاولى تقييد خوف الزحمه بالمرأه و يحمل اطلاق المحيط عليه لكون ذلك عذراً ظاهراً في حقها يسقط به الواجب بخلاف الرجل، او يحمل على ما اذا خاف الزحمه لنحو مرض... على انه يمكنه الاحتراز عن الزحمه بالوقوف بعد الفجر لحظه فيحصل الواجب و يدفع قبل دفع الناس وفيه ترك مدّ الوقوف المسنون لخوف الزحمه و هو اسهل من ترك الواجب الذي قيل بانه ركن، ردالمحتار ٢١٥/٢ و ١١٥ و قال صاحب البحر الرائق: و قد قدمنا ان المرأة لو تركت الوقوف بالمزدلفه لاجل الزحاما يلزمها شيء، فينبغي لها لو تركت الرمي له لا يلزمها شيء... بل نص بعضهم على ان ذلك لا يختص بالمرأه بل يشمل الرجل اذا خاف الزحام لم يقيد في المحيط خوف الزحام بالمرأه بل اطلقه فشمّل الرجل بالبحر الرائق ٦٧٣/٢. (فينبغي ان يعلم) واجب الحج اذا تركه بعذر لا شيء عليه حتى لو ترك الوقوف بمزدلفه خوف الزحام لاشيء عليه كما لا شيء على الحائض بترك طواف الصدر البحر الرائق ٥٦/٣. شرح معاني الآثار ١٢/٢ و كذا كل واجب اذا تركه بعذر لا شيء عليه ردالمحتار ٢١٥/٢. لو ترك الوقوف بالمزدلفه بلاعذر لزمه دم وان تركه بعذر بان كانت به علة او ضعف (في بيته او مشيه) او كانت امراه الزحام فلا شيء عليه ارشاد الساري ص ٤٩٣.

٢٥٤. ترمذی شماره ٥٩٨.

٢٥٥. بخاری رقم ٤٨٦١.

زائر عزیز! امروز دهم ذیحجه یعنی روز عید قربان است و بر شما در اینجا بخاطر مسافری بودن نماز عید و همچنین قربانی واجب نیست، در این روز انجام کارهای زیر لازم است :

تذکر: تا وقتی که به شیطان سنگ نزده‌ای سعی کن مرتب «لبیک» بگویی.

۱- در مزدلفه وقتی که نماز فجر را خوندی گفتیم اندکی مکث می‌کنی، پس از مکث و توقف کوتاه به طرف جمرات (سنگ‌زدن شیطانها) حرکت می‌کنی.

۲- بعد از آنکه به جمرات رسیدی سر راه شما سه صفحه‌ی بزرگ سنگی یکی بعد از دیگری نمایان می‌شود که نماد شیطان محسوب می‌شوند و به آنها سنگ زده می‌شود، اولی^{۲۵۶} را سنگ نمی‌زنی و رد می‌شوی در کنار دومی هم همینطور بدون سنگ‌زدن رد می‌شوی و وقتی که به سومی رسیدی که به آن «جمره‌ی عقبه» می‌گویند. هفت عدد سنگریزه یکی یکی به آن می‌زنی که به این کار «رمی جمره» گویند.

۳- به هنگام زدن هر سنگ بگو «الله اکبر»^{۲۵۷}.

البته از حضرت عبدالله بن عمرو بن مسعود رضی الله عنهم روایت شده که آنان به هنگام سنگ‌زدن دعای زیر را هم می‌خواندند (اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ حَجًّا مَبْرُورًا وَ ذَنْبًا مَغْفُورًا)^{۲۵۸}

«پروردگار! حج ما را قبول بفرما و گناهانمان را ببامرز.»

تذکر: اگر چنانچه کسی پیرزن یا پیرمرد و یا افراد مریضی همراه دارد، می‌تواند به نیابت از آنها، از طرف آنها سنگ‌های آنها را هم بزند.^{۲۵۹} (البته بعد از آنکه سنگهای خودش را زد).

۴- بعد از آنکه شیطان را سنگ‌زدی به چادرهایت در منی برگرد.

۲۵۶. به اولی «جمره‌ی اولی» و به دومی که در وسط است «جمره‌ی وسطی» گفته می‌شود.

۲۵۷. تحفه الاحوذی ۵۳۳/۳ حدیث رقم ۱۰۹ - بخاری رقم ۰۵۷۱.

۲۵۸. القرى لقاصدام القرى ص ۱۴۴.

۲۵۹. البحر الرائق ۶۷۳/۲ اصلی در نیابت در رمی روایت زیر است: «عن جابر قال حججنا مع رسول الله ﷺ و معنا النساء و الصبيان فلبينا عن الصبيان و رمينا عنهم» (سنن الترمذی حدیث شماره ۷۲۹، سنن ابن ماجه ۸۳۰۳) همراه رسول الله ﷺ حج گذارديم درحاليكه زنان و کودکان با ما بودند پس از طرف کودکان لبیک گفتیم و از جانب آنان رمی نمودیم = شیطان را سنگ زدیم. «فالقول بجواز النيابة عن العاجز بنحو مرض هو قول اكثر اهل العلم» (بدائع الصنائع ۷۳۱/۲) و قال ابن نجيم «ره» «و قد قدمنا ان المرأة لو تركت الوقوف بالمزدلفة لاجل الزحام، لا يلزمها شيء، فينبغي لها لو تركت الرمي له لا يلزمها شيء ثم قال بعد ذلك - و لم يقيد في (لمحيط خوف الزحام بالمرأة بل اطلقه فشمّل الرجل) (البحر الرائق ۶۷۳/۲) فلا تجوز النيابة عند القدرة و تجوز عند العذر فلورمي عن مريض بامر او ممنى عليه ولو بغير امرها و سبى او مجنون جاز - ارشاد الساری ص ۴۷۲.



۵- نماینده‌ی کاروان که برای ذبح گوسفندها رفته گوسفندهای شما را به نیابت از شما ذبح می‌کند و تا ذبح گوسفندها، شما همچنان در حال احرام منتظر می‌مانی.

۶- پس از آنکه نماینده‌ی کاروان ذبح گوسفندها را اعلام کرد، حالا شما باید سر خود را بتراشید.

۷- اگر کسی خواست موهای سرش را کوتاه کند موظف است از تمام موهای سر به مقدار یک بندانگشت کوتاه نماید. البته تراشیدن خیلی افضل است.^{۲۶۰}

۸- زنان نیز از سر موهای خود به اندازه‌ی یک بندانگشت کوتاه می‌کنند و اجازه ندارند موهای خود را بتراشند.

۹- پس از اصلاح سر، دوش می‌گیری و از لباس احرام بیرون می‌آیی و لباس معمولی خود را می‌پوشی.

۱۰- حال کلیه‌ی آنچه که در حال احرام بر شما حرام بود اکنون جایز است. الا همسر

۱۱- علیرغم اینکه از احرام بیرون آمده‌ای و سایر محرمات احرام برداشته شده‌اند اما هنوز نمی‌توانی با همسرت مقاربت نمایی چون این حرمت هنوز باقی است. که بعد از طواف زیارت این حرمت هم برداشته می‌شود.

۱۲- بعد از آن به مکه‌ی مکرمه رفتی طواف زیارت را انجام می‌دهی و این طواف یکی از ارکان حج است و بعد از آن همسرت نیز برایت حلال می‌شود.

۱۳- بعد از اتمام طواف باید میان صفا و مروه هم سعی کن.

پس از آنکه سعی را انجام دادی، دوباره به منی و به چادرهایت بازمی‌گردی.

تذکر: دقت کن که اعمال این روز را پشت سرهم و به ترتیب انجام بدهی.^{۲۶۱}

۲۶۰. لازم به یادآوری است کسیکه قصد کوتاه کردن مو دارد باید موهای او از یک بندانگشت بلندتر باشند، چون حداقل باید اندازه‌ی یک بندانگشت از موهایش را کوتاه کند. اما التقصیر فاقله قدرانمله^۱ ارشادالساری ص ۳۵۲ و اما کوتاه کردن مو کمترین مقدار آن به اندازه‌ی یکبندانگشت است که از تمام موهای سر کوتاه کرده شود. بعد از ذبح سر را بتراشد و یا موها را کوتاه نماید مقدار کوتاه کردن مو به اندازه‌ی یک بندانگشت مقدار واجبش هست اما بهتر آن است که از اندازه‌ی یک بندانگشت بیشتر باشد. زبده المناسک علامه رشید احمد گنگوهی ص ۳۹۱

۲۶۱. در انجام اعمال فوق الذکر اگر چنانچه ترتیب به هم خورد یعنی قبل از ذبح گوسفند سر خود را تراشیدند از احناف بر او ذبح یک گوسفند واجب است و نزد سایر ائمه خیر (۱). عن ابن عباس ۲ قال: سئل النبی عن حلق قبل ان یذبح و نحوه، فقال: لا حرج، لا حرج بخاری (۱/۲۷۱). عن ابن عباس:

قال قلت لابي عبد الله عليه السلام: قال حلق قبل ان اذبح، قال لا حرج، قال ذبحت



یعنی اول: سنگ زدن به شیطان؛

دوم: ذبح گوسفند؛

سوم: تراشیدن یا کوتاه کردن موی سر؛

چهارم: طواف زیارت؛

پنجم: سعی.

تذکر: برای طواف زیارت تا آخر ایام حج وقت هست اگر امروز نشد امشب یا فردا یا پس فردا و... می‌توانی آن را انجام دهی.^{۲۶۲}

یازدهم ذیحجه

زائر عزیز! امروز یازدهم ذیحجه هست و مهمترین عمل امروز سنگ زدن به شیطانهای

قبل ان ارمی قال: لاجرج. بخاری/ ۳.۲۲۷۱ عن ابن عباس قال: سئل النبی ﷺ فقال رمیت بعد ما امسیت فقال: لاجرج. قال حلقت قبل ان انحرق قال: لاجرج - بخاری ۴.۳۲۷۱ عن عبدالله بن عمرو بن العاص: ان رسول الله وقف فی حجة الوداع فجعلوا یسئلونه، فقال: رجل لما شعر، فحلقت قبل ان اذبح، قال: اذبح ولا حرج و جاء آخر، فقال لم اشعر فنحرت قبل ان ارمی، قال ارم ولا حرج، فمائل یومئذ عن شیء قدّم و لا آخر الا قال: افعل و لا حرج قال محمد: و بالحديث الذی روی عن النبی ﷺ ناخذ، انه لاجرج فی شیء من ذالک. قال ابوحنيفة «ره»: لاجرج فی شیء من ذالک، و لم یرفی شیء من ذالک کفارة الا فی خصله واحدة المتّمع والقارن اذا حلق قبل ان یذبح قال: علیه دم و اما نحن فلا نرى علیه شیئا، مؤطا امام محمد ۹۰۱/۲. عن ابن عباس ؓ قال: من قدّم شیئا من حجة او اخره فلیهرق لذلک دماً. اعلاء السنن رقم ۲۵۷۲. عن ابراهيم قال من حلق قبل ان یذبح اهرق دماً، فقرأ (و لا تحلقوا رؤوسکم حتی یبلغ الهدی محلّه) اعلاء السنن رقم الحديث ۳۵۷۲.

۲۶۲. در مورد تقدیم و یا تاخیر رمی، ذبح و حلق، امام محمد «ره» نظریه خود و امام ابوحنیفه و ابویوسف را چنین بیان می‌دارد: قال محمد: و بالحديث الذی روی عن النبی ﷺ ناخذ انه قال: لا حرج فی شیء من ذالک و قال ابوحنيفة لاجرج فی شیء من ذالک و لم یر فی شیء من ذالک کفارة الا فی خصله واحدة، المتّمع والقارن اذا حلق قبل ان یذبح قال علیه دم و اما نحن فلا نرى علیه شیئا. مؤطا امام محمد باب من قدم نسكاً قبل نسك. و به حدیثی که از رسول الله ﷺ روایت شده، عمل می‌نمائیم، و آن حدیث عبارت از این است که (در تقدیم و تأخیر) هیچ چیزی مشکلی نیست و ابوحنیفه نیز در هیچ موردی قایل به کفاره نیست مگر در یک مورد و آن اینکه متّمع و قارن اگر قبل از ذبح گوسفند سر خود را بتراشند (باید دم بدهند) و اما ما یعنی امام محمد و ابویوسف در این مورد نیز جریمه‌ای را بر وی نمی‌بینیم و قایل نیستیم که جریمه شود یعنی کفاره = گوسفند، ندهد. مفتی محمد تقی مدّ ظله العالی می‌نویسد: امام محمد در کتاب «الحجة علی اهل المدينة» مذهب امام ابوحنیفه را چنین بیان می‌دارد «عن ابی حنيفة فی الرجل یجهل و هو حاج فیحلق راسه قبل ان یرمی انه لاشیء علیه». «اگر چنانچه زائر ندانسته و از روی بی‌علمی قبل از آنکه رمی کند (شیطان را سنگ بزند)، سرش را تراشید. هیچ جریمه‌ای بر او نیست.» مفتی می‌افزاید: از این معلوم می‌شود که نزد امام ابوحنیفه «ره» اگر جاهلاً سهواً ترتیب فاسد شود هیچ چیزی از قبیل دم (گوسفند) و غیره واجب نمی‌گردد. (درس ترمذی ۱۵۱/۳). ائمه ثلاثه به استناد به روایت صحیح مذکور در

www.ahl-e-ahram.com



سه گانه و کارهای زیر متعلق به امروز است پس سعی کن آنها را به دقت انجام دهی.

۱ - اگر چنانچه دیروز و یا دیشب موفق به انجام طواف زیارت و سعی پس از آن نشده‌ای، امروز برو به مکّه مکرمه و طواف زیارت را انجام بده و بعد از آن سعی کن و دوباره به منی برگرد.

تذکر ۱: قبلاً متذکر شدم که طواف زیارت در لباس معمولی انجام می‌گیرد و همچون طوافهای دیگری است که قبلاً انجام داده‌ای، و سعی پس از آن هم در لباس عادی و معمولی یعنی بدون احرام انجام می‌گیرد، و تشریفات خاصی لازم ندارند نه طواف و نه سعی.

تذکر ۲: قبلاً به شما یادآوری کردم که هنگام طواف حتماً سعی کنید با وضو باشید، در این طواف هم حتماً صددرصد باید با وضو باشید.

۲ - اگر چنانچه طواف زیارت را دیروز و یا دیشب بجا آورده‌ای، امروز صبح هیچ کاری نداری با خیالی آسوده در چادرت بمان و سعی کن وقت خود را به عبادت، تلاوت، ذکر و دعا بگذرانی.

۳ - تا نمازظهر به عبادت و نیایش مشغول باش، پس از آنکه نمازظهر را ادا کردی با هماهنگی مدیر کاروان به طرف جمرات (سنگ‌زدن شیطانها) می‌روی.

وقتی که به آنجا رسیدی اول به شیطان کوچک که به آن «جمره‌ی اولی» می‌گویند طبق روال دیروز هفت عدد سنگریزه که همراه داری یکی‌یکی می‌زنی و با زدن هر کدام «اللهاک» می‌گوئی بعد از سنگ‌زدن به شیطان کوچک در صورت امکان اندکی

بعد از آن به طرف شیطان دوم که به آن «جمره‌ی» وسطی می‌گویند می‌روی و آنجا نیز همچون شیطان کوچک، هفت سنگ می‌زنی و با زدن هر کدام الله اکبر می‌گویی و پس از اتمام آنها، دعا می‌کنی اگر امکان داشت و میسر بود.

بعد از آن به طرف شیطان بزرگ که به آن «جمره‌ی عقبه» هم می‌گویند می‌روی و به این شیطان هم همچون شیطانهای قبل هفت سنگ می‌زنی و با زدن هر سنگی الله اکبر می‌گویی.

پس از اتمام سنگها دیگر دعا نمی‌کنی و به طرف چادرهای حرکت می‌نمایی. تذکر ۱: وقت سنگ‌زدن این شیطانها بعد از ظهر (زوال) شروع می‌شود و تا فجر روز دوازدهم ادامه دارد. پس نگران نباش وقت زیاد است.

تذکر ۲: اگر چنانچه زن و بچه و یا آدم ناتوان همراه داری بهتر آن است که شب بروی و به شیطانها سنگ بزنی چون شب خلوت‌تر است.

تذکر ۳: اگر چنانچه کسی بخاطر بیماری و یا کهولت سن (پیری) ضعیف است و نمی‌تواند تا جمرات برود و برگردد می‌تواند کس دیگری را نایب خود یعنی وکیل خود قرار دهد تا از طرف او سنگها را بزند.

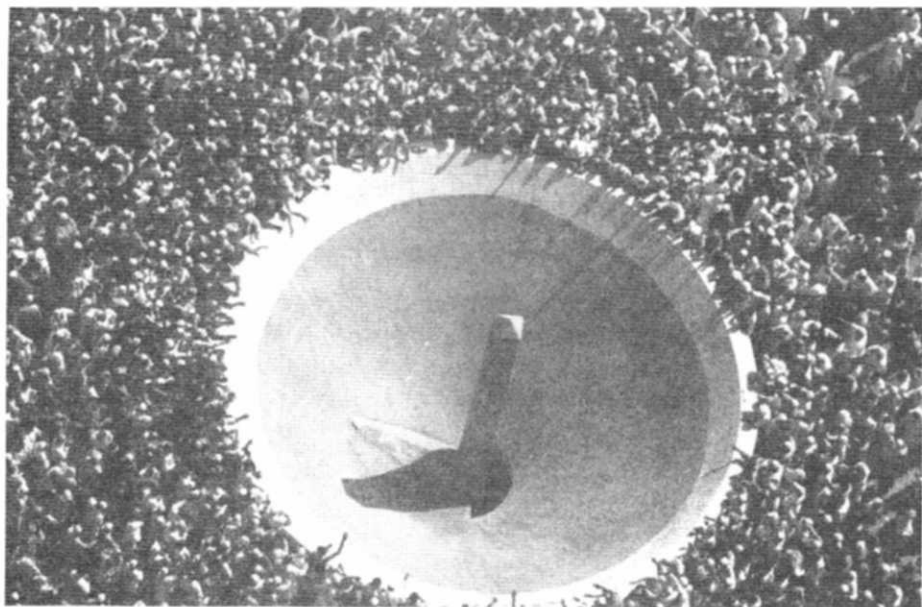
دوازدهم ذیحجه

زائر عزیز! امروز دوازدهم ذیحجه و آخرین روز حج است و اعمال امروز هم همچون با دقت دیروز فقط سنگ‌زدن به شیطانهای سه‌گانه است و بس ولی با همه‌ی این تفصیلات گوش کن.

۱ - اگر تا امروز هم موفق به طواف زیارت و سعی نشده‌ای برو به مکه مکرمه و طواف زیارت و سعی را انجام بده و به منی برگرد.

۲ - اگر طواف زیارت را انجام داده‌ای که انشاءالله همین طور است، قبل از آغاز زمان

۲۶۳. عن الزهري ان رسول الله ﷺ كان اذا رمى الجمره التي تلى مسجد منى يرميها بسبع حصيات يكبر كلما رمى بحصاة ثم تقدم امامها فوقف مستقبل القبلة رافعاً يديه يدعو و كان يطيل الوقوف ثم ياتي الجمره الثانيه فيرميها بسبع حصيات يكبر كلما رمى بحصاة ثم ينحدر ذات اليسار متايلا الوادي فيقف مستقبل القبلة رافعاً يديه يدعو، ثم ياتي الجمره التي عندالعقبه فيرميها بسبع حصيات يكبر عند كلحصاة ثم ينصرف و لا يقف عندها، بخاري باب الدعاء عند الجمرتين بالدعاء عند باب الدعاء



سنگ زدن به شیطانها یعنی قبل از ظهر وسایلت را جمع کن و با هماهنگی مدیر، آرام آرام در اتوبوس بگذار.

۳ - بعد از زوال (ظهر) همچون دیروز برای سنگ زدن به شیطانهای سه گانه می روی و همچون دیروز به هر کدام از آنها هفت سنگ می زنی و با زدن هر سنگ «الله اکبر» می گویی و بعد از اتمام سنگهای شیطان اول و دوم دعا می کنی و بعد از شیطان سوم دعا نمی کنی.

۴ - حال که سنگ زدن شیطانهای سه گانه تمام شد، حج تو به پایان رسیده و ان شاء الله خداوند آن را بپذیرد. آمین

و فقط طواف وداع (خدا حافظی) مانده است که بعداً آنرا توضیح می دهم.

۵ - پس از اتمام سنگ زدن، اگر با مدیر هماهنگی کرده ای و دوست داری با اتوبوس به مکه می مکرمه برگردی، پس همراه گروه به طرف اتوبوس حرکت کن و با اتوبوس به مکه می مکرمه برگرد.

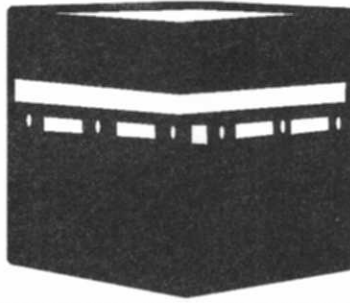
۶ - اما اگر با مدیر هماهنگی نشده و یا امکان رفتن با اتوبوس نیست (بخاطر ازدحام) یا اتوبوسها خیلی دور پارک شده اند و می توانی پیاده به مکه می مکرمه برگردی پس پیاده به مکه می مکرمه برگرد. و اگر وقت نماز نزدیک نیست برو به هتل و استراحت کن.

تذکر مهم: زائر عزیز! اگر چنانچه در انجام هر عملی دچار تردید شدی سعی کن قبل از اقدام آن با روحانی کاروان مشورت کنی و از او بپرسی.

اما اگر بعد از انجام یک عمل دچار شک و تردید شدی، باز هم آن را با روحانی در میان بگذار و چندین بار احتیال بده که جریمه مالی هم خواهی شد. چون پرداخت این

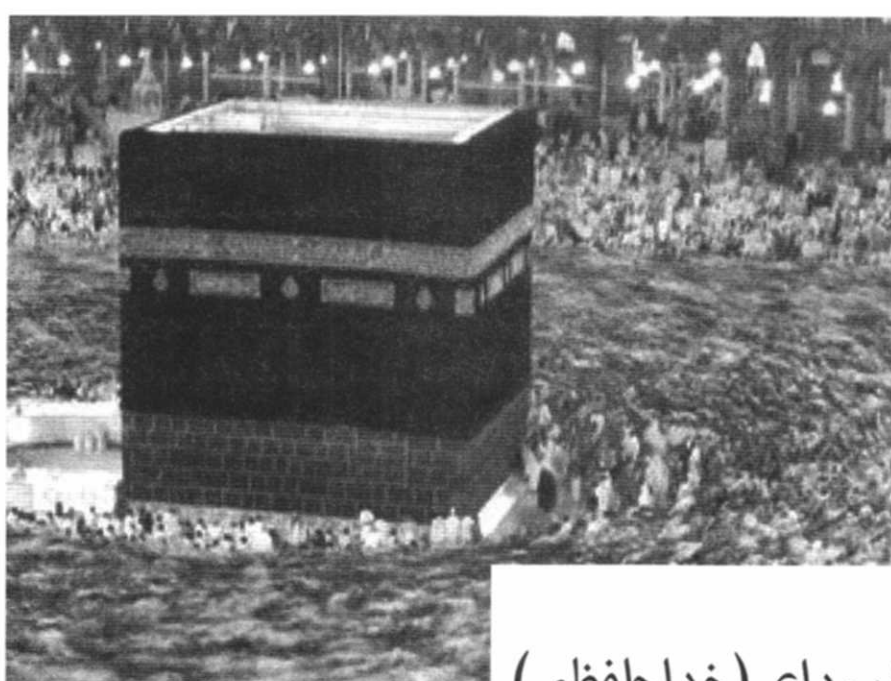
جریمه بهتر و آسانتر از آن است که حج تو مخدوش شود.
تذکر: اگر چنانچه طبق این دستورالعمل، عمل کنی - ان شاء الله هیچ مشکلی برایت
پیش نخواهد آمد.





زائر عزیز!

هیچگاه بعد از طواف وسعی بلافاصله
آب خنک ننوش، ولو آب زمزم
باشد، بلکه اندکی صبر کن تا عرق
بدنت خشک شود، آنگاه بنوش.



طواف وداع (خدا حافظی)

زائر گرامی! اعمال حج به پایان رسید، و از خداوند عاجزانه مسألت کن و بخواه که حج تو را در بارگاه خود قبول کند و بپذیرد.

۱- اکنون که در مکه‌ی مکرمه هستی هیچ عملی افضل از طواف نیست پس سعی کن تقریباً تمام وقت خود را صرف طواف کنی و از گشت و گذار بیهوده در بازار و یا خوابیدن و استراحت کردن در هتل جداً پرهیز. بنابراین تا آخرین روز حرکت هیچ عملی از حج بر شما لازم نیست چون همه تمام شده‌اند. بجز طواف وداع.

۲- حالا که آخرین روز حرکت است با هماهنگی روحانی کاروان تقریباً همه به صورت دسته‌جمعی می‌روید و همچون طوافهای قبل یک طواف انجام می‌دهید که به آن طواف وداع (= خدا حافظی) می‌گویند.

۳- بعد از طواف مدتی دعا می‌کنی^{۲۶۴} و از خداوند می‌خواهی که هر سال تو را به زیارت حرمین شریفین مشرف نماید و پایبندی بر حج را قسمت کند.

۴- بعد از دعا از مسجد بیرون می‌یایی ولی سعی کن بعد از هر چند قدم بایستی

۲۶۴. قال الشافعی: احب اذا ودّع البيت ان یقف فی الملتزم و هو مابین الرکن والباب فیقول: اللهم البیتیتک والعبدک و ابن عبدک وابن امتک، حَمَلْتَنی عَلٰی مَا سَخَرْتَ لِی مِنْ خَلْقک، حَتّٰی سَیَّرْتَنی فِی بِلَادک و بَلَّغْتَنی بِنِعْمَتک حَتّٰی اعْتَمَتْنِی عَلٰی قِضَاءِ مَنَاسِکک، فَاِنْ کُنْتُ رَضِیْتُ عَنّی فَارْزُقْ دَعْنِی رِضًا و الْاَمْنِ الْاَن قَبْلَ اَنْ تَنْأٰی عَنِ بَیْتک دَارِی، هَذَا اَوَانِ اَنْصَرَفِیْ اِنْ اَذْنَتْ لِی، غَیْرَ مُسْتَبَدِّلَ بَک و لَا بَیْتک و لَا رَاغِبَ عَنک و لَا عَنِ بَیْتک، اللهم فَاصْحِبْنِی الْعَافِیَۃَ فِی بَدْنِی وَالْعِصْمَۃَ فِی دِیْنِی وَ اَحْسِنْ لِعِبْدِکَ الرَّعِیْطِ الْفَقِیْرِ الْوَحِیْدِ الْمُسْتَغْنِی الْمُسْتَغْنِی الْمُسْتَغْنِی الْمُسْتَغْنِی الْمُسْتَغْنِی، القرى ص ۷۵۵.



بیت‌الله را نگاه کنی به همین کیفیت می‌روی تا از مسجدالحرام بیروی.
تذکر: اگر چنانچه بعد از انجام اعمال حج زنی دچار قاعدگی شد طواف وداع از گردن او ساقط می‌گردد و هیچ چیزی بر او لازم نیست یعنی جریمه‌ای ندارد.^{۲۶۵}

دعای بازگشت از حج

زائر عزیز! بعد از آنکه طواف وداع را بجا آوردی و در حدّ توان دعا کردی و اینک که قصد داری به سوی شهر و دیار خود حرکت کنی دعای زیر را بخوان.
(اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ، يُحْيِي وَ يُمِيتُ وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ أَيُّبُونَ، تَائِبُونَ، عَابِدُونَ، سَاجِدُونَ لِرَبِّنَا حَامِدُونَ صَدَقَ اللَّهُ وَعْدُهُ وَ نَصَرَ عَبْدَهُ وَ هَزَمَ الْأَحْزَابَ وَحْدَهُ)^{۲۶۶}

(و عن ابن عمر رضی الله عنهما أَنَّ النَّبِيَّ صلی الله علیه و آله كَانَ إِذَا اسْتَوَى عَلَى بَعِيرِهِ خَارِجًا إِلَى سَفَرٍ كَبَّرَ ثَلَاثًا ثُمَّ قَالَ: سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرْنَا هَذَا وَ مَا كُنَّا لَهُ مُقَرِّبِينَ وَ أَنَا إِلَى رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُونَ)
(اللَّهُمَّ نَسْأَلُكَ فِي سَفَرِنَا هَذَا الْبِرَّ وَ التَّقْوَى وَ مِنْ الْعَمَلِ مَا تَرْضَى، اللَّهُمَّ هَوِّنْ عَلَيْنَا سَفَرَنَا وَ اطْوِعْنَا بَعْدَهُ اللَّهُمَّ أَنْتَ الصَّاحِبُ فِي السَّفَرِ وَ الْخَلِيفَةُ فِي الْأَهْلِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ وَعْثَاءِ السَّفَرِ وَ كَأَبِهِ الْمَنْظَرِ وَ سُوءِ الْمُنْقَلَبِ فِي الْأَهْلِ) (وَ إِذَا رَجَعَ قَالَهُنَّ وَ زَادَ: أَيُّبُونَ تَائِبُونَ عَابِدُونَ لِرَبِّنَا حَامِدُونَ)^{۲۶۷}

دعا برای زائر بیت‌الله الحرام

هنگام بازگشت به خانه

هنگامیکه زائر از بیت‌الله الحرام برمی‌گردد افرادی که با وی ملاقات می‌کنند، دعای زیر را برایش بخوانند:

۲۶۵. بخاری ک، الحج باب اذا حاضت المرأة بعد ما افاضت، فتح الباری ۲/۲۶۴ - ان عمر ابن الخطاب قال: لا یصدرن احد من الحاج حتی یطوف بالبيت فان آخر النسك، الطواف، بالبيت. قال محمد: و بهذا نأخذ طواف الصدر (الوداع) واجب علی الحاج و من تركه فعيله دم، الا الحائض والنفساء فانها تنفرو لا تطوف ان شاءت و هو قول ابی حنیفه والعامه من فقهاءنا مؤطا ص ۲۱ حدیث رقم ۷۱۵.

۲۶۶. بخاری فتح الباری ۳/۸۸۴ - مؤطا امام محمد ۲/۲۱ حدیث شماره ۵۱۵ - ترمذی حدیث رقم ۵۹۰ (و قال بدل ساجدون سائحون ای سائرون لمطلوبونا و دائرون لمحبتونا تحفة الاحوذی

(عن ابن عمر رضی اللہ عنہ أَنَّهُ كَانَ يَقُولُ إِذَا قَدِمَ الْحَاجُّ: تَقَبَّلَ اللَّهُ نُسُكَكَ وَاعْظَمَ أَجْرَكَ وَاخْلَفَ نَفَقَتَكَ).^{۲۶۸}

خداوند حجت را قبول کند و پاداشت را بزرگ بگرداند و هر آنچه را که هزینه کرده‌ای، عوضش را بتو بدهد.



درخواست دعا از زائر بیت‌الله الحرام

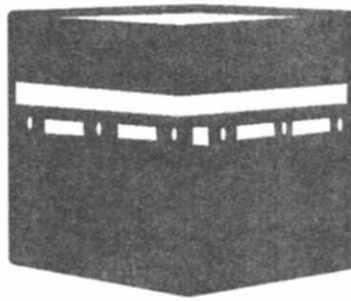
وقتی که زائر از بیت الله بر گشت خویشاوندان و دوستان می‌توانند از وی خواهش کنند که برایشان دعا کند، البته اینکه فراخوان داده شود که آقای... فلان روز از مکه برمی‌گردد و خلاق کار و کاسبی را رها کنند و خارج از شهر ساعتها در گرما و سرما به انتظار بایستند، این عمل نامشروع است و از رسول الله صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم و از هیچ احدی از صحابه ثابت نیست.^{۲۶۹}

عن ابن عمر رضی اللہ عنہ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم: (إِذَا لَقِيَ الْحَاجُّ فَسَلِّمْ عَلَيْهِ وَصَافِحْهُ وَ مَرِّهِ أَنْ يَسْتَغْفِرَ لَكَ قَبْلَ أَنْ يَدْخُلَ بَيْتَهُ فَإِنَّهُ مَغْفُورٌ لَكَ).^{۲۷۰}

وقتی که زائر بیت‌الله را ملاقات کردی، بر او سلام کن و مصافحه نما، به او بگو برایت - از خداوند - آمرزش بطلب (البته) پیش از اینکه وارد خانه‌اش شود چون او آمرزیده شده است.

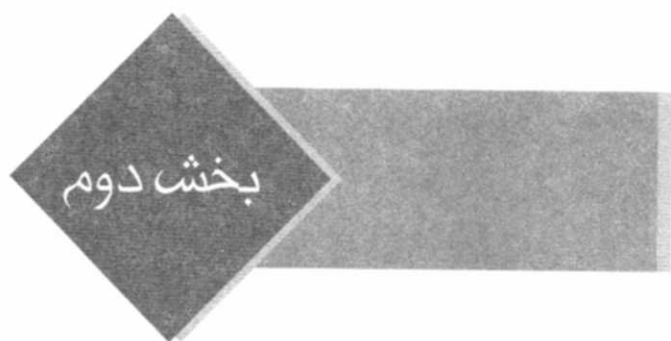
۲۶۸. أخرجه سعيد بن منصور، القرى لقاصداً القرى ص ۸۵۵.

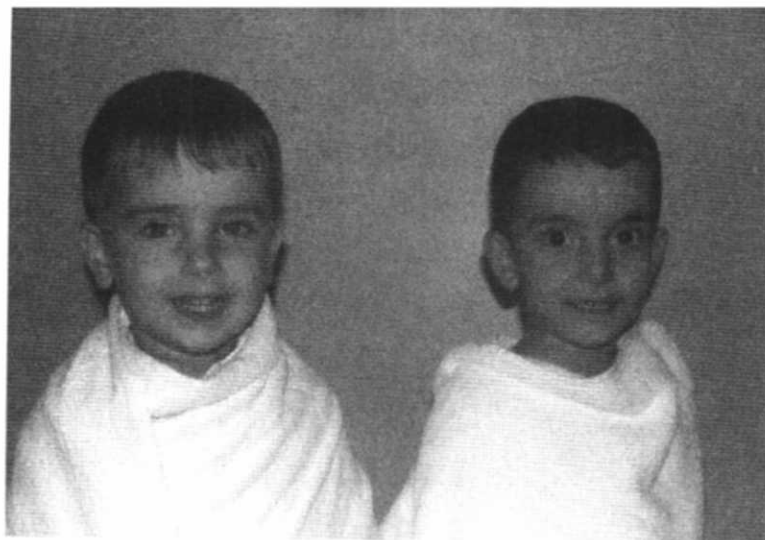
۲۶۹. این بحث با تفصیلات بیشتر در فصل «آسیب‌شناسی حج» ذکر خواهد شد.



زائر عزیز!

وقتی که بدنت خیس عرق است
هرگز در مقابل باد مستقیم
کولر و یا پنکه قرار نگیر،
چون به سلامتیت آسیب می‌رساند.





حج اطفال و احرام آنان

زائر عزیز! اگر چنانچه الله تبارک و تعالی به شما توفیق داده و فرزندان را نیز به حج آورده‌ای، سپاسگزار الله عزوجل باش و شکر این نعمت را بجا بیاور و حال به تذکرات زیر توجه کن.

اگر بچه در سنی هست که خود قادر است با راهنمایی و کمک شما اعمال را انجام دهد، پس عالی است و او را یاری کنید اما اگر چنانچه بچه خردسال است یا شیرخواره و قادر به انجام اعمال و مناسک نیست پس شما از طرف او کارهایش را انجام دهید به شرح زیر:

۱- او را حمام کنید/ پدر یا مادر.

۲- اگر دختر است لباسهای معمولی و عادی او را به وی بپوشان.

۳- اگر پسر است لباسهای دوخته او را که قبلاً بیرون آورده‌ای (برای استحمام).

به وی مپوشان و احرام را همچون احرام آدم بزرگها به وی بپوشان یعنی یک حوله به کمر او ببند و دیگری را بر روی شانه‌های او بگذار.

تذکر: اگر شیرخواره است پوشک بستن به وی هیچ ایرادی ندارد.

۴- بعد از آنکه خودت نماز احرام خواندی و برای خودت نیت حج یا عمره کردی، حال از طرف بچه نیت حج یا عمره کن.

تذکر: لازم نیست از طرف بچه نماز احرام بخوانی.^{۲۷۱}

۲۷۱. امام شافعی «ره» معتقد است که نماز احرام و نماز طواف از طرف بچه خوانده شود. آلام



بدینصورت: (اللَّهُمَّ اِنِّي نَوَيْتُ الْحَجَّ / الْعُمْرَةَ عَنْ وَلَدِي فَلَانٍ فَيَسِّرْهُ لَنَا وَ تَقَبَّلْهُ مِنَّا)

پروردگارا! من از طرف فرزندم فلانی نیت حج یا عمره می‌کنم پس آن را بر ما آسان بگردان و از ما بپذیر.

تذکر: اگر بچه خود قادر است که صحبت کند نیت را به او تلقین کن تا او خود به زبان بیاورد.

۵ - حال از طرف او لبیک بگو (لبیک اللهم لبیک عن فلان (اسم بچه را بگو)، لبیک لاشریک لک لبیک ان الحمد و النعمه لک والملك لا شریک لک).

۶ - حال بچه محرم است در حدّ توان او را از محرمات احرام دور بدار، اما اگر مرتکب محظوری از محرمات احرام شد هیچ جریمه‌ای بر او و بر شما نیست، پس نگران نباش.

۷ - وقتی که وارد مسجدالحرام شدی، اول طواف خودت را انجام بده و نماز طواف را بخوان و بعد از آن بچه را بغل کن و از طرف او نیت طواف کن، «پروردگارا! من می‌خواهم از طرف فرزندم (اسم او را به زبان بیاور) طواف را انجام دهم، طواف را بر ما آسان بگردان و از طرف او بپذیر.»

و حالا طواف را از طرف او انجام بده، و پس از اتمام طواف، نیازی نیست که از طرف بچه نماز طواف بخوانی.^{۲۷۲}

تذکر: اگر چنانچه قبل از نماز طواف خودت طواف بچه را انجام دادی و بعد از آن نماز طواف خودت را خواندی ایرادی ندارد و جایز است.

۸ - بعد از آنکه طواف هر دوی شما به پایان رسید، آب زمزم می‌نوشید تا سیر، بعد از نوشیدن آب زمزم، حجرالاسود را استلام می‌نمایی یعنی بر آن دست می‌کشی و آن را می‌بوسی، اگر امکانش نیست روبروی آن می‌ایستی و به طرفش اشاره می‌کنی و دستت را می‌بوسی.

۹ - بعد از آن از «باب‌الصفاء» به طرف کوه صفا حرکت می‌کنی و هنگامیکه بالای آن رسیدی، رو به خانه‌ی کعبه دعا می‌کنی و پس از آن نیت سعی می‌نمایی «پروردگارا! من اراده‌ی سعی دارم آن را بر من آسان بگردان و از من بپذیر.»

بعد از آنکه هفت دور سعی را برای خودت انجام دادی، حال نوبت، بچه است که باید از

۲۷۲. البته امام شافعی می‌گوید که باید از طرف بچه نماز طواف نیز خوانده شود. پس اگر شافعی



طرف او نیت سعی کنی و از طرف او سعی را انجام دهی.^{۲۷۲}

تذکر ۱: اگر چنانچه هنگام طواف و یا سعی خودت بچه بغلت بود باز هم باید از طرف او جداگانه طواف و سعی انجام گیرد چون آن طواف فقط مال خودت بوده و برای هر دو مشترک نبوده است.

تذکر ۲: اگر همچون طواف بچه در کالسکه است، می‌توانی همین ابتدا از طرف خود نیت کنی و هم از طرف بچه، و شما فقط هنگام سعی کالسکه بچه را می‌بری و پس از اتمام سعی، سعی هر دو به پایان می‌رسد.

۱۰ - بعد از آنکه سعی تو و بچه تمام شد سر خود و سپس بچه را بتراش و یا ماشین کن.

حال عمره هر دوی شما به لطف الله تبارک و تعالی به پایان رسید و بمانید تا هشتم ذیحجه فرا برسد و آنگاه احرام حج ببندید و حج خود را بجا آورید.

۱۱ - امروز هشتم ذیحجه است، همچون نوبت اول او را حمام کن و لباس احرام را به او بپوشان و از طرف او نیت حج کن و سپس از طرف او «لبیک» بگو.

نیت: (اللهم انی اریدالحج عن ابنی / ابنتی فلان فیسره لنا و تقبله منا) پروردگارا! من از طرف فرزندم فلانی نیت حج دارم، آن را بر ما آسان بگردان و از ما بپذیر. و بعد از طرف او لبیک می‌گویی. (لبیک: لبیک، اللهم لبیک عن فلان...)

تذکر: لازم است که باز یادآوری کنم این کارها را پس از انجام کارهای خودت انجام بده یعنی اول خودت حمام کن و لباس احرام بپوش و برای خودت نیت کن و لبیک بگو، سپس برای بچه.

۱۲ - پس از احرام، اتوبوسها شما را به منی می‌برند، پس در منی، عرفات و مزدلفه لازم نیست از طرف بچه کار خاصی انجام بدهی، همین که بچه همراه شماست کفایت می‌کند و هیچ مشکلی نیست. فقط در مزدلفه از طرف او هم سنگ جمع می‌کنی اما وقتی که می‌خواهی شیطان را سنگ بزنی، از طرف او و به نیابت از او شیطان را سنگ بزنی.

۱۳ - لازم نیست که از طرف بچه «دم هدی» (گوسفند شکرانه حج) ذبح کنی چون بر

او واجب نیست^{۲۷۴}، اما اگر اینکار را کردی بهتر است.

۱۴ - پس از سنگ زدن به شیطان و ذبح گوسفند، هر دو سر خود را بتراشید و از احرام بیرون بیائید. اگر دختر بچه است همچون زنان یک بند انگشت از موهایش کوتاه کن.

۱۵ - هر وقت که برای انجام طواف زیارت رفتی او را با خود ببر و آنگونه که قبلاً در شماره / بند ۵ توضیح دادم طواف بچه را انجام بده و بعد از آن هم سعی او را انجام بده و به منی برگرد.

۱۶ - و در روز یازدهم و دوازدهم هنگامیکه برای خودت به شیطان سنگ می زنی از طرف بچه هم اینکار را انجام بده، البته لازم نیست که بچه را با خودت به محل سنگ زدن شیطان ببری، اگر او را همراه خود بدانجا بردی، مشکلی نیست.

تذکر ۱: اگر چنانچه از فرزند عملی از محرمات احرام سر بزند بر خود وی و بر والدین او هیچ جزاء و یا صدقه‌ای لازم نمی آید حتی اگر بچه ممیز هم باشد^{۲۷۵} یعنی ده، دوازده ساله باشد باز هم هیچ جریمه‌ای بر او و یا بر والدینش نیست.

تذکر ۲: البته اگر بچه بزرگ شد و حج بر او فرض شد باید فریضه‌ی حج را بجا بیاورد و با آن حجی که در زمان کودکی انجام داده است فریضه‌ی حج از گردنش ساقط نشده است.

(عن ابن عباس رضی الله عنه ان النبی صلی الله علیه و آله قال: ایما صبی حج ثم بلغ، فعليه حجة اخرى...) ^{۲۷۶}
رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «هر کودکی که حج بجا آورد و سپس بالغ شد (و مستطیع گردید) حج دیگری بر او لازم است.»

عن ابن عباس رضی الله عنه: أَنَّهُ لَقِيَ بِالرَّوْحَاءِ رَكِبًا فَقَالَ: مَنْ الْقَوْمُ؟ فَقَالُوا الْمُسْلِمُونَ، فَقَالُوا: مَنْ أَنْتَ؟ فَقَالَ: رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله، فَرَفَعَتْ إِلَيْهِ امْرَأَةٌ صَبِيًّا، فَقَالَتْ: الْهَذَا حَجٌّ؟ قَالَ: نَعَمْ، وَلَكِ أَجْرٌ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ

در مکان روحاء کاروانی با رسول الله صلی الله علیه و آله ملاقات کرد، پرسیدند چه گروهی هستید؟ گفتند: مسلمان هستیم، آنها گفتند: شما کیستید؟ فرمودند: من رسول الله صلی الله علیه و آله هستم، زنی بچه‌ای را روی دست بلند کرد و گفت: آیا برای این بچه حجی است؟ فرمودند: آری و برای تو مزد و ثواب است.

پرواضح است که برای والدین بزرگوار اجر و ثواب فراوانی وجود خواهد داشت.

۲۷۴. ردالمحتار ۲/۳۳۵.

۲۷۵. زبدة المناسک ص ۷۳ - ارشاد الساری ص ۵۲۱، زبده مع عمده ۶۱.

۲۷۶. زبدة المناسک ص ۷۳، ارشاد الساری ص ۵۲۱، زبده مع عمده ۶۱. www.igra.ahlamontada.com



بخاطر داشته باشیم، پدر و مادرانی که خداوند به آنان مال و ثروت عنایت کرده است به یقین می‌دانند که این ثروت از آن فرزندان هست. پس سعی کنیم از هم‌اکنون فرزندانمان را با دین آشنا سازیم و به‌ویژه آنان را به حج و عمره ببریم تا با حضور در این اماکن مقدسه و میان صالحان بیش از پیش به دین و اهل دین وابسته شوند و راه درست را در پیش گیرند که سعادت ما و شما در آنصورت تضمین خواهد شد.

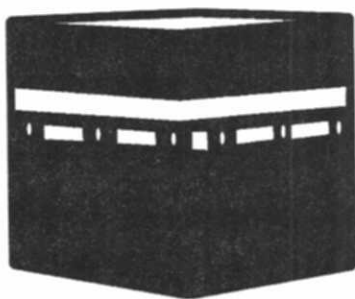
سفر زن برای حج بدون محرم

سفر زن چه برای حج باشد یا عمره و یا هر سفر دیگری بدون محرم جایز نیست برابر است که در کاروان زنانی باشند یا نباشند.

(عن ابن عباس قال: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ: لَا يَخْلُونَ رَجُلٌ بِامْرَأَةٍ إِلَّا وَ مَعَهَا ذُو مَحْرَمٍ وَلَا تُسَافِرُ امْرَأَةٌ إِلَّا مَعَ ذِي مَحْرَمٍ) متفق علیه

ابن عباس فرمود: شنیدم که رسول الله ﷺ می‌گوید: هیچ مردی با زنیکه محرمی نزد او نیست خلوت نکند و هیچ زنی بدون محرم به مسافرت نرود.

خواهر عزیز! بی‌یقین بدان که رستگاری و سعادت دنیا و آخرت در فرمانبرداری از دستورات خدا و پیامبرش هست وقتی که آنها اعلام کرده‌اند که بدون محرم حج بر تو فرض نیست پس فریب وسوسه‌های شیطان را نخور و بدون محرم به حج نرو که عاقبتی نیکو ندارد.



زائر عزیز!

سعی کن همیشه قبل از ورود به
مسجد الحرام و مسجد النبی موبایل
خود را خاموش کنی.



استفاده‌ی داروی ضدقاعدگی برای زنان

خواهر عزیز! نیک می‌دانی که هر ماه دچار مشکل می‌شوی و مدتی را مجبوری که نماز نخوانی، در حج نیز این احتمال وجود دارد که بیمار شوی و در صورت بیماری در آنجا دچار مشکل خواهی شد.

بنابراین از هم‌اکنون با یک پزشک مشورت کن و بعضی از داروها هستند که جلوی عادت ماهیانه را می‌گیرند، با هماهنگی پزشک از آنها استفاده کن تا خدای ناکرده در آنجا دچار مشکل نشوی.

(عن ابن عمر و سئل عن المرأة تشرب الدواء ليرتفع حیضها لتنفّر، فلم یر به بأساً و نعت بهم ماء الاراک^{۳۷۷}، خرجه سعیدبن منصور)

از حضرت عبدالله بن عمر رضی الله عنهما پرسیده شد؟ آیا زن می‌تواند دارو مصرف کند تا حیضش مرتفع گردد و بتواند مناسک و اعمال حج را بجا آورد، فرمودند اشکالی ندارد و خود آب اراک را برای این منظور تجویز نمود.

طواف زنان حائض

خواهر عزیز! علیرغم تدابیری که اندیشیده بودی، اگر خدای ناکرده در حین احرام و یا انجام اعمال حج دچار عادت ماهیانه شدی، حال تکلیف چیست؟

نگران نباش، هیچ مشکلی وجود ندارد، می‌توانی همچون سایر زائران به اعمال حج خود



از قبیل رفتن به منی، عرفات، مزدلفه و رمی جمرات (سنگ‌زدن شیطانها) بپردازی با این تفاوت تا پایان یافتن ایام قاعدگی کما فی السابق نماز نمی‌خوانی و وارد مسجدالحرام نمی‌شوی و طواف نمی‌کنی.

باز این احتمال وجود دارد که قبل از آنکه ایام قاعدگی به اتمام برسد و شما هنوز طواف زیارت را انجام نداده‌ای کاروان قصد پرواز به ایران را داشته باشد، حال تکلیف چیست؟ طبیعی است که حرکت و پرواز کاروانها قبلاً برنامه‌ریزی شده و امکان تغییر در آنها وجود ندارد، و از طرفی زیارت یکی از ارکان حج است که اگر زائر آن را انجام ندهد حج او ناقص است و مادامی که آن را انجام نداده همسرش برایش حلال نخواهد بود یعنی زن و شوهر قبل از انجام طواف زیارت اجازه‌ی همبستری ندارند، باز هم نگران نباش، خداوند دینش را خیلی آسان و راحت کرده و بر مسلمانان سختگیری نکرده است، مفتی محمد تقی عثمانی مدظله راه‌حل را چنین بیان می‌دارد: «زن در این حالت (حیض) طواف را انجام دهد و مطابق با مذهب احناف برای جبران آن یک دم (گوسفند) بدهد.»^{۲۷۸}

تذکر: اما اگر چنانچه زن بعد از طواف زیارت و قبل از طواف وداع (که واجب است) دچار مشکل قاعدگی شد، حال تکلیف چیست؟ در اینصورت زن می‌تواند بدون طواف وداع مکه را ترک کند و هیچ جریمه‌ای برای ترک وداع بر وی لازم نیست.

(عن ابن عمر رضی الله عنهما قال: من حج البيت فليكن آخر عهده بالبيت الا الحيض و رخص لهن رسول الله صلی الله علیه و آله)^{۲۷۹}

حضرت عبدالله بن عمر رضی الله عنهما فرمودند: «کسی که حج بیت‌الله را بجا می‌آورد، آخرین عمل او (طواف وداع) بیت‌الله باشد مگر زنان حائض که به آنان اجازه داده است. (بدون طواف وداع مکه را ترک کنند)

آیا بعد از بجا آوردن عمره مفرده حج واجب می‌شود؟

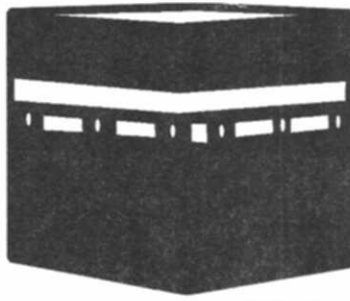
بعضی را تصور بر این است که اگر عمره مفرده بجا بیاوریم، حج بر ما به صرف بجا آوردن عمره هر چند که واجد شرایطش نباشیم فرض می‌شود و بخاطر همین پندار غلط از رفتن

به عمره مفرده، سرباز می‌زنند در صورتیکه این تصویری بیش نیست و از نظر شرعی چنین چیزی وجود ندارد.

یعنی با بجا آوردن عمره مفرده بر کسی حج فرض نمی‌شود.^{۲۸۰}

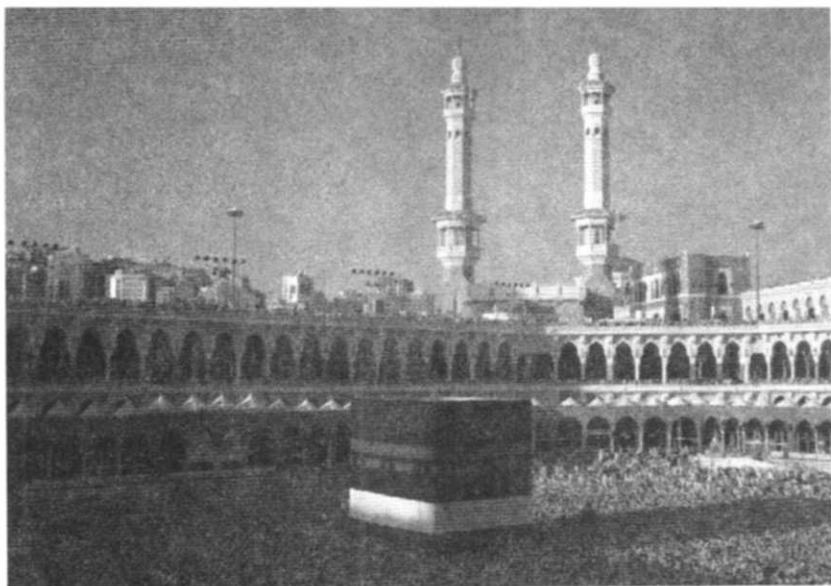
اما اگر چنانچه فردی در ایام حج به مکه‌ی مکرمه رفت و عمره بجا آورد در این صورت حج بر وی فرض می‌گردد و باید در آنجا بماند و حج بجا بیاورد و سپس برگردد.^{۲۸۱}





زائر عزیز!

هرگاه در انجام عملی دچار
شک و تردید شدی، قبل از
انجام آن از روحانی کاروان سؤال کن.



در مکه‌ی مکرمه تکرار عمره افضل است یا کثرت طواف؟

بسیاری از مردم عوام هنگامیکه به حج یا عمره می‌روند، دوست دارند تا وقتی که آنجا یعنی در مکه‌ی مکرمه هستند مرتب و همه‌روزه بروند به مسجد تنعیم^{۲۸۲} و از آنجا محرم شده

و عمره انجام دهند، حال سؤال این است، که تکرار عمره افضل است یا کثرت طواف؟! تردیدی نیست که اصلیتین هدف از انجام عمره طواف خانه‌ی خداست و از آنجاییکه حضرت عایشه رضی الله عنها از آنجا (مسجد تنعیم) محرم شده‌اند، بستن احرام از آنجا جایز است.^{۲۸۳} اما این عمل یعنی تکرار عمره از مکه از رسول الله صلی الله علیه و آله و صحابه‌ی کرام رضی الله عنهم ثابت نیست. «از رسول الله روایت نشده که در طول مدت اقامتش در مکه‌ی مکرمه چه قبل از هجرت و چه بعد از هجرت هنگامیکه به مکه‌ی مکرمه آمده‌اند، از حرم خارج شوند و از حل احرام بسته وارد شوند و عمره بجا آورند و فقط هنگامی که رسول الله وارد شهر مکه‌ی مکرمه شده‌اند با احرام بوده‌اند و عمره بجا آورده‌اند، اما آنچه را که مردم امروزه انجام می‌دهند نه رسول الله انجام داده و نه هیچ احدی از صحابه، در طول در زندگیشان چنین کاری کرده‌اند.»^{۲۸۴}

۲۸۲. مسجد تنعیم یا مسجد عایشه رضی الله عنها مسجدی است که در آن مکان ام‌المؤمنین عایشه ۲ برای ادای عمره به همراه برادرش محرم شد و نزدیکترین مکان حل است و قبلاً ۷/۵ کیلومتر با حرم فاصله داشته‌اما امروزه جزء شهر محسوب می‌شود.

۲۸۳. فتح الباری ۸۷۴/۲

و خداوند اعلام کرده است (لقد كان لكم في رسول الله اسوة حسنة) و کفی به اسوة و باصحابه.

نکته‌ی قابل تأمل و درنگ اینجاست که صحابه‌ی کرام حریصترین مردم برای کسب ثواب و پیشقدمترین امت برای انجام کارهای خیر بوده‌اند و از طرفی برای رسیدن به مکه‌ی مکرمه ده‌ها روز و یا ماه‌ها رنج سفر را متحمل می‌شده‌اند، و فرصت رسیدن به حرم سخت دشوار بوده اما با همه‌ی این تفاسیل هرگز آنان اقدام به چنین کاری نکردند. اگر چنانچه کثرت عمره افضل می‌بود آنان تا زمانی که آنجا بودند فرصت را غنیمت شمرده و آن را از دست نمی‌دادند و همه روزه عمره بجا می‌آوردند؟ اما چنین نکرده‌اند.

اغلب کسانی که اینکار را انجام می‌دهند برای توجیه کارشان از روایت ام‌المؤمنین عایشه رضی الله عنها استدلال می‌کنند. در صورتیکه استناد به این روایت برای اثبات آنچه که امروزه عوام‌الناس انجام می‌دهند جای تأمل دارد چون بنا به اعتقاد بسیاری از علماء ام‌المؤمنین عایشه رضی الله عنها عمره را فسخ کردند و مفرد شدند. پس عمره‌ای که ام‌المؤمنین بجا آوردند، تکرار عمره نبود بلکه یک عمره‌ی مستقل بود.

ثانیاً؛ اگر تکرار عمره افضل می‌بود لاقلاً عبدالرحمن بن ابی‌بکر رضی الله عنه که همراه او بود، و خواه‌ناخواه تا پایان مراسم عمره مجبور بود صبر کند، می‌طلبید که خودش هم محرم شود و این فرصت را از دست ندهد، اما در تمام منابعی که در دسترس بوده چنین مطلبی از ایشان نقل نشده است.

ثالثاً؛ کاروان صحابه‌ی کرام که همراه رسول‌الله بودند خواه‌ناخواه تا بازگشت ام‌المؤمنین رضی الله عنها ناچار بود که توقف کند و فرصت انجام عمره برایشان فراهم بود اما هیچکدام از صحابه که حقیقتاً برای کسب ثواب و سبقت در کارهای خیر پیشقدم بودند، از رسول‌الله صلی الله علیه و آله اجازه نگرفتند که همراه ام‌المؤمنین عایشه و برادرش عبدالرحمن به تنعیم بروند و عمره‌ی دیگری انجام دهند.

رابعاً؛ امامانی چون امام مالک در طول سال بیشتر از یک عمره را که از شهر خود زائر انجام شود و از میقات محرم گردد مکروه می‌شمارند.^{۲۸۵} اما هیچ احدی کثرت طواف را مکروه نگفته بلکه بر استحباب آن اجماع دارند.^{۲۸۶}

علاوه از امام مالک «ره»، ائمه بزرگوار دیگری هم قایل به این نظر بودند که در طول سال

بیش از یک عمره مکروه است.

(عن محمد: «كَانَ لَا يَرَى الْعُمْرَةَ إِلَّا فِي السَّنَةِ مَرَّةً»)^{۲۸۷} امام محمد در سال قایل به بیش از یک عمره نبود.

(عن ابراهيم قال: مَا كَانُوا يَعْتَمِرُونَ فِي السَّنَةِ الْأَمْرَةَ وَاحِدَةً)

ابراهيم می گوید - سلف صالح - در سال بیش از یک بار عمره بجا نمی آوردند.

(عن عمرو قال: كَانَ الْحَسَنُ لَا يَرَى الْعُمْرَةَ إِلَّا فِي كُلِّ سَنَةٍ)

حسن - بصری - در سال به بیش از یک بار عمره بجا آرند معتقد نبود.

خامساً؛ بسیار مشاهده شده که زائر بزرگوار در آخرین روزهای سفر به قصد عمره رفته و ندانسته مرتکب محظوری شده که بر او دم واجب گردیده درحالیکه هیچ پولی برای خرید دم همراه نداشته و همسفرها نیز همینطور، و این زائر با کوله‌باری از اندوه و نگرانی از وجوب دم بر گردنش بازگشته و اگر توفیق یارش شده بعدها با یکی از خویشاوندان مبلغی را فرستاده تا در حرم آن گوسفند خریداری شده و در آنجا ذبح گردد و یا بعضاً آن را به طاق نسیان نهاده و هیچ کاری را انجام نداده و یا بعضاً همان خویشاوند هم که به زیارت رفته فراموش کرده است.

سادساً؛ بعضاً مشاهده می‌شود که زائر به عمره رفته و پس از بازگشت یک‌چهارم سرش را امروز تراشیده و با همین حالت به هتل آمده که بله قصد دارم هر روز عمره‌ای انجام دهم و هر روز یک‌چهارم سرم را بتراشم در صورتیکه رسول الله ﷺ از اینکار نهی فرموده‌اند (نَهَى رَسُولُ اللَّهِ ﷺ عَنِ الْقَزَعِ)^{۲۸۸}.

قزع این است که بخشی از سر را بتراشی و بخشی دیگر را بگذاری که این زائران مرتکب چنین عملی می‌شوند.

علامه محب‌الدین طبری^{۲۸۹} می‌نویسد «که این تکرار عمره خطاست و نادرست، و دلیل بر نادرستیش مخالفت با سلف صالح است چون تکرار و اکثار عمره نه از رسول الله ﷺ

۲۸۷ و ۴ و ۵. مصنف ابن ابی‌شبهه ۴/۲۰۲.

۲۸۸. بخاری حدیث شماره ۱۲۹۵. علامه ابن قیم ره می‌گوید: شیخ ما فرمود «و این بیانگر کمال محبت‌الله تبارک و تعالی و رسولش به‌عدالت است که به انسان حتی در مورد خودش هم بدان امر نموده و او را از اینکه بخشی از سرش را بتراشد و بخشی را رها کند نهی کرده است زیرا که این عمل در حق سر نوعی ظلم و ستم است که - گویا بخشی از آن لباس پوشیده و بخش دیگر عریان است. تحفة المودود فی احکام المولود ص ۳۸.

۲۸۹. ایشان در این موضوع کتاب مستغنی دارند بنام «عواطف النصره فی تفضیل الطواف علی

العمره» شفاء الغرام ۱/۹۳۳.



ثابت است، نه از صحابه، نه از تابعین و نه از تبع تابعین و رسول الله ﷺ در طول عمرشان چهار عمره انجام داده‌اند و در هیچ سفری بیشتر از یک عمره انجام نداده‌اند.^{۲۹۰}

انس بن مالک به مدینه منوره آمد و عمر بن عبدالعزیز نزد وی رفت و از او پرسید که آیا برای غرباء (آنانکه از دوردست می‌آیند) - تکرار - عمره افضل است یا طواف؟ فرمودند: طواف.

و از ابن عباس رضی الله عنه روایت شده است که فرمودند: (یا اهل مکه ما علیکم الا تعتمروا، انما عمرتکم طوافکم بالبيت)^{۲۹۱}

ای اهل مکه حرجی بر شما نیست که عمره نکنید، همانا عمره‌ی شما طواف شماس است که کنار بیت‌الله انجام می‌دهید. اشاره به این دارد که اشتغال شما به طواف از اشتغال به عمره افضل است.

و طاووس که یکی از بزرگترین ائمه است می‌گوید: کسانی که از تنعیم عمره انجام می‌دهند نمی‌دانم که بر انجام اینکار پاداش و اجری هم داده می‌شوند یا معذب می‌شوند، گفته شد چگونه معذب می‌شوند. گفت: چون طواف بیت‌الله را ترک می‌کنند و تا قریب به چهار میل می‌روند و برمی‌گردند - یعنی این رفت و برگشت تعذیب خویشتن است.

سابعاً؛ رسول الله ﷺ پس از سالها اشتیاق و بعد از مشاهده‌ی یک خواب با جمعی از اصحاب کرام قریب به ۱۴۰۰ نفر در سال ششم هجری به قصد عمره آمدند و کفار از ورودشان به مکه، مکرمه ممانعت نمودند و سرانجام صلح حدیبیه پیش آمد و از جمله بندهای پیمان‌نامه یکی این بود که از سال بعد برای عمره بیایند و این بار هرچند که محرم هم بودند بایستی برگردند و رسول الله ﷺ پذیرفت.

نکته‌ی قابل تأمل و درنگ این است سال بعد وقتی که رسول الله ﷺ و یارانش به عمره تشریف آوردند هیچکدام از آنها نگفتند چون عمره‌ی پارسال را از دست داده‌ایم پس امسال علاوه بر این عمره، عمره‌ی دیگری را هم انجام می‌دهیم. بلکه همه به همان یک عمره اکتفا کردند.

قبلاً متذکر شدیم که هدف غایی و نهایی انجام عمره طواف بیت‌الله الحرام هست. و این امر میسر است و ممکن؛ و هیچ احدی از علماء کثرت طواف را مکروه نگفته بلکه به آن تشویق هم کرده‌اند و این عمل از رسول الله ﷺ و اصحاب کرام بدون هیچ تردیدی ثابت است.



اما در مقابل تکرار عمره از مکه‌ی مکرمه از هیچ احدی نه از رسول الله ﷺ و نه از اصحاب کرام و نه از تابعین و یا حتی از اتباع تابعین هم ثابت نیست، گذشته از همه بسیاری کثرت عمره را در سال - بویژه از مکه‌ی مکرمه - مکروه می‌دانند و فضایل طواف را در مباحث متعلق به آن بیان کردیم ولی باز در اینجا به ذکر چند روایت می‌پردازیم.

عن ابن عمر رضی الله عنهما قال: (سمعت رسول الله ﷺ يقول: من طاف بالبيت لم يرفع قدماً و لم يقع له اخرى الا كتبت له حسنة و حطت عنه خطيئة و رفعت له بها درجة و سمعته يقول: من احصى اسبوعاً كان كعدل رقبة) ^{۲۹۲}

حضرت عبدالله بن عمر رضی الله عنهما گفت شنیدم که رسول الله ﷺ می‌گوید: کسیکه طواف خانه‌ی کعبه را انجام دهد هیچ قدمی بر نمی‌دارد مگر اینکه در مقابل آن برایش یک نیکی (ثواب) نوشته شده و یک گناه از او برداشته شده و یک درجه برایش افزوده می‌شود. و کسیکه هفت دور یک طواف را انجام دهد گویا یک برده - در راه خدا - آزاد کرده است.

عن ابن عباس رضی الله عنهما قال: (من طاف بالبيت خمسين اسبوعاً خرج من الذنوب و كيوم ولدته امه) ^{۲۹۳}

کسی که پنجاه تا هفت دور، گرد خانه‌ی خدا بگردد یعنی پنجاه طواف انجام دهد از گناهان خارج می‌شود یعنی گناهانش آمرزیده می‌شوند - همچون روزی که مادرش او را بدنیا آورده است یعنی آنچنان که روز تولد پاک بیگناه بوده، اینک نیز با این ۵۰ طواف چنین می‌شود.

آیا تکرار حج و عمره افضل است یا انفاق بر فقراء؟

آنان که لذت حضور را در محضر یار مژه کرده‌اند، اینک که دیگر بار به دعوت یار به این ضیافت ملکوتی و پر بار فراخوانده شده‌اند، چسان می‌توانند، سرباز زنند و فرصت از دست بدهند، نه تنها که نمی‌توانند فرصت از دست دهند بلکه به سر خواهند دوید، چه که از دیرباز گفته‌اند، «از تو به یک اشاره، از ما به سر دویدن».

اما آنانکه به بارگاه حضرتش بار نیافته‌اند و حلاوت حضور را نچشیده‌اند، هرگز قادر به درک آن نخواهند بود، چون با «حلوا حلوا گفتن دهان شیرین نمی‌شود» به همین خاطر بر آن عاشقان شیفته که دوست دارند در محضر یار حضور یابند و جبین به زمین



بسایند و بسان پرنده‌ای سبکبال در آسمان بیکران نور و رحمتش به پرواز درآیند، خورده می‌گیرند و زبان به طعن می‌گشایند که چرا اینها اینهمه به مکه و مدینه و به حج و عمره می‌روند؟!

چرا این پول را صرف فقراء و مساکین نمی‌کنند؟... خداوند به اغنیا دستور داده است که حال فقرا را مراعات کنید و در اموال اغنیا زکات یک چهلیم (دو و نیم درصد) را فرض کرده که بطور حتم و وجوب باید به فقراء و نیازمندان داده شود.

بازهم اغنیا و ثروتمندانی را که علاوه از مقدار واجب بر فقراء صدقه می‌کنند مورد ستایش قرار داده است تا دیگر اغنیا به آنان تاسی جویند و اتفاق کنند (وَفِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِلْسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ).

و از دیگر سو بر اغنیا حج را فرض کرده که آن را بجا آورند نه اینکه هزینه‌اش را صرف فقراء نمایند.

و رسول مكرم اسلام ﷺ فرمودند: (تَابِعُوا بَيْنَ الْحَجِّ وَالْعُمْرَةِ فَإِنَّهُمَا يَنْفِيَانِ الْفَقْرَ وَالذُّنُوبَ لِمَا تَنْفِي الْكَبِيرُ خُبْتُ الْحَدِيدَ وَالذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ)^{۲۹۴}

حج و عمره را پشت سرهم انجام دهید زیرا که آندو فقر و گناهان را می‌زدایند آنگونه که آتش زنگار را از آهن و طلا و نقره می‌زداید.

باز فرمودند: (العمره الى العمرة كفارة لما بينهما والحج المبرور ليس له جزاء الا الجنة)^{۲۹۵} از عمره تا عمره‌ی دیگر كفاره‌ی گناهانی است که میان دو عمره واقع می‌شود و حج مقبول را پاداشی جز بهشت نیست.^{۲۹۶}

چه کسی چنین فرصت گرانبهایی را از دست می‌دهد؟ وانگهی یک نماز در مسجدالحرام برابر با یکصد هزار نماز در جاهای دیگر است و یک نماز در مسجد نبوی افضل از هزار نماز در جاهای دیگر است.

کوتاه سخن اینکه تکرار حج و عمره از اتفاق بر فقراء و مساکین افضل و بهتر است.^{۲۹۷}

گویند که امام ابوحنیفه «ره» قبل از آنکه به حج مشرف شوند می‌گفتند که صدقه از حج

۲۹۴. رواه الترمذی.

۲۹۵. بخاری حدیث شماره ۳۷۷۱.

۲۹۶. و باز فرمودند: "الحج يهدم ما كان قبله" حج گناهان پیشین را منهدم می‌گرداند.

۲۹۷. ارشادالساری الی مناسک الملاعلی قاری ص ۶۲۵ - مجموعه فتاوی ابن تیمیه - ردالمحتار

(و عمره) نفلی افضل است. اما پس از آنکه توفیق یارشان شد و به حج تشریف بردند و مشقتها (و حلاوتش) را احساس کردند، از نظر خویش برگشتند و اعلام کردند که حج (و عمره) نفلی از صدقه افضل است.^{۲۹۸}



و از طرفی خود رسول الله ﷺ چهار عمره انجام دادند و نفرمودند که این فقط به من اختصاص دارد و دیگران عمره را تکرار نمایند و صحابه‌ی کرام (رض) اغلب به کرات و مراتب به سفر حج و عمره می‌رفتند و هیچ کدام نفرمودند که نیازی به تکرار حج / عمره نیست و باید مبلغ آن صرف فقرا شود. اما اگر یک زائر فقیری را دید که واقعاً مستحق است و نیازمند و قصد نمود که بجای رفتن به حج یا عمره نفلی هزینه‌اش را بدان فقیر بدهد و چنین کرد بی‌هیچ تردیدی نزد خداوند ماجور است و کسی او را ممانعت نمی‌کند.

حج مبرور چیست؟

رسول الله ﷺ فرمودند: (الحج المبرور ليس له جزاء الا الجنة).^{۲۹۹}

حج مبرور (مقبول) پاداشی جز بهشت ندارد.

اغلب شارحان حدیث حج مبرور را به حج مقبول ترجمه کرده‌اند.^{۳۰۰}

حال سؤال این است که حج مبرور چیست؟ و یا اگر مبرور به معنی مقبول است علائم حج مقبول کدامند؟ در توضیح این مسئله نظریات گوناگونی بیان شده است که به ذکر بعضی از آنها بسنده می‌نماییم.

۱ - (عن جابر قيل يا رسول الله ما برُّ الحَجِّ؟ قَالَ اطْعَامُ الطَّعَامِ وَ افْشَاءُ السَّلَامِ)^{۳۰۱}

از رسول الله ﷺ پرسیده شد، حج مبرور چیست؟ فرمودند... این است که زائر - فقرا و نیازمندان - را اطعام کند و سلام را میان مردم گسترده بگرداند یعنی هر کس را که دید سلام کند.

۲۹۸. ارشاد الساری الی مناسک الملا علی قاری ص ۶۲۵ درالمختار ۱۲۶/۲.

۲۹۹. بخاری/۳۷۷۱ مسلم ۹۴۳۱.

۳۰۰. فتح الباری ۷۹۲/۳.

۳۰۱. رواه احمد والحاكم و فی اسنادہ ضعف قال الحافظ فی الفتح لو ثبت لكان هوالمتمقين المتقين

۲- در روایت دیگری چنین وارد شده است: (إِنَّ بَرَهُ إِطْعَامُ الطَّعَامِ وَلَيْنُ الْكَلَامِ)^{۳۰۲}
 علامت مقبولیت حج این است که زائر نیازمندان را اطعام کند و با مردم به نرمی و
 ملایمت برخورد کند و سخن گوید.

۳- قال الحسن: (ان يَرْجِعْ زَاهِدًا فِي الدُّنْيَا رَاغِبًا فِي الْآخِرَةِ)^{۳۰۳}
 حسن «ره» (بصری) گفته علامت مقبولیت حج این است که زائر در حالی از سفر
 حج باز بگردد که از دنیا روی برتافته و به آخرت روی آورده باشد یعنی بعد از حج
 دل‌بستگی‌اش از دنیا کاسته شده و علاقه‌اش به آخرت و امور اخروی افزوده شده باشد.

۴- (الحج المبرور هو الحج الذي لا يخالطه اثم)^{۳۰۴}
 حج مبرور حجتی است که هیچ گناهی در آن انجام نپذیرد و یا به دیگر سخن هیچ
 گناهی با آن در نیامیزد.

۵- (فان رجع خيراً مما كان، عرف انه مبرور)^{۳۰۵}
 اگر چنانچه زائر از حج در حالی بازگشت که از قبل بهتر شده بود اخلاقش، رفتارش،
 کردارش، معامله‌اش و... فهمیده می‌شود که حج او مقبول و در بارگاه حق پذیرفته شده
 است.

و نویسندگان سبیل السلام نیز همین مطلب را با تعبیری دیگر بیان داشته و در واقع با نظر
 فوق موافق است.^{۳۰۶}

۶- (قِيلَ الَّذِي لَا رِيَاءَ فِيهِ وَلَا سُمْعَةً وَلَا رَفْتَ وَلَا فُسُوقَ)^{۳۰۷}
 گفته شده که حج مبرور آن است که در آن ریا نباشد و به قصد شهرت طلبی انجام
 نگرفته و در آن هیچ گناهی انجام نشده باشد.

۷- (قِيلَ علامةُ برِّ الحج ان يزاد بعده خيراً و لا يعاود المعاصي بعد رجوعه)^{۳۰۸}
 گفته شده که علامت مقبولیت حج این است که زائر بعد از بجا آوردن حج بهتر شده

۳۰۲. فقه السنة ۱/۵۵۵.

۳۰۳. مصدر فوق الجامع لاحكام القرآن ۲/۲۲۳.

۳۰۴. فتح الباری ۷۹۲/ - تحفة الاحوذی ۳/۳۴۲ - القرى ص ۴۲.

۳۰۵. فتح الباری ۳/۸۹۲.

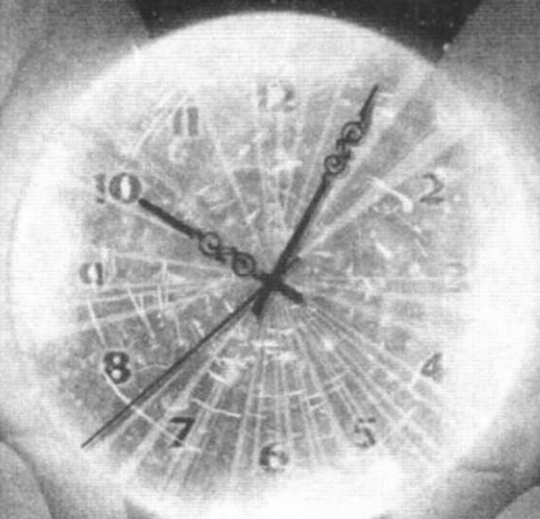
۳۰۶. سبیل السلام ۲/۲۹۶.

۳۰۷. القرى لقاصدام القرى ص ۴۲.

باشد و بعد از بازگشت مجدداً مرتکب گناه نگردد.

۸- (قال القرطبي: الاقوال التي ذكر في تفسير الحج المبرور متقاربه المعنى و هي انه الحج الذي وفيت احكامه، فوق موقع موقعا لما طلب من المكلف على الوجه الاكمل)^{۳۰۹}

علامه قرطبي «ره» فرموده اقوالی که در تفسیر و تشریح حج مبرور ذکر شده‌اند همه از نظر معنی به هم نزدیکند و حج مبرور عبارت است از حجتی که تمام احکام آن کاملاً انجام شده باشند.



زائر عزیز!

هیچ سفری خالی از مشکلات نیست،
پس بخاطر مشکلات سفر از حضور
در طواف و نماز جماعت، غافل مشو
چون فرصت خیلی اندک است!



حج اکبر چیست؟

عموم مردم را تصور بر این است که هرگاه روز عرفه با روز جمعه مصادف شود، حج آن سال، حج اکبر است.

حال این تصور صحیح است یا خیر؟ خیر چنین تصویری صحیح نیست.^{۳۱۱}

(عن علی علیه السلام قَالَ سَأَلْتُ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله عَنْ يَوْمِ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ فَقَالَ «يَوْمُ النَّحْرِ»^{۳۱۲})

حضرت علی علیه السلام گوید از رسول الله صلی الله علیه و آله در مورد «یوم الحج اکبر» پرسیدم - که حج اکبر چه روزی است؟ - فرمودند یوم النحر (روز عید قربان) بسیاری از علما بر این باورند که به عمره حج اصغر و به حج، حج اکبر می گویند و بعضی دیگر قرآن را حج اکبر و افراد را حج اصغر گویند.^{۳۱۳}

۳۱۱. تحفه الاحوذی ۴۹۳/۳.

۳۱۲. ترمذی حدیث شماره ۷۵۹.

۳۱۳. ارشاد الساری الی مناسک الملا علی القاری ص ۶۲۵ - لازم به یادآوری است که ملا علی قاری «ره» در این موضوع رساله ای دارند بنام «الحظ الاوفر فی الحج اکبر» و این رساله در ضمن ارشاد الساری بچاپ رسیده است. و در آنجا متذکر شده اند که در مورد «یوم الحج اکبر» چهار نظریه وجود دارد: ۱ - یوم الحج اکبر روز عرفه است. ۲ - یوم الحج اکبر روز عید قربان است. ۳ - یوم الحج اکبر طواف افاضه است. ۴ - یوم الحج اکبر تمامی ایام حج مراد می باشند. (الحظ الاوفر فی الحج اکبر، ضمیمه ی ارشاد الساری ص ۸۲۵) عن ابن عمر رضی الله عنهما وقف النبی صلی الله علیه و آله یوم النحر بین الجمرات فی الجحاه التی حج بها قال من اکره الحجا اکبر. (فتح الباری ۵۵۴/۳)

ثواب نماز حرم با نماز مسجدالحرام برابر است



از آنجایی که در ایام حج بخاطر بعد مسافت هتل‌ها، ازدحام جمعیت، ترافیک و کهرولت سن زائران رفتن به مسجدالحرام و شرکت در نماز جماعت سخت دشوار می‌باشد و بسیاری از زائران بیت‌الله الحرام ناچاراً در هتل‌ها و یا مساجد کنار هتل‌ها نمازهای پنجگانه را می‌خوانند و بخاطر نرسیدن به نماز مسجدالحرام سخت اندوهناک و غمگین می‌شوند و بعضی سعی دارند به هر وسیله‌ی ممکن خود را به نماز مسجدالحرام برسانند و اگر چنانچه به زنی یا پیرمردی بگویی که در هتل و یا مسجد کنار هتل نماز بخوان رنجیده‌خاطر می‌شود.

حال می‌خواهیم بدانیم که فضیلت یکصد هزار برابر نماز مختص نماز خواندن در مسجدالحرام هست یا خیر تمام حرم را شامل می‌شود؟

تردید نیست که نماز در مسجدالحرام و روبروی بیت‌الله از هر جای دیگر افضل و بهتر است و رسول مکرم اسلام فرمودند: «یک نماز در مسجدالحرام برتر از یکصد هزار نماز در جاهای دیگر است.»

حال سؤال این است که این فضیلت مختص نماز در مسجدالحرام هست؟ یا در تمام حرم؟

چون در ایام حج بخاطر بعد مسافت هتل‌ها، ازدحام جمعیت و اغلب کهرولت سن زائران، رفتن به مسجدالحرام کاملاً میسر نیست، و بسیاری از زوار بیت‌الله در هتل‌ها و یا در مساجد کنار هتل‌ها نمازهای روزانه را بجا می‌آورند، و بسیار مشاهده شده است که بخاطر نرسیدن به نماز مسجدالحرام سخت اندوهگین شده‌اند، و بسیاری با هزار مکافات سعی می‌کنند خود را به حرم برسانند تردیدی نیست که خواندن نماز در مسجدالحرام و مقابل بیت‌الله الحرام حلاوتی وصف‌ناشدنی دارد و آرزوی هر زائر که چه عرض کنم، آرزوی هر مسلمانی است.

اما از آنجاییکه اسلام دین رحمت و آسانی است از دیرباز بسیاری از علمای اسلام راجع به این موضوع اظهارنظر کرده‌اند که برخی از نظرات آن بزرگواران از نظرتان خواهد گذشت. بعضی از علماء آن را مختص مسجدالحرام دانسته‌اند و گروهی آن را به تمام حرم تعمیم داده‌اند که افراد زیر از آن جمله‌اند ربیع بن ضبیح از عطاء بن ابی رباح پرسید: ای ابا محمد آیا این فضیلت که درباره‌ی نماز گفته می‌شود فقط در مسجدالحرام است یا

در همه‌ی حرم؟ گفت: بلکه در تمام حرم.^{۳۱۴}

و ابن‌قیم جوزی نیز فضیلت نماز را به تمام حرم ترجیح داده است.^{۳۱۵} و در این باره بحث ارزشمندی دارد. و از میان علمای معاصر مرحوم عبدالعزیز بن باز نیز این نظریه را ترجیح داده است.^{۳۱۶}

به هر تقدیر اگر چنانچه زائری نتوانست برای نماز مسجدالحرام شرکت نماید نمازش در حرم آن شاءالله همان ثواب را خواهد داشت. پس زنان، پیران و ناتوانان که قادر به شرکت در نماز مسجدالحرام نیستند بدون دغدغه‌ی خاطر در مسجد کنار هتلشان نماز بخوانند و نگران نباشند.

حضرت عبدالله بن عباس رضی الله عنه فرمودند: «الحرم كله هو المسجد الحرام»^{۳۱۷} حرم تماماً مسجدالحرام است.

حج از طرف میّت

(عن ابن عباس رضی الله عنه أَنَّ امْرَأَةً مِنْ جُهَيْنَةَ جَاءَتْ إِلَى النَّبِيِّ ﷺ فَقَالَتْ: إِنَّ أُمِّي نَذَرَتْ أَنْ تَحُجَّ، وَلَمْ تَحُجَّ حَتَّى مَاتَتْ، أَفَأَحُجُّ عَنْهَا؟ قَالَ: حُجِّي عَنْهَا، أَرَأَيْتِ لَوْ كَانَ عَلَى أُمِّكَ دَيْنٌ قَاضِيَتُهُ، أَقَضَا حَقَّ اللَّهِ، فَهُوَ أَحَقُّ بِالْوَفَاءِ)^{۳۱۸}

حضرت عبدالله بن عباس رضی الله عنه روایت می‌کند: «که زنی از قبیله‌ی جهینه نزد رسول‌الله ﷺ آمد و گفت: مادرم نذر کرده بود که حج کند ولی حج نکرد تا آنکه از دنیا رفت، آیا من از طرف او حج بجا بیاورم؟

رسول‌الله ﷺ فرمودند: «آری از طرف او حج کن، چه می‌گویی؟ اگر بر ذمه‌ی مادرت قرضی باشد، آیا قرض او را پرداخت می‌کنی؟ پس قرض خدا را ادا کنید، زیرا خداوند سزاوارتر است که به حق او وفا شود.

(عن ابن عباس قال: أتى رسول الله رجل فقال له إن ابني مات وعليه حجة الاسلام، أفأحج عنه؟ قال: أريت لو أن ابناك ترك ديناً عليه أفضيته عنه؟ قال: نعم قال فأحجج عن ابنيك)^{۳۱۹}

اگر چنانچه فرد برای حج کردن از طرفش وصیت نکرد و از دنیا رفت، اما وراثش تبرعاً

۳۱۴. زادالمعاد ۳/۳۰۳.

۳۱۵. فضایل و احکام مکه ص ۱۶.

۳۱۶. مجموع فتاوی ابن یاز ۴/۳۱۰.

۳۱۷. القرى ص: ۷۵۶ و آیاتی چون والمسجدالحرام الذي جعلناه للناس سواء... و سبحانه الذي

ابن عباس رضی الله عنه روایت می‌کند: «که زنی از قبیله‌ی جهینه نزد رسول‌الله ﷺ آمد و گفت: مادرم نذر کرده بود که حج کند ولی حج نکرد تا آنکه از دنیا رفت، آیا من از طرف او حج بجا بیاورم؟

۳۱۸. بخاری شماره ۲۵۸۱.

۳۱۹. سنن الدار قطن، ۲/۶۲۰۶ حدیث شماره ۱۱۱.

از طرف او حج بجا آوردند و یا یکی را از طرف او به حج فرستادند، جایز است و این از حج فرض او - متوفی - محسوب می‌شود ان شاء الله.^{۳۲۰}

ثواب / حج از طرف میت

(عن ابن عباس رضی الله عنه قال: من حج عن میت کتب للمیت حجة، و للحاج سبعة حجات و فی روایة: و للحاج براءة من النار)^{۳۲۱} أخرجه ابوذر

حضرت عبدالله بن عباس رضی الله عنه گفت: کسیکه از جانب یک میت حجی بجا بیاورد، برای میت یک حج و برای زائر - ثواب - هفت حج نوشته می‌شود و در روایت دیگری چنین آمده است که برای زائر برائت از آتش جهنم نوشته می‌شود.

فضیلت و ثواب حج از طرف پدر و مادر

در اینکه پدر و مادر بر گردن فرزندان حقوق فراوانی دارند تردیدی وجود ندارد. نزد قاطبه‌ی بشریت والدین از جایگاه بسیار والایی برخوردار بوده و هستند.

خداوند متعال در آیات بشماره‌ی پس از بیان توحید بلافاصله فرزندان را مخاطب قرار می‌دهد و به آنان امر می‌کند که برای پدر و مادر خود احسان و نیکی کنند. از جمله

﴿وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا لِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا ۖ إِنَّمَا يُبَلِّغَنَّ عَنْكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أَفٍ وَلَا نَهْرُهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا﴾ (اسرا: ۲۳)

(وَإِذَا خَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَءِيلَ لَا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا...) ^{۳۲۲}

اسلام بیش از هر دین و آیین دیگری بر اهمیت والدین و احترام گذاشتن به آنان تأکید کرده است تا آنجا که رسول الله صلی الله علیه و آله نافرمانی والدین را از گناهان کبیره شمرده و رضای و خشم پروردگار را به رضایت و خشم والدین منوط کرده است و با صدای بلند اعلام داشته است که بهشت زیر پای مادران هست.

بنابراین فرزندان باید در راستای خدمت به آنان سعی بلیغ نمایند و از هیچ کوشش و خدمتی فروگذار ننمایند و از جمله بهترین این خدمتها به حج فرستادن والدین است اگر در قید حیات باشند و اگر چنانچه از این دیار فانی رخت سفر بربسته‌اند و به دیار

۳۲۰. ردالمحتار علی الدر المختار ۹۹۵/۲.

۳۲۱. القرى لقاصدام القرى ص ۱۸.

۳۲۲. (بقه: ۳۸).



باقی شتافته‌اند، بهترین خدمت فرزندان نسبت به آنان یکی این است که از طرف آنان حج بجای بیاورند، باشد تا اندکی از آن زحمتهای بیکران والدین را جبران کرده باشند.
(عن ابن عباس رضی الله عنه قال رسول الله صلی الله علیه و آله من حج عن ابويه او قضی عنهما مغرمًا، بعث يوم القيامة مع الابرا) ^{۳۲۳}

رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «کسیکه از طرف پدر و مادر خویش حج بجا بیاورد و یا بدهی یکی از آن دو را پرداخت نماید در روز قیامت همراه ابرار محشور خواهد شد.»

و خداوند می‌فرماید: ﴿إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ﴾ (انفطار: ۱۳)

﴿رَبَّنَا إِنَّا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْإِيمَانِ أَنْ آمِنُوا بِرَبِّكُمْ فَآمَنَّا رَبَّنَا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَتَوَقَّنَا مَعَ الْأَبْرَارِ﴾ (آل - عمران: ۱۹۳). ^{۳۲۴}

این است سرنوشت خوش و درخشان ابرار در بهشت جاودان و خوشا به سعادت آنانکه همراه ابرار محشور خواهند شد.

(عن جابر قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله من حج عن ابیه او عن امه، فقد قضی عنه حجه و کان له فضل عشر حجج) ^{۳۲۵}

رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: کسیکه از طرف پدر و مادرش حج گذارد، بدرستی که حج او را بجا آورده است و برای خودش فضیلت (و ثواب) ده حج هست.

(عن زید بن ارقم قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله اذا حج الرجل عن والديه تُقبل منه و منهما، و استبشرت ارواحهما و کتب عند الله برًا) ^{۳۲۶}

رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «کسی که از طرف پدر و مادرش حج گذارد و از او و آن دو پذیرفته می‌شود - یعنی همه از ثواب آن بهره‌مند خواهند شد - و ارواح آنان خوشحال خواهند شد و او نزد خداوند از نیکوکاران نوشته خواهد شد.

حج بدل

بسیاری از مردم بنا به دلایلی خود قادر نیستند که به سفر حج/عمره بروند و یا پس از ثبت نام حج، بجای لبیک حج پیک حق را لبیک گفته و به دیار ابدی شتافته‌اند، حال تکلیف حج آنان چیست؟

۳۲۳. سنن الدار قطنی ۶۲/۲ حدیث شماره ۰۱۱.

۳۲۴. (انسان: ۵).

۳۲۵. سنن الدار قطنی ۶۲/۲ حدیث شماره ۲۱۱.

۳۲۶. مصدر فوق ۱۵۲۱۱ حدیث شماره ۹۰۱.

اگر چنانچه خود در قید حیات هستند و به خاطر کهولت سن و یا بیماری مزمن قادر نیستند به حج/عمره بروند می‌توانند هر کس را که دوست دارند و برای ادای حج صالح می‌دانند به نیابت از خود به حج بفرستند.

و اگر چنانچه از دنیا رخت بر بسته و چهره در نقاب خاک کشیده و فیش حش باقی‌است وراثت می‌توانند، یکی از خودشان و یا فرد دیگری را به نیابت از متوفی به حج بفرستند

تذکر: اصل این است که نایب، نیت حج افراد نماید اما امروزه فقها اجازه داده‌اند که با اجازه‌ی آمر (کسانیکه او را به حج می‌فرستند) حج تمتع یا حج قرآن را نیت کند. حتی اگر آمر اجازه‌ی رسمی نداده باشد باز هم می‌تواند حج تمتع نیت کند ولی اجازه گرفتن بهتر است.^{۳۲۷}

اصل این است که اگر نایب حج تمتع نیت کرد، قیمت گوسفند شکرانه بر عهده‌ی خودش و از مال خود او می‌باشد، اما باز هم فقها براساس عرف اجازه داده‌اند که عرفاً گویا آمر اجازه داده است که قیمت گوسفند را از پول او بپردازد ولی باز هم صراحه اجازه گرفتن بهتر است.^{۳۲۸}

نایب باید هنگام نیت کردن بگوید: «اللَّهُمَّ إِنِّي أُرِيدُ الْحَجَّ عَنْ فُلَانٍ (و اسم او را بگویند) فَيَسِّرْهُ لِي وَ تَقَبَّلْهُ عَنْهُ».

و به هنگام لبیک بگوید: «اللَّهُمَّ لِيَّيْكَ عَنْ فُلَانٍ (و اسم آن شخص را بگویند)» و بعد لبیک را کامل بگوید.

کدامیک از فرزندان به نیابت از طرف پدر یا مادر حج یا عمره کند؟

گاهی از اوقات پدر یا مادر برای حج یا عمره ثبت نام کرده است و قبل از اینکه به این زیارت ملکوتی نایل آید، دار فانی را وداع گفته و چهره در نقاب خاک می‌کشد و روحش به ملکوت اعلی می‌پیوندد. حال فرزندان قصد می‌نمایند که به نیابت از آنها به حج عمره روند، اولویت با کدامیک از آنان می‌باشد؟

در پاسخ این سؤال متأسفانه از علمای کبار اظهار نظری به دست نیاوردم اما ظاهراً از قرائن چنین بر می‌آید که اولویت با کسی است که واجد شرایط زیر باشد:
اولاً: متقی‌تر و پرهیزگارتر باشد چون: انما يتقبل الله من المتقين.

ثانیاً: نسبت به احکام حج / عمره آگاهتر باشد تا عبادتش بطور کامل ادا شود.

ثالثاً: برای زیارت حرمین شریفین و بجا آوردن حج / عمره مشتاقتر باشد.

رابعاً: از قدرت و توان بدنی بیشتری برخوردار باشد تا بتواند راحت‌تر اعمال را بجا آورد.

اما اینکه بسیاری را تصور بر این است که حتماً باید فرزند ارشد یعنی بزرگتر برود
تصوری نادرست است چون امکان دارد فرزند ارشد یک آدم ناصالح باشد و...

ان اصبحت فمن الله و ان احظت فمن نفس و من الشيطان اعاذنا الله منهما.

البته ناگفته نماند اگر چنانچه بنا باشد برای والدین حج / عمره نفلی بجا آورند هر کدام

از فرزندان که دوست دارد و توانایی انجام حج / عمره را داشته باشد، اقدام نماید.

آیا می‌توان در ادای یک حج یا عمره نفلی پدر و مادر هر دو را نیت کرد؟

اگر چنانچه فردی می‌خواهد برای والدین خود حج یا عمره انجام دهد اگر حج و عمره

بر آنها واجب بوده است باید برای هر کدام علیحده نیت کند و جداگانه حج / عمره بجا

بیاورد و یا اگر بر یکی از آنها واجب بوده او را نیت نماید. اما اگر بر هیچکدام واجب نبوده

ولی فرزند از استطاعت مالی خوبی برخوردار است باز هم بهتر و اولتر آن است که برای

هر کدام جداگانه سفر حج / عمره انجام دهد (اما اگر چنانچه فرزند از استطاعت مالی

چندانی برخوردار نیست و فقط قادر است یک سفر حج / عمره انجام دهد، بهتر آن است

که آن را برای خود نیت کند و بعد از بجا آوردن حج یا عمره نیت ایصال ثواب را برای هر

دو یعنی هم پدر و مادر بنماید.)^{۳۲۹}







آسیب‌شناسی سفر مبارک حج و عمره^{۳۳۰}

از آنجائیکه زندگی مادی و مادیات تمام زوایای زندگی بشر را فراگرفته و حتی فکر و روح او را به خود مشغول داشته است، در سفر معنوی و مبارک حج نیز، اغلب، بسیاری از عزیزان بجای بهره گرفتن از فرصت پیش آمده و اندوختن آذوقه و توشه‌ای برای فردای قیامت فکر و ذهنشان را به مسایل مادی و بی‌ارزش معطوف می‌دارند و به کارهایی می‌پردازند که از یک زائر بیت‌الله الحرام زائری که پس از یک عمر انتظار و آرزو، به ضیافت بارگاه الهی فراخوانده شده سخت بعید به نظر می‌آید، اما باید بخاطر داشته باشیم که (ان الشیطان لکم عدو فاتخذوه عدواً) شیطان دشمن دیرینه‌ی بنی نوع بشر است و از آسیب‌رساندن به بشر عموماً و مسلمانان و نیکوکاران خصوصاً تمامی تلاش خویش را بکار خواهد بست تا این فرصت را از آنان بگیرد و آنها را از این فیض بزرگ از این و عبادت والایی که پاداشش بهشت هست، عبادتی که تمام اندوخته و رشته‌های شیطان را که برای این فرد فراهم کرده نابود کرده و پنبه می‌نماید به سادگی آرام نخواهد نشست چون رسول مکرم اسلام فرمودند: (الحج یهدم ما کان قبله) حج تمامی گناهان پیشین را منهدم کرده و نابود می‌سازد چنان می‌توان تصور کرد، شیطان که عمری آدمی را به

۳۳۰. لازم به ذکر است که آسیب‌شناسی سفر حج مستلزم یک بحث مفصل می‌باشد و می‌تواند

گناه و کارهای ناروا کشانده و اندوخته فراوانی را بقدری که بتواند با آنها هزینه‌ی سفر رنج‌آور جهنم را تدارک دید، تهیه دیده و اندوخته است و اینک این فرد به حج آمده و با یک عبادت مخلصانه، صادقانه، بی‌ریا و بی‌آلایش همه‌ی آنها را نابود می‌کند گویی که حج همچون چوب کبریتی که به باروت انبار گناه زده می‌شود که پس از آن چیزی از آنها باقی نخواهد ماند. آرام بنشینند و این فرد را فردی که شیطان با فریبهایش همسفر خویش در سفر طولانی جهنم آماده کرده و او را تا دروازه‌های جهنم رسانده است، حال می‌بینید که با بجاآوردن حج همسفرش از دست خواهد رفت، بلیط جهنمش باطل خواهد شد. آری حقیقتاً سخت است؟! می‌توان تصور کرد که شیطان به هنگام حج یک مسلمان چه زجر را تحمل می‌کند؟!

به همین خاطر شیطان تمام قوایش، کلیه‌ی لشکریان پیاده‌نظام و سواره‌نظام‌اش را فرامی‌خواند تا این فرد را از دست ندهد بنابراین با لطایف الحیل و ترفندهای جورواجور و حيله‌های گوناگون درصدد فریب او برمی‌آید و به کارهایی مشغولش می‌سازد که از این سفر معنوی جواز بهشت را دریافت ندارد از جمله‌ی این آسیبها می‌توان موارد زیر را برشمرد.

ریا

ریاء عبارت است از اینکه عبادتی را که مختص خداوند متعال است به قصد خودنمایی و شهرت‌طلبی انجام دهی، یعنی می‌روی حج نه اینکه فقط الله تبارک و تعالی را با بجاآوردن دستورش و انجام دادن حج خوشنودسازی بلکه در کنار آن قصد و نیت تو آن باشد که مردم بگویند فلانی به حج رفته و حاجی شده است و هر جا سخن از حج رفتن و حاجی بودن تو باشد، و یا مردم بگویند فلانی چه آدم خوبی است هر ساله به حج و یا عمره می‌رود! و تاکنون پانزده بار به حج مشرف شده و بیست بار به عمره تشریف برده است.

بدانکه هر عبادتی که به ریاء آلوده شد در بارگاه الله تبارک و تعالی به پیشیزی نمی‌ارزد. چون ریاء شرک است و خداوند شرک را هرگز نمی‌بخشد.

و بدینسان شیطان سعی وصف‌ناپذیری را انجام می‌دهد تا با سم ریاء این عبادت بالارزش را آلوده سازد تا تو نه تنها از این سفر معنوی طرفی برنبندی و بهره‌ای نگیری که به شیطان نزدیکتر شوی و به اندوخته‌های گناهت بیفزایی، پس با تمامی وجود سعی کن

زائر عزیز! همواره از دروغگویی سخت پرهیز کن بویژه که اکنون قصد حج داری و یا در سرزمین مقدس آمده‌ای.



تکبر

زائر عزیز! از تکبر دور باش و هرگز دیگران را کوچکتر و حقیرتر از خود مپندار، و خود را هرگز برتر از دیگران تصور نکن، که تکبر گناهی است سخت بزرگ و مجازاتش جهنم.

دعوا و درگیری

سفر هرچند که با هواپیما هم باشد و در بهترین هتلها اسکان داده شوی بازهم خالی از رنج و مشقت نیست، چون در سفر تو مجبور هستی خویشتن را با شرایط جدیدی منطبق سازی و برنامه‌هایت از قبیل خوابیدن، غذاخوردن، بیرون رفتن و... با دیگران هماهنگ‌سازی و این خود نوعی رنج و عذاب است.

بعضاً پیش می‌آید که غذا مطابق میل تو نیست اتاق خواب به دلخواه تو نیست و... اینجاست که شیطان جرقه‌ای را در وجود تو می‌زند و سعی می‌کند تا آتشی را در وجودت شعله‌ور سازد، سیل وسواس و بدبینیها را به سوی افکار تیراز می‌نماید، حق تو را خورده‌اند؟! بر تو ظلم شده است؟! چرا بقیه در طبقه‌ی اولند و تو در طبقه‌ی سوم؟! چرا؟! چرا؟! کم‌کم وجودت پر از خشم می‌شود و دیری نمی‌گذرد که جنگ و دعوا راه می‌اندازی غافل از اینکه خداوند همیشه تو را از این کار نهی کرده است و بویژه در این سفر او خود اعلام داشته است (الْحَجُّ أَشْهُرٌ مَّعْلُومَاتٌ فَمَنْ فَرَضَ فِيهِنَّ الْحَجَّ فَلَا رَفْتَ وَلَا فُسُوقَ وَلَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ)

کسیکه در ماههای حج قصد حج نمود پس باید از آمیزش با همسر - در حال احرام - و ارتکاب گناه و جدال جداً دوری گزیند که در حج نباید از این چیزها وجود داشته باشد و به دیگر سخن اینها حج را از بین می‌برند، پس زائر عزیز صبور باش و بردبار، توکل بر خداوند کن و شیطان را از خود برهان، و به یقین بدان که او در هر لحظه‌ای منتظر فرصت است تا تو را دیگر بار شکار کند و بر گناهانت بیفزاید و حجت را باطل سازد، حجتی که پس از سالها امید و انتظار نصیبت شده اینک با اندک مشکلی با جنگ و جدال آن را

از دست مده. کسی چه می‌داند که آیا دیگر بار این توفیق نصیب تو شود که به زیارت حرمین شریفین بیایی یا خیر؟!

در بیابان گر به شوق کعبه خواهی زد قدم سرزنشها گر کند خار مغیلان غم مخور
ملول از همراهان بودن طریق کاردانی نیست بکش دشواری منزل به یاد عهده آسانی

غیبت و عیبجویی

زائر عزیز! نیک می‌دانی که غیبت و عیبجویی هر دو حرام هستند و خداوند برای مرتکبین آنها عذابهای سختی را آماده کرده است (ویل لکل همزه لمزه).

این را نیک بدان که در حرم یعنی در سرزمین وحی، مکّه‌ی مکرّمه قصد گناه هم جرم هست همین‌که به دل نیت گناهی بکنی به سختی مجازات می‌شوی شاید تو این مجازات را ندانی و زود آن را احساس نکنی ولی یقین بدان که ارتکاب گناه در حرم جای خود دارد حتی قصد گناه، نیز از گناهان بزرگ است.

الله تبارک و تعالی می‌فرماید (و من یرد فیہ بالحار بظلم نذقة من عذاب الیم)

و در گناه بودن غیبت، عیبجوی و تمسخر دیگران تردیدی نیست از امام احمد «ره» پرسیده شد آیا گناه بیش از یکی در نامه‌ی اعمال آدمی ثبت می‌شود؟ فرمود: خیر. مگر در مکّه‌ی مکرّمه و آن بخاطر عظمت آن سرزمین مقدّس است.^{۳۳۱}

حضرت عبدالله بن مسعود رضی الله عنه فرمودند: «اگر کسی در حرم قصد کشتن کسی را کند که آن شخص در عدن / یمن و یا دورتر از آن باشد خداوند متعال به آن فرد که نیت کشتن را داشته، در دنیا به عذابی سخت و دردناک گرفتار خواهد نمود.»

زائر عزیز! پس شش‌دانگ حواس خود را جمع کن و مواظب باش تا دست از پا خطا نکنی و گرنه...

صحابه‌ی کرام بقدری احتیاط می‌کردند که بعضی چون عبدالله بن عمرو عبدالله بن عمرو بن العاص دو چادر می‌زدند یکی در حرم و دیگری در «حلّ» خارج از حرم هرگاه می‌خواستند یکی از افراد خانواده را ملامت کنند و یا سرزنش نمایند از حرم بیرون می‌رفتند و در چادر خارج از حرم به اینکار اقدام می‌نمودند از ترس اینکه مبدا بخاطر

حرمت‌شکنی حرم مجازات شوند و آنهم فقط به ملامت کردن اعضای خانواده‌ی خود.^{۳۳۲}

بازار

مشکل دیگری که این سفر معنوی و بالارزش را تهدید می‌کند بازار است بسیاری از زائران اکثر وقت خود را صرف بازار و دید و بازدید از این مغازه و آن پاساژ می‌کنند و به اصطلاح بعضی بازاریابی و قیمت‌یابی می‌کنند.

زائر عزیز! بازار همه‌جا وجود دارد و این اجناس چینی و ژاپنی در هر گوشه‌ای حتی در کشورمان بهتر از آنها یافت می‌شود ولی مسجدالحرام در جایی دیگر نیست، خانه‌ی کعبه در هیچ کجای دنیا بجز مکه یافت نمی‌شود. مسجد نبوی همچون مسجدالحرام و خانه‌ی کعبه در تمام عالم یکی است و آنهم فقط در مدینه منوره هست پس اینها را از دست نده. زائر عزیز! اگر می‌خواهی برای خانواده‌ات هدیه‌ای خریداری نمایی در آخرین روز این کار را انجام بده و باقی اوقات خود را صرف عبادت و نیایش در حرمین شریفین کن از کجا معلوم که بار دیگری وجود داشته باشد.

SMSبازی

بسیاری را می‌بینی که حتی در حرم در کنار خانه‌ی کعبه مشغول رد و بدل کردن پیامک یا همان اس ام اس بازی هستند.

زائر عزیز! اندکی بیندیش و از این کارها دوری کن و این لحظات گرانبها و با ارزش را به عبادت، نیایش و پرستش سپری کن.

فیلمبرداری

مشکل دیگری که سفر پرخیر و برکت حج را تهدید می‌کند و از معنویت آن می‌کاهد، فیلمبرداری با دوربین و یا موبایل است.

بسیاری از زائران را می‌بینی که دوربین بدست بدنبال مناظر زیبا و دیدنی می‌گردند تا به اصطلاح لحظه‌ها را ثبت و ضبط نمایند برایشان مهم نیست اگر به نماز جماعت حرم نرسیدند بلکه مهم آن است که منظره‌ای را بیابند و فیلمی بگیرند و هنگام بازگشت به دیگران نشان دهند.

بسیاری را مشاهده می‌کنی که چنان غرق در این مسئله شده‌اند که گویی برای تهیه فیلم مستند و یا فیلمبرداری آمده‌اند نه برای حج نه برای زیارت نه برای کسب ثواب و



گروهی را می‌بینی که گویی برای ماه‌عسل آمده‌اند نه زیارت بیت‌الله الحرام و بجا آوردن فریضه‌ی حج.

زائر عزیز! اگر حج تو در بارگاه الله تبارک و تعالی مورد قبول واقع شد بدان که تمام لحظاتش بهشت شده‌اند و بیشترین سود را از آن برده‌ای و این زمانی است که فقط با تعهد آمده باشی و هم و غمی بجز حج نداشته باشی و خویشتن را وقف عبادت کنی.

و اگر درصدد شکار لحظه‌ها و ثبت منظره‌ها ضبط و ثبت خاطرات خود باشی بدانکه از حج طرفی برنخواهی بست و از آن بهره‌ای نخواهی برد چون الله عزوجل دستور داد: (فاعبدالله مخلصین له الدین)

پس برادر عزیز! و خواهر گرامی! از انجام اینگونه کارها سخت برحذر باش. تا از این سفر دست خالی برنگردی.





استقبال از زائران

یکی از مسائلی که از دایره‌ی اصلی خود خارج شده و رنگ و روی بدعت بخود گرفته مسأله‌ی استقبال از زائران بیت‌الله‌الحرام هست که این نوع استقبال نه از رسول الله ﷺ صورت گرفته و نه برای احدی از صحابه‌ی کرام!

رسول الله ﷺ فرمودند که مادامیکه زائر بیت‌الله‌الحرام وارد خانه‌اش نشده از او تقاضای دعا کنید که دعای او مستجاب می‌شود. عن ابن عمر رضی الله عنهما قال: اذا لقيت الحاج فسلم عليه و صافحه رمه ان يستغفر لك قبل ان يدخل بيته، فانه مغفور له. فرجه الامام احمد في المسند

اما امروزه اگر بناست که در فلان روز زائری از بیت‌الله‌الحرام بازگردد، گروهی بزرگ از خویشاوندان و نزدیکان به فرودگاه می‌روند و بعضاً با دسته گل‌های آنچنانی، آنچنان هجومی می‌آورند که آدمی در حیرت می‌ماند.

درست است زائری که از خانه خدا برگشته نیاز به مساعدت و کمک دارد و برای کمک او دو نفر و یک ماشین کافی است نه اینکه یک گردان مردم و با دهها ماشین به پیشوازش بروند و نظم فرودگاه را مختل نمایند.

خلاصه زائر محترم با هزار امید و آرزو از فرودگاه بیرون می‌آید و در اینجا در شهر او بسیاری از خویشاوندان و نزدیکان فراخوان می‌دهند بویژه اگر زائر دارای اسم و رسم، مال و ثروت و یا پست و مقام باشد که فلان زائر از بیت‌الله برگشته ما می‌خواهیم به استقبال او برویم لطفاً حضور بهم رسانید، حال در این میان بسیاری بخاطر رودربایستی و ناچاری و یا دلی ناخواسته حاضر می‌شوند و کاروان استقبالیان راه می‌افتد و بیرون از شهر در سرما

و گرما ساعتها به انتظار ایستاده‌اند که حاج آقا تشریف می‌آورند و زائر که خستگی فراوان او را تقریباً عاجز کرده است اینجا با خیل جمعیت مواجه می‌شود و ناچاراً باید با همه معانقه و مصافحه کند که این عمل او را خسته‌تر می‌کند ناگفته نماند اگر زائر خودش چنین خواسته‌ای را داشته باشد این عمل او نشان از ریا دارد و خدا نکند که چنین باشد اگر چنین شود بیم آن می‌رود که حج این زائر...

بنابراین سعی شود از اینگونه اعمال پرهیز شود تا بخاطر احتمال وجود ریا و اذیت و آزار دیگران ثواب حج را از دست ندهیم.

ذبح گوسفند یا گاو پیش پای زائر

زائر عزیز! بدان که تمامی اعمال دین بر دو اصل استوارند؛

۱ - جز خداوند هیچ احدی پرستش نشود؛

۲ - خداوند بگونه‌ای پرستش شود که او خود و پیامبرش به ما دستور داده‌اند.

بنابراین ذبح گوسفند فقط باید برای خداوند باشد نه برای کسی دیگر... کشتن گوسفند پیش پای زائر اصلاً جایز نیست و الله و رسولش ما را بدان امر نکرده‌اند و هرگز در پیش پای رسول الله و هیچ احدی از صحابه‌ی کرام چنین کاری صورت نگرفته است پس باید با تمامی وجود از این عمل خودداری کرد... (حرمت علیکم الميته والدم و لحم الحنزیر و ما اهل به لغیر الله)^{۳۳۳}

پارچه نوشته‌ها

این روزها رسم بر این است که اقوام و آشنایان زائر، بویژه اگر زائر دارای مال و ثروت و یا پست و مقام باشد، برای نوشتن پارچه‌های آنچنانی و جملات اغراق آمیز از یکدیگر سبقت می‌گیرند و تا زائر به خانه برسد دهها و بعضاً صدها پارچه بر در و دیوار حاج آقا نصب کرده‌اند که از جوراجور و رنگارنگ بودن آنها آدمی حیرت می‌کند.

اولا این عمل خلاف شرع است و ناجایز؛

۳۳۳. (ذُبِحَ لِقَدُومِ الْأَمِيرِ) و نحوه کواحد من العظماء (یحرم) لآته اهل به لغیر الله و لو ذکر اسم الله تعالی) رد المحتار کتاب الذبائح/ احسن الفتاوی ۱/ ۵۰۵. اگر چنانچه برای تشریف‌فرمایی امیر و یا فردی دیگر از بزرگان (گوسفند یا گاو) ذبح کرده شود حرام می‌گردد هر چند که نام الله را هم به زبان بیاورد

ثانیاً: اسراف محض است که الله تبارک و تعالی از اسراف نهی نموده است؛
ثالثاً: نشان از ریا، و تملق دارد که این اعمال از یک مؤمن بعید است و...؛
رابعاً: و...



بنابراین باید از اینگونه اعمال دوری جست.

بسیاری از زائران گویند که ما راضی به اینکار نبوده‌ایم، این آقایان خود این کارها را انجام داده‌اند؟!

زائر عزیز! اگر حضرت تعالی راضی نیستی، جلوگیری از این عمل کار چندان مشکل و سختی نیست.

اولاً: هنگام سفر به تمام خویشاوندان و آشنایان و همکارانی که از آنها خداحافظی می‌کنی توصیه کن که هنگام بازگشت هرگز مرتکب چنین عملی نشوند.

ثانیاً: به افراد خانواده‌ات بسیار که هرکسی برای نصب پارچه‌ای آمد از او ممانعت بعمل آورید و اجازه‌ی چنین کاری را به وی ندهید.

ثالثاً: اگر باز هم این تدابیر کارساز نشد به محض اینکه تشریف آوردی قبل از ورود به خانه به یکی دستور بده که همه‌ی این پارچه نوشته‌ها از دیوار به زیر بیاورند مطمئن باش اگر قصد تو رضای الله تبارک و تعالی باشد هیچ کس گله نخواهد کرد. و تازه اگر گله هم کردند مهم نیست چون تو کار درستی انجام داده‌ای.

هدیه مشکلساز شده است

اغلب افراد را تصور بر این است که اگر به سفر حج و عمره رفتیم باید برای کلیه‌ی اعضای خانواده، خویشاوندان و آشنایان هدیه‌ای شایسته و درخور تهیه و تقدیم کرد.

زائر عزیز! سفر حج و عمره یک سفر معنوی است نه سفر تجاری، بنابراین این تصور را از ذهن بدر کن و انگهی برای این همه آدم مهم از کجا می‌توانی هدیه‌ای شایسته و مناسب‌شان آنان تهیه کنی، هیچ میدانی که باید چقدر هزینه کنی و چقدر وقت صرف کنی و چه نمازهایی را از حرم از دست بدهی تا به این مقصود برسی!!؟

پس از همین حالا خیال خود را راحت کن و فقط به بهترین هدایای آن سرزمین بسنده کن که عبارتند از:



۱ - آب زمزم

۲ - خرماى مدینه‌ی منوره و بویژه عجوّه؛

۳ - چوب مسواکی که رسول الله ﷺ و اصحاب کرام از آن استفاده می کردند.

چه بسیارند کسانی که هزینه‌ی سفر حج و عمره را دارند اما بخاطر همین هدایا از رفتن به این سفرها ابا دارند، اینها بدانند که اگر چنانچه بخاطر خرید هدایا از رفتن به سفر حج و عمره امتناع کنند و درحالیکه حج بر آنان فرض شده آن را انجام ندهند، گناهی سنگین را مرتکب شده‌اند که خداوند بحالشان رحم کند.

تا مدت‌ها نشستند در خانه

بعضی از زائران پس از بازگشت از زیارت حرمین شریفین تا مدت‌ها در منزل می‌نشینند تا مردم و دوستان برای زیارتشان بروند این عمل از نظر شرعی صحیح نیست. اگر کسی بخاطر ضرورتی که دارد چند روزی در منزل می‌ماند بحث دیگری است اما به این قصد که به زیارتش بروند جایز نیست بلکه پس از آمدن و رفع خستگی به کار خود بشتابد و مشغول شود.

اصطلاح «حاجی»

برادر عزیز! اینک که به زیارت حرمین شریفین مشرف شده‌ای و توفیق حق یارت گشته تا حج به جای آوری و هم اکنون که بازگشته‌ای منتظر مباش که هر فردی که تو را ملاقات نمود ترا «حاجی» خطاب کند و اگر نکرد از دست او عصبانی گردی، یا این عمل او را نسبت به خود بی حرمتی محسوب نمایی. و اگر خدای ناکرده چنین کردی بدان که حج تو خالص برای خدا و بدون ریا نبوده است! چون این عمل تو نشان از آن دارد که شیطان به عناوین مختلف درصدد آن است که حجت را با سم کشنده‌ی ریا مسموم نماید و ثواب آن را از بین ببرد.

و نیک بدان که فریضه‌ی حج همچون سایر فرایض (نماز - روزه - زکات) می‌باشد آیا شنیده‌ای به کسی که این فرایض را انجام می‌دهد (آقای نمازی - آقای روزه‌ای - آقای زکاتی) بگویند.

وانگهی رسول الله ﷺ و صحابه‌ی کرام و ائمه‌ی دین قطعاً حج به جای آورده‌اند؛ آیا تا

بحال در کتابی دیده‌ای و یا از عالمی شنیده‌ای که بگویند: حاجی حضرت محمد ﷺ یا حاجی حضرت ابوبکر ﷺ یا حاجی حضرت عمر ﷺ و یا حاجی امام زین العابدین و یا حاجی امام ابوحنیفه و یا حاجی امام شافعی و...!!!

پس اگر چنانچه به تو حاجی نگفتند رویت را ترش نکن و اعصاب را به هم نریز و درگیر هم نشو زیرا این کلمه نه چیزی را به تو اضافه می‌کند و نه چیزی را از تو می‌کاهد.

لطیفه

یکی از دوستان که روحانی کاروان بود تعریف می‌کرد که روزی خطاب به زوّار گفتم: اصطلاح «حاجی» جایگاهی ندارد. بنابراین انتظار نداشته باشید و شرعاً هم اجازه ندارید به مردم بگویید به شما حاجی بگویند. در همین اثنا یکی از زائرین خوش ذوق و کم سواد در حالی که قیافه‌ی جدی بخود گرفته بود رو به من کرد و گفت: شما چگونه چنین حرفی می‌زنید در حالی که اصطلاح حاجی در قرآن بکار رفته و خداوند حضرت ابراهیم(ع) را «حاج ابراهیم» گفته است؟!

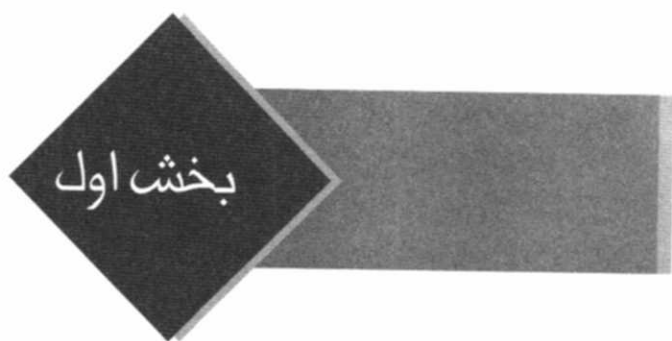
در پاسخ به وی گفتم: من تاکنون هرگز ندیده‌ام که خداوند در قرآن به حضرت ابراهیم(ع) را «حاج ابراهیم» گفته باشد!!

زائر گفتک من همین الان در خود قرآن به شما نشان می‌دهم. گفتم: بسم الله! و آن بنده‌ی خدا آیه‌ی ۲۵۸ سوره‌ی بقره را چنین تلاوت کرد: ﴿لَمْ تَرَ إِلَى الَّذِي حَاجَّ إِبْرَاهِيمَ فِي رَبِّهٖ...﴾ ببین خداوند گفته: «حاج ابراهیم»!!

در حالی که از قیافه‌ی جدی وی شگفت‌زده شده بودم گفتم: سبحان الله! و سپس در توضیح این مطلب خطاب به وی گفتم: بنده‌ی خدا!! مفهوم این آیه آنگونه که تو تصور می‌کنی نیست. کلمه‌ی «حاجّ» در این آیه هیچ ربطی به موضوع حجّ و حاجی ندارد و این کلمه در این آیه به معنی حاجی من و شما نیست. معنی آن چیز دیگری است. این فقط یک یک تشابه لفظی است و لاغیر...

باب سوم

دانستیهای مدینه‌ی منوره





فضایک مدینه‌ی منوره

مدینه‌ی منوره دارای فضایی است که از حدّ شمار بیرونند، و مدینه‌ی منوره مرکز تشعشع انوار اسلام بود، از مدینه‌ی منوره آفتاب عالم‌تاب اسلام به جاهای دیگر تابیدن گرفت.

مدینه‌ی منوره شهر کسانی است که نفس نفیس خود را در راه اسلام فدا کردند، و برای ابلاغ دین از همه چیز خود گذشتند.

مدینه‌ی منوره را فضیلت همین بس که آرامگاه رسول مکرم اسلام و در جوارش آرامگاه و آرامشگاه بیش از ده هزار نفر از یاران رسول الله ﷺ در آن قرار دارد.

مدینه‌ی منوره را فضیلت همین بس که بارزترین و مکرمترین قطعه‌ی زمین در آن قرار دارد، به اتفاق علمای اسلامی بارزترین قطعه‌ی زمین همان است که جسد مبارک رسول الله را در خود جای داده است.^{۳۳۴}

درباره‌ی مدینه‌ی منوره روایات بیشماری وارد شده است که فقط به ذکر چند مورد بسنده نماییم.

(عن انس بن مالک رضی الله عنه انه سمع رسول الله ﷺ يقول: اللَّهُمَّ اجْعَلْ بِالْمَدِينَةِ ضِعْفِي مَا جَعَلْتَ بِمَكَّةَ مِنَ الْبَرَكَةِ)^{۳۳۵}



«پروردگارا! دو برابر برکتی را که در مکه‌ی مکرمه قرار داده‌ای در مدینه‌ی منوره قرار بده.»

رسول الله ﷺ در فراز دیگری فرمودند: (ان الايمان ليأرز الى المدينة كما تأرز الحيّة الى جحرها) ^{۳۳۶}

«قطعاً ایمان به مدینه بازمی‌گردد آنگونه که مار به سوراخش بازمی‌گردد.»

رسول الله ﷺ در روایت دیگری چنین می‌فرمایند: (المدينة كالكير تنفي خبثها و ينفع طيها) ^{۳۳۷}

«مدینه‌ی منوره همچون کوره‌ی آهنگر است که بدکارش را دور می‌کند و نیکوکارش را خالص می‌گرداند.»

رسول مکرم اسلام ﷺ در مورد مدینه‌ی منوره می‌فرماید: (لايكيد اهل المدينة احد الا انماع كما ينماع الملح في الماء) ^{۳۳۸}

«کسی که مردم مدینه را فریب دهد در آب متلاشی می‌شود آنگونه که نمک در آب متلاشی می‌شود.»

از همه مهمتر اینکه دجال و طاعون را یارای ورود به آن شهر مقدس نیست.

رسول الله ﷺ فرمودند: (من استطاع ان يموت بالمدينة فليمت بها فأتى اشفع لمن يموت بها) ^{۳۳۹}

«کسی که بتواند در مدینه‌ی منوره از دنیا برود - سعی کند - که در آنجا بمیرد قطعاً من برای کسانی که در آنجا از دنیا می‌روند شفاعت خواهم نمود.»

فضیلت روزه در مدینه‌ی منوره

(عن ابن عمر رضی الله عنه قال: قال رسول الله ﷺ: صيام شهر رمضان بالمدينة كصيام الف شهر فيما سواه) ^{۳۴۰}

۳۳۶. بخاری ۶۷۸۱

۳۳۷. بخاری ۶۸۸۱

۳۳۸. ۶ و بخاری ۷۷۸۱ و ۰۸۸۱

۳۳۹. ترمذی ۷۱۹۳



حضرت عبدالله بن عمر رضی الله عنه روایت می کند که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «روزه ماه مبارک رمضان در مدینه‌ی منوره همانند روزه‌ی هزار ماه در جاهای دیگر می باشد.»

این روایت دلالت بر آن دارد که روزه هر روز به غیر از ماه مبارک رمضان در مدینه‌ی منوره برابر یا افضل از روزه‌ی هزار روز در جاهای دیگر می باشد.

پس زائر عزیز سعی کن چند روزی را که در مدینه سپری می کنی، روزه بگیری و این فرصت را از دست ندهی، از کجا معلوم که دیگر فرصتی دست دهد یا خیر.

فضیلت نماز جمعه در مسجد نبوی (در مدینه‌ی منوره)

(عن ابن عمر رضی الله عنه: قال رسول الله: صلاة الجمعة بالمدينة كالف صلاة فيما سواه)

حضرت عبدالله بن عمر رضی الله عنه روایت می کند که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: یک نماز جمعه در مسجد نبوی شریف (در مدینه‌ی منوره) همانند هزار نماز جمعه در جاهای دیگر می باشد.

و این روایت دلالت بر آن دارد که کلیه‌ی حسنات در مدینه‌ی منوره برابر یا افضل از هزار نیکی در جاهای دیگر می باشند آنگونه که حسنات مکه‌ی مکرمه برابر یا افضل از یکصد هزار می باشد.

فضیلت نماز در مسجد نبوی

آنگاه که رسول الله صلی الله علیه و آله ناچار به هجرت از مکه به مدینه‌ی منوره شدند، پس از قدوم و تشریف فرمایی به مدینه‌ی منوره نخستین اقدامشان بنای مسجد که محل نماز مؤمنین، مرکز تجمع مجاهدین، و در یک کلام پادگان مسلمانان بر علیه کفر، بشمار می رفت.

مکان مسجد نبوی را برگزیدند و از مالکان آن جویا شدند تا آن را خریداری نمایند. به آن حضرت صلی الله علیه و آله خبر داده شد که زمین مسجد (که قبلاً محل خشک کردن خرما بود) از آن دو کودک یتیم است بنام‌های سهل بن عمرو و سهیل بن عمرو، آن دو در محضر رسول الله صلی الله علیه و آله حاضر شدند و رسول الله صلی الله علیه و آله قیمت زمین را از آنان جویا شدند، آنها اعلام داشتند که زمین را بدون دریافت قیمت به رسول الله صلی الله علیه و آله واگذار خواهند نمود اما رسول الله صلی الله علیه و آله نپذیرفت و زمین را بنابر اقوال صحیح به قیمت ده دینار خریداری نمود که ابوبکر



صدیق رضی الله عنه بهای آن را پرداخت.^{۳۴۱}

بدینسان ابوبکر صدیق رضی الله عنه برای همیشه این امت را مدیون خویش ساخت و هر نمازگذاری که تا قیامت در این مسجد نماز می گذارد به نحوی حقی از ابوبکر صدیق رضی الله عنه به گردن اوست که لااقل با دعایی و سلامی آن را بایستی بجا آورد.

از آن پس رسول الله صلی الله علیه و آله درصدد بنای مسجد برآمدند و خود شخصاً وارد عمل شدند. نخستین سنگ بنای مسجد را رسول الله صلی الله علیه و آله با دستان مبارک خویش نهاد و سنگ دوم به دستور رسول الله صلی الله علیه و آله توسط ابوبکر صدیق رضی الله عنه و سنگ سوم به امر رسول الله صلی الله علیه و آله توسط حضرت عمر و سنگ سوم توسط حضرت عثمان و سنگ چهارم توسط حضرت علی نهاده شده و مسجد بنا گردید.

در گذر زمان مسجد رسول الله صلی الله علیه و آله بارها نیاز به توسعه و تعمیر پیدا کرده که بزرگترین توسعه‌ی آن در زمان آل سعود انجام گرفته است.^{۳۴۲}

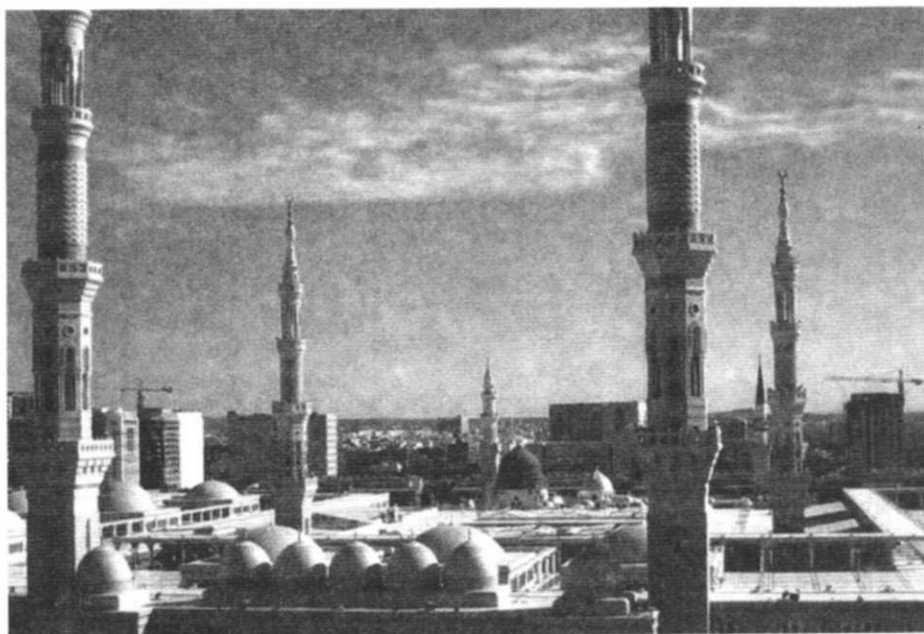
رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: (صلاة فی مسجدی هذا افضل من الف صلاة فیما سواه الا المسجد الحرام)^{۳۴۳}

یک نماز در این مسجد من افضل از هزار نماز در سایر مساجد است به جز مسجدالحرام.

۳۴۱. الطبیقات الکبری ۹۳۲/۱، عماره و توسعه المسجد النبوی شریف عبرالتاریخ ص ۱۴.

۳۴۲. وفاء الوفاء ۲۳۳/۱ عماره و توسعه المسجد النبوی الشریف عبرالتاریخ ص ۱۵.

۳۴۳. تاریخ المسجد النبوی شریف، تألیف دکتر الیاس عبدالغنی با اجازه‌ی کتبی جناب دکتر

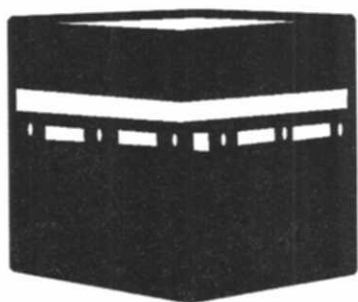


فضیلت چهل نماز در مسجد نبوی شریف

(عن انس رضی الله عنه ان النبی صلی الله علیه و آله قال: من صلی فی مسجدی اربعین صلاة کتبت له براءة من النار و براءة من العذاب و براءة من النفاق)

حضرت انس رضی الله عنه روایت می کند که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «کسی که چهل نماز در مسجد من ادا کند برای او برائت از آتش و برائت از عذاب ثبت می گردد و او از نفاق بری است.»

البته لازم به یادآوری است که اداء این نمازهای چهل گانه مستحب است و واجب و ضروری نیست اگر کسی فرصت نیافت که هشت روز در آنجا بماند و این نصاب را تکمیل کند، نگران نباشد خداوند بخشنده و مهربان است و هیچگونه خللی در زیارت مدینه‌ی



۲۶۲

زائر گرامی!
در مسجد نبوی هرگز صدایت را
بلند مکن.



ریاض الجنة

الله عزوجل با فضل و کرم و لطف بی پایان خویش به بسیاری از زمانها و مکانها ویژگیها و فضایی را عطا می کند که باعث افزایش ارزش و اهمیت آنها می گردد، و از آن جمله است مسجد نبوی شریف و در داخل مسجد نبوی شریف قسمتی وجود دارد که به آن «ریاض الجنة» (باغ بهشت) نامیده می شود و این نام برگرفته از این روایت رسول الله است که فرمودند: (ما بین بیتی و منبری روضة من ریاض الجنة و زادالبخاری و منبری علی حوضی) متفق علیه.

میان خانه ی من و منبر من باغی از باغهای بهشت است و منبر من بر روی حوض من است.

مشخص است که مراد از حوض «حوض کوثر» است که الله تبارک و تعالی در روز قیامت آن را به رسول الله عطا می کند و آنحضرت به پیروانش از آب آن حوض می نوشاند و کسیکه از آب آن نوشید دیگر هرگز تشنه نمی شود «اللهم اشربنا منه». آمین
تذکر: ریاض الجنة با فرشهایی پوشانده شده که با سایر فرشهای مسجد نبوی شریف متفاوت می باشند و تقریباً سبزرنگ می باشند و سایر فرشها قرمز رنگ می باشند.

منبر رسول الله ﷺ

منبر رسول الله ﷺ در سال هشتم هجری ساخته شد که دارای سه پله بود. و در سال ۶۵۴ ه. ق/ ۱۲۵۶ م. در آتش سوزی طعمه ی حریق شد و در جای آن منبری که پادشاه «اکرم خان» فرستاده شد و منبر چندین مرتبه عوض شده است و

یکی از آنها منبری بود که توسط سلطان مراد سوم (پادشاه عثمانی) در سال ۹۹۸ ه. ق. فرستاده شد نصب گردید و منبر موجود در مسجد نبوی شریف همان منبری است که سلطان مراد سوم آن را فرستاده است.^{۳۴۴}

اما در مورد فضیلت منبر رسول الله روایات متعددی وارد شده است که به ذکر چند مورد اکتفا می‌نماییم.

رسول الله ﷺ فرمودند: (مابین بیتی و منبری روضه من ریاض الجنة و منبری علی حوض)^{۳۴۵} «میان خانه‌ی من و منبر من باغی از باغهای بهشت است و منبر من بر روی حوض من [= حوض کوثر] است.»

علو شأن منبر را در این روایت می‌توان مشاهده نمود که رسول الله ﷺ فرمودند: (لا يحلف احدٌ عند منبري هذا على يمين آئمة، ولو على سواك اخضر الا تبوأ مقعده من النار، او وجبت له النار)^{۳۴۶}

«هیچ احدی کنار این منبر من سوگند دروغین یاد نمی‌کند حتی اگر بر چوب سبز مسواکی (هم) باشد مگر اینکه جایگاهش را از جهنم آمده نماید یا جهنم بر او واجب می‌شود.»

۳۴۴. تاریخ المدینه المنوره ص ۲۷.

۳۴۵. بخاری ۸۸۸۱.

۳۴۶. ابوداود ۶۴۲۳.



ستونهای مشهور مسجد نبوی شریف

مسجد النبی^{۳۴۷} در مدینه منوره در حال حاضر دارای چندین هزار ستون می باشد که ستونهای مسجد زمان رسول الله ﷺ از اهمیت ویژه ای برخوردارند که در طول تاریخ و در همه ی توسعه و گسترشهای مسجد مکان آنها همچنان تا به امروز ثابت و لا یتغیر باقی مانده است که به مهمترین آنها بصورت گذرا اشاره خواهیم کرد.

۱ - ستون مخلقه

این ستون در مکان درخت خرمایی که رسول الله ﷺ کنار آن نماز می خواندند و به خاطر آنکه که معطر کرده شد به آن مخلقه گویند.

۲ - ستون عائشه^{رضی الله عنها}

این سومین ستون از منبر و از قبر و از قبله می باشد به آن ستون «قرعه» و ستون «مهاجرین» و ستون «مخلقه» نیز می گویند.

رسول الله ﷺ فرمودند در این مسجد مکانی هست که اگر مردم آن را می دانستند (برای نماز خواندن آنچنان هجوم می آوردند) که مجبور می شدند قرعه کشی کنند. و االمومنین عائشه^{رضی الله عنها} آن مکان را که کنار همین ستون باشد برای مردم اعلام داشتند.

۳۴۷. مولوی می گوید:

کمتر ز چوبی نیستی حنانه شو حنانه شو

۳ - ستون ابولبابه علیه السلام

این چهارمین ستون از منبر و دومین از قبر و سومین از قبله می باشد. چون حضرت ابولبابه (رفاعة بن منذر) خود را با آن بست و در آنجا توبه اش قبول شد، آن را ستون ابولبابه گویند و همینطور به آن ستون توبه نیز می گویند.

۴ - ستون سریر

این ستون چسبیده به دیوار روضه ی اطهر و در قسمت شرق ستون توبه واقع شده است. و رسول الله صلی الله علیه و آله به هنگام اعتکاف در این مکان معتکف می شدند.

۵ - ستون محرس (نگهبانی) (علی ابن ابیطالب)

این ستون نیز چسبیده به شبکه های دیواره ی روضه ی اطهر و در سمت شمال بعد از ستون سریر قرار دارد. چون حضرت علی علیه السلام کنار آن می نشست و از رسول الله صلی الله علیه و آله محافظت می نمود به این نام مشهور شده است.

۶ - ستون وفود

این ستون نیز چسبیده به شبکه های دیواره ی روضه ی اطهر و از سمت شمال پشت ستون محرس واقع شده است. و رسول الله در این مکان با هیتهای اعراب ملاقات می کرد.

۷ - ستون مربعة القبر

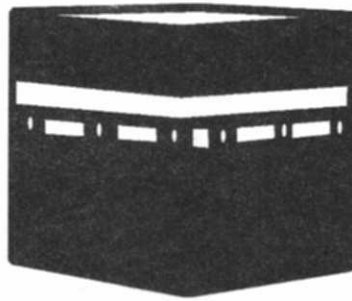
در داخل دیوارهای روضه ی شریف واقع شده و کنار آن دروازه ی خانه ی حضرت فاطمه ۲ قرار دارد.^{۳۴۸}

۸ - ستون تهجد

پشت سرخانه ی فاطمه علیه السلام قرار دارد و مکان تهجد رسول الله صلی الله علیه و آله بوده است.^{۳۴۹}

۳۴۸. تمام این مطالب برگرفته از کتاب «تاریخ المسجد النبوی شریف تالیف دکتر الیاس عبدالغنی می باشد که کتباً به نگارنده اجازه ترجمه ی آن را داده است و به زودی در دسترس علاقه مندان قرار می گیرد.

۳۴۹. عمارة وتوسعة المسجد النبوی الشریف عبدالتاریخ - ص ۳۷.



زائر گرامی!

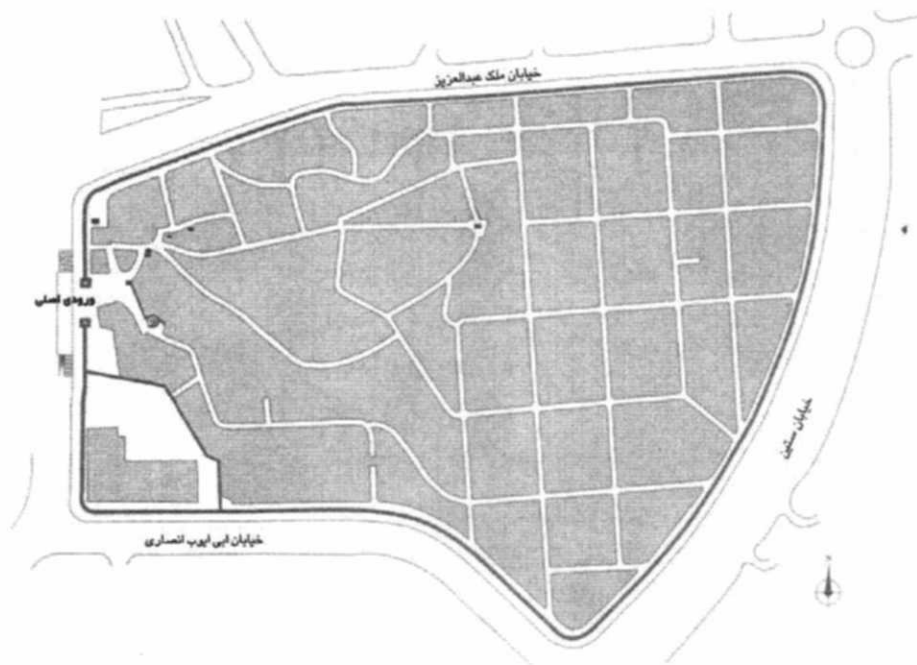
رسول اللہ ﷺ فرمودند :

**سنگین ترین چیز در ترازوی -
اعمال - مومن اخلاق نیکو است.**

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم
بسم الله الرحمن الرحيم

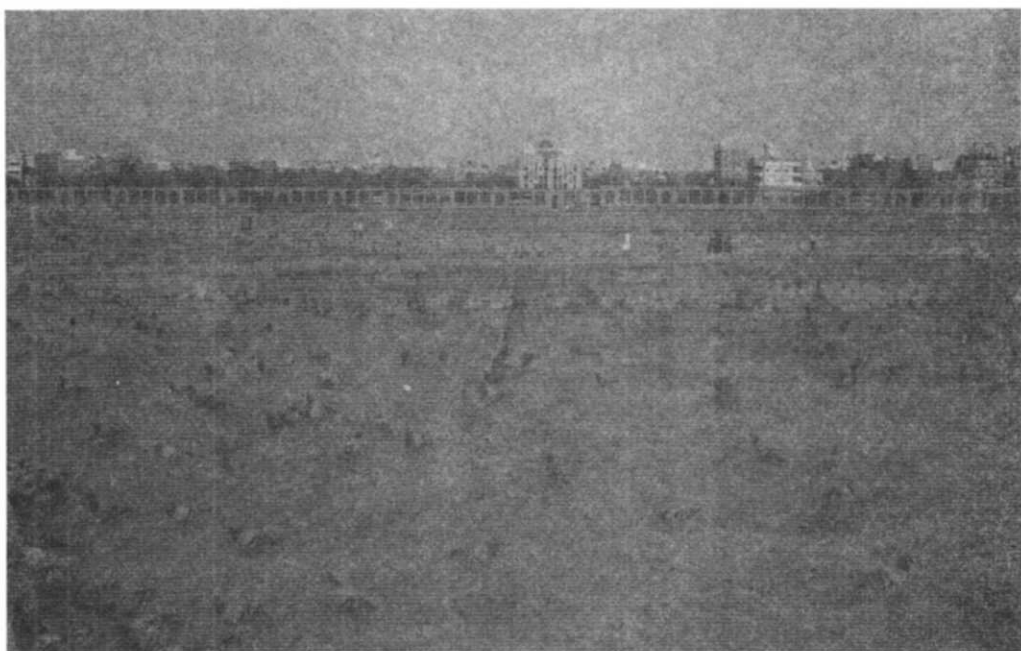
﴿وَالَّذِينَ تَبَوَّءُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَلَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِمَّا أُوتُوا وَيُؤْثِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُوقِ شَعْنَ نَفْسِهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿١﴾﴾ وَالَّذِينَ جَاءُوا مِنْ بَعْدِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ ﴿١٠﴾﴾ (حشر: ۱۰-۹)

«و نیز آنان راست که جای گرفتند به دارالسلام و جای پیدا کردند در ایمان پیش از مهاجران؛ دوست می دارند هر که را هجرت می کند به سوی ایشان و نمی یابند در خاطر خود دغدغه ای از طرف آنچه داده شد مهاجران را و دیگران را اختیار می کنند بر خویشان و اگر چه باشد ایشان را احتیاج و هر که نگاه داشته شد از حرص نفس خودش پس آن جماعت، ایشان رستگاران. و نیز آنان راست که آمدند بعد از مهاجران و انصار می گویند: ای پروردگار ما! پیامر ما را و برادران ما را که سبقت کردند بر ما به ایمان آوردن و پیدا مکن در دل ما هیچ کینه به نسبت آنان که ایمان آوردند. ای پروردگار ما! هر آینه تو بخشاینده ی.»



فضایک بقیع الغرقد

قبرستان بقیع برای عاشقان و آشنایان حرم و حریم شاهفرد فرزندان آدم، گل سرسبد هستی، آبر پیامبر عالم، حضرت محمد مصطفی ﷺ بقدری نام آشناست که نیازی به تعریف آن نیست، قبرستان بقیع، قبرستانی است که بیش از ده هزار^{۲۵۰} از ستارگان



تابان خورشید رسالت در آن آرمیده‌اند، و آرام‌شدن در آن آرزوی هر مسلمان صادقی است، زیرا که آرمیدن در آن شفاعت بی‌چون و چرای رسول‌الله را در پی خواهد داشت.

(قال النبی ﷺ من استطاع ان يموت في المدينة فليمت بها فاني اشفع لمن يموت بها)^{۳۵۱}

«هرکسی که می‌تواند در مدینه بمیرد پس سعی کند در آنجا از دنیا برود زیرا - که قطعاً من برای کسانی که در آنجا از دنیا بروند شفاعت خواهم نمود.»

بقیع آن قبرستانی که بیش از هفتاد هزار نفر همچون ماه شب چهارده از ساکنانش بی‌حساب و کتاب رهسپار بهشت برین خواهند شد.

(قال النبی ﷺ «اترین هذه المقبرة (لبقيع الغرقد)؟ يبعث الله منها سبعين الفا يوم القيامة على صورة القمر ليلة البدر يدخلون الجنة بغير حساب»)^{۳۵۲}

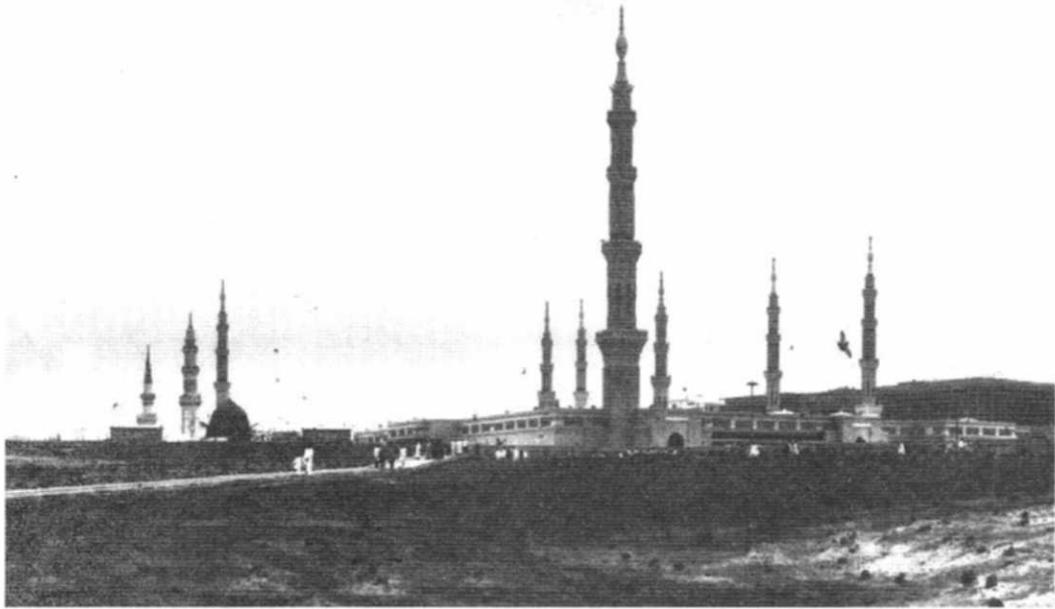
برای اهل بقیع همین فضیلت بس، که تا قیامت همسایگان رسول‌الله ﷺ هستند و همین بس که رسول‌الله ﷺ در حقشان فرموده: (اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِأَهْلِ الْبَقِيعِ الْغَرَقَدِ)^{۳۵۳}

برای اهل بقیع همین بس که رسول‌الله در دل شب از طرف خالق بی‌همتا مأموریت می‌یابد که برایشان دعا کند.^{۳۵۴}

۳۵۱. ترمذی ۹۱۷/۵ ابن ماجه.

۳۵۲. الثقات ابن حبان ۹۶۲/۱ مستدرک حاکم ۸۶۵/۴.

۳۵۳. صحيح مسلم ۹۶۶/۲.



کدام فضیلت بقیع را بیان توانم کرد؟! آنکه رسول الله فرمودند: «من نخستین کسی خواهم بود که سر از قبر برخوایم افراشت و از پی من ابوبکر رضی الله عنه و عمر رضی الله عنه سر از خاک برخوانند آورد و از آن پس اولین کسانی که سر از خاک برخوانند افراشت اهل بقیع هستند و از پی آنها اهل مکه می مکره.»

(عن ابن عمر رضی الله عنه قال: قال رسول الله: انا اول من تنشق عنه الارض، ثم ابوبکر ثم عمر ثم آتی اهل البقیع فیحشرون معی، ثم انتظر اهل مکه فاحشر بین الحرمین) ^{۳۵۵}

در بقیع اهل بیت رسول الله و دخترانش (زینب رقیه، ام کلثوم و فاطمه) رضی الله عنهن و همسرانش بجز از خدیجه و میمونه در آنجا آرمیده اند و ساکنانش ایمن از هول قیامت سر از خاک برخوانند داشت.

(عن جابر رضی الله عنه قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله من مات فی احد الحرمین بعث آمنا یوم القیامة) ^{۳۵۶}

علت نامگذاری

بقیع و بقعه به قطعه ای وسیع از زمین که دارای درخت است اطلاق می شود که جمع آن «بَقْع و بَقاع» می آید.

غرقد: به درخت های بزرگ عوسج (خار درخت) ^{۳۵۷} گفته می شود که در این مکان

وجود داشته، به همین خاطر به «بقیع الغرقه» مشهور شده است.^{۳۵۸}
 قبلاً خارج از مدینه‌ی منوره و در جهت شرق مسجد نبوی واقع بوده است.^{۳۵۹} اما اکنون
 ملصق به میادین مسجد نبوی و داخل مدینه‌ی منوره است.
 علامه شنیطی می‌گوید: «معنای لغوی بقیع زمین نرم و خالی از سنگ است و معمولاً
 اینگونه زمینها را برای مقبره انتخاب می‌کنند و در مدینه‌ی منوره چندین بقیع از قبیل
 بقیع الخیل، بقیع الزبیر و... وجود دارد اما اینک این لفظ برای مقبره‌ی مدینه‌ی منوره
 بصورت اسم خاص در آمده است.»^{۳۶۰}

حکم آن

فقط دعا برای اهل آن

(عن عائشة رضی الله عنها ان النبی صلی الله علیه و آله کان یخرج الی البقیع فیدعولهم فسالته عائشة عن ذلک فقال: انی
 امرت ان ادعولهم)^{۳۶۱}

ام‌المومنین عائشه رضی الله عنها روایت می‌کند که رسول‌الله صلی الله علیه و آله به بقیع میرفت و برایشان دعا
 می‌کرد، از آنحضرت صلی الله علیه و آله - علت - را جویا شدم، فرمودند: من دستور داده شده‌ام تا برایشان
 دعا کنم.

در روایتی از ام‌المومنین دعای زیر وارد شده است (السَّلَامُ عَلَیْكُمْ دَارَ قَوْمٍ مُؤْمِنِينَ، وَآتَاكُمْ
 مَا تُوَعَدُونَ غَدًا مُّجَلِّوْنَ وَ اَنَا اِنْ شَاءَ اللهُ بِكُمْ لَاحِقُونَ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِأَهْلِ الْبَقِيعِ الْغَرَقَةِ)^{۳۶۲}
 برای دعای قبرستان روایات متعدد با دعاهایی که اندکی تفاوت دارند ذکر شده است،
 حال هرکس هر دعایی از آنها را بخواند کفایت می‌کند.

اولین مهاجری که در بقیع دفن شد

ابورافع رضی الله عنه روایت می‌کند که رسول‌الله صلی الله علیه و آله مقبره‌ای را در مدینه‌ی منوره جستجو
 می‌کرد - و به این منظور این طرف و آن طرف می‌رفت تا مکان مورد نظرش را بیابد -
 تا اصحاب کرام را در آنجا دفن کند و اولین مهاجری که در آن دفن کرده شد حضرت

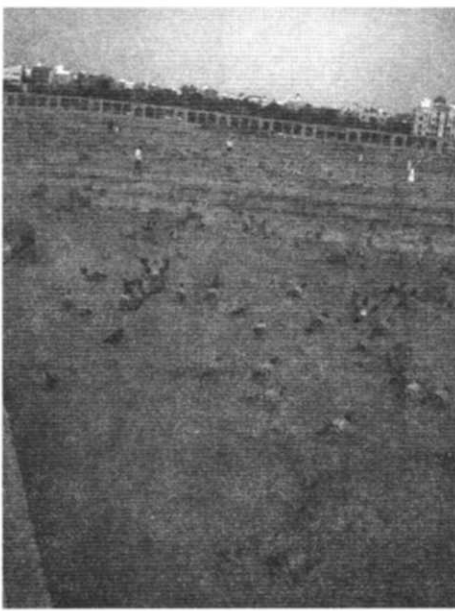
۳۵۸. بقیع الغرقه ص ۷۱.

۳۵۹. بقیع الغرقه ص ۱۲.

۳۶۰. الدارلیمثن ص ۰۱۱.

۳۶۱. مستند احمد ۲۵۲/۶، صحیح ابن حبان ۵۴/۶۱.

۳۶۲. صحیح مسلم ۹۶۶/۱.



«عثمان بن مظعون» رضی اللہ عنہ بود ^{۳۶۳}...

اولین انصاری که در بقیع دفن شد

اولین کسی که از انصار در بقیع به خاک سپرده شد ابوامامه اسعد بن زراره‌ی انصاری است که به او «اسعدالخير» نیز می‌گفتند. یکی از بزرگان انصار بود و او اولین کسی بود که با رسول الله بیعت نمود و در هر سه بیعت انصار که قبل از هجرت در مکه‌ی مکرمه انجام گرفتند، حضور داشت. ^{۳۶۴}

چرا اهل بقیع این همه عزیزند؟!

زائر عزیز! قبل از پرداختن به پاسخ سؤال فوق توجه شما را به چند نکته جلب می‌نمایم: نخست اینکه نیک بدانیم تنها راه سعادت دنیا و آخرت پیروی کردن از دستورات دین و سنت‌های رسول مکرم اسلام است. چون الله تبارک و تعالی فرموده است: (قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ)

«بگو اگر الله را دوست دارید پس از من - رسول الله - پیروی کنید - تا - الله تبارک و تعالی شما را دوست بدارد.»
(مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ)

«کسی که از رسول الله پیروی کند قطعاً او از الله تبارک و تعالی پیروی کرده است.»
پس برادر عزیز! رسول الله صلی اللہ علیہ وسلم برای زیارت قبور آدابی را بیان داشته و خود نیز عمل کرده است. پس من و شما نیز بر آنان عامل باشیم تا رستگار شویم.

بر قبرها ننشینید و به سوی آنها نماز نخوانید

۱ - (عن جابر قال: نهى النبي صلی اللہ علیہ وسلم أن تجصص القبور و أن یکتب علیها و أن ینبئ علیها و أن توطأ) ^{۳۶۵}

۳۶۳. خجنه درختی است که در این مکان وجود داشت.

۳۶۴. بقیع الغرقه ص ۲۵ - الاصابه ۴۳/۱.



رسول الله ﷺ از محکم کردن قبرها با گچ و سیمان و از اینکه بر روی آنها نوشته شود و یا بر آنها بنا ساخته شود و یا اینکه زیر پا گذاشته شوند نهی کرده است.

۲ - فرد زائر بر قبرستان وارد شود و ایستاده دعا کند و برگردد.^{۳۶۶}

دوم اینکه بخوبی می‌دانیم و باید بدانیم چون روح از بدن آدمی خارج شد دیگر از آن فرد هیچ کاری ساخته نیست، هر کس که می‌خواهد باشد چون رسول الله ﷺ فرمودند: (اذا مات الانسان انقطع عمله الا من ثلاثة: من صدقة جارية، او علم ينتفع به او ولد صالح يدعو له)^{۳۶۷}

«وقتی که انسان از دنیا برود عملش از دنیا منقطع می‌شود = دیگر قادر نخواهد بود که در دنیا کاری انجام دهد حتی قادر نخواهد بود که به خودش سودی برساند و یا از خویشتن ضرری را دفع نماید، پس چه رسد به نفع و ضرر رساندن به دیگران مگر از سه چیز: ۱- صدقه جاریه، ۲- علمی که بدان نفع حاصل شود ۳- و فرزند صالحی که برایش دعا کند.»
زائر عزیز! پس ما فقط به قبرستان بقیع می‌رویم تا برایشان دعا کنیم آنگونه که رسول الله ﷺ برایشان دعا کرده است. (انی امرت ان ادعولهم ای اهل البقیع)^{۳۶۸}

همانا من دستور داده شدم تا برای اهل بقیع دعا کنم پس ما هم دعا می‌کنیم و سعی خواهیم کرد تا از آنان پیروی کنیم.

امروز ما که به زیارت مسجد نبوی شریف در مدینه منوره مشرف می‌شویم پس از عرض سلام به نبی مکرم ﷺ اسلام و ابوبکر رضی الله عنه و عمر رضی الله عنه که در جوار آنحضرت آرمیده‌اند، دلمان می‌خواهد به آنانکه در بقیع آرمیده‌اند و همسایگان رسول الله هستند، و برای رساندن دین اسلام به اکناف عالم از نفس و نفیس خود گذشتند و به برکت جانفشانیهای آنهاست که امروز ما از نعمت والای اسلام که هیچ نعمتی با آن برابری نمی‌کند برخورداریم، ادای دین کنیم و سلامی عرض نماییم پیش از عرض سلام و خواندن دعای اموات درصدد آن هستیم که کسی را پیدا کنیم تا به ما بگوید این قبر فلانی است و این قبر از آن فلان کس دیگر است؟! غافل از اینکه از خودمان بپرسیم که اینها چکار کردند، که این همه عزیز شده‌اند که تا قیام قیامت میلیونها انسان برایشان دعا می‌کنند و به این قبرستان می‌آیند؟! و سلام عرض می‌کنند! بی‌آنکه از خویشتن سؤال کنیم که اینها چه چیزی داشته‌اند که اینهمه عزت و شرافت نصیبشان شده است؟ که بعد از رسول الله ﷺ و ابوبکر رضی الله عنه و عمر رضی الله عنه سر از خاک برخوانند افراشت؟! و بیش از

هفتاد هزار نفر از آنان ایمن از هول قیامت، فارغ از بازخواست و حساب و کتاب، همچون ماه شب چهارده نورانی و درخشان وارد بهشت برین خواهند شد؟!



آیا اینها در دنیا مُلک و پادشاهی داشته‌اند؟ آیا اینها پُست و مقام داشته‌اند؟ آیا آنها از مال و ثروت فراوان برخوردار بوده‌اند؟! و... که بخاطر آن، اینهمه عزیز و محبوب و مکرم شده‌اند؟

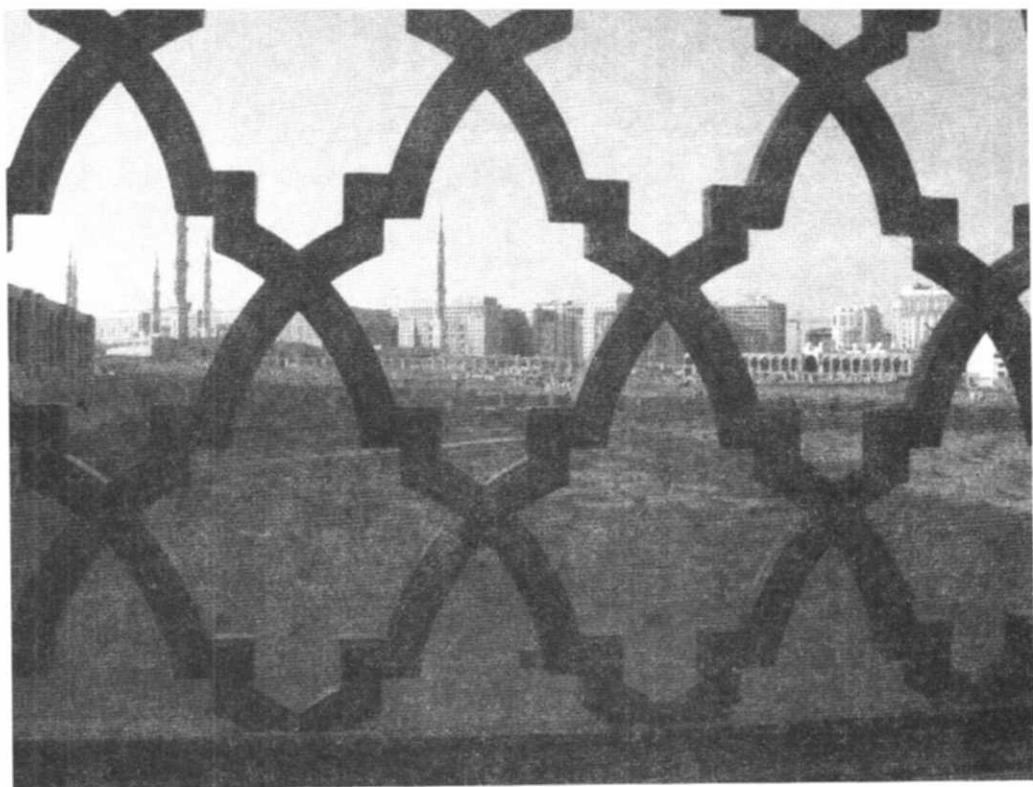
هرگز این قبیل سؤالات را از خود نمی‌پرسیم تا به جوابی برسیم و آن‌چه را که باعث عزت و شوکت آنان شده که پس از گذر صدها سال همچنان عزیز و مکرم باقیمانده‌اند، سرمشق خویش قرار دهیم و این بهترین ارمغانی باشد که از آن سرزمین مقدس به دیار خویش بیاوریم و به آنان تآسی جسته و به اعمالشان اقتدا کنیم تا باشد که ما نیز اینچنین راحت و فارغ از دنیا رخت بر بندیم و نزد خالق بی‌همتا عزیز شویم و مکرم.

آری! آنچه که آنان را اینچنین گرمی کرده است، حکومت و سلطنت نیست، مال و ثروت نمی‌باشد، جاه و جلال نیست بلکه ایمان راسخی است که به الله تبارک و تعالی داشته‌اند، به رسولش ایمان آورده‌اند و به دستوراتش گردن نهاده‌اند، به دنیا دل نبسته‌اند شیفته‌ی خدمت بوده‌اند نه تشنه‌ی قدرت، و نه شهرت و نه ثروت، در یک کلام آنان به معنای واقعی کلمه مسلمان بوده‌اند، تجسم عینی اسلام و تربیت یافتگان مکتب رسول الله ﷺ بوده‌اند و تا آخرین لحظه‌ی زندگی از آموزه‌های پیامبرشان دست‌بردار نبوده‌اند و به دنیا، قدرت، شهرت و ثروت فریفته نشده و دل نباخته‌اند.

به همین خاطر است که خداوند اینهمه عزیزشان داشته است و گرمی، خودت اندکی سر به جیب تفکر فرو ببر و راجع به این راز بیندیش تا خدای یکتا این رمز را به رویت بگشاید چه که او خود فرموده است: (وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا) و پس از آن تو نیز عمل کن تا سعادت دارین دنیا و آخرت نصیب گردد. (وَمَا ذَلِك عَلَى اللَّهِ بَعِزٍ) که این کار بر خداوند گران نیست.

نیک می‌دانیم که بیش از ده هزار نفر از یاران صدیق و اصحاب گرانقدر رسول الله ﷺ اصحابی که خداوند در این دنیا قبل از رحلتشان رضایتش را از آنان اعلام داشته است، (رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ). در این قبرستان آرمیده‌اند و در خلال این چهارده قرن هزاران نفر دیگر در آن جا به خاک سپرده شده‌اند، کسی چه می‌داند که این قبر از آن کیست و آن دیگر از آن چه کسی است؟

تازه کسی بداند، دانستن آن چه سودی برای من و تو دارد؟! مگر نه این است که من و



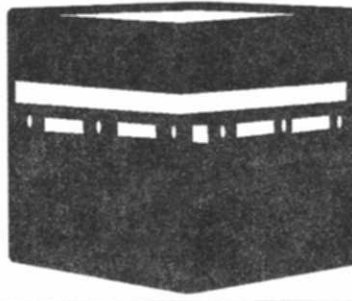
تو مؤظف شده‌ایم که به آنجا رفته و دعایی بخوانیم، همین و بس.
از آنان درس عبرت بگیریم و توشه‌ای برای این مکان تنگ و تاریک، مکان تنهایی و وحشت بگیریم.

(قال النبی ﷺ الا انی قد کنت نهیکم عن زیارة القبور الا فزوروا فانه یرق القلب و تدمع العین و تذکر الآخرة ولا تقولوا هجرآ) ۳۶۹

خلاصه تنها قبری که در بقیع صددرصد یقینی است قبر حضرت عثمان بن عفان رضی الله عنه است و سایرین را گویند این محدوده‌ی قبر بنات النبی است این محدوده‌ی قبر زوجات النبی است، این محدوده‌ی قبر حضرت حسن و زین العابدین، و حضرت عباس است و.. درست است و تردیدی نیست که زوجات پیامبر و دخترانش زینب و رقیه و ام کلثوم و فاطمه در آنجا آرمیده‌اند، و ما نیز محدوده‌ی قبور آنان را می‌دانیم.

اما بهتر آن نیست که بجای صرف کردن وقت برای شناسایی قبور این و آن به تفکر مشغول شویم و کارنامه‌های آنان را مرور نماییم و به ذکر، دعا مشغول شویم، و به آنچه که مأمور شده‌ایم عمل کنیم، قطعاً که این عمل ثوابش برایمان بیشتر خواهد بود.

بیندیشیم که چسان و چگونه آنان به این شرف نایل شده‌اند؟! و ما نیز راه آنان را دنبال کنیم تا در آخرت همنشین و همراه آنان شویم.



زائر عزیز!

رسول اللہ ﷺ فرمودند :

بهترین شما کسی است که نسبت
به خانواده‌اش بهتر باشد و من از
این نظر از همه‌ی شما بهترینم.



مسجد قبا

﴿لَا نَقُفُ فِيهِ أَبَدًا لِمَسْجِدٍ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَىٰ مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَطَهَّرُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُطَهَّرِينَ﴾ (توبه: ۱۰۸)

«هنگام هجرت رسول الله ﷺ وارد منطقه قبا شد و در منزل کلثوم بن هدم رحل اقامت افکند و معمولاً برای ملاقات مردم به منزل سعد بن خيثمه که مجرد بود تشریف می بردند. ۳۷۰»

اولین مسجد را در مکان مسجد فعلی (قبا) بنانهاد و حضرت جبرئیل قبله را به آنحضرت ﷺ نشان دادند و رسول الله شخصاً در بنای آن شرکت نمودند و سنگ می آوردند و آن را می ساختند.

خداوند متعال در آیهی فوق مسجد قبا را ستوده است. و پس از وی خلفا در تعمیر و تجدید آن سعی بلیغ نموده اند.

علت نامگذاری

و بخاطر چاهی که در آن جا قرار داشته «قبا» نام گرفته است.

فضایک مسجد قبا

قبلاً گذشت که خداوند متعال در قرآن کریم آنرا مورد ستایش قرار داده است.



(عن ابن عمر رضی اللہ عنہ قال: کان النبی صلی اللہ علیہ وسلم یاتی مسجد قباء کل سبت ماشیاً و راکباً) ^{۳۷۱}
 حضرت عبداللہ بن عمر رضی اللہ عنہ فرمودند: رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم ہر شنبہ پیادہ و سوارہ بہ مسجد قبا تشریف می بردند. و او خود نیز ہر شنبہ بدانجا می رفت.
 علامہ ابن حجر «رہ» می فرماید: «کہ رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم در روزهای شنبہ بدانجا تشریف می برد تا از حال انصاری کہ روز جمعہ شرکت نداشتند جویا شوند.» ^{۳۷۲}
 در روایت دیگری رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم فرمودند: (الصلوة فی مسجد قبا کعمرة) ^{۳۷۳}
 «نماز در مسجد قبا برابر با یک عمرہ است.»

علاوہ از اوقات مکروہہ نماز در مسجد قبا جایز است. و حضرت عبداللہ بن عمر رضی اللہ عنہ فرمودند: «هیچ کس را از نماز خواندن در ہر زمان از شب و روز منع نمی کنم مگر آنکہ باید بہ هنگام طلوع و غروب آفتاب قصد نماز خواندن ننماید.» ^{۳۷۴}
 درباره ی مسجد قبا روایات بیشمار وارد شدہ است و ما بخاطر آنکہ قصد ما اختصار است بہ ذکر ہمین چند مورد بسندہ نمودیم.

تذکر : معمولاً زائران مناطق ما، ہمیشہ سعی دارند بعد از ادای نماز فجر در مسجد نبوی شریف، بلافاصلہ راہ بیفتند و خود را برای ادای نماز اشراق بہ مسجد قبا برسانند. تا ثواب عمرہ را کسب کنند.

این مطلب در هیچ کتابی حدیث نشدہ است، بلکہ آنچه کہ در روایات صحیحہ وارد شدہ این است کہ ہر وقت از روز بدانجا رسید دو رکعت نماز تحیۃ المسجد و یا نفل بخواند خداوند ثواب یک عمرہ را بدانہا عطا خواہد نمود. اما اینکہ حتماً آن نماز باید نماز اشراق باشد چنین روایتی وجود ندارد.

زائر محترم! ثواب نماز اشراق را در مسجد نبوی شریف کہ یک نماز در آن برابر با ہزار نماز است از دست ندہ.

در طول روز این فرصت را داری کہ بہ مسجد قبا بروی و با خواندن دو رکعت ثواب عمرہ را نیز کسب کنی.

در روایت صحیح بخاری است کہ «عبداللہ بن عمر رضی اللہ عنہ» نماز ضحی ^{۳۷۵} (چاشت)

۳۷۱. بخاری حدیث شماره ۳۹۱۱.

۳۷۲. فتح الباری ۴۵/۳.

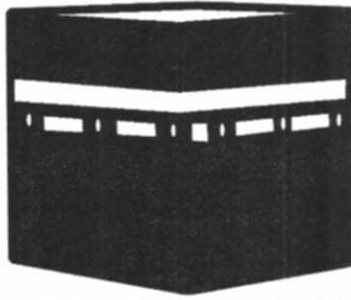
۳۷۳. رواہ الترمذی احمد القری ص ۸۸۶.

۳۷۴. صحیح البخاری حدیث شماره ۲۹۱۱.

نمی‌خواند مگر در دو روز، روزی به مکه می‌رسید که معمولاً به وقت ضحی بدانجا می‌رسید و پس از طواف دو رکعت در پشت مقام ابراهیم بجا می‌آورد و روزی که به مسجد قبا می‌آمد...»^{۳۷۶}

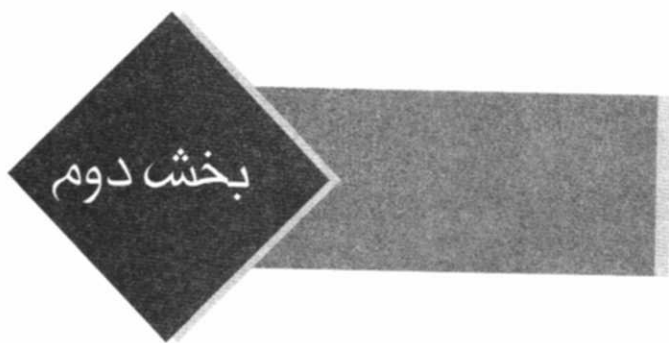


مسلم است که وقت چاشت وقت اشراق نیست. بعضاً مشاهده شده است که زائر بعد از نماز فجر در هوای سرد پای پیاده راه افتاده تا به مسجد قبا برسد و در این اثنا دچار سرماخوردگی شده و بعداً به زور قادر بوده که خود را به نماز جماعت مسجد نبوی برساند.



زائر عزیز!

هرگز از رسول الله شفای بیماریت و
یا حل مشکلات را طلب مکن، چون
شفادهنده الله هست و حل کننده‌ی
مشکلات نیز فقط اوست.





ورود به مدینه‌ی منوره

مدینه‌ی منوره (مدینه‌الرسول) شهری است که آرامگاه رسول الله ﷺ در آن قرار دارد و بیش از ده هزار از اصحاب کرام در آن بخاک سپرده شده‌اند، شهری است که دجال و طاعون را یارای ورود به آن نیست.

اینک که قصد داری به سوی آن حرکت کنی بهترین لباس خود را بپوش و سعی کن که زبانت درود شریف را ترنم نماید و ادب و احترام آن سرزمین را در ذهن و دلت مجسم کن و جانفشانی رسول الله ﷺ و فداکاری یارانش را مقابل دیدگانت تجسم کن و ذهن و دلت را معطوف آن حضرت و آن سرزمین مقدس بنما و هنگامیکه درختان مدینه‌ی منوره به نظرت رسیدند درحالیکه درود شریف می‌خوانی دعای زیر را بخوان «اللهم هذا حرم نبیک، فاجعله وقایه لی من النار و اماناً من العذاب و سوء الحساب»^{۳۷۷}

و هنگام ورود به مدینه‌ی منوره این دعا را بخوان «رَبِّ ادْخِلْنِيْ مُدْخَلَ صِدْقٍ وَاَخْرِجْنِيْ مُخْرَجَ صِدْقٍ وَاَجْعَلْ لِيْ مِنْ لَّدُنْكَ سُلْطٰنًا نَّصِيْرًا...»^{۳۷۸}

یا هر دعای دیگری که دوست داری به زبان خودت با آن زبانت را تر و تازه کن.



روضه‌النبی ﷺ قبه خضراء

(حجره ام المؤمنین^{۳۷۹} عایشه رضی الله عنها آرامگاه رسول ﷺ و ابوبکر صدیق رضی الله عنه و عمر فاروق رضی الله عنه) رسول الله ﷺ در واپسین روزهای حیات گهربار خویش به شدت مریض شده و در حجره‌ی ام المؤمنین حضرت عایشه رضی الله عنها بستری شدند و ام المؤمنین عایشه رضی الله عنها با تمامی وجود از آنحضرت مراقبت و پرستاری می نمودند.

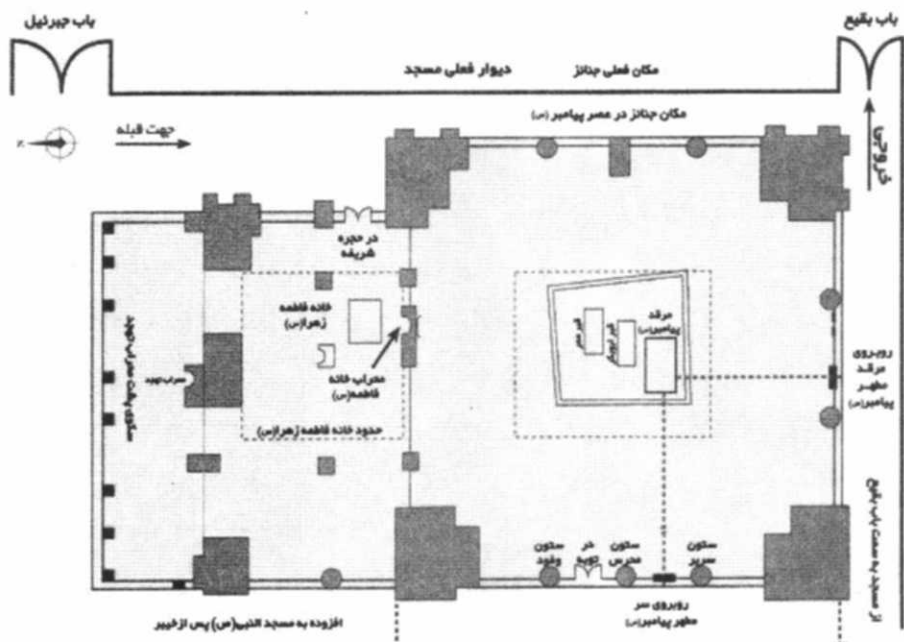
هنگامیکه پیک حق برای انتقال روح والای آنحضرت ﷺ به حجره آمد و روح مبارک را در حالی از بدن مبارک حضرت رسول ﷺ بیرون آورد که سر مبارکش بر سینه‌ی مبارک همسر عزیزش حضرت عایشه رضی الله عنها قرار داشت؛ و بدین سان پیک حق را لبیک گفته و به ملکوت اعلی پیوستند و برای همیشه ارتباط آسمان و زمین به وسیله‌ی وحی منقطع گردید. رسول الله ﷺ در حجره‌ی ام المؤمنین عایشه رضی الله عنها برای همیشه به خاک سپرده شدند و حجره‌ی ام المؤمنین عایشه رضی الله عنها آرامگاه ابدی آنحضرت ﷺ قرار گرفت.

بعد از وفات رسول الله ﷺ اصحاب بزرگوارش حضرت ابوبکر صدیق رضی الله عنه را بعنوان خلیفه و جانشین آنحضرت انتخاب نمودند و حضرت ابوبکر پدرزن و یار غار رسول الله و اولین خلیفه‌ی او در تاریخ ۲۲ جمادی الآخر سال ۱۳ ه. ق دار فانی را وداع گفتند و در کنار رسول الله ﷺ و در همان حجره اندکی پایین تر از رسول الله ﷺ بخاک سپرده شدند.^{۳۸۰}

بعد از ابوبکر صدیق حضرت عمر رضی الله عنه پدرزن رسول الله ﷺ به خلافت برگزیده شدند و ایشان نیز همچون دو مقتدایش زندگی گهربار خویش را وقف خدمت به اسلام و مسلمین نمودند و همانند آندو از دنیا طرفی برن بستند و به آن دل ندادند و در کمال سادگی و بی‌آلایشی زندگی خویش را با فتوحات بیشمار و فتح امپراطوریهای ایران و روم و... ادامه دادند تا آنکه در سحرگاه ۲۲ ذیحجه‌ی سال ۲۳ ه. ق درحالیکه مشغول امامت نماز فجر در مسجد و محراب رسول الله ﷺ بودند توسط مجوسی ملعون فیروز ابولؤلؤ به شهادت رسیدند^{۳۸۱} و الحق که او اولین شهید محراب در اسلام است.

خلیفه‌ی دوم عمر فاروق پس از شهادت با اجازه‌ی ام المؤمنین عایشه رضی الله عنها در کنار دو مقتدایش به خاک سپرده شد.

۳۷۹. ام المؤمنین لقبی است که الله تبارک و تعالی به همسران رسول الله ﷺ در قرآن کریم عطا کردند «النبی اولی بالمؤمنین من انفسهم و ازواجه امهاتهم» احزاب ۶
۳۸۰. تاریخ الخلفاء سیوطی ص ۷۶.



کوتاه سخن اینکه در حجره‌ی ام‌المؤمنین عایشه رضی الله عنها که اینک روضه‌النبی صلی الله علیه و آله و قبه خضراء نامیده می‌شود رسول الله صلی الله علیه و آله و خلیفه اول ابوبکر صدیق و خلیفه‌ی دوم عمر فاروق آرمیده‌اند.

در روایتی رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: (عن ابن عمر رضی الله عنهما ان رسول الله صلی الله علیه و آله خرج ذات یوم فدخل المسجد و ابوبکر و عمر احدهما عن یمینه و الآخر عن شماله و هو آخذ بایدیهما و قال هكذا نبعث یوم القیامة) ^{۳۸۲}

روزی از روزها رسول الله صلی الله علیه و آله از حجره‌ی شریفه - خارج و وارد مسجد شد در حالیکه حضرت ابوبکر رضی الله عنه و حضرت عمر رضی الله عنه یکی در سمت راست و دیگری در سمت چپ وی قرار داشت و آنحضرت صلی الله علیه و آله دستهای آندو را گرفته بود فرمود: «ما اینچنین در روز قیامت محشور خواهیم شد.»

می‌توان گفت که رسول الله صلی الله علیه و آله قبلاً و در زمان حیات خود تلویحاً اشاره فرمودند که آن سه نفر در یک مکان به خاک سپرده خواهند شد چون در صورتی می‌توانند اینچنین دست بدست هم داده باشند که در کنار هم باشند و چنین شد.

در روایت دیگری رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: (انا اول من تنشق عنه الارض، ثم ابوبکر ثم عمر

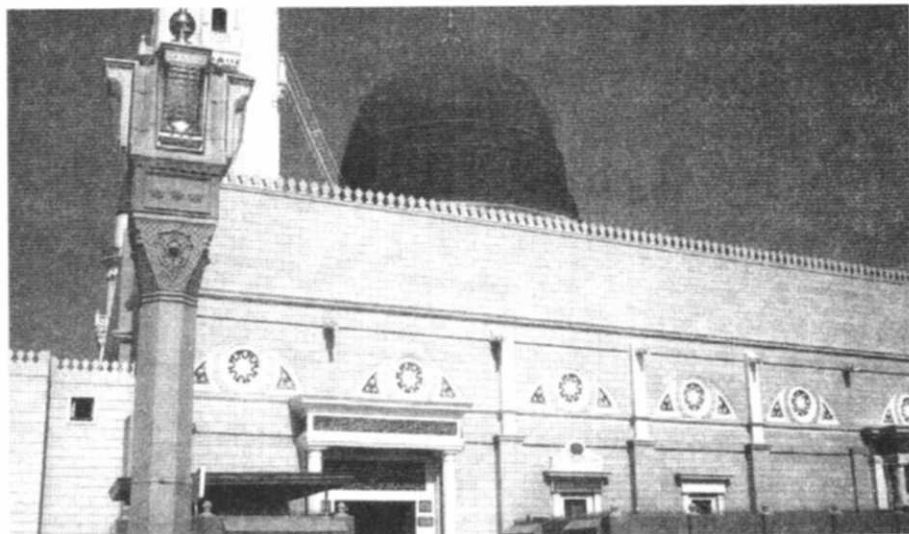
ثُمَّ آتَى أَهْلَ الْبَقِيعِ فَيَحْشُرُونَ مَعِيَ ثُمَّ أَنْتَظِرُ أَهْلَ مَكَّةَ فَأَحْشُرُ بَيْنَ الْحَرَمَيْنِ^{۳۸۳}

آداب زیارت مسجد نبوی شریف

زائر عزیز! اینک که به مدینه‌ی منوره آمده‌ای، تنها هدف از آمدن به مدینه منوره زیارت مسجد نبوی شریف و عرض سلام به محضر مبارک رسول الله ﷺ و ابوبکر صدیق و عمر فاروق و اهل بقیع، و مشاهده تاریخ اسلام است که در کلیه‌ی زوایای مدینه‌ی منوره بخشی از آن نهفته است.

بدان که زیارت مسجد نبوی شریف و یا عرض سلام بر رسول الله ﷺ جزء مراسم حج نیست، بلکه سازمان حج و زیارت این فرصت را برای شما زائران فراهم نموده تا در این سفر مبارک از این فیض بزرگ محروم نمانید.

بنابراین سعی کنید وقت را غنیمت شمارید و نمازهای جماعت را در مسجد نبوی شریف و عرض سلام را بر رسول الله ﷺ و دو خلفه‌اش ابوبکر و عمر رضی الله عنهما که در جوارش



آرمیده‌اند از دست ندهید. حال برای رفتن به مسجد نبوی و عرض سلام آداب زیرا را رعایت کن:

۱ - سعی کن در هتل غسل کنی و اگر امکان غسل نبود وضو کفایت می‌کند؛

۲ - بهترین لباس خود را بپوش و خود را معطر کن؛

۳ - اگر میسر است و امکان دارد از باب جبرائیل وارد شو و از هر دری که وارد شدی اشکالی ندارد؛

۴ - هنگام وارد شدن پای راست را مقدم کن؛

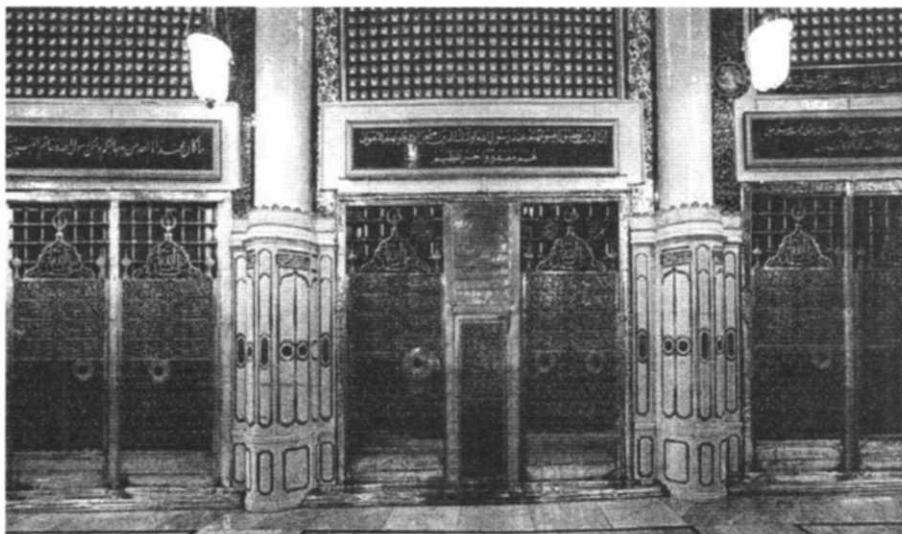
۵ - و هنگام ورود بگو: (اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ عَلَى مُحَمَّدٍ اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ)؛

۶ - پس از وارد شدن اگر میسر است و ممکن، تحية المسجد را در ریاض الجنة - که قبلاً توضیح داده شده - بخوان و اگر امکانش نیست و ازدحام هست که معمولاً هست نماز تحية المسجد را در هر گوشه‌ای در بارگاه الله تبارک و تعالی بجا بیاور پس از آن آماده شو برای عرض سلام.

آداب و کیفیت عرض سلام بر رسول الله ﷺ

و ابوبکر صدیق رضی الله عنه و عمر فاروق رضی الله عنه

زائر عزیز! قبل از آنکه آداب و کیفیت عرض سلام بر رسول الله ﷺ را ذکر کنم می‌خواهم



به چند نکته‌ی مهم و اساسی توجه کنی!

بدانکه به اجماع علمای اسلام با فضیلت‌ترین قطعه‌ی کروی زمین آن قطعه‌ای است که جسم مبارک رسول الله ﷺ را دربر گرفته است حتی از خانه‌ی کعبه نیز افضل است.^{۲۸۴}

بدانکه الله تبارک و تعالی آداب زیارت رسول الله ﷺ را به مسلمین آموزش داده و اعلام کرده که اگر برخلاف این آموزه‌ها کاری صورت پذیرد نه تنها ثواب و مزدی در کار



نخواهد بود که عامل آن گناهکار هم می‌شود. گناهکار که چه عرض کنم، الله تبارک و تعالی فرموده اعمالش بر باد خواهد رفت، پس هوشیار باش و مواظب، تا عمل نادرستی از تو سر نزنند.

حال گوش کن که الله تبارک و تعالی چه می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ وَلَا تَجْهَرُوا لَهُ بِالْقَوْلِ كَجَهْرِ بَعْضِكُمْ لِبَعْضٍ أَن تَحْبَطَ أَعْمَالُكُمْ وَأَنتُمْ لَا تَشْعُرُونَ﴾ (۲) ﴿إِنَّ الَّذِينَ يَغْضُّونَ أَصْوَاتَهُمْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ

أَمْتَحَنَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ لِلتَّقْوَىٰ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ عَظِيمٌ﴾ (۲) (حجرات: ۲ و ۳)

«ای مسلمانان بلند نکنید صداهایتان بالای صدای رسول الله و با او بلند سخن نگوئید آنگونه که بعضی از شما با بعضی دیگر سخن می‌گویند. تا آنکه اعمالتان نابود نشود - و حالانکه - شما خبر ندارید (یعنی اگر نزد او صدایتان را بلند کنید اعمال شما بر باد می‌رود و متأسفانه شما از این موضوع خبر ندارید اما حالا که به شما خبر داده شده دیگر آگاه هستید و هرگز مرتکب چنین عملی نشوید) قطعاً کسانی که صدایشان را نزدیک رسول الله ﷺ پست و پایین می‌کنند، آنها کسانی هستند که الله تبارک و تعالی دل‌هایشان را برای تقوی آزموده است - یعنی آنها متقی هستند - برای آنان آمرزش و ثواب و پاداش بزرگ هست.»

زائر عزیز! امیدوارم خسته نشده باشی، چون قصد ما و شما بر این است که بیشترین بهره را از این سفر ببریم، پس به حادثه‌ای که بعد از نزول این آیات در زمان رسول الله ﷺ اتفاق افتاده گوش کن تا مطلب بهتر روشن شود.

ثابت بت قیس رضی الله عنه یکی از اصحاب رسول الله ﷺ صدایی بس بلند داشت بعد از اینکه این آیات نازل شدند، او پنداشت که این آیات درباره‌ی او نازل شده‌اند چون او هر وقت با رسول الله ﷺ صحبت می‌کرد هر قدر صدایش را پایین می‌آورد باز صدایش از آنحضرت صلی الله علیه و آله بلندتر بود. به همین خاطر چنین تصویری در ذهنش خطور کرد.

بعد از نزول آیات او در خانه‌ی خود نشست و یکریز گریه می‌کرد از ترس اینکه مبادا اعمالش از بین رفته باشد، و هنگام نماز می‌آمد و در آخرین صف‌های جماعت نماز می‌خواند و روز به خانه باز می‌گشت، پس از چند روز، رسول الله ﷺ که او را ندید از حالش جويا شد که ثابت بن قیس کجاست؟ جریان را به عرض رسول الله ﷺ رساندند و آنحضرت فرمود او را حاضر کنید. وقتی که حاضر کرده شد، به رسول الله ﷺ گفتند که



او می‌پندارد این آیه در مورد او نازل شده است و رسول الله ﷺ به او اطمینان داد که او از آن کسانی نیست که بخاطر صدای بلندشان اعمالشان نابود می‌شود و به او دلداری داد و به او مژده داد که او از اهل جنت است و او از آنهایی است که خداوند دل‌هایشان را بخاطر تقوی آزموده است.^{۳۸۵}

آری برادر! پس ما باید سخت مواظب باشیم، چون این حکم در زندگی رسول الله ﷺ همچنان پس از وفات وی کاملاً پابرجاست حضرت ابوبکر صدیق رضی الله عنه فرمودند: (لا ینبغی رفع صوت علی نبی حیا و لا متیاً)^{۳۸۶}

«شایسته نیست که بر پیامبری صدا بلند کرده شود چه در زمان حیاتش چه در زمان وفاتش.»

و هرگاه ام المؤمنین عایشه رضی الله عنها که پس از دفن آن بزرگواران در گوشه حجره زندگی می‌کرد (صدای میخی را می‌شنید که به دیوار کوبیده می‌شد بلافاصله اعلام می‌کرد که با این کارهایتان رسول الله ﷺ اذیت نکنید.^{۳۸۷}

حضرت علی رضی الله عنه هرگاه می‌خواست چارچوب خانه‌اش را درست کند آن را از آن محدوده بیرون می‌برد و دور از آنجا به درست کردن و تعمیر آن می‌پرداخت.^{۳۸۸}

پس زائر عزیز! آنچه که امروزه بعضی از جهال انجام می‌دهند و ساعتها در کنار روضه‌ی شریف می‌ایستند و باعث ازدحام می‌شوند و بعضی صدایشان را بلند می‌کنند سخت خطرناک است و باید از آن دوری جست.

آنچه که مسنون است عرض سلام بر رسول الله ﷺ و بر ابوبکر صدیق و بر عمر فاروق است و آنهم به صورتی مختصر.

حضرت عبدالله بن عمر رضی الله عنهما هرگاه برای عرض سلام می‌آمد می‌گفت (السَّلامُ عَلَیکَ یا رَسولَ اللهِ، السَّلامُ عَلَیکَ یا اَبابَکرِ السَّلامُ عَلَیکَ یا اَیُّها) ^{۳۸۹}

از امام ابوحنیفه «ره» روایت شده که فرمودند بگوید: (السَّلامُ عَلَیکَ اَیُّها النَّبیُّ وَ رَحْمَةُ اللهِ وَ بَرَکَاتُهُ) ^{۳۹۰}.

۳۸۵. تفسیر قرطبی تفسیر روح المعانی اسباب النزول.

۳۸۶ و ۳. الدارلثمین ص ۲۷.

۳۸۷

۳۸۸. الدارلثمین ص ۲۷.

۳۸۹. اعلام السنن ۱/ ۱۷۴، اعلام السنن ۱/ ۱۷۴، شماره حدیث ۹۵۰۳.

۳۹۰. اعلام السنن ۱/ ۱۵۰ / ۰۶۰۳.

و از آنجا می‌رفت پس ما نیز باید به آنان تأسی جوییم که موفقیت ما در اقتدا کردن به رسول‌الله و اصحاب کرامش هست حال به کیفیت و آداب عرض سلام دقت کن و با مردمیکه از طرف باب‌السلام به طرف باب بقیع در حرکتند همراه شو.

هنگامیکه در مقابل قبر مبارک رسول‌الله رسیدی معمولاً بالا نوشته شده (السلام علی رسول‌الله) در اینجا سلام عرض کن. بهتر است همچون عبدالله بن عمر رضی الله عنه به السلام علیک یا رسول‌الله اکتفا کنی و اگر اندکی اضافه گفتی همچون جملات زیر ایرادی ندارد. (السَّلَامُ عَلَیْکَ يَا نَبِیَّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَیْکَ يَا خَیْرَةَ اللَّهِ مِنْ خَلْقِهِ السَّلَامُ عَلَیْکَ يَا سَیِّدَ الْمُرْسَلِیْنَ وَ اِمَامَ الْمُتَّقِیْنَ، اَشْهَدُ اَنْکَ قَدْ بَلَغْتَ الرِّسَالَةَ وَ اَذِیْتَ الْاَمَانَةَ وَ نَصَحْتَ الْاُمَّةَ وَ جَاهَدْتَ فِی اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ)^{۳۹۱}

و سلام^{۳۹۲} های دیگری که در بعضی از کتب مذکور است البته باید مواظب بود که ایستادن طولانی ما موجب ازدحام و بلندشدن سروصدا نباشد.

ابلاغ سلام دیگران^{۳۹۳}

پس از آن اگر چنانچه کس دیگری با شما سلام فرستاده و گفته که سلام مرا به رسول‌الله صلی الله علیه و آله برسانید حتماً این کار را بکنید و بگوئید: السَّلَامُ عَلَیْکَ يَا رَسُولَ اللَّهِ مِنْ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ. یا بگو: فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ یُسَلِّمُ عَلَیْکَ يَا رَسُولَ اللَّهِ یا همانند این عبارات.^{۳۹۴} و اگر دعای عربی نمی‌دانید به زبان خودتان دعا کنید و سلام بدهید.

سلام بر سیدنا ابوبکر صدیق رضی الله عنه

پس از آنکه بر رسول‌الله صلی الله علیه و آله سلام کردی اندکی به طرف راست یعنی به سمت باب البقیع که روبروی توسست برو وقتی که رفتی در مقابل ابوبکر صدیق قرار خواهی گرفت که بالا نوشته شده (السلام علی ابی‌بکر) در اینجا بر ابوبکر صدیق رضی الله عنه سلام می‌کنی، باز هم بهتر آن است که بر حضرت عبدالله بن عمر رضی الله عنه اقتدا کرد و گفت السلام علیک یا ابابکر.

۳۹۱. الايضاح والتحقيق ص ۰۹.

۳۹۲. حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمودند: «ما من احدٍ یسَلِّمُ عَلَیَّ اِلَّا رَدَّ اللَّهُ عَلَیَّ رُوْحَی حَتّٰی اَرُدَّ عَلَیْهِ السَّلَامَ» رواه ابوداود.

۳۹۳. عن عمر بن العزیز ۲ انه کان یبرد البرید من الشام یقول: سَلِّمَ لَی عَلَی رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله ذکره عنها امام ابوبکر بن عمرو بن عاصم النبیل فی مناسکه والتزم له الثبوت. اعلاء السنن ۶۰۵/۱.

ولی اگر همچون جملات زیر را گفتی ایرادی ندارد.

(السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا بَكْرٍ الصَّدِيقِ صَاحِبِ رَسُولِ اللَّهِ فِي الْغَارِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَفِيقَ رَسُولِ اللَّهِ فِي الْأَسْفَارِ...)



۲۹۳

و سلامهای دیگری که در بعضی از کتب مذکور است البته به شرط آنکه توقف ما موجب ازدحام و بلند شدن سروصدا نباشد.

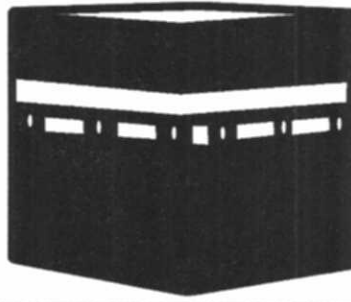
سلام بر سیدنا عمر فاروق رضی الله عنه

پس از آن باز اندکی به سمت راست می‌آیی و در مقابل عمر فاروق قرار می‌گیری که معمولاً بالا نوشته شده (السلام علی عمر رضی الله عنه) و در اینجا بر حضرت عمر رضی الله عنه سلام می‌کنی.

البته باز یادآوری می‌شود که اگر بر سلام حضرت عبدالله بن عمر رضی الله عنه اکتفا کنیم بهتر است که می‌گفت «السلام علیک یا ابتاه» یعنی سلام بر تو ای پدرم و ما باید بگوئیم «السلام علیک یا عمر الفاروق» و اگر چنانچه جملاتی همچون جملات زیر را افزودیم باز هم بشرط عدم ازدحام و عدم سروصدا ایرادی ندارد.

(السلام علیک یا امیر المؤمنین عمر بن الخطاب، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُظْهَرَ السَّلَامِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَاطِقًا بِالْعَدْلِ وَالصَّوَابِ و...)

پس از آنکه عرض سلام به پایان رسید اگر می‌خواهی دعا کنی رو به قبله بایست و دعا کن و پس از پایان دعا از «باب البقیع» بدینگونه خارج شو که اول پای چپ خود را بیرون مسجد بگذار و سپس بگو (بِسْمِ اللَّهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ فَضْلِكَ).



زائر گرامی!

هرگز از رسول الله شفاعت طلب
مکن، چون شفاعت مختص الله
تبارک و تعالی است، «قل لله
الشفاعة جميعاً» زمر: ۴۴

بلکه بگو: پروردگارا! شفاعت
رسول الله ﷺ را در روز قیامت نصیب
من بگردان و شفاعت او را در مورد
من بپذیر.



از انجام کارهای زیر اجتناب کن

بدانکه هدف از زیارت قبور، به یاد آوردن قیامت و دعا برای اموات و آمادگی گرفتن برای این مکان است. بنابراین زیارت قبور بقصد نماز خواندن نزد آنان و حاجت خواستن از آنها و یا طلب شفای بیماریها و... جایز نیست چون خود رسول الله ﷺ ما را از اینکارها نهی نموده و الله تبارک و تعالی به ما گفته که از من بخواهید که من اجابت می کنم (وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ) (غافر/۶۰) و فرموده که من خیلی به شما نزدیک هستم ﴿وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِلَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ﴾ (۱۸۶) ﴿(بقره: ۱۸۶)﴾

بنابراین شایسته نیست که از دستور الله و رسول سرپیچی کنیم و آنهم در کنار روضه‌ی رسول الله ﷺ بلکه بهتر آن است که نیازهای خود را از الله تبارک و تعالی بطلبیم که او قادر است و قریب و به اجابت دعاها‌ی ما قدیر.

و همچنین از رسول الله شفاعت نخواهیم چون شفاعت مختص ذات الله تبارک و تعالی ﴿قُلْ لِلَّهِ الشَّفَعَةُ جَمِيعًا...﴾ (زمر: ۴۴)

بلکه بگوییم پروردگار! شفاعت رسول الله ﷺ را در روز قیامت نصیب ما بگردان و شفاعت وی را در حق ما قبول بفرما.

قبل از ورود به مسجد حتماً موبایل خود را خاموش کن.

۱ - زائر عزیز! اینک که در شهر مقدس مدینه‌ی منور هستی و در کنار مسجد رسول الله ﷺ مسجدی که یک نماز در آن افضل از هزار نماز در جاهای دیگر است (بجز مسجد الحرام که یک نماز در آن افضل از یکصد هزار در جاهای دیگر است) دم را غنیمت شمار و سعی کن تحت هیچ شرایطی نماز جماعت مسجد نبوی را از دست ندهی. که در غیر اینصورت (خسرت فی الدنيا والآخرة).

۲ - سعی کن همیشه در صف اول حاضر باشی چون رسول الله ﷺ فرمودند اگر مردم می‌دانستند چه ثواب عظیمی در اذان و صف اول وجود دارد چنان هجوم می‌آوردند که مجبور می‌شدند قرعه‌کشی کنند. (متفق علیه)

۳ - تا می‌توانی نفل بخوان و به ویژه در ریاض الجنه.

۴ - حتماً سعی کن قرآن را حداقل یکبار در مدینه‌ی منوره و بویژه در مسجد شریف ختم کنی.

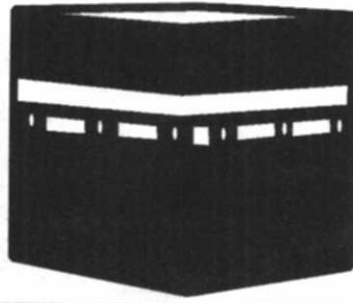
۵ - ذکر بسیار بگو (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا وَ سَجُودًا بُكْرَةً وَأَصِيلًا).
(الَّذِينَ آمَنُوا يَتَذَكَّرُونَ اللَّهَ تَطْمِئِنُّ الْقُلُوبُ)

۶ - هر روز درود شریف بسیار بخوان چون رسول الله ﷺ فرمودند: «اگر کسی یک بار بر من درود بفرستد الله تبارک و تعالی ده بار بر او درود می‌فرستد.»

و در روایت دیگری فرمودند: «نزدیکترین مردم به من در روز قیامت کسانی هستند که بیشتر بر من درود می‌فرستند» چه فضیلتی بالاتر از قرب رسول الله ﷺ

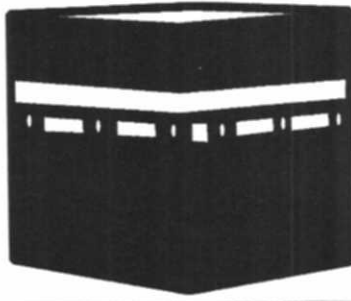
۷ - سعی کن بر فقرا و نیازمندان کمک کنی و صدقه بسیار بده که فضیلتی بسیار دارد.

۸ - و اگر می‌توانی روزه بگیر چون بسیاری از علما را نظر بر این است که هر کار خیری در مدینه‌ی منوره افضل از هزار است.^{۲۹۵}



زائر گرامی!

سخاوت یکی از بارزترین صفات
بندگان مؤمن الله تبارک و تعالی
است سعی کن خود را بدان متصف
نمایی.



۲۹۸

زائر گرامی!

استغفار فراوان بگو و از کوتاهیهای
که خدای ناکرده در این سفر،
ناخواسته مرتکب شده‌ای، توبه کن.



فهرست منابع

- ۱- قرآن کریم
- ۲- الاصابة فی تمییز الصحابة از علامه ابن حجر عسقلانی.
- ۳- اعلاء السنن از ظفر احمد عثمانی، ادارة القرآن و العلوم الاسلامیه، کراچی پاکستان، چاپ سوم ۱۴۱۵.
- ۴- اسباب النزول علامه جلال الدین عبدالرحمن بی‌ابی بکر سیوطی. دارانعدادلجدید المنصوره ۲۰۰۲/۱۴۲۳ چاپ اول.
- ۵- احکام حج از مفتی محمد شفیع ترجمه مولانا غلام محمد سربازی.
- ۶- احسن الفتاوی از مولانا رشید احمد.
- ۷- ارشاد الساری الی مناسک ملاعلی قاری از حسین بن محمد سعید عبدالغنی، دارالکتب العلمیه بیروت چاپ اول ۱۴۱۹/۱۹۹۸.
- ۸- الامّ از محمد بن ادریس الشافعی، دارالفکر بیروت ۱۴۱۰/۱۹۹۰.
- ۹- بدائع الصنائع از علاءالدین ابوبکر بن مسعود کاسانی دارالکتاب العربی بیروت، چاپ دهم ۱۴۰۲.
- ۱۰- البحر الرائق از شیخ زین الدین الشهیر بابن نجیم. مکتبه رشیدیہ کویتہ پاکستان.
- ۱۱- بقیع الغرقد از مهندس حاتم عمرطه و دکتر محمد انور بکری. مکتبه الحلبي چاپ اول ۲۰۰۴/۱۴۲۴ مدینه منوره.
- ۱۲- تاریخ الخلفاء از جلال الدین سیوطی.
- ۱۳- تاریخ مکة المکرمه قديماً و حديثاً از دکتر محمد الیاس عبدالغنی مطابع الرشید المدینه المنوره.
- ۱۴- تاریخ مکة المکرمه، اعداد جماعة من العلماء باشراف الشيخ صفی الرحمن المبارکفوری، داراسلام للنشر و التوزيع ریاض ۱۴۲۳.
- ۱۵- تهذیب الاسماء واللغات از امام نووی.



- ۱۶ - تحفة الاحوذی - حافظ محمد عبدالرحمن بن عبدالرحیم مبارکپوری - دارالحديث
قاہرہ چاپ اول ۱۴۲۱.
- ۱۷ - تفسیر ابن کثیر از حافظ ابوالفداء اسماعیل بن کثیر الدمشقی.
- ۱۸ - تاریخ المدینة المنورة جماعة من العلماء باشراف الشيخ صفی الرحمن المبارکفوری،
دارالسلام للنشر والتوزيع، ریاض ۱۴۲۳ هـ.
- ۱۹ - تفسیر المنار - محمد رشید رضا - دارالفکر چاپ دوم.
- ۲۰ - تفسیر روح المعانی - ابوالفضل شہاب الدین سید محمد آلوسی داراحیاء التراث العربی
چاپ چهارم ۱۴۰۵.
- ۲۱ - الثقات از ابن حبان.
- ۲۲ - الجامع لاحکام القرآن از محمد بن احمد انصاری قرطبی - مکتبة الصفا قاہرہ چاپ
اول ۱۴۲۵/۲۰۰۵.
- ۲۳ - دستور العلماء از قاضی عبدالنبی بن عبدالرسول مؤسسہ الاعلمی للمطبوعات بیروت
چاپ دوم ۱۳۹۵.
- ۲۴ - درس ترمذی از ملانا محمد تقی عثمانی کراچی.
- ۲۵ - الدر الثمین از غالی محمد الامین الشنقیتی، دارالقبلة للثقافة الاسلامیہ، جدہ، چاپ
سوم ۱۴۱۱-۱۹۹۱.
- ۲۶ - ردالمحتار علی الدر المختار از محمد امین معروف بہ ابن عابدین - دارالفکر.
- ۲۷ - زاد المعاد فی ہدی خیر العباد امام شمس الدین محمد بن ابوبکر ابن قیم جوزی،
مؤسسۃ الرسالۃ للطباعة والنشر.
- ۲۸ - زبدۃ المناسک مولانا رشید احمد گنگوہی سیدکینی کراچی.



- ۲۹- سبل السلام محمد بن اسماعیل الامیر الصنعانی - قاهره.
- ۳۰- سنن النسائی حافظ ابو عبد الرحمن احمد بن شعيب نسائی مكتب التربية العربی لدول الخليج ۱۴۰۸ چاپ اول.
- ۳۱- سنن الدارمی حافظ عبدالله بن عبد الرحمن داری سمرقندی دارالکتاب العربی بیروت چاپ اول ۱۴۰۷.
- ۳۲- سنن الترمذی ابو عیسی محمد بن عیسی ترمذی دارالفکر.
- ۳۳- سنن ابی داود ابا ابو داود سلیمان بن اشعث.
- ۳۴- سیره ابن کثیر از ابو الدغداء حافظ اسماعیل ابن کثیر دمشقی - دارالفکر - بیروت چاپ اول ۱۴۲۸/۱۹۹۷.
- ۳۵- سیره النبی از اسحاق بن محمد همدانی چاپ اول تهران ۱۳۶۰.
- ۳۶- سنن ابن ماجه حافظ ابو عبدالله محمد بن یزید قزوینی - دارالفکر.
- ۳۷- سنن الدارقطنی - حافظ علی ابن عمر داراحیاء التراث العربی بیروت ۱۴۱۳.
- ۳۸- شناخت عربستان از علی محمدی آشنایی - نشر مشعر چاپ دوم / ۱۳۸۲.
- ۳۹- شفاء الغرام باخبار البلد الحرام از امام ابو الطیب تقی الدین محمد بن احمد بن علی الفاسی المکی المالکی - مؤسسة الکتب الثقافیه - چاپ دوم ۱۹۹۹.
- ۴۰- صحیح البخاری از محمد بن اسماعیل بخاری المكتبة العصرية بیروت ۱۴۱۱.
- ۴۱- صحیح مسلم از امام مسلم دارالدیان للتراث قاهره.
- ۴۲- صحیح ابن حبان از امیر علاء الدین علی بن بلبان فارسی مؤسسة الرساله چاپ دوم ۱۴۱۸.
- ۴۳- الفقه الاسلامی و ادلته از دکتر وهبة الزحیلی دارالفکر چاپ سوم ۱۴۰۹.
- ۴۴- فقه السنه - سید سابق - دارالکتاب العربی بیروت چاپ هشتم ۱۴۰۷.
- ۴۵- الفقه علی مذاهب الاربعة از عبد الرحمن الجزیری دارالتقوی للطبع والنشر و التوزیع، مصر.
- ۴۶- فضایل حج از مولانا محمد زکریا ترجمه مولانا عبد الرحمن محبی.
- ۴۷- فتاوی عثمانی - مفتی تقی عثمانی - مکتبه معارف القرآن کراچی.
- ۴۸- فتح الباری - حافظ شهاب الدین احمد بن علی بن محمد بن حجر عسقلانی چاپ

چهارم داراحیاء التراث العربی بیروت.

۴۹- فتح القدیر شیخ کمال الدین محمد بن عبدالواحد داراحیاء التراث العربی.

۵۰- قدوری

۵۱- القری لقاصدام القری - حافظ ابوالعباس احمد بن عبدالله بن محمد بن ابی بکر محب الدین طبری - دارالفکر بیروت چاپ سوم ۱۴۰۳/۱۹۸۳.

۵۲- کعبه و جامه‌ی آن از دکتر محمدالدقن ترجمه دکتر هادی انصاری - نشر مشعر، چاپ دوم ۱۳۸۴.

۵۳- لبیک اللهم لبیک از سید محمد بن علوی مالکی مدینه منوره.

۵۴- اللباب فی شرح الكتاب از شیخ عبدالغنی الغنیمی دارالکتاب العربی - بیروت ۱۴۲۵ - ۲۰۰۴.

۵۵- مسند احمد از امام احمد بن حنبل «ره».

۵۶- معجم المناسک از ابراهیم شعیب مالکی - عالم الکتب.

۵۷- موسوعة الاعجاز العلمی از یوسف الحاج احمد مکتبه ابن حجر دمشق چاپ اول ۲۰۰۳/۱۴۲۴.

۵۸- مستدرک حاکم

۵۹- مختصر ابن کثیر - هانی الحاج - المکتبة التوفیقیة قاهره.

۶۰- مصنف ابن ابی شیبہ از حافظ عبدالله بن محمد بن ابی شیبہ دارالفکر بیروت چاپ دوم ۱۴۲۴.

۶۱- مؤطا امام مالک از مالک بن انس امام دارالهجر.

۶۲- مؤطا امام محمد - از امام محمد بن حسن الشیبانی.

۶۳- مسایل و راهنمایی حج از مولانا محمد شفیع، ترجمه حسن بیجارزهی.

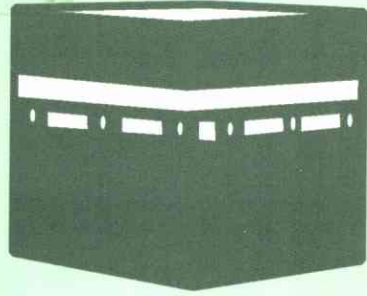
۶۴- الفقه الحنفی و ادلته از شیخ اسعد محمد سعید الصاعرجی دارالکلم الطیب بیروت چاپ چهارم ۲۰۰۵/۱۴۲۶.

۶۵- همراه با کاروان عمره از عبدالرشید تریز - نشر احسان چاپ اول.

۶۶- وصف الکعبة المشرفة تاریخها از احمد جاد. دارالغد الجديد المنصوره مصر - چاپ اول ۲۰۰۵/۱۴۲۶.

التماس دعا

تصویر ابو عبد الرحمن الکروی



قطعاً نخستین خانه‌ای که برای مردم بنیانگذاری شده، خانه ایست که در مکه قرار دارد با برکت و مایه‌ی هدایت جهانیان است در آن نشانه‌های روشنی است (من جمله) مقام ابراهیم و هر کس که وارد آن شود در امان است و خداوند حج خانه‌ی کعبه را بر کسانی از مردم که توانایی رفتن به آنجا را داشته باشند واجب گردانده است و هر کسی که کفر ورزد پس خداوند از جهانیان بی‌نیاز است.

(آل عمران: ۹۷-۹۶)



فخرالدینی